

۱۴۰ / ۶ / ۱



سلسله جلسات

مسجد و اداره جامعه



عنوان جلسه هفتم:

ساختار خدمات مسجد

محورهای جلسه:

۱. ساختار خدمات یک مسجد تمدنی چند بخشی است؟
۲. حجیت این ساختار به چیست؟
۳. دو مورد از مهم ترین موانع پیش روی ارائه این خدمات در مساجد کدامند؟

شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی

خرداد ۱۴۰۲

الْحَمْدُ لِلَّهِ

وَكَأَيُّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۴۶

و چه بسیار از پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگیدند، پس در مقابل آنچه در راه خدا به آنان رسید سستی نکردند و ناتوان نشدند و سر تسلیم و ذلت فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.

شناسنامه

متن پیش رو ویرایش اول صد و چهلمین مکتوب از نوع ششم محصولات مرتبط با نقشه الگوی پیشرفت اسلامی (پیاده فوری) است. محتوای این محصول، متن پیاده شده ی گفت و گوی حجة الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) در هفتمین جلسه دوره بحثی "مسجد و اداره جامعه" با موضوع "ساختار خدمات نه گانه مسجد" می باشد. این سخنرانی در جمع برخی از فضلاء حوزه علمیه قم در بنیاد هدایت و در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۴۰۲ برگزار شده است.



۱۱	۱. مقدمه
۱۱	۱/۱. پرسش اول دوره درباره روش استنباط در مسئله مسجد
۱۱	۱/۱/۱. عدم امکان اکتفا به قواعد معذرت و منجزیت و لزوم توجه به جنبه های تحریک کننده فکر در ادبیات شارع
۱۱	۱/۱/۲. جنبه های تحریک کننده فکر در ادبیات شارع: آیات و روایات علل الشرائعی و آیات و روایات توصیفی
۱۴	۱/۱/۳. فقه البیان، به عنوان قواعد اصولی ممهده فکر و مورد استفاده در دوره مسجد و اداره جامعه
۱۶	۱/۲. پرسش دوم دوره درباره مفاهیم پایه مسجد
۱۶	۱/۲/۱. مفاهیم پایه مسجد همان مفاهیم پایه صلاتند
۱۶	۱/۲/۲. استنباط مفاهیم پایه با توجه به روایات حدود کبیر صلات و سنتهای صلات در دوازده مفهوم
۲۰	۱/۲/۳. وجود ده قسم طهارت بر اساس روایات سنن حنیفیه
۲۳	۱/۳. لزوم منظم کردن ذهن مکلفین به صورت طولی و عرضی به وسیله امام جمعه و جماعت
۲۷	۲. ساختار خدمات نه گانه یک مسجد تمدنی چگونه است؟
۳۲	۲/۱. مسجد تمدنی کاربری های نه گانه دارد و نه صرفا کارکردهای آموزشی فرهنگی
۳۳	۲/۱/۱. مسجد علی قلی آقا و مسجد سید در اصفهان به عنوان نمونه هایی از مساجد تمدنی در دوره صفویه و قاجار
۳۵	۲/۱/۲. حمام های پیشرفته چهارمزاجی برای سلامت مردم، یکی از مهم ترین بخشهای مساجد تمدنی گذشته
۳۶	۲/۱/۳. بازارهای وقفی برای مدیریت کسب حلال مردم، یکی دیگر از بخشهای مهم مساجد تمدنی گذشته
۴۲	۲/۲. حجیت و منشا ساختار خدمات نه گانه مسجد
۴۲	۲/۲/۱. حجیت ساختار خدمات نه گانه مسجد به روایات فرائض کبیر اسلام و حدود کبیر صلات
۴۳	۲/۲/۲. نامگذاری روایات حد طهارت به فقه التزکیه، روایات ولایت به فقه الامام و روایات حد وقت به فقه النظم
۴۵	۲/۲/۳. نامگذرای روایات مربوط به موت و نماز میت، غسل میت، تشییع و قبرستان به فقه العبره
۴۶	۲/۲/۴. استنباط ابواب علم، بیان، شاخصه های ارزیابی و نفی سییل با توجه به دیگر روایات حدود کبیر صلات
۵۲	۳. جایگاه محوری کالبد مساجد و نقشه تفصیلی شهرها در پیشبرد اهداف تمدنی مساجد
۵۲	۳/۱. کالبد ناقص و نقشه حداقلی به عنوان اولین مانع پیش روی برنامه های تمدنی مساجد
۵۲	۳/۱/۱. راه حل: طراحی نقشه یک مسجد تمدنی و آغاز رایزنی با ارکان مربوطه نظام درباره آن
۵۴	۳/۲. طرح تفصیلی شهرها به محوریت مناطق شهری به عنوان دومین مانع پیش روی برنامه های تمدنی مساجد
۵۴	۳/۲/۱. راه حل: تقسیم کاربری اراضی بر اساس خدمات نه گانه مساجد، مثلا اراضی مربوط به عبرت
۵۹	پیوست ها
۵۹	پیوست شماره یک: مسجد
۵۹	بخش اول: آیات
۶۱	بخش دوم: روایات
۶۵	پیوست شماره دو: چرخه چهاربخشی تحریک فکر

۶۵	مطلب اول:
۶۶	مطلب دوم:
۶۶	مطلب سوم:
۶۷	پیوست شماره سه: فقه البیان
۶۷	مطلب اول:
۶۸	مطلب دوم:
۶۸	مطلب سوم:
۶۹	مطلب چهارم:
۷۰	پیوست شماره چهار: نماز
۷۰	بخش اول: آیات
۷۱	بخش دوم: روایات
۷۷	پیوست شماره پنج: طهارت در قرآن
۸۰	پیوست شماره شش: زیر ساخت های هدایت
۸۳	پیوست شماره هفت: مرجعیت علمی مطلقه کتاب و سنت
۸۳	بخش اول: آیات
۸۴	بخش دوم: روایات
۸۷	پیوست شماره هشت: خبر و خبرنگاری در نگاه الگوی پیشرفت اسلامی
۸۷	مطلب اول:
۸۷	مطلب دوم:
۸۸	مطلب سوم:
۸۹	مطلب چهارم:
۹۱	پیوست شماره نه: موضعگیری علما و مراجع درباره ربوی بودن بانکها
۱۰۳	پیوست شماره ده: جایگاه امامت در بیان حضرت آقا امام رضا علیه السلام
۱۰۹	پیوست شماره یازده: زمان و مکان اشیاء در قرآن
۱۱۳	پیوست شماره دوازده: شاخصه های ارزیابی
۱۱۳	مطلب اول:
۱۱۳	مطلب دوم:
۱۱۴	مطلب سوم:
۱۱۶	مطلب چهارم:
۱۱۷	پیوست شماره سیزده: شهر و مدیریت شهری
۱۱۷	مطلب اول:
۱۱۸	مطلب دوم: تبیین ساختار خدمات محله ای

مطلب سوم: شهر خود را از حیث شاخصه های محله محوری ارزیابی کنید! ۱۱۸

مطلب چهارم: ۱۱۹

سلام علیکم و رحمه الله و برکاته

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیْطٰنِ الرَّجِیْمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ وَ الصَّلٰةُ وَ السَّلَامُ عَلٰی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا وَ شَفِیْعِنَا فِیْ یَوْمِ الْجَزَاةِ وَ حَبِیْبِ قُلُوْبِنَا وَ طَیِّبِ نَفُوْسِنَا اَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلٰی اَهْلِ بَیْتِهِ الطَّاهِرِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ سَیِّمًا بَقِیَّةِ اللّٰهِ فِی الْاَرْضِیْنَ اَرْوَاحِنَا لِاَمَالِهِ الْفِدَاةِ وَ عَجَّلَ اللّٰهُ تَعَالٰی فَرْجَهُ الشَّرِیْفَ وَ اللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلٰی اَعْدَائِهِ اَعْدَاءِ اللّٰهِ مِنَ الْاَنِّ اِلٰی قِیَامِ یَوْمِ الدِّیْنِ

۱. مقدمه

۱/۱. پرسش اول دوره درباره روش استنباط در مسئله مسجد

۱/۱/۱. عدم امکان اکتفا به قواعد معذرت و منجزیت و لزوم توجه به جنبه های تحریک کننده فکر در ادبیات شارع

۱/۱/۲. جنبه های تحریک کننده فکر در ادبیات شارع: آیات و روایات علل الشرایعی و آیات و روایات توصیفی

در جلسات گذشته سعی کردیم به دو پرسش از هفت پرسش مرتبط با مسجد^۱ پاسخ بدهیم^۲. پرسش اول درباره ی روش استنباط از آیات و روایات مرتبط با مسجد بود که عرض کردیم در این خصوص نمی توانیم صرفاً به قواعد فقه^۳

۱. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره اعراف آیه ۲۹: قُلْ اَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَاَقِمْوْا وُجُوْهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَاذْعُوْهُ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُوْذُوْنَكَ بگو: پروردگرم به میانه روی [در همه امور و به اجتناب از افراط و تفریط] فرمان داده و [امر فرموده]: در هر مسجدی [به هنگام عبادت] روی [دل] خود را [آن گونه] متوجه خدا کنبد [که از هر چیزی غیر او منقطع شود]، و او را در حالی که ایمان و عبادت را برای وی از هر گونه شرکی خالص می کنبد بخوانید؛ همان گونه که شما را آفرید، [پس از مرگ به او] باز می گردید.

برای مطالعه بیشتر درباره مسجد به پیوست شماره یک مراجعه فرمایید.

۲. ارجاع پرورشی: هفت پرسش دوره مسجد و اداره جامعه:

روش استنباط در مسئله مسجد چیست؟

مفاهیم پایه مسجد کدامند؟

ساختار خدمات مسجد برای تحقق مفاهیم پایه چیست؟

ابزارهای امام جماعت برای تحقق مفاهیم پایه کدامند؟

اقدامات کاربردی چهل گانه مسجد چیست؟

نحوه تامین مالی مسجد چگونه است؟

کتابخانه و حوزه علمیه پشتیبان مسجد چگونه باید باشد؟

حجه الاسلام علی کشوری. جلسه اول دوره بحثی مسجد و اداره جامعه. بنیاد هدایت برای دریافت متن کامل جلسه به نشانی زیر مراجعه فرمایید.

<https://eitaa.com/olgou4/5519>

۳. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره توبه آیه ۱۲۲: وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُوْنَ لِيُنْفِرُوْا كَآفَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوْا فِي الدِّيْنِ وَلِيُنذِرُوْا قَوْمَهُمْ اِذَا رَجَعُوْا اِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُوْنَ.

و مؤمنان را نرسد که همگی [به سوی جهاد] بیرون روند؛ چرا از هر جمعیتی گروهی [به سوی پیامبر] کوچ نمی کنند تا در دین آگاهی یابند و قوم خود را هنگامی که به سوی آنان بازگشتند، بیم دهند، باشد که [از مخالفت با خدا و عذاب او] پرهیزند.

کشف معذر و منجر^۴ اکتفاء کنیم بلکه باید جنبه های تحریک کننده فکر^۵ را هم از ادبیات شارع استنباط کنیم. عرض کردیم حداقل دو جنبه مهم تحریک کننده فکر در ادبیات شارع وجود دارد که باید به آن توجه کامل شود: اول توصیفات شارع^۶ و دوم روایات علل الشریعی^۷ و آنجایی که فایده احکام را مورد بحث قرار می دهند. بنابراین اگر

^۴. ارجاع پرورشی: معذرت قطع، مقابل منجزیت قطع، و به معنای عذر محسوب شدن قطع مکلف، برای ترک تکلیف واقعی است، و این در جایی است که قطع او مخالف با واقع در آید، مثل این که شخصی در روز جمعه قطع پیدا کند که نماز جمعه بر او واجب است نه نماز ظهر و سپس نماز جمعه را به جا آورد و نماز ظهر را ترک کند، سپس معلوم شود که در واقع، نماز ظهر واجب بوده است نه نماز جمعه؛ در این جا، اگر مولا از او پرسد که چرا تکلیف واقعی را ترک نمودی، در پاسخ می تواند به قطع خود استناد کند و این استناد به قطع، برای او عذر محسوب شده و موجب رهایی او از عقوبت می گردد و این، همان معذرت قطع است.

دروس فی علم الاصول، صدر، محمد باقر، ج ۱، ص ۱۷۶/ انوار الاصول، مکارم شیرازی، ناصر، ج ۲، ص ۲۳۰/ کفایة الاصول، فاضل لنکرانی، محمد، ج ۴، ص ۱۷۱/ تحریرات فی الاصول، خمینی، مصطفی، ج ۳، ص ۳۹

^۵. ارجاع پرورشی: تسلط بر چرخه تحریک فکر؛ اولین لازمه اقامه دین

بهترین نوع مدیریت، مدیریت مبتنی بر تحریک فکر مخاطبین است. بر اساس استظهار فقهی برای تحقق این نوع از مدیریت به ترتیب چهار نوع فعالیت شامل ۱- مدیریت خبر ۲- مدیریت تضارب ۳- مدیریت کتابت و ۴- مدیریت نمونه سازی توصیه می شود. بدون تسلط به فرآیند چرخه تحریک فکر مجبور به استفاده از مدیریت آئین نامه ای و جبری خواهیم بود و اقامه دین را از دست می دهیم.

حجت الاسلام علی کشوری- جلسه دهم دوره اول فقه العلم- ۳۰ شهریور ۱۳۹۷- مدرسه علمیه رکن الملک اصفهان

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامبران ایتا

<https://eitaa.com/olgou4>

برای مطالعه بیشتر درباره ی "چرخه چهاربخشی تحریک فکر" به پیوست شماره دو مراجعه فرمایید.

^۶. ارجاع پژوهشی: از باب نمونه می توان به توصیفات شارع از آسمان و زمین اشاره کرد:

قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۲: الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أُندَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ.

آن پروردگاری که زمین را برای شما بستری گسترده و آسمان را سقفی برافراشته قرار داد و از آسمان، آبی [مانند برف و باران] نازل کرد و به وسیله آن از میوه های گوناگون، رزق و روزی برای شما بیرون آورد؛ پس برای خدا شریکان و همتایانی قرار ندهید در حالی که می دانید [برای خدا در آفریدن و روزی دادن، شریک و همتایی وجود ندارد].

قرآن کریم سوره طلاق آیه ۱۲: اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا.

خداست که هفت آسمان و نیز مثل آنها هفت زمین را آفرید. همواره فرمان او در میان آنها نازل می شود تا بدانید که خدا بر هر کاری تواناست و اینکه یقیناً علم خدا به همه چیز احاطه دارد.

^۷. ارجاع پرورشی: علل الشریع: علت احکام شریعت. لازم به ذکر است که این عنوان، نام یکی از مهم ترین کتاب های مرحوم شیخ صدوق رحمه الله علیه است.

عِلَلُ الشَّرَائِعِ، کتابی به زبان عربی، تألیف شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ق) فقیه برجسته و راوی شیعی قرن چهارم هجری قمری است. علل الشرائع، مشتمل بر روایاتی از رسول خدا(ص) و ائمه اطهار(ع) است که موضوع آنها علت و فلسفه برخی از احکام شرعی و عقیدتی است، مانند علل وضع اسامی اشیا و اشخاص، عوامل حوادث و وقایع، علل گرایش به عقاید و اعمال و چگونگی خلق حیوانات. شیخ صدوق در این کتاب، به علت برخی از کارهای پیامبران، پیامبر اسلام(ص) و ائمه معصومین(ع) نیز اشاره کرده است. علل الشریع، در دو جلد تنظیم شده که دارای ۱۹۰۷ حدیث و ۶۴۷ باب است. جلد اول، دارای ۲۶۲ باب و جلد دوم، شامل ۳۸۵ باب است و هر باب به صورت «باب العلة» نامیده می شود. اولین باب آن با عنوان «العلقة التي من أجلها سميت السماء سماء و الدنيا دنيا و الآخرة الآخرة...» آغاز و آخرین باب نیز باب «نوادر العلل» نامیده می شود.

چگونگی آغاز نسل حضرت آدم(ع)؛ علت ورود حضرت علی(ع) به شورای خلافت؛ دلیل بلند خواندن نماز صبح؛ بیان علت زکات؛ اینکه چرا وصیت فقط در یک سوم اموال صحیح است؛ علت نام گذاری پزشک به طبیب؛ سر حرمت گوشت حیوانات وحشی؛ علت وجوب نماز؛ علت جواز جمع بین نماز ظهر و

کسی در عملیات استنباط^۸ به این دو جنبه از ادبیات شارع هم توجه کند بیانش محرک فکر^۹ خواهد شد. این دو جنبه که عرض کردیم از جنس امر و نهی^{۱۰} و معذر و منجز نیست؛ بنابراین فقیهی که برایش تئوریزه شده است که در قواعد ممهده باید به دنبال کشف معذر و منجز باشد، از این دو حیث ادبیات شارع در بیانش غفلت می کند. نتیجه اینکه مردم و مکلفین تصور می کنند که فقه یک ادبیات حقوقی صرف دارد و ذهن انسان هم هیچگاه به نحو حداکثری درگیر ادبیات حقوقی نخواهد شد. بنابراین ما قواعد ممهده ای^{۱۱} را در اصول استنباط بحث می کنیم که بتواند الگوی استنباط از این دو جنبه ادبیات شارع را برای ما تئوریزه کند.

عصر یا مغرب و عشا؛ علت برتری پیامبران و اولیاء نسبت به فرشتگان؛ علت احتیاج ما به پیامبر و امام؛ علت حرمت شکار در روز شنبه بر یهودیان؛ علت شبانه و مخفیانه دفن شدن حضرت فاطمه زهرا (س) و... از دیگر علل یاد شده در کتاب هستند.

تهرانی، الذریعه، ج ۱۵، ص ۳۱۳ / زرکلی، الاعلام، ج ۶، ص ۲۷۴ / احمدی، تاریخ حدیث شیعه، ۱۳۸۹ ش، ص ۱۷۸

^۸ ارجاع پرورشی: اصول فقه، نام یک دانش اسلامی است که شیوه استنباط احکام شرعی را بررسی می کند؛ در این دانش، روش درست دستیابی به احکام شرعی با استفاده از دلایل نقلی و عقلی بررسی می شود. از خود علم فقه هم تعاریف متعددی ارائه شده است. مثلاً شهید سید محمد باقر صدر در کتاب "حلقات الاصول" فقه و تفقه را علم عملیات استنباط احکام شرعی معرفی می کند و اصول فقه را علم به عناصر مشترکه در عملیات استنباط. صدر، دروس فی علم الاصول (الحلقه الثالثه)، ۱۴۲۶ ق، ص ۱۸ / گرجی، ادوار اصول الفقه، ۱۳۸۵ ش، ص ۲۰

^۹ ارجاع پژوهشی: عَلِيٌّ بَنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيُّهَا النَّاسُ... فَإِنَّ التَّفَقُّرَ حَيَاةٌ قَلْبِ الْبَصِيرِ.

از نبی مکرم اسلام سلام الله علیه: تفکر و اندیشه حیات و نشانه زنده بودن قلب انسان بصیر است.

مصدر: الکافی ج ۲ ص ۵۹۸

دیگر منابع: الوافی ج ۹ ص ۱۷۰۱ / تفسیر الصافی ج ۱ ص ۱۵ / النوادر (للراوندی) ج ۱ ص ۲۱ / وسائل الشیعه ج ۶ ص ۱۷۱ / بحار الأنوار ج ۷۵ ص ۱۱۵

^{۱۰} ارجاع پرورشی: صیغه امر، به معنای هیئت امر می باشد، مانند: صیغه افعال و آن چه مانند و شبیه آن است. معنای صیغه امر به بحث پیرامون معانی صیغه امر و چگونگی دلالت صیغه بر این معانی اطلاق می شود. برای صیغه امر معانی متعددی بیان شده است، همانند: طلب، بعث، تهدید، انداز، اهانت، امتنان، اکرام و تسخیر.

اصول الفقه، مظفر، محمد رضا، ج ۱، ص ۷۱ / المحکم فی اصول الفقه، حکیم، محمد سعید، ج ۱، ص ۲۶۷ / مناهج الوصول الی علم الاصول، خمینی، روح الله، ج ۱، ص ۲۴۵ / نهیة الافکار، عراقی، ضیاء الدین، ج ۱، ص ۲، ۱۷۷ / فوائد الاصول، نائینی، محمد حسین، ج ۱، ص ۲، ۱۲۹

صیغه نهی، صیغه ای است که بر طلب ترک و یا زجر (منع) از فعل دلالت می کند، خواه به صورت جمله انشایی و فعل نهی باشد، مثل: «لا تفعل» و یا به صورت تحذیر، مثل: «ایاک ان تفعل» و خواه به صورت جمله اسمی خبری باشد، مثل: «هذا الفعل ممنوع علیک» و یا به صورت جمله فعلی، مثل: «لا تفعل» که اخبار در مقام انشا است. درباره ظهور صیغه نهی، پنج دیدگاه وجود دارد:

۱. در حرمت ظهور دارد؛ ۲. در کراهت ظهور دارد؛ ۳. مشترک لفظی بین حرمت و کراهت است؛ ۴. برای قدر مشترک، یعنی مطلق طلب ترک، اعم از تحریمی و کراهتی وضع شده است؛ ۵. توقف. مشهور اصولیون معتقدند صیغه نهی در حرمت، ظهور دارد، هر چند در این مورد که این ظهور، ناشی از وضع است یا اطلاق و یا، اختلاف وجود دارد..

مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، ج ۱، ص ۹۵ / سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۹۵ / عراقی، ضیاء الدین، نهیة الافکار، ج ۱، ص ۴۰۲ / نائینی، محمد حسین، فوائد الاصول، ج ۱، ص ۲، ۳۹۴ / خویی، ابوالقاسم، محاضرات فی اصول الفقه، ج ۴، ص ۸۶ / بروجردی، حسین، نهیة الاصول، ص ۲۴۸

^{۱۱} ارجاع پرورشی: صاحب قوانین و محقق داماد در تعریف علم اصول می فرمایند: «العلم بالقواعد الممهدة لاستنباط الأحكام الشرعية». اصول آن است که انسان عالم شود به قواعدی که آماده شده برای استنباط احکام شرعی.

قوانین الاصول، المیرزا ابوالقاسم القمی، ج ۱، ص ۵ / المحاضرات - تقریرات، السید جلال الدین الطاهری الاصفهانی، ج ۱، ص ۴۲

۱/۱/۳. فقه البیان، به عنوان قواعد اصولی ممهده فکر و مورد استفاده در دوره مسجد و اداره جامعه

لذا عرض کردیم که استنباطمان را بر اساس قواعد اصولی فقه البیان^{۱۲} انجام خواهیم داد. بر این اساس در مباحث ما مقصد اول، دوم و سوم، مربوط به اوامر، نواهی و اصول مرادیه^{۱۳} نمی شود. اینها در صورتی است که شما از همان

^{۱۲}. ارجاع پرورشی: قواعد اصولی فقه البیان چه می گوید؟ / تعبد مبتنی بر تفکر خواسته قطعی شارع است!

قواعد اصولی فقه البیان زمینه ساز برای استنباط جنبه های تحریک کننده فکر شارع است. بخشی از جنبه های تحریک کننده فکر در ادبیات شارع، جنبه های توصیفی شارع و جنبه های علل الشرایعی شارع است. همچنین شکل بیان شارع مهمترین جنبه تحریک کننده فکر در بیان شارع محسوب می شود. قواعد اصولی فقه البیان به سه دسته قاعده کلی تقسیم می شود:

بخش اول قواعد اصولی فقه البیان (گروه قواعد بیان مبتنی بر ظرفیت و گروه قواعد بیان مبتنی بر تأمل) به تشریح مفهوم سؤال و تأمل در بیان شارع می پردازد. شارع محترم، سوال حسن و نیکو را نصف علم و مفتاح علم و آغاز کننده تفکر می داند. فقاقت از فهم پرسش های شارع شروع می شود.

بخش دوم قواعد اصولی فقه البیان (گروه قواعد اصولی بیان مبتنی مکتب) به تحلیل مسئله پاسخ و راه حل از منظر شارع می پردازد. تبیین مفهوم تنزیل در کنار مفهوم تأویل، تشریح مفهوم ظاهر در کنار مفهوم باطن بخشی از مباحث بیان مبتنی بر مکتب است. همچنین تحلیل ابعاد تنزیل، تأویل و تحلیل ابعاد باطن و ظاهر بخش دیگری از مباحث این بخش است. مهمترین بخش بیان مبتنی بر مکتب، تحلیل ابعاد ظاهر و نص از منظر شارع است. بیان شارع در بخش ظاهر، حداقل دارای سه بُعد مثبت (تصویر)، تحلیل (تعریف) و پردازش (تصمیم) است.

بخش سوم قواعد اصولی فقه البیان (گروه قواعد اصولی بیان مبتنی بر مقایسه، گروه قواعد اصولی بیان مبتنی بر رفق، گروه قواعد اصولی بیان مبتنی بر منزلت، گروه قواعد اصولی مبتنی بر انفتاح، گروه قواعد اصولی مبتنی بر سیاق و گروه قواعد اصولی مبتنی بر کمیت) به تعمیق ۶ بعدی بیان شارع حکیم می پردازد. بخش سوم قواعد اصولی فقه البیان به سفرهای فکری شارع معروف است و در واقع ۶ جنبه تحریک کننده فکر، در بیان شارع را توصیف می کند.

رساله های عملیه و علمیه را در موضوعات مختلف، مبتنی بر این ساختار، استنباط و بیان می کنیم و معتقد هستیم؛ اینگونه از بیان، تحریک فکر و درایه بیشتری را برای مردم عزیز تأمین می کند

حجت الاسلام علی کشوری - تبیین روش استنباط از آیات و روایات مرتبط با مسجد - سه شنبه ۳۰ خرداد ۱۴۰۲ - قم .

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5383>

برای مطالعه بیشتر در باره ی "قواعد اصولی فقه البیان" به پیوست شماره سه مراجعه فرمایید.

^{۱۳}. ارجاع پرورشی: اصول لفظی، قواعدی است که از سوی عقلا به هنگام شک در مراد متکلم، برای تعیین معنای مورد نظر وی به کار گرفته می شود، مانند: اصالت ظهور، اصالت اطلاق، اصالت عموم و اصالت عدم قرینه.

اعلم أنَّ الشكَّ في اللفظ على نحوين ۱: الشكَّ في وضعه لمعنى من المعاني ۲. الشكَّ في المراد منه بعد فرض العلم بالوضع. والقسم الثاني يشمل: اصالة الحقيقة، اصالة العموم، اصالة الاطلاق، اصالة عدم التقدير واصالة الظهور.

بدان که شک در مورد لفظ بر دو نوع است: اول شک در اینکه آیا این لفظ برای این معنا وضع شده است یا خیر؟ دوم اینکه آیا مراد متکلم از استخدام لفظ همان معنا است یا مراد دیگری دارد؟ در اینجا پنج اصل وجود دارد که مراد متکلم را روشن میکند و مشهور به اصول مرادیه هستند. این اصول شامل:

۱. اصالة الحقيقة: هرگاه شک داریم متکلم لفظ را در معنای حقیقی خود به کار برده یا در معنای مجازی؟ اصل این است که مرادش معنای حقیقی بوده.
۲. اصالة العموم: هرگاه متکلم لفظ عامی را به کار می برد و ما شک داریم در اینکه آیا مرادش تمام افراد لفظ عام بوده یا استثنا هم مدنظرش بوده؟ حکم به عموم افراد لفظ می دهیم.

۳. اصالة الاطلاق: هرگاه متکلم لفظی را به کار می برد که حالات و اوصاف خاصی دارد. شک می کنیم که آیا مراد او شامل آن حالات و اوصاف هم میشود یا خیر؟ میگوییم خیر چرا که مطلق گفته و به شرایط خاصی اشاره نکرده است.

۴. اصالة عدم التقدير: هنگامی که متکلم حرفی می زند و ما شک می کنیم آیا چیز دیگری هم مدنظرش بوده یا خیر؟ در این جا نیز حکم می کنیم به این که اصالت با عدم در تقدیر بودن چیزی است.

اول به دنبال کشف معذر و منجز^{۱۴} باشید. اما اگر از همان ابتدا گفتیم که ما به دنبال تحریک فکر هستیم، اوامر و نواهی را هم مورد بررسی و دقت قرار می‌دهیم اما محفوف و پیچیده در تفکر. نتیجه اینکه قواعد استنباط ما، ممهده للفکر خواهد شد و بر همین اساس، تبویب^{۱۵} اصول هم تغییر پیدا خواهد کرد که در جلسات گذشته توضیحاتی را در این خصوص عرض کردیم.

۵. اصالة الظهور: زمانیکه لفظ متکلم ظهور در یک معنا دارد البته نه به شکل نص که هیچ احتمال خلافی با آن نیست بلکه ظاهر در یک معناست. در این صورت نیز می‌گوییم اصالت با ظهور در همان معنای ابتدایی است.

نهایتاً مرحوم علامه مظفر معتقد است که بازگشت تمامی این اصول به اصالت ظهور است و ما یک اصل بیشتر نداریم.

اصول الفقه للعلامه المظفر ج ۱ ص ۴۷

^{۱۴}. ارجاع پرورشی: معذرت قطع، مقابل منجزیت قطع، و به معنای عذر محسوب شدن قطع مکلف، برای ترک تکلیف واقعی است، و این در جایی است که قطع او مخالف با واقع در آید، مثل این که شخصی در روز جمعه قطع پیدا کند که نماز جمعه بر او واجب است نه نماز ظهر و سپس نماز جمعه را به جا آورد و نماز ظهر را ترک کند، سپس معلوم شود که در واقع، نماز ظهر واجب بوده است نه نماز جمعه؛ در این جا، اگر مولا از او بپرسد که چرا تکلیف واقعی را ترک نمودی، در پاسخ می‌تواند به قطع خود استناد کند و این استناد به قطع، برای او عذر محسوب شده و موجب رهایی او از عقوبت می‌گردد و این، همان معذرت قطع است.

دروس فی علم الاصول، صدر، محمد باقر، ج ۱، ص ۱۷۶ / انوار الاصول، مکارم شیرازی، ناصر، ج ۲، ص ۲۳۰ / کفایة الاصول، فاضل لنکرانی، محمد، ج ۴، ص ۱۷۱ /

تحریرات فی الاصول، خمینی، مصطفی، ج ۳، ص ۳۹

منجزیت قطع، مقابل معذرت قطع و از لوازم قطع بوده و به معنای قطعیت یافتن تکلیف در حق مکلف، به سبب قطع است. منجزیت در جایی است که آخرین مرحله از مراحل توجه تکلیف به مکلف (اقتضا، انشا، فعلیت و تنجز) کامل می‌شود، و این امر، سبب قطع عذر مکلف می‌گردد، زیرا تکلیف در حق او مسلم شده و قطع او با واقع نیز مطابق می‌باشد، بنابراین هیچ گونه عذری در ترک تکلیف و مخالفت با قطع ندارد و چنان چه با آن مخالفت نماید، سزاوار عقوبت است.

اصفهانى، محمدحسین، نهاية الدراية فی شرح الكفاية، ج ۳، ص ۱۲ / مکارم شیرازی، ناصر، انوار الاصول، ج ۲، ص ۲۳۰ / صدر، محمد باقر، دروس فی علم الاصول،

ج ۱، ص ۱۷۲ / فاضل لنکرانی، محمد، کفایة الاصول، ج ۴، ص ۱۷۱

^{۱۵}. ارجاع پرورشی: نظریه فقهی تبویب چه می‌گوید؟ / درختواره دانشی مدرسه هدایت شامل چه علمی است؟

یکی از نظریات فقهی نقشه الگوی پیشرفت اسلامی، "نظریه فقهی تبویب" نام دارد. موضوع این نظریه تبیین قواعد تفکیک دانش ها و اصول فقهی تبویب دانش است و در زمره علوم مرتبط با "فقه العلم" طبقه بندی می‌شود.

در فصل اول "نظریه فقهی تبویب" به بررسی و نقد تعریف موضوع علم به "کلی جامع" (توریزه شده در کفایة الاصول آخوند خراسانی) و نقد اصول ۶ بخشی طبقه بندی علم فرانسیس بیکن و نقد طبقه بندی های کتابخانه ای دیوئی و کتابخانه کنگره آمریکا؛ پرداخته می‌شود.

در فصل دوم مباحث این نظریه به بررسی پرسش ارتباط علم و هدایت می‌پردازیم. به دلیل افضلیت هدایت انسان و قباحث شدید مسئله ضلالت انسان، در گام دوم به بررسی نقش علم در هدایت یا ضلالت انسان و تفاوت های علم غلط و علم ناقص می‌پردازیم. (در فقه هدایت نسبت همه امور با هدایت و ضلالت انسان سنجیده می‌شود).

در فصل سوم این نظریه اصل تمایز علوم بر اساس اصل هدایت انسان به صورت استظهاری مورد بازخوانی و تعمیق واقع می‌شود و ایده جدیدی برای تعریف و بالتبع تمایز علوم تعریف می‌شود.

در فصل چهارم "نظریه فقهی تبویب" به تبیین چگونگی تبویب و طبقه بندی علم (مبتنی بر اصل بنیادین هدایت انسان) می‌پردازیم.

فصل پنجم "نظریه فقهی تبویب" به تبیین "درختواره دانشی مدرسه تمدنی هدایت" (که براساس نظریه فقهی تبویب، تدوین شده است) در سه بخش ۱- معرفی دانش های پایه (شامل: الف- جدول روابط انسانی، ب- جدول تسخیر شیء پایه و ج- جدول اسماء الهی) ۲- معرفی علوم کاربردی (شامل: الف: علوم مرتبط با فقه نظام، ب: علوم مرتبط با فقه الخلق و ج- علوم مرتبط با فقه علوم غریبه) و ۳- معرفی علوم استنباطی (الف: قواعد فقهی احراز صدور، ب: قواعد اصولی فقه البیان ج: قواعد فقهی الفاظ) می‌پردازد.

حجت الاسلام علی کشوری - تبیین اجمالی نظریه فقهی تبویب - عید مبعث ۱۴۴۳ (سه شنبه ۱۰ اسفند ۱۴۰۰) قم مبارک

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

۱/۲. پرسش دوم دوره درباره مفاهیم پایه مسجد

۱/۲/۱. مفاهیم پایه مسجد همان مفاهیم پایه صلاتند

۱/۲/۲. استنباط مفاهیم پایه با توجه به روایات حدود کبیر صلات و ستهای صلات در دوازده مفهوم

دومین پرسش دوره این بود که با توجه به این اصول استنباط، مفاهیم پایه مسجد کدام است^{۱۶}؟ همانطور که می دانید مسجد محل اقامه صلات^{۱۷} است و در واقع این اقامه صلات است که محور ادبیات شارع برای اداره جامعه است^{۱۸}. بنابراین مفاهیم پایه مسجد همان مفاهیم پایه صلاه محسوب می شوند. وقتی که این مورد را در روایات بررسی کردیم

<https://eitaa.com/olgou4/3960>

^{۱۶}. ارجاع پرورشی: اصطلاح مفهوم پایه یک ترجمه فارسی است. ابتدای بحث این است که اصطلاح معادلش را در بیان شارع پیدا کنیم. این اول بحث است. می دانید آقایان خیلی مسئله مهمی است، من در جلسات گذشته هم روی آن متذکر شدم. اصلاً ناموس فقه، حفظ اصطلاحات شارع است. اگر شما دیدید یک فقیه یا طلبه ای در درس و بحثها حجم اصطلاحاتش بیشتر تمایل به دستگاه فکری دیگران دارد، این فرد حتماً از فقاهت فاصله گرفته است. ما کسی را فقیه می دانیم که در نظام اصطلاحات شارع، درایه و تدبر کند و آن را برای ما شرح دهد. بله، یک فقیه به دلایل مختلف، مثلاً برای اینکه دارد به زبان فارسی حرف می زند یا به دلایل ظرفیتی مخاطب، می تواند در مقام شرح آیات و روایات از اصطلاحات دیگران استفاده کند، اما تا جایی که اصطلاح مرکزی گفت و گو اصطلاح دیگران نشود. باید اصطلاح بنیادین بحث، همیشه اصطلاحات امام علیه السلام باشد و شنوندگان و گویندگان بحث های فقهی باید بر این نکته مواظبت کنند. من سال ها در این موسسات تمدنی تحقیق کردم. اشکالی که به بعضی از این موسسات محقق در مسئله تمدن داشتیم، این بود که چرا برخی ها بیشتر نظام اصطلاحات تئوریزه کننده بحثشان از دستگاه فکری دیگران و اصطلاحات تاسیسی آنهاست و اصطلاحات امام علیه السلام در بحث های آنان کم رنگ است؟ خیلی مسئله مهمی است. بنابراین اولین سوال این است که باید بگوییم کلمه مفاهیم پایه، ترجمه کدام اصطلاح از اصطلاحات شارع است؟ عرض کردیم که در واقع می خواهیم اصطلاح "حد" را شرح دهیم. در ادبیات شارع اصطلاحی به نام حد وجود دارد. در روایات هم این طور آمده است که: «لِكُلِّ شَيْءٍ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ»؛ یعنی این طور نیست که مسئله "حد" یا تعریف یک شی را فقط محدود به موضوع صلات کنیم، چرا که الان محور بحث ما شرح روایت «لِلصَّلَاةِ أَرْبَعَةٌ أَلَا فِي حَدٍّ» است. خیر، روایاتی بالا دست این وجود دارد که می فرماید «لِكُلِّ شَيْءٍ حَدٌّ» همه اشیاء دارای حد هستند. شارع وقتی وارد بحث شده، اول نگاه و حد ذهنی ما را نسبت به اشیاء تغییر داده و اینگونه بحث را آغاز کرده است. پس این یک سوال مهم است که وقتی می گوییم مفاهیم پایه صلات یا مفاهیم پایه مسجد چیست، این ترجمه فارسی چه اصطلاحی است؟ عرض کردیم ترجمه برای اصطلاح حد است.

حجه الاسلام علی کشوری. جلسه چهارم دوره بحثی "مسجد و اداره جامعه". بنیاد هدایت، قم. خرداد ۱۴۰۲.

برای دریافت متن کامل این سخنرانی به نشانی زیر مراجعه فرمایید.

<https://eitaa.com/olgou4/5723>

^{۱۷}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره عنکبوت آیه ۴۵: اَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ.

آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است بخوان و نماز را برپا دار که نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد و قطعاً یاد خدا بالاتر است و خدا می داند چه می کنی.

برای مطالعه بیشتر درباره ی "صلات" به پیوست شماره چهار مراجعه فرمایید.

^{۱۸}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره حج آیه ۴۱: الَّذِينَ إِذْ مِنْكَانُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ. همانان که اگر آنان را در زمین قدرت و تمکن دهیم، نماز را برپا می دارند، و زکات می پردازند، و مردم را به کارهای پسندیده و می دارند و از کارهای زشت باز می دارند؛ و عاقبت همه کارها فقط در اختیار خداست.

دیدیم که امام صادق و امام رضا علیهما السلام می فرمایند: **لِلصَّلاةِ أَرْبَعَةُ آلاَفٍ حَدٍّ**^{۱۹} یا **أَرْبَعَةُ آلاَفٍ بَابٍ**^{۲۰}. ما به این نتیجه رسیدیم که پرسش از مفاهیم نماز را باید بر اساس این روایت محوری فهم و به مخاطبمان بگوئیم. این روایت می گوید که نماز چهار هزار محدوده معنایی دارد. گام بعدی این بود که **حدود کبار**^{۲۱} و معانی برتر صلاه را بررسی

۱۹. ارجاع پژوهشی: عَلِيُّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لِلصَّلاةِ أَرْبَعَةُ آلاَفٍ حَدٍّ.

حماد بن عیسی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: برای نماز چهار هزار حد و مرز است.

مصدر: الکافی ج ۳ ص ۲۷۲ / من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۱۹۵ / تهذیب الأحکام ج ۲ ص ۲۴۲

دیگر منابع: الوافی ج ۸ ص ۸۲۷

۲۰. ارجاع پژوهشی: وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: لِلصَّلاةِ أَرْبَعَةُ آلاَفٍ بَابٍ.

مصدر: الکافی ج ۳ ص ۲۷۲ / من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۱۹۵ / الخصال ج ۲ ص ۶۳۸ / عیون الأخبار ج ۱ ص ۲۵۵ / تهذیب الأحکام ج ۲ ص ۲۴۲

دیگر منابع: الوافی ج ۸ ص ۸۲۷ / بحار الأنوار ج ۷۹ ص ۳۰۳

۲۱. ارجاع پژوهشی: عَنْ كِتَابِ الْعِلْمِ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ كِتَابِ حُدُودِ الصَّلاةِ فَقَالَ سَبْعَةُ الْوُضُوءِ وَ الْوَقْتُ وَ الْقِبْلَةُ وَ تَكْبِيرَةُ الْإِفْتِيْحِ وَ الرَّكُوعُ وَ السُّجُودُ وَ الدَّعَاءُ.

از امام باقر علیه السلام درباره ی بزرگترین حدود نماز پرسیدم. امام علیه السلام فرمودند که هفت حد است: وضو، وقت، قبله، تکبیره الافتتاح، رکوع، سجده و دعا.

مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۱۶۷ / بحار الأنوار ج ۸۰ ص ۱۶۳

وَ رَوَى زُرَّارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «لَا تُعَادُ الصَّلاةُ إِلَّا مِنْ خَمْسَةِ الطَّهْوَرِ وَ الْوَقْتِ وَ الْقِبْلَةِ وَ الرَّكُوعِ وَ السُّجُودِ» ثُمَّ قَالَ «الْقِرَاءَةُ سُنَّةٌ وَ التَّشَهُُّدُ سُنَّةٌ وَ لَا تَقْضَى السُّنَّةُ الْفَرِيضَةَ»

زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: نماز جز در پنج مورد (چه عمدا چه سهوا اعاده نمیشود: و آن طهور است (یعنی وضو و غسل و تیمم که اگر کسی از یکی از اینها که تکلیفش آنست خالی بود نمازش باطل است و باید اعاده کند). دوّم وقت (که اگر شخص نمازی را پیش از وقت بخواند که هیچ جزء آن داخل وقت نباشد اگر چه سهو باشد آن نماز باطل است. سوّم قبله (که اگر کسی عمدا به غیر قبله نماز گزارد آن را رو بقبله اعاده می کند و اگر سهوا باشد بطوری که رو بمشرق یا بمغرب یا پشت به قبله نماز کرده باشد آن را نیز اعاده می کند در وقت، و خارج از آن بقضا)، چهارم و پنجم: رکوع و دو سجده است (که به ترك هر يك از این دو چه عمدا چه سهوا نماز باطل است) سپس فرمود: قراءت سنت است و تشهد نیز سنت، و سنت اگر به سهو ترك شود فریضه را باطل نمیسازد.

مصدر: من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۳۳۹ / الخصال ج ۱ ص ۲۸۴ / تهذیب الأحکام ج ۲ ص ۱۵۲

دیگر منابع: الوافی ج ۷ ص ۴۴ / وسائل الشیعة ج ۵ ص ۴۷۰ / بحار الأنوار ج ۸۵ ص ۱۳۶ / مستدرک الوسائل ج ۴ ص ۱۹۶

حَمَّادٌ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْفَرِيضِ فِي الصَّلاةِ فَقَالَ الْوَقْتُ وَ الطَّهْوَرُ وَ الْقِبْلَةُ وَ التَّوَجُّهُ وَ الرَّكُوعُ وَ السُّجُودُ وَ الدَّعَاءُ فَلْتُ مَا سِوَى ذَلِكَ قَالَ سُنَّةٌ فِي فَرِيضَةٍ.

زراره گوید: از امام باقر علیه السلام در مورد واجبات نماز پرسیدم. فرمود: وقت، طهارت، قبله، توجّه، رکوع، سجود و دعا (یعنی قنوت).

پرسیدم: اعمال دیگر چه؟ فرمود: آن اعمال، مستحباتی هستند که در ضمن واجب آمده اند.

مصدر: الکافی ج ۳ ص ۲۷۲ / تهذیب الأحکام ج ۲ ص ۲۴۱

دیگر منابع: الوافی ج ۷ ص ۴۱ / وسائل الشیعة ج ۴ ص ۱۰۹ / الفصول المهمة ج ۲ ص ۶۷ / بحار الأنوار ج ۸۰ ص ۱۶۰

کنیم. عرض کردیم که طبق روایات، حدود کبار صلاه شامل: طهارت^{۲۲}، وقت^{۲۳}، قبله^{۲۴}، تکبیره الافتتاح، رکوع، سجده^{۲۵} و دعا^{۲۶} می شود. بعد از اینها پنج معنای دیگر را هم به معنای صلاه اضافه کردیم^{۲۷} و به دلیل کمبود وقت، بحثمان را در دوازده معنای اصلی صلاه متوقف کردیم. هرچند اگر روایات دیگری را اضافه می کردیم حدود اصلی صلاه بیش از اینها می شد. بنابراین پرسش دوم دوره که مربوط به مفاهیم پایه صلاه بود را بر اساس این دو دسته روایات

^{۲۲} .ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره مائده آیه ۶: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ.

ای اهل ایمان! هنگامی که به [قصد] نماز برخیزید، صورت و دست هایتان را تا آرنج بشوید و بخشی از سرتان و روی پاهایتان را تا برآمدگی پشت پا مسح کنید و اگر جُنب بودید، غسل کنید و اگر بیمار هستید یا در سفر می باشید یا یکی از شما از قضای حاجت [دستشویی] آمده، یا با زنان آمیزش کرده اید و آبی [برای وضو یا غسل] نیافتید، به خاکی پاک، تیمم کنید و از آن بخشی از صورت و دست هایتان را مسح نمایید. خدا نمی خواهد [با احکامش] بر شما تنگی و مشقت قرار دهد، بلکه می خواهد شما را [از آلودگی ها] پاک کند و نعمتش را بر شما تمام نماید، تا سپاس گزارید.

برای مطالعه بیشتر درباره ی "طهارت" در قرآن به پیوست شماره پنج مراجعه فرمایید.

^{۲۳} .ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره اسراء آیه ۷۸: أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى عَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا. نماز را از ابتدای تمایل خورشید به جانب مغرب [که شروع ظهر شرعی است] تا نهایت تاریکی شب بر پا دار، و [نیز] نماز صبح را [اقامه کن] که نماز صبح مورد مشاهده [فرشتگان شب و فرشتگان روز] است.

^{۲۴} .ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره بقره آیه ۱۴۴: قَدْ تَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ.

ما [به هر سو] گردانیدن رویت در آسمان را نیک می بینیم پس [باش تا] تو را به قبله ای که بدان خشنود شوی برگردانیم پس روی خود را به سوی مسجدالحرام کن و هر جا بودید روی خود را به سوی آن برگردانید در حقیقت اهل کتاب نیک می دانند که این [تغییر قبله] از جانب پروردگارشان [بجا و] درست است و خدا از آنچه می کنند غافل نیست.

^{۲۵} .ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره توبه آیه ۱۱۲: التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ.

[آن مؤمنان] همان توبه کنندگان پرستندگان سپاسگزاران روزه داران رکوع کنندگان سجده کنندگان و ادارندگان به کارهای پسندیده بازدارندگان از کارهای ناپسند و پاسداران مقررات خدایند و مؤمنان را بشارت ده.

قرآن کریم سوره آل عمران آیه ۴۳: يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ.

ای مریم فرمانبر پروردگار خود باش و سجده کن و با رکوع کنندگان رکوع نما.

^{۲۶} .ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره فرقان آیه ۷۷: قُلْ مَا يَعْجُبُكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا.

بگو اگر دعای شما نباشد پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی کند در حقیقت شما به تکذیب پرداخته اید و به زودی [عذاب بر شما] لازم خواهد شد.

^{۲۷} .ارجاع پژوهشی: و بِالْإِسْنَادِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ كِبَارِ حُدُودِ الصَّلَاةِ فَقَالَ سَبْعَةٌ الْوُضُوءُ وَ الْوَقْتُ وَ الْقِبْلَةُ وَ تَكْبِيرَةُ الْإِفْتِتَاحِ وَ الرُّكُوعُ وَ السُّجُودُ وَ الدُّعَاءُ فَهَذِهِ فُرُوضٌ عَلَى كُلِّ مَخْلُوقٍ وَ فُرِضَ عَلَى الْأَقْوِيَاءِ وَ الْعُلَمَاءِ الْأَذَانَ وَ الْإِقَامَةَ وَ الْقِرَاءَةَ وَ التَّنْسِيحَ وَ التَّشَهُدَ وَ لَيْسَتْ فُرْضًا فِي نَفْسِهَا وَ لِكُنْهَائِ سُنَّةٌ وَ إِقَامَتُهَا سُنَّةٌ وَ الْفُرْضُ عَلَى الْعُلَمَاءِ وَ الْأَقْوِيَاءِ وَ وَضِعَ عَنِ النِّسَاءِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَ الْبَلَهَ الْأَذَانَ وَ الْإِقَامَةَ وَ لَا بَدَّ مِنَ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ وَ مَا أَحْسَنُوا مِنَ الْقِرَاءَةِ وَ التَّنْسِيحِ وَ الدُّعَاءِ وَ فِي الصَّلَاةِ فَرَضٌ وَ تَطَوُّعٌ فَأَمَّا الْفَرَضُ فَمِنْهُ الرُّكُوعُ وَ أَمَّا التَّطَوُّعُ فَمَا زَادَ فِي التَّنْسِيحِ وَ الْقِرَاءَةِ وَ الْقُنُوتِ وَاجِبٌ وَ الْإِجْهَارُ بِالْقِرَاءَةِ وَاجِبٌ فِي صَلَاةِ الْمَغْرَبِ وَ الْعِشَاءِ وَ الْفَجْرِ وَ الْعِلَّةُ فِي ذَلِكَ مِنْ أَجْلِ الْقُنُوتِ حَتَّى إِذَا قَطَعَ الْإِمَامُ الْقِرَاءَةَ عَلِمَ مَنْ حَلَفَ أَنَّهُ قَنَتَ فَيَقْنُتُونَ وَ قَدْ قَالَ الْعَالِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ لِلصَّلَاةِ أَرْبَعَةَ آلَافٍ حَدًّا.

پاسخ دادیم و به نتیجه رساندیم. مخاطبی که جلسات قبل را پیگیری کرده باشد، برای پرسش مفاهیم پایه پاسخ روشنی دارد و آن عبارت از این است که می تواند مفاهیم اصلی مسجد خودش را تشخیص بدهد. به عبارت ساده تر وقتی کسی امام جمعه و جماعت می شود، به او می گوئیم که وظیفه اصلی شما ایجاد طهارت در نمازگزاران و اعضای محله^{۲۸} است. وظیفه شما احیای مسئله طهارت است، مسئله وقت، قبله و قس علی هذا. نتیجه اینکه امام جماعت اصطلاحاً دچار خلأ تئوریک نیست. یعنی بعد از بازخوانی روایات حدود کبیرصلاحت بر اساس قواعد فقه البیان، به مجموعه مفاهیم کاربردی دست پیدا می کند و بر اساس همان ها شروع به ارتباط گیری با مخاطبان خود می کند.

^{۲۸}. ارجاع پرورشی: چگونه یک محله اسلامی بسازیم؟

با توجه به رشد گفتگوهای مرتبط با مدیریت شهری محله محور در کشور جمهوری اسلامی و برای تقویت این حرکت مبارک دو پرسش را مطرح می کنیم؟ پرسش اول این است که تعریف محله و مفاهیم اصلی مطرح در محله کدام است؟ به عبارت دیگر اگر می خواهیم یک محله اسلامی را طراحی کنیم؛ باید محله و مفاهیم اصلی آن را تعریف نمائیم.

بر اساس سه دسته مفهوم ۱- "روابط انسانی"، "تسخیر شیئ پایه" و "اسماء الهی" محله را بازتعریف می کنیم. زندگی خوب برای افراد بدون این سه دسته از مفاهیم امکان ندارد و به همین دلیل در "فقه نظام" این علوم ثلاثه را تحت عنوان علوم پایه نام گذاری کرده ایم.

پرسش دوم این است که چگونه مفاهیم پایه محله را در جامعه محقق کنیم؟ برای تحقق این مفاهیم پایه در مرحله اول ۸ اقدام راهبردی لازم است:

اولین کار این است که بدانیم: تنظیم روابط انسانی و دیگر مفاهیم پایه با وضع مقررات و قانون و ابلاغیه محقق نمی شود و لازم است از طریق نرم و با استفاده از چرخه تحریک فکر، نگرش مردم یک محله را تغییر دهیم.

تعریف "مساجد نمونه" در هر شهر برای آموزش مفاهیم پایه محله، تغییر در الگوی آموزش و پرورش کشور، تغییر در الگوی ساخت ساختمان، تغییر در الگوی ساخت بازار، تغییر در الگوی تولید محصولات کشاورزی، باغی و دامی و طیور، تغییر در الگوی سلامت محلات و تغییر در الگوی روایت میراث ملموس و ناملموس فرهنگی، اقدامات راهبردی برای تحقق مفهوم محله در جمهوری اسلامی محسوب می شود.

در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی برای ساخت یک محله اسلامی ۱۰۰ زیرساخت تعریف شده است؛ که از میان آنها امور ۸ گانه فوق الذکر از اهمیت بیشتری برخوردار هستند.

حجت الاسلام علی کشوری - گفتگو با جمعی از مسئولان و نخبگان شهر گرگان درباره نظریه مدیریت شهری محله محور - پنجشنبه ۱۱ آذر ۱۴۰۰ -

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/3675>

۱/۲/۳. وجود ده قسم طهارت بر اساس روایات سنن حنیفیه

۱/۲/۳/۱. وجود آثار و فواید تبلیغاتی، امنیتی، بهداشتی و اقتصادی در این طهارت های ده گانه

مثلاً معنای طهارت را ابتدائاً با توجه به مجموعه روایات متواتر سنن حنیفیه^{۲۹} در منابع شیعه و سنی توضیح دادیم و عرض کردیم که طهارت ده بخش اصلی دارد^{۳۰}. نکته مهم بحث های روزهای گذشته این بود که ما اثبات کردیم که اگر این ده جزء در مسجد و محله گسترش پیدا کند، هم کارکرد سیاسی تبلیغاتی برای جبهه حق دارد، هم آثار پیشگیری از بیماری و گسترش سلامت دارد، هم نتایج و فواید اقتصادی و کاهش هزینه های خانوار را به همراه خواهد داشت و هم آثار مربوط به مسائل امنیتی و پدافند غیر عامل^{۳۱}. این را در جلسات گذشته مطرح کردیم و

^{۲۹} ارجاع پرورشی: ما روایاتی داریم تحت عنوان سنن حنیفیه، یعنی سنت های یکتاپرستی. حنیف که جمعش می شود حنفا و احناف، یعنی یکتاپرستی. شارع روایاتی دارد تحت عنوان سنن یکتاپرستان. اصل بحث را دقت می فرمایید؟ یک بخش از روایات سنن حنیفیه به مسئله طهارت می پردازد. یعنی اگر کسی روایات سنن حنیفیه را نخواند، همان نگاه معذر و منجز نسبت به طهارت در ذهنش شکل می گیرد. امام صادق علیه السلام می فرماید: بعد از این که خدای متعال جناب ابراهیم نبی علیه السلام را به آن رؤیا مبتلا کرد و حضرت ابراهیم علیه السلام «صَدَقَ وَ عَمِلَ بِمَا أَمَرَهُ اللَّهُ» خیلی تصدیق کردند و به آن امتحان سخت الهی عمل کردند. پس از امتحان، خدای متعال به جناب ابراهیم گفت: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» تو از این به بعد امام هستی و به مقام امامت رسیدی. «ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْحَنِيفِيَّةَ وَ هِيَ الطَّهَارَةُ» بعد از آن ابتلا حضرت ابراهیم امام شدند. روایت می گوید که ایشان امام در طهارت شدند یعنی پیشاپیش مردم می رفتند و آنها را از نجاست خارج و به سمت طهارت می بردند. دقت می فرمایید؟ این سیاست اسلام است. راجع به مفهوم امامت و سیاست صحبت می کند [اما کار را به مفهوم طهارت گره می زند] و می گوید: اگر مدیریت دست ائمه معصومین علیهم السلام و فقها نباشد، مردم از ظلمت به سمت طهارت خارج نخواهند شد. پس این یک مسئله مهم است. باید معلوم باشد که طهارت، موضوع اولیه امامت است. برای همین ما در فقه های نه گانه بعد از فقه الامام، فقه التزکیه را مطرح کردیم. یعنی اگر کسی امام شد، اولین کارش تزکیه است. همین روایات یک مورد از مستندات استنباط ماست.

حجه الاسلام علی کشوری. چهارمین جلسه از دوره بحثی "مسجد و اداره جامعه"، خرداد ۱۴۰۲ قم بنیاد هدایت.

برای دریافت متن کامل این جلسه به نشانی زیر مراجعه فرمایید.

<https://eitaa.com/olgou4/5723>

^{۳۰} ارجاع پژوهشی: الْفَضْلُ بْنُ الْحَسَنِ الطَّبْرِسِيِّ فِي مَجْمَعِ الْبَيَانِ نَقْلًا مِنْ تَفْسِيرِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنَّهُ مَا ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِهِ فِي نَوْمِهِ مِنْ ذَنْبٍ وَ لَدَيْهِ إِسْمَاعِيلُ، فَأَتَمَّهَا إِبْرَاهِيمُ وَ عَزَمَ عَلَيْهَا وَ سَلَّمَ لِأَمْرِ اللَّهِ فَلَمَّا عَزَمَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ تَوَابًا لَكَ إِلَىٰ أَنْ قَالَ: إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا، ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْحَنِيفِيَّةَ وَ هِيَ عَشْرَةُ أَشْيَاءَ خَمْسَةٌ مِنْهَا فِي الرَّأْسِ وَ خَمْسَةٌ مِنْهَا فِي الْبَدَنِ فَأَمَّا الَّتِي فِي الرَّأْسِ فَأَخَذَ الشَّارِبَ وَ إِعْقَاءَ اللَّحْيِ وَ طَمَّ الشَّعْرَ وَ السَّوَاكُ وَ الْخِلَالُ وَ أَمَّا الَّتِي فِي الْبَدَنِ فَحَلَقَ الشَّعْرَ مِنَ الْبَدَنِ وَ الْخِتَانُ وَ تَقْلِيمَ الْأَطْفَارِ وَ الْغُسْلَ مِنَ الْجَنَابَةِ وَ الطَّهْوَرَ بِالْمَاءِ فَهَذِهِ الْحَنِيفِيَّةُ الظَّاهِرَةُ الَّتِي جَاءَ بِهَا إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَمْ تَسْخُحْ وَ لَا تَسْخُحْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ هُوَ قَوْلُهُ وَ اتَّبَعَ مَلَأَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا.

از امام صادق علیه السلام درباره ی این آیه خداوند متعال در قرآن کریم که می فرماید: وَاذَا ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبَّهُ... حضرت می فرمایند این ابتلا درباره ی این بود که حضرت ابراهیم علیه السلام در خواب دیدند که پسرشان را دیح می کنند. هنگامی که ایشان از این امتحان به پیروزی بیرون آمدند و تسلیم امر خداوند شدند، خداوند به ایشان فرمودند من تو را امام قرار دادم و سپس حنیفیت را بر ایشان نازا کردند که آن ده چیز است. پنج مورد در سر و پنج مورد در بدن. اما آنها که مربوط به سر است عبارتند از: مسواک کردن و گرفتن شارب و جدا کردن موی سر و مضمضه (آب در دهان گرداندن) و استنشاق (آب به دماغ کشیدن)، و اما آنها که مربوط به بدن است عبارتند از: ختنه کردن و تراشیدن موی عانه (زهار) و گرفتن موی دو بغل و گرفتن ناخن ها و استنجاء (شستن محل بول و غائط).

مصدر: الخصال ج ۱ ص ۲۷۱

دیگر منابع: وسائل الشیعة ج ۲ ص ۱۱۷ / مستدرک الوسائل ج ۱ ص ۴۰۲ / بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۶۷

^{۳۱} ارجاع پرورشی: در کتاب الزی و التجمل، علل الشرایع و دلیل مواردی مانند اخذ شارب، بلند گذاشتن ریش و کوتاه کردن موی سر شرح تفسیری دارد. مثلاً یکی از روایاتی که اینها را توصیف می کند این است که می گوید: چرا از اخذ شارب و بلند گذاشتن ریش شروع شد؟ در جلسه گذشته دلایلی مانند پیشگیری از بیماری را ذکر کردیم. کوتاه کردن مرتب سبیل مانع دندان درد و چشم درد می شود. یک دلیل سیاسی و تبلیغاتی هم دارد. مثلاً روایت داریم که: إِنَّ الْمَجُوسَ جَزُّوا لِحَاهُمُ وَ وَفَّرُوا سَوَارِبَهُمْ. اساساً حضرت ابراهیم علیه السلام با مجوس درگیر بود که یکی از طوایف اصلی روبروی انبیاء علیهم السلام

گفتیم که چگونه این چهار کارکرد از بخش طهارت زاییده می شود. بنابراین به عیان واضح شد که اگر کسی فقط بتواند طهارت را در نمازگزاران یک مسجد و محله گسترش بدهد، در واقع مشغول مدیریت جامعه و محله خود است. اداره مملکت، هم بخش امنیتی و پدافند غیر عامل دارد^{۳۲}، هم بخش اقتصادی و بهبود معیشت مردم دارد، هم بخش سیاسی تبلیغاتی، بهداشتی و سلامت. اگر امام جماعت به حد طهارت به همان نحوی که در کلمات شارع آمده است توجه کند، می تواند همان کاری که وزارتخانه ها در این چهار عرصه انجام می دهند را تامین و عملیاتی کند. بنابراین شارع به روش خودش جامعه را اداره می کند. روش اداره جامعه از نظر شارع درست کردن نهادهایی مانند شرکت، وزارتخانه یا موسسه نیست. بلکه فرد به فرد را ترغیب به رعایت طهارت های ده گانه می کند و این آثار اجتماعی را از این طریق به دست می دهد. بنابراین ما با گسترش مسئله طهارت داریم جامعه را اداره می کنیم. نه اینکه طهارت، امری فردی و فرعی است و باید اداره جامعه را در این عرصه ها به آن چهار وزارتخانه واگذار کنیم خیر. این اصل و نتیجه بحث بود. حال اگر زمان داشتیم و می توانستیم کارکردهای اجتماعی حد "وقت" را هم توضیح دهیم، این مسئله تبیین فنی تری پیدا می کرد. در واقع ما از روایات باب "وقت" الگوی نظم بخشی به جامعه را مطرح

بودند. نوع حضور این ها در جامعه اینطور بود که سبیل های خود را پر می گذاشتند و ریش های خود را قیچی می کردند. همانطور که اگر کسی لباس خاصی انتخاب می کند، در واقع با آن لباس مانور تبلیغاتی می دهد. اساساً دستگاه باطل از نوع آرایش و پوشیدن لباس استفاده تبلیغاتی می کند؛ یعنی دائماً خودش را در مقابل جبهه حق مطرح می کند. لذا وقتی پیامبر سلام الله علیه می خواهند طهارت از شرک ایجاد کنند، نوع لباس و آرایش افراد را هم تغییر می دهند تا هم ترویج جبهه ایمان باشد و هم تضعیف هر روزه جبهه باطل. بنابراین سنن حنیفیه حیث سیاسی و تبلیغاتی هم دارد. در واقع حضرت ابراهیم علیه السلام با همین سه دستور اخذ شارب و بلند کردن ریش و کوتاه کردن موی سر، یک مدیریت خبر را علیه مشرکینی که در زی و تجمل برعکس عمل می کردند، سازماندهی نمودند. لذا فرمودند: *وَإِنَّا نَجْرُ السُّوَارِبَ وَنُعْفِي اللَّحَى وَهِيَ الْفِطْرَةُ*. خلقت آدم اینجور است که سیبیل ها کوتاه باشد و ریش هایش بلند. باز در ذیل همین فرمایش، روایات تشبه به یهود هم آمده است. یهودیان ریش می گذارند ولی با سیبیل های بلند. اینجا تفاوت در این است که سیبیل مومنین کوتاه است. در واقع حضرت می خواهد جلوی مانور تبلیغاتی آنها را بگیرد که هر روز خودشان را ترویج می کنند. این یعنی ما باید یک دستگاه ترویج حقی در مقابل آنها داشته باشیم. زی و تجمل خیلی مهم است. اصلاً مسئله شخصی نیست. در مرحله اول یک مسئله سیاسی اجتماعی است. در واقع با نوع لباس پوشیدن و آرایش کردن، مذهب مان را ترویج می دهیم و مذهب دیگران را به چالش می کشیم.

حجه الاسلام علی کشوری، پنجمین جلسه از دوره بحثی "مسجد و اداره جامعه"، خرداد ۱۴۰۲ قم بنیاد هدایت.

برای دریافت متن کامل این جلسه به نشانی زیر مراجعه فرمایید.

<https://eitaa.com/olgou4/5768>

^{۳۲}. ارجاع پرورشی: کوتاه ترین تعریف پدافند غیرعامل، "دفاع بدون سلاح - دفاع غیرنظامی" می باشد.

کامل ترین تعریف از مجمع تشخیص مصلحت نظام در سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور: مجموع اقدام های غیر مسلحانه ای که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب پذیری، تداوم فعالیت های ضروری، ارتقا پایداری ملی و تسهیل میریت بحران در مقابل تهدید ها و اقدام های نظامی دشمن می شود."

پدافند غیرعامل نوعی دفاع غیرنظامی است که به جنگ افزار نیاز ندارد و با اجرای آن می توان از وارد شدن خسارات زیاد مالی به تجهیزات و تأسیسات حیاتی و حساس نظامی و غیرنظامی و تلفات زیاد انسانی جلوگیری نموده یا میزان این خسارات و تلفات را به حداقل ممکن کاهش داد.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی سازمان پدافند غیر عامل کشور

<https://pdrc.ir/about-us>

می کنیم^{۳۳}. مثلاً نظم در حوزه معیشت^{۳۴}، نظم در حوزه عبرت^{۳۵} و دیگر نظم هایی که شارع مد نظرش است را ذیل حد "وقت" تئوریزه می کنیم. همین امر درباره ی سایر حدود هم در جریان است. حال اگر عمر و توفیقی بود و توانستیم

۳۳. ارجاع پرورشی: فقه النظم چه می گوید؟!

مدرسه فقهی هدایت، ایجاد نظم را به محوریت زمان و مکان و کمیت تئوریزه کرده است. بر اساس این نگاه فقهی تبیین صحیح زمان های شارع برای انجام امور مختلف + معرفی مکانهای شارع برای امور مختلف در کنار تبیین کمیت های شارع برای امور مختلف، زیرساخت ایجاد نظم در جامعه است. به عبارت دیگر: نظم آفرینی به معنای مواظب بر پایه رعایت بر زمان و مکان و کمیت محقق می گردد. فهرست مطالب اصلی فقه النظم (حد کبار وقت) به شرح زیر است:

- ۱- معرفی زمان های اصلی برای تنظیم امور در بیان شارع محترم
- ۲- معرفی امور اصلی انسان و زمان مورد نیاز برای هر کدام در بیان شارع محترم
- ۳- معرفی مکان های اصلی زندگی در بیان شارع محترم
- ۴- معرفی مقادیر، کمیت ها و کیل های اصلی در بیان شارع محترم

معاونت پژوهش مدرسه هدایت - جمعه انتظار ۱۷ آذر ۱۴۰۲

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5944>

۳۴. ارجاع پژوهشی: عِدَّةٌ مِنْ أَضْحَانِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شُمُونَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْأَصْنَاعُ إِذَا سَهَرُوا اللَّيْلَ كُلَّهُ فَهَوَّ سَحَتْ. امام صادق (علیه السلام) - پیشه‌وران، اگر همه شب را بیدار بمانند و کارکنند، این سحت است.

مصدر: الکافی ج ۵ ص ۱۲۷ / تهذیب الأحکام ج ۶ ص ۳۶۷

دیگر منابع: عوالي اللئالی ج ۳ ص ۲۰۲ / الوافی ج ۱۷ ص ۱۸۹ / وسائل الشیعة ج ۱۷ ص ۱۶۳ / تفسیر البرهان ج ۲ ص

۳۰۳

۳۵. ارجاع پرورشی: فقه العبرة چه می گوید؟!

مدرسه فقهی هدایت، یکی از زیرساخت های هدایت و پیشرفت را قدرت عبرت آفرینی در افراد می داند. استفاده بهینه از ابزارهای فقهی عبرت آفرینی، به کاهش جرائم در جامعه و افزایش قدرت پیشگیری از جرم ختم می شود. ابزارهای عبرت آفرینی به شرح زیر در فقه العبرة تئوریزه شده است:

- ۱- عبرت آفرینی و احسن القصص (روایت صحیح تاریخ)
- ۲- عبرت آفرینی و جانمایی صحیح قبرستان
- ۳- عبرت آفرینی و رعایت اصول کامل احتضار، تغسیل، تشییع، تدفین و مراسم ختم
- ۴- عبرت آفرینی و بازدید از میراث فرهنگی و آثار گذشتگان (احیای عبرتکده ها)
- ۵- عبرت آفرینی و اجرای کامل حدود و تعزیرات و دیات
- ۶- عبرت آفرینی و قتال با کفار حربی
- ۷- عبرت آفرینی و فصول ۴ گانه
- ۸- عبرت آفرینی و آداب تخیلی و استحمام
- ۹- عبرت آفرینی و ملاقات بیمار
- ۱۰- عبرت آفرینی و تعبیر صحیح رؤیا و خواب
- ۱۱- عبرت آفرینی و معاد باوری

معاونت پژوهش مدرسه هدایت - چهارشنبه ۱۵ آذر ۱۴۰۲

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5935>

آن دوره دویست جلسه ای را برای مسجد و اداره جامعه برگزار کنیم، عمده بحث ما شرح اجتماعی حدود مختلف صلاه خواهد بود.

۱/۲/۳/۲. رفع نیازهای آخرتی علاوه بر کارکرد مدیریت اجتماعی، ثمره اجرای حدود کبیر صلاه

نکته فنی که باید به آن توجه کنیم و در جلسه گذشته هم اجمالاً به آن اشاره کردم؛ آثار آخرتی همین حدود کبیر صلاه است. در واقع شارع این حدود کبیر را تنها برای حل مسائل اجتماعی مطرح نکرده است. بلکه همین حدود کبیر صلاه از جمله همین "طهارت" نورانیت هم ایجاد می کند^{۳۶}. یعنی درون انسانها را هم از حیث روانشناسانه ارتقاء می دهد. همین حدود کبیر صلاه و در راستان حد طهارت، کمک می کند که انسان در پیشگاه خداوند متعال، در قیامت و در بزخ هم دست پری داشته باشد که همین ها منشأ سعادت اخروی است. اما چون در عصر حاضر با یک استبعادی درباره ابعاد ادبیات شارع در اداره جامعه روبرو هستیم، بنا را بر این گذاشته ایم که در این دوره بر این مسائل متمرکز شویم. وگرنه کلمات قرآن و روایات، همزمان همه نیازها، به تعبیر روایات همه آن چیزی را که بشر به آن احتیاج^{۳۷} دارد و به تعبیر آیه قرآن، همه ابعاد فقر^{۳۸} را مدیریت می کند. این خلاصه بحث های گذشته بود.

۱/۳. لزوم منظم کردن ذهن مکلفین به صورت طولی و عرضی به وسیله امام جمعه و جماعت

نکته ی دیگری که در جلسه گذشته هم عرض کردیم این بود که امام جمعه و جماعت، همانطور که باید مباحث را به صورت طولی، مدیریت و در ذهن مخاطب تثبیت کند که در نتیجه حدود کبیر صلاه را یاد بگیرند و عملیاتی کنند، باید

^{۳۶}. ارجاع پژوهشی: وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: صَلَاةُ اللَّيْلِ تُبَيِّضُ الْوُجُوهُ وَ صَلَاةُ اللَّيْلِ تُطَيِّبُ الرَّيْحَ وَ صَلَاةُ اللَّيْلِ تَجْلِبُ الرَّزْقَ. به همین سند از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: نماز شب، چهره ها را سفید و نورانی و بدن آدمی را معطر می سازد و نیز موجب فراوانی روزی است. مصدر: نواب الأعمال و عقاب الأعمال ج ۱ ص ۴۱ / علل الشرایع ج ۲ ص ۲۶۳ / تهذیب الأحكام ج ۲ ص ۱۲۰ دیگر منابع: الوافی ج ۷ ص ۱۰۵ / وسائل الشیعة ج ۸ ص ۱۴۹ / بحار الأنوار ج ۸۴ ص ۱۴۹

قرآن کریم سوره حدید آیه ۱۲: يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.

[این پاداش نیکو و بارزش در] روزی [است] که مردان و زنان باایمان را می بینی که نورشان پیش رو و از جانب راستشان شتابان حرکت می کند، [به آنان می گویند:] امروز شما را مژده باد به بهشت هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، در آنها جاودانه اید، این است آن کامیابی بزرگ.

^{۳۷}. ارجاع پژوهشی: عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ مُرَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ تَبَيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ حَتَّى وَ اللَّهُ مَا تَرَكَ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْعَبْدُ حَتَّى وَ اللَّهُ مَا يَسْتَطِيعُ عَبْدٌ أَنْ يَقُولَ لَوْ كَانَ فِي الْقُرْآنِ هَذَا إِلَّا وَ قَدْ أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِيهِ .

-امام ششم (علیه السلام) فرمود: به راستی خدای تبارک و تعالی قرآن را برای بیان هر چیز فرو فرستاده تا آنجا که -بخدا- چیزی را وانگذاشته که بندگان بدان نیازمند باشند و تا آنجا که هیچ بنده ای نتواند بگوید کاش این هم در قرآن بود مگر اینکه آن را هم خدا در قرآن فرو فرستاده است.

مصدر: المحاسن ج ۱ ص ۲۶۷ / تفسیر القمی ج ۲ ص ۴۵۱ / الکافی ج ۱ ص ۵۹

دیگر منابع: الوافی ج ۱ ص ۲۶۵ / تفسیر الصافی ج ۱ ص ۵۶ / الفصول المهمة ج ۱ ص ۴۸۱ / بحار الأنوار ج ۶۵ ص ۳۳۷

^{۳۸}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره فاطر آیه ۱۵: يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ.

ای مردم! شما باید نیازمندان به خدا، و فقط خدا بی نیاز و ستوده است.

به صورت عرضی هم ذهن مخاطب خود را منظم کند. یعنی دیگر فرائض مورد تاکید شارع هم، باید توضیح و در ذهن مخاطبان و نمازگزان مسجد تثبیت شود. بنابراین امام جماعت باید ذهن مخاطبین خود را دو جور نظم بخشی کند. یک بار باید فرائض کبیر الهی را بحث کند. عرض کردیم که فرائض کبیر بر اساس روایت مرحوم ابن قولویه صلاه است، صوم است، زکات، حج و ولایت^{۳۹}. یک بار هم باید به صورت طولی حدود کبیر همه این فرائض را باید مورد

^{۳۹}. ارجاع پژوهشی: أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ فُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ وَ لَمْ يَنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُوْدِي بِالْوَلَايَةِ فَأَخَذَ النَّاسُ بِأَرْبَعٍ وَ تَرَكُوا هَذِي يَعْني الْوَلَايَةَ.

امام باقر علیه السلام فرمود: اسلام روی پنج پایه نهاده شده: نماز و زکاة و روزه و حج و ولایت. و بجیزی مانند ولایت فریاد زده نشد، مردم آن چهار را گرفتند و - این - یعنی ولایت - را رها کردند.

مصدر: الکافی ج ۲ ص ۱۸

دیگر منابع: الوافی ج ۴ ص ۸۸ / اثبات الهداة ج ۱ ص ۱۱۶ / وسائل الشیعة ج ۱ ص ۱۳

عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ جَمِيعاً عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةٍ أَشْيَاءَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ قَالَ زُرَّارَةُ فَقُلْتُ وَ أَيُّ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ أَفْضَلُ فَقَالَ الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهُنَّ وَ الْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِنَّ قُلْتُ ثُمَّ الَّذِي يَلِي ذَلِكَ فِي الْفَضْلِ فَقَالَ الصَّلَاةُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ الصَّلَاةُ عَمُودُ دِينِكُمْ قَالَ قُلْتُ ثُمَّ الَّذِي يَلِيهَا فِي الْفَضْلِ قَالَ الزَّكَاةُ لِأَنَّهَا قَرْنَتَاهَا وَ بَدَأَ بِالصَّلَاةِ قَبْلَهَا وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الزَّكَاةُ تَذْهَبُ الدُّنُوبَ قُلْتُ وَ الَّذِي يَلِيهَا فِي الْفَضْلِ قَالَ الْحَجُّ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: « وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ » ، - وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لِحَجَّةٍ مَقْبُولَةٍ خَيْرٌ مِنْ عَشْرِينَ صَلَاةً نَافِلَةً وَ مَنْ طَافَ بِهَذَا الْبَيْتِ طَوَافاً أَحْصَى فِيهِ أَسْبُوعَهُ وَ أَحْسَنَ رُكْعَتَيْهِ عَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ قَالَ فِي يَوْمِ عَرَفَةَ وَ يَوْمِ الْمَرْدَلَةِ مَا قَالَ قُلْتُ فَمَاذَا يَتَّبِعُهُ قَالَ الصَّوْمُ قُلْتُ وَ مَا بَالُ الصَّوْمِ صَارَ آخِرَ ذَلِكَ أَجْمَعَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الصَّوْمُ حَبَّةٌ مِنَ النَّارِ قَالَ قُلْتُ قَالَ إِنَّ أَفْضَلَ الْأَشْيَاءِ مَا إِذَا فَاتَكَ لَمْ تَكُنْ مِنْهُ تَوْبَةً دُونَ أَنْ تَرْجِعَ إِلَيْهِ فَتَوَدَّيْهِ بَعْنَهُ إِنَّ الصَّلَاةَ وَ الزَّكَاةَ وَ الْحَجَّ وَ الْوَلَايَةَ لَيْسَ يَتَّعُ شَيْءٌ مَكَانَهَا دُونَ آدَانِهَا وَ إِنَّ الصَّوْمَ إِذَا فَاتَكَ أَوْ صَفَرْتَ أَوْ سَافَرْتَ فِيهِ أَدَيْتَ مَكَانَهُ أَيَّاماً غَيْرَهَا وَ جَزَيْتَ ذَلِكَ الدَّنْبَ بِصَدَقَةٍ وَ لَا قَضَاءٍ عَلَيْكَ وَ لَيْسَ مِنْ تِلْكَ الْأَرْبَعَةِ شَيْءٌ يُجْزِيكَ مَكَانَهُ غَيْرُهُ قَالَ ثُمَّ قَالَ ذُرَّةُ الْأَمْرِ وَ سَنَامُهُ وَ مِفْتَاحُهُ وَ بَابُ الْأَشْيَاءِ وَ رِضَا التَّرْحَمَنِ الطَّاعَةَ لِلْإِمَامِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: « مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظاً » ، - أَمَا لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَ صَامَ نَهَارَهُ وَ تَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَ حَجَّ جَمِيعَ ذَهْرِهِ وَ لَمْ يَعْرِفْ وَ لَايَةَ وَلِيِّ اللَّهِ فَيُؤَلِّقُهَا وَ يَكُونُ جَمِيعَ أَعْمَالِهِ بِدَلَالَتِهِ إِلَيْهِ مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ جَلٌّ وَ عَزٌّ حَقٌّ فِي ثَوَابِهِ وَ لَا كَانَ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ ثُمَّ قَالَ أَوْلَيْكَ الْمُحْسِنُ مِنْهُمْ يُدْخِلُهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بِفَضْلِ رَحْمَتِهِ.

-زراره از امام باقر (علیه السلام) که فرمود: اسلام بر پنج چیز سازمان شده، بر نماز و زکاة و حج و روزه و ولایت. زراره گوید: گفتم: کدام اینها برتر است؟ فرمود: ولایت برتر است، زیرا کلید همه است، و والی، رهبر بدانها است، گفتم: سپس کدامشان برتری دارد؟ فرمود: نماز، به راستی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: نماز عمود دین شما است. گوید: گفتم: سپس کدام در برتری دنبال آن است؟ فرمود: زکاة، زیرا که خدا آن را قرین نماز کرده و پیش از نماز آورده و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: زکاة، گناهان را می برد، گفتم: آنکه در برتری آن است؟ فرمود: حج است، خدای عز و جل فرموده است (۹۷) سوره آل عمران: «و برای خدا است بر مردم حج خانه کعبه هر که را بدان راهی باشد و هر که کفر ورزد پس به راستی که خدا بی نیاز است از جهانیان» و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هم فرمود: هر آینه یک حجه مقبوله بهتر است از بیست نماز نافله و هر که بر این خانه کعبه طواف کند و هفت دورش را بشمارد و دو رکعت آن را خوب بخواند، خدایش بیامرزد و در روز عرفه و روز مشعر فرموده است آنچه را فرموده است، گفتم: دنبال آن چیست؟ فرمود: روزه، گفتم: چرا روزه در فضیلت، آخر همه است؟ فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده: روزه سپر آتش است. گوید: سپس فرمود: به راستی بهترین چیزها آن است که چون از دست تو رفت توبه و جبران ندارد که بدان باز گردی و خود آن را انجام دهی، به راستی نماز و زکاة و حج و ولایت چون از دست رفتند، چیزی به جای آنها واقع نشود جز ادای خود آنها و چون روزه از تو فوت شد یا در باره آن کوتاهی کردی یا در آن سفر کردی و افطار کردی در جای آن چند روز از غیر ماه رمضان روزه می داری و یا به جای روزه، کفاره می دهی و قضاء بر تو نیست و از این چهار تا هیچ کدام نیست که به جای آن چیز دیگری جز خود آن پذیرفته شود، سپس فرمود: فراز امر دین و بلندترین کار آن و کلید آن و در هر چیزی و خشنودی خدای رحمان طاعت امام است، پس از شناختن او، زیرا خدا عز و جل فرماید (۸۰) سوره نساء: «هر که از رسول اطاعت کند محققاً خدا را اطاعت کرده و هر که پشت دهد ما تو را نسبت به او نگهبان نفرستادیم» اما اگر مردی همه شب عبادت و هر روز روزه دارد و همه مالش را صدقه دهد و همه عمرش حج کند و ولایت ولی خدا را نداند تا پیرو او باشد و همه کارش به راهنمایی او باشد، او را بر خدا عز و جل حق ثوابی نیست و از اهل ایمان نباشد، سپس فرمود: آنان هر کدام خوش کردار باشند، خدا به فضل و رحمتش او را در بهشت در آورد.

مصدر: المحاسن ج ۱ ص ۲۸۶ / الکافی ج ۲ ص ۱۸

دقت و شرح قرار دهد. مثلاً حدود کبیر زکات چهار مورد است^{٤٠}. ابتدا باید نسبت به اقسام زکات معرفت پیدا کنیم که همان موارد نه گانه است. بنابراین اگر کسی فقط به این دو دسته روایات در مسجد خود ملتزم باشد، می تواند ذهن

دیگر منابع: الوافی ج ٤ ص ٨٩ / بحار الأنوار ج ٦٥ ص ٣٣٢

٤٠. ارجاع پژوهشی: بَيَانُ أَنْوَاعِ الْفُرُوقِ بِرَوَايَةِ ابْنِ قُوتَلُوْبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: حُدُودُ الْفُرُوقِ الَّتِي فَرَضَهَا اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ هِيَ خَمْسَةٌ مِنْ كِبَارِ الْفَرَائِضِ الصَّلَاةُ وَالزَّكَاةُ وَالْحَجُّ وَالصَّوْمُ وَالْوَلَايَةُ الْحَافِظَةُ لِهَذِهِ الْفَرَائِضِ الْأَرْبَعَةِ وَ هِيَ فَلَكَالِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ وَ جَمِيعِ أُمُورِ الدِّينِ وَالشَّرَائِعِ فَكِبَارُ حُدُودِ الصَّلَاةِ أَرْبَعَةٌ وَ هِيَ مَعْرِفَةُ الْوَقْتِ وَ مَعْرِفَةُ الْقِبْلَةِ وَ التَّوَجُّهُ إِلَيْهَا وَ الرَّكُوعُ وَ السُّجُودُ وَ لَهَا خَامِسَةٌ لَا تَبِيحُ الصَّلَاةَ وَ تَبَيُّهُ إِلَّا بِهَا وَ هِيَ الْوُضُوءُ عَلَى حُدُودِهِ الَّتِي فَرَضَهَا اللَّهُ وَ بَيَّنَّهَا فِي كِتَابِهِ وَ إِنَّمَا صَارَتْ هَذِهِ كِبَارُ حُدُودِ الصَّلَاةِ لِأَنَّهَا عَوَامٌّ فِي جَمِيعِ الْعَالَمِ مَعْرُوفَةٌ مَشْهُورَةٌ بِكُلِّ لِسَانٍ فِي الشَّرْقِ وَ الْعَرَبِ فَجَمِيعُ النَّاسِ الْعَاقِلِ وَ الْعَالِمِ وَ غَيْرِ الْعَالِمِ يَقْدُرُ عَلَى أَنْ يَتَعَلَّمَ هَذِهِ الْحُدُودَ الْكِبَارَ سَاعَةً تَحِبُّ عَلَيْهِ لِأَنَّهَا تَتَعَلَّمُ بِالرُّؤْيَةِ وَ الْإِشَارَةِ مِنْ ضَبْطِ الْوُضُوءِ وَ الْوَقْتِ وَ الْقِبْلَةِ وَ الرَّكُوعِ وَ السُّجُودِ لَا عُدْرَ لِأَحَدٍ فِي تَأْخِيرِ تَعْلِيمِ ذَلِكَ وَ سَائِرِ حُدُودِ الصَّلَاةِ وَ مَا فِيهَا مِنَ السُّنَنِ فَلَيْسَ كُلُّ أَحَدٍ يُحْسِنُ وَ يَتَّبِعُ لَهْ أَنْ يَتَعَلَّمَ مَا فِيهَا مِنَ السُّنَنِ مِنَ الْقِرَاءَةِ وَ الدُّعَاءِ وَ التَّسْبِيحِ وَ التَّسْتَهْدِ وَ الْأَذَانَ وَ الْإِقَامَةَ فَجَعَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى هَذِهِ كِبَارَ حُدُودِ الصَّلَاةِ لِعِلْمِهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يُؤَدُّوا جَمِيعَ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ فِي حَالَةٍ وَجُوبِهَا عَلَيْهِمْ وَ جَعَلَهَا فَرِيضَةً وَ جَعَلَ سَائِرَ مَا فِيهَا سُنَّةً وَاجِبَةً عَلَى مَنْ أَحْسَنَهَا وَ وَسَّعَ لِمَنْ لَمْ يُحْسِنَهَا فِي إِقَامَتِهَا حَتَّى يَتَعَلَّمَهَا لِأَنَّهَا تَصْعُبُ عَلَى الْأَعَاجِمِ خَاصَّةً لِغَلَّةِ ضَبْطِهِمْ الْعَرَبِيَّةَ وَ لِاخْتِلَافِ أَسْنَنِهِمْ وَ لَا عُدْرَ لَهُمْ فِي تَرْكِ التَّعْلِيمِ وَ مُجَاهَدَتِهِ وَ لَهُمْ الْعُدْرُ فِي إِقَامَتِهِ حَتَّى يَتَعَلَّمُوهُ وَ كِبَارُ حُدُودِ الزَّكَاةِ أَرْبَعَةٌ مَعْرِفَةُ الْقَدْرِ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِ فِيهِ الزَّكَاةُ وَ مَا الَّذِي يَجِبُ الزَّكَاةَ عَلَيْهِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ مَعْرِفَةُ الْوَقْتِ الَّذِي يَجِبُ فِيهِ الزَّكَاةُ وَ مَعْرِفَةُ الْعَدَدِ وَ الْقِيَمَةِ وَ مَعْرِفَةُ الْمَوْضِعِ الَّذِي تَوْضَعُ فِيهِ فَأَمَّا مَعْرِفَةُ الْعَدَدِ وَ الْقِيَمَةِ فَهِيَ أَنَّهُ يَجِبُ أَنْ يَعْلَمَ الْإِنْسَانُ كَيْمَ الْأَشْيَاءِ الَّتِي تَجِبُ الزَّكَاةُ عَلَيْهَا مِنَ الْأَمْوَالِ الَّتِي فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فِيهِ الزَّكَاةُ وَ هُوَ الذَّهَبُ وَ الْفِضَّةُ وَ الْحَنَظَةُ وَ الشَّعِيرُ وَ التَّمْرُ وَ الزَّرْبُوبُ وَ الْإِبِلُ وَ الْبَقَرُ وَ الْأَعْتَمُ فَهَذِهِ تِسْعَةُ أَشْيَاءٍ وَ لَيْسَ عَلَيْهِمْ فِيهَا سِوَى ذَلِكَ مِنْ أَمْوَالِهِمْ زَكَاةً وَ يَجِبُ أَنْ يَعْرِفُوا مِنْ ذَلِكَ مَا يَجِبُ مِنَ الْعَدَدِ وَ قَدْ بَيَّنَّ اللَّهُ ذَلِكَ وَ وَضَعَ لِمَعْرِفَةِ مَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ مِمَّا فَرَضَ عَلَيْهِمْ أَرْبَعَةَ أَشْيَاءٍ وَ هِيَ الْكَيْلُ وَ الْوِزْنُ وَ الْمِسَاحَةُ وَ الْعَدَدُ فَالْعَدَدُ فِي الْإِبِلِ وَ الْبَقَرِ وَ الْأَعْتَمِ وَ الْكَيْلُ فِي الْحَنَظَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ الزَّرْبُوبِ وَ التَّمْرِ وَ الْوِزْنُ فِي الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ فَإِذَا عَرَفَ الْإِنْسَانُ هَذِهِ الْأَشْيَاءَ كَانَ مُؤَدِّياً لِلزَّكَاةِ عَلَى مَا فَرَضَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَيْهِ فَإِنْ لَمْ يَعْرِفْ ذَلِكَ لَمْ يُحْسِنِ أَنْ يُؤَدِّيَ هَذِهِ الْفَرَائِضَ ثُمَّ يَحْتَاجُ بَعْدَ ذَلِكَ أَنْ يَعْرِفَ الْمَوْضِعَ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يَضَعَ فِيهِ زَكَاةً فَيَضَعُهَا فِيهِ وَ إِلَّا لَمْ يَكُنْ مُؤَدِّياً لِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَ لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ فَهَذِهِ كِبَارُ حُدُودِ الزَّكَاةِ وَ كِبَارُ حُدُودِ الْحَجِّ أَرْبَعَةٌ فَأَوَّلُ ذَلِكَ الْإِعْرَاضُ مِنَ الْوَقْتِ الْمَوْقُوتِ لَا يَتَقَدَّمُ عَلَى ذَلِكَ وَ لَا يَتَأَخَّرُ عَنْهُ إِلَّا لِعِلَّةٍ وَ الطَّوَافُ بِالْبَيْتِ وَ السَّعْيُ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ الْوُقُوفُ بِالْمَوْقِفَيْنِ عَرَفَةَ وَ الْمُرَدَلَةَ وَ هِيَ الْمَشْعَرُ الْحَرَامُ فَهَذِهِ كِبَارُ حُدُودِ الْحَجِّ وَ عَلَيْهِ بَعْدَ أَنْ يَتَعَلَّمَ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ فِي عُمْرَتِهِ وَ حَجَّجَهُ وَ مَا يَلْزَمُ مِنْ دَبْحٍ وَ حَلْقٍ وَ تَقْصِيرٍ وَ رَمِي الْجِمَارِ حَتَّى يُؤَدِّيَ ذَلِكَ كَمَا يَجِبُ وَ كَمَا سَنَّهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ كِبَارُ حُدُودِ الصَّوْمِ وَ عَلَيْهِ بَعْدَ أَنْ يَتَعَلَّمَ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ فِي عُمْرَتِهِ وَ حَجَّجَهُ وَ مَا يَلْزَمُ مِنْ دَبْحٍ وَ حَلْقٍ وَ الْإِزْتِمَاسِ فِي الْمَاءِ فَهَذِهِ كِبَارُ حُدُودِ الصَّوْمِ وَ عَلَيْهِ بَعْدَ ذَلِكَ أَنْ يَجْتَنِبَ الْقِيءَ مُتَعَمِّداً وَ الْكُدْبَ وَ قَوْلَ الزُّورِ وَ إِشَادَةَ الشَّعْرِ وَ غَيْرَ ذَلِكَ مِمَّا قَدْ نَهَى عَنْهُ وَ جَاءَ بِهِ الْخَبَرُ مِمَّا سَنَّهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَمَرَ بِهِ وَ كِبَارُ حُدُودِ الْوُضُوءِ لِلصَّلَاةِ أَرْبَعَةٌ وَ هِيَ غَسْلُ الْوَجْهِ وَ الْيَدَيْنِ إِلَى الْمَرَافِقِ وَ الْمَسْحُ عَلَى الرَّأْسِ وَ الْمَسْحُ عَلَى الرَّجْلَيْنِ إِلَى الْكَعْبَيْنِ كَمَا أَمَرَ اللَّهُ وَ سَائِرُ ذَلِكَ سُنَّةٌ وَ كِبَارُ حُدُودِ وَلايَةِ الْإِمَامِ الْمَفْرُوضِ الطَّاعَةِ أَنْ يَعْلَمَ أَنَّهُ مَعْصُومٌ مِنَ الْخَطَاةِ وَ الزُّلْمِ وَ الْعَمْدِ وَ مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا صَغِيرِهَا وَ كَبِيرِهَا لَا يَبْرَأُ وَ لَا يَخْطَأُ وَ لَا يَلْهُو بِشَيْءٍ مِنَ الْأُمُورِ الْمُؤَبَّقَةِ لِلدِّينِ وَ لَا بِشَيْءٍ مِنَ الْمَلَاهِي وَ أَنَّهُ أَعْلَمُ النَّاسِ بِحِلَالِ اللَّهِ وَ حَرَامِهِ وَ فَرَائِضِهِ وَ سُنَنِهِ وَ أَحْكَامِهِ مُسْتَعْنٍ عَنْ جَمِيعِ الْعَالَمِ وَ غَيْرِهِ مُحْتَاجٌ إِلَيْهِ وَ أَنَّهُ أَسْحَى النَّاسِ وَ أَسْجَعُ النَّاسِ وَ الْعِلَّةُ فِي وَجُوبِ الْعِصْمَةِ أَنَّهُ إِنْ لَمْ يَكُنْ مَعْصُوماً لَمْ يُؤْمَرْ مِنْهُ أَنْ يَدْخُلَ فِي بَعْضِ مَا يَدْخُلُ فِيهِ النَّاسُ مِنْ إِزْتِكَابِ الْمَحَارِمِ بِغَلْبَةِ الشَّهَوَاتِ فَإِذَا دَخَلَ فِي شَيْءٍ مِنَ الذُّنُوبِ إِحْتَاجٌ إِلَى مَنْ يُقِيمُ عَلَيْهِ الْحُدُودَ الَّتِي فَرَضَهَا اللَّهُ وَ لَا يَجُوزُ أَنْ يَكُونَ إِمَاماً عَلَى النَّاسِ مُؤَدِّياً لَهُمْ مَنْ يَكُونُ بِهِدِهِ الصَّفَةِ مِنْ إِزْتِكَابِ الذُّنُوبِ وَ الْعِلَّةُ فِي أَنْ يَكُونَ أَعْلَمُ النَّاسِ أَنَّهُ إِنْ لَمْ يَكُنْ عَالِماً بِجَمِيعِ الْحِلَالِ وَ الْحَرَامِ وَ فُنُونِ الْعُلُومِ الَّتِي يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهَا فِي أُمُورِ دِينِهِمْ وَ دُنْيَاهُمْ لَمْ يُؤْمَرْ مِنْهُ أَنْ يَقْلِبَ شَرَائِعَ اللَّهِ وَ أَحْكَامَهُ وَ حُدُودَهُ فَيَقْطَعُ مَنْ لَا يَجِبُ عَلَيْهِ الْقَطْعُ وَ يَقْتُلُ وَ يَضِلُّ السَّارِقَ وَ يَحْدُّ وَ يَضْرِبُ الْمُحَارِبَ وَ الْعِلَّةُ فِي أَنَّهُ يَجِبُ أَنْ يَكُونَ أَسْحَى النَّاسِ أَنَّهُ حَارِزُ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُؤْتَمَنُ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَ فَيْئِهِمْ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ سَخِيحاً تَأَقَّتْ نَفْسُهُ إِلَى أَمْوَالِهِمْ فَأَخَذَهَا وَ الْعِلَّةُ فِي أَنَّهُ يَجِبُ أَنْ يَكُونَ أَسْحَى النَّاسِ لِأَنَّهُ فِتْنَةُ الْمُسْلِمِينَ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ فِي الْخُرُوبِ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ أَسْحَعَهُمْ لَمْ يُؤْمَرْ مِنْهُ أَنْ يَهْرَبَ وَ يَفِرَّ مِنَ الرَّحْفِ وَ يُسَلِّمَهُمْ لِلْقَتْلِ وَ الْعَطْبِ فَيَبُوءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ: وَ مَنْ يُؤَلِّمُ يَوْمَئِذٍ ذُرَّةً إِلَّا مُحَرَّفًا لِلْفِتْنِ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَى فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ فَلَا يَجُوزُ أَنْ يَفِرَّ مِنَ الْحَرْبِ وَ يَبُوءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَ جَعَلَ اللَّهُ جَلَّ وَ عَزَّ لِهَذِهِ الْفَرَائِضِ الْأَرْبَعِ دَلَالَتَيْنِ وَ هُمَا أَكْبَرُ الدَّلَائِلِ فِي السَّمَاءِ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ فَدَلَالَةُ الصَّلَاةِ الَّتِي هِيَ أَكْبَرُ هَذِهِ الْأَرْبَعَةِ وَ هِيَ عَمُودُ الدِّينِ وَ هِيَ أَشْرَفُهَا وَ أَجْلَهَا الشَّمْسُ يَقُولُ اللَّهُ جَلَّ وَ عَزَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذَلِكِ الشَّمْسُ إِلَى عَسَقِ اللَّيْلِ وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ إِنْ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مُشْهُوداً فَلَا تُعْرَفُ مَوَاقِيتُ الصَّلَاةِ إِلَّا بِالشَّمْسِ أَوْ لَهَا الرُّوَالُ عَنْ كِبِدِ السَّمَاءِ وَ هُوَ وَقْتُ الظُّهْرِ ثُمَّ الْعَصْرُ بَعْدَهَا وَ دَلِيلُهَا مَا تَقَدَّمَ مِنَ الرُّوَالِ وَ الْمَغْرِبُ إِذَا سَقَطَ الْفُرُوضُ وَ هُوَ مِنَ الشَّمْسِ وَ الْعِشَاءُ الْآخِرَةُ إِذَا ذَهَبَ الشَّمْسُ وَ هُوَ مِنَ الشَّمْسِ وَ صَلَاةُ الْفَجْرِ إِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ وَ هُوَ مِنَ الشَّمْسِ وَ جَعَلَ عَزَّ وَ جَلَّ دَلَالَةَ الزَّكَاةِ مُشْتَرَكَةً بَيْنَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ فَإِذَا حَالَ الْحَوْلُ وَ جَبَّتِ الزَّكَاةُ وَ جَعَلَ دَلَالَةَ الْحَجِّ وَ الصَّوْمِ الْقَمَرَ لَا تُعْرَفُ هَاتَانِ الْفَرِيضَتَانِ إِلَّا بِالْقَمَرِ لِقَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَ الْحَجُّ وَ قَوْلُهُ جَلَّ وَ عَزَّ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ

مکلف و مخاطب خود را، هم به صورت عرضی و هم طولی منظم کند و او را از این دنیای پر آشوب مدرنیته عبور دهد. آشوبها و مشکلاتی که منشا همه آنها تئوری های غلط و ناقص است^{۴۱}. این جمع بندی شده مباحث شش جلسه گذشته بود که محضر شما بازخوانی کردم.

الْفُرَّانُ هُدًى لِلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَ الْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ فَمَنْ قَرَضَ الْحَجَّ وَ الصَّوْمَ لَا يَعْرِفُ إِلَّا بِالشُّهُورِ وَ الشُّهُورُ لَا تُعْرَفُ إِلَّا بِالْقَمَرِ دُونَ الشَّمْسِ.

تَفْسِيرُ التَّعْمَانِيَّةِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: أَمَا مَا فَرَضَهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ فِي كِتَابِهِ فَدَعَانِمُ الْإِسْلَامِ وَ هِيَ خُمْسٌ دَعَانِمُ وَ عَلَىٰ هَذِهِ الْفَرَائِضِ الْخُمْسِ بَنِيَ الْإِسْلَامَ فَجَعَلَ سُبْحَانَهُ لِكُلِّ فَرِيضَةٍ مِّنْ هَذِهِ الْفَرَائِضِ أَرْبَعَةَ حُدُودٍ لَا يَسَعُ أَحَدًا جَهْلُهَا أَوْ لَهَا الصَّلَاةُ ثُمَّ الزَّكَاةُ ثُمَّ الصِّيَامُ ثُمَّ الْحَجُّ ثُمَّ الْوَلَايَةُ وَ هِيَ حَاتِمَتُهَا وَ الْجَامِعَةُ لِجَمِيعِ الْفَرَائِضِ وَ السَّنَنُ فَحُدُودُ الصَّلَاةِ أَرْبَعَةٌ مَعْرِفَةُ الْوَقْتِ ثُمَّ ذَكَرَ نَحْوًا مِمَّا مَرَّ بِتَغْيِيرٍ مَا إِلَىٰ آخِرِ الْخَبَرِ.

بحار الأنوار ج ۶۵ ص ۳۸۷

^{۴۱}. ارجاع پرورشی: دیگران از اشیاء مصداق دانش کم است!

شارع دارای الگوی خاصی در توصیف اشیاء است و الگوهای دیگران (الگوهای ناقص پوزیتیویستی و فلسفی) در توصیف اشیاء را مصداق دانش کم می داند. دانش کم منشاء پیدایش نالی فاسد است. توصیف های شارع از اشیاء علمی است. (وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ - حدید ۳)

حجت الاسلام علی کشوری - مقایسه توصیف های شارع از اشیاء با توصیف های دیگران از اشیاء - شنبه ۱۱ شهریور ۱۴۰۲

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5573>

۲. ساختار خدمات نه گانه یک مسجد تمدنی چگونه است؟

از اینجا به بعد وارد پرسش سوم می شویم. حال با توجه به این مفاهیم پایه، یک مسجد باید چند نوع خدمت ارائه بدهد؟ در این قسمت بحث را جمع بندی شده مطرح می کنیم. بر مبنای مراجعات و تتبعات خودمان در آیات و روایات می گوئیم: یک مسجد باید نه نوع خدمت ارائه بدهد. ممکن است پیرسید منشا این عدد چیست و از کجا آمده است؟ مثلاً چرا ده نوع خدمت نباشد؟ قبل از ورود به این مناقشه و پاسخگویی به این اشکال باید عرض کنم که خدمات نه گانه ای که ما به دست آورده ایم به این ترتیب است: ۱. خدمات مربوط به مدیریت و امامت^{۴۲}. ۲. خدمات

^{۴۲}. ارجاع پرورشی: فقه الامام چه می گوید؟!

مهمترین زیرساخت هدایت و پیشرفت، تبیین الگوی صحیح مدیریت در یک جامعه است. در باب متعالی فقه الامام به این مسئله پرداخته ایم. اثر مسئله امامت بر نظام سازی و اداره جامعه را تبیین و تئوریزه کرده ایم. در مباحث مربوط به امامت، نباید فقط به اثبات مسئله امامت حقه اکتفاء نمائیم و لازم است تا به کارکردهای دیگر امامت هم بپردازیم. برخی از مهمترین مباحث فقه الامام به شرح زیر است:

- ۱- شرح فقهی تسییحات اربعه و تأثیر آن بر نظام سازی
- ۲- شرح فقهی تقسیمات مختلف اسماء الهی - به عنوان خدمات الهی به انسان و مخلوقات - و تأثیر آن بر نظام سازی
- ۳- شرح فقهی اقسام صلوات و چرایی تنوع صلوات و اثر آن بر نظام سازی
- ۴- شرح فقهی مفهوم امان - به عنوان ویژگی اصلی ۱۴ معصوم - و اثر آن بر نظام سازی
- ۵- شرح فقهی مفاهیم پایه امامت و مدیریت جوامع (تزکیه، علم، مکاسب، نظم، عبرت، فرقان، نفی سبیل و بیان)

معاونت پژوهش مدرسه هدایت - شنبه ۱۸ آذر ۱۴۰۲

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5953>

برای مطالعه شرح کامل زیرساخت های هدایت به پیوست شماره شش مراجعه فرمایید.

مربوط به پاکسازی و تزکیه^{۴۳} ۳. خدمات مربوط به علم و آموزش^{۴۴} ۴. خدمات مربوط به مکاسب و مسائل اقتصادی^{۴۵}.

۴۳. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره آل عمران آیه ۱۶۴: لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ.

یقیناً خدا بر مؤمنان منت نهاد که در میان آنان پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنان می خواند و [از آلودگی های فکری و روحی] پاکشان می کند، و کتاب و حکمت به آنان می آموزد، و به راستی که آنان پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

قرآن کریم سوره مائده آیه ۶: مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ.
خدا نمی خواهد بر شما تنگ بگیرد لیکن می خواهد شما را پاک و نعمتش را بر شما تمام گرداند باشد که سپاس [او] بدارید.

۴۴. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْأَعْمَانِ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَمْضُونَ النَّمَادَ وَيَدْعُونَ النَّهْرَ الْعَظِيمَ قَبْلَ لَهْ وَ مَا النَّهْرُ الْعَظِيمُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ الْعِلْمُ الَّذِي أَعْطَاهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَمَعَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ سُنَنَ النَّبِيِّينَ مِنْ آدَمَ وَ هَلَّمَ جَزْأً إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَبْلَ لَهْ وَ مَا تِلْكَ السُّنَنُ قَالَ عَلِمَ النَّبِيُّينَ بِأَسْرِهِ وَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ صَبَّرَ ذَلِكَ كُلَّهُ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ أَعْلَمَ أَمْ بَعْضُ النَّبِيِّينَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِسْمَعُوا مَا يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ يَفْتَحُ مَسَامِعَ مَنْ يَشَاءُ إِنِّي حَدَّثْتُ أَنَّ اللَّهَ جَمَعَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عِلْمَ النَّبِيِّينَ وَ أَنَّهُ جَمَعَ ذَلِكَ كُلَّهُ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ يَسْأَلُنِي أَمْ هُوَ أَعْلَمُ أَمْ بَعْضُ النَّبِيِّينَ.

-امام باقر (علیه السلام) می فرمود: (این مردم) نم را می مکند و نهر بزرگ را از دست می نهند، به او عرض شد: نهر بزرگ کدام است؟ فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و علمی که خدا به او داده است، خدای عز و جل سنت پیغمبران را از آدم (علیه السلام) تا محمد (صلی الله علیه و آله) برای آن حضرت گرد آورد، به او عرض شد: این سنت ها چه بود؟ فرمود: علم و دانش همه پیغمبران یک جا، و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آن را به علی (علیه السلام) منتقل کرد، مردی به او گفت: یا ابن رسول الله، امیر المؤمنین (علیه السلام) دانانتر بود یا یکی از پیغمبران؟ امام باقر (علیه السلام) فرمود: بشنوید این مرد چه می گوید، خدا گوش هر که را خواهد باز کند، من به او گفتم که: خدا علم همه پیغمبران را برای محمد (صلی الله علیه و آله) جمع کرد و او هم همه را نزد علی (علیه السلام) جمع کرد و به او تحویل داد و او باز هم از من می پرسد، علی دانانتر است یا یکی از پیغمبران؟!.

مصدر: الکافی ج ۱ ص ۲۲۲

دیگر منابع: الوافی ج ۳ ص ۵۵۱ / تفسیر نور الثقلین ج ۱ ص ۴۷۰ / تفسیر کنز الدقائق ج ۳ ص ۳۸۲

برای مطالعه بیشتر درباره ی مرجعیت علمی قرآن و اهل بیت علیهم السلام به پیوست شماره هفت مراجعه فرمایید.

۴۵. ارجاع پژوهشی: اقتصاد را در قم پیاموزید!

مطالعه وضعیت اقتصاد یک کشور و روش های بهبود وضعیت اقتصادی و حرکت به سمت مردمی شدن واقعی اقتصاد و مواجهه منطقی با دخالت دولت بخش خصوصی و بخش دولتی در حوزه اقتصاد را از طریق مباحثه، ترویج و اجرای مفاهیم هفتگانه زیر دنبال می کنیم: (سرفصل های مکاسب مقدماتی):
مفهوم اول: معرفی اصول نه گانه روش تحقیق پیشرفته فقهی در حوزه اقتصاد و شناخت مفهوم سود ارتباطی و تاثیرات آن بر سود اقتصادی و آشنایی با مفاهیم وابسته مانند: مفهوم برکت، مفهوم رزق، مفهوم کنز، منع شدید تقویت کافر و منافق از طریق تجارت و...

مفهوم دوم: تلاش برای ترویج مشاغل مرتبط با تولید غذا و لباس در میان مردم + تبیین جدول ۵ شغل برتر از نظر دانش انبیاء (بهبود وضعیت اقتصادی و غیر اقتصادی یک کشور به صورت مستقیم با انتخاب مشاغل برتر در یک جامعه مرتبط است).

مفهوم سوم: تمرکز زدایی از بخش تولید یک کشور و رواج تولیدات خانگی و محله ای سالم مبتنی بر جدول طبیات + تبیین ادله پنج گانه مزیت تولید غیر متمرکز بر تولید متمرکز (تولید غیر متمرکز و کاهش طول زنجیره تولید تا مصرف شاخصی مهم برای ارزیابی بهبود وضعیت اقتصاد است).

مفهوم چهارم: عمومی شدن تجارت با ابزار پیشرفته ساخت گسترده بازارهای موقت + تبیین مختصات پنج بخشی بازار در اسلام (به هر میزان مردم بیشتری در بخش تجارت فعال باشند؛ خواص پنج گانه تجارت بیشتر تحقق می یابد و جامعه پیشرفته تر می شود)

مفهوم پنجم: تنظیم ساختار تبادل در کشور و حذف نهادهای مداخله گر در تبادل مانند بانک + تبیین اصول سه گانه تنظیم تبادل شامل: عقود تبادل، تسعیر اختیاری در تبادل و اخذ پول حقیقی در تبادل (تحقق اصول سه گانه تبادل از شاخصه های یک جامعه پیشرفته محسوب می شود)

۵. خدمات مربوط به فرقان^{۴۶} و شاخصه های ارزیابی.

مفهوم ششم: تأمین مالی متعدد و تخصصی + تبیین روش های مطلوب و نامطلوب تأمین مالی از نگاه کاربردی و پیشرفته انبیاء + جدول هفت بخشی تأمین مالی در اسلام (تأمین مالی بسیط و متمرکز به افزایش بار مالی نهاد تأمین کننده و بالتبع تأمین مالی محدود و حداقلی می انجامد و علامتی بزرگ برای پسرفت یک جامعه محسوب می شود)

مفهوم هفتم: شناسایی و توجه برنامه ای به موضوعات غیر اقتصادی بسیار مؤثر بر اقتصاد + آشنایی با تأثیرات علوم دیگر بر علم اقتصاد (تزکیه و اقتصاد، امامت و اقتصاد، نفی سبیل و اقتصاد، نظم و اقتصاد، عبرت های اقتصادی و ...)

حجت الاسلام علی کشوری - تبیین سرفصل های ۷ گانه دانش اقتصاد اسلامی - یکشنبه ۱۹ شهریور ۱۴۰۲ - قم مبارک

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5586>

^{۴۶}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره انفال آیه ۲۹: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ. ای اهل ایمان! اگر [در همه امورتان] از خدا پروا کنید، برای شما [بینایی و بصیرتی ویژه] برای تشخیص حق از باطل قرار می دهد، و گناهانتان را محو می کند، و شما را می آموزد؛ و خدا دارای فضل بزرگ است.

ارزیابی و ساخت عینیت را با دو فهرست فقهی پی گیری می کنیم!

برای ارزیابی و ساخت عینیت، مفاهیم پایه توسعه پایدار و مفاهیم پوزیتیویستی را مبنای عمل قرار نداده ایم. (دلایل مخالفت با مفاهیم پوزیتیویستی: به کارگیری مفاهیم پوزیتیویستی به ایجاد ۱- چالش های زیست محیطی شدید، ۲- کاهش سطح سلامت، ۳- گسترش فاصله طبقاتی و له شدن طبقه مستضعف، ۴- ایجاد جنگ های پی درپی و اصطکاک شدید در روابط انسانی و ۵- شناخت حداقلی از خداوند - به عنوان راه حل - انجامیده است. برای ارائه ارزیابی صحیح و ساخت عینیت ۲ فهرست فقهی را به نخبگان و مدیران منطقه جغرافیایی ظهور - خصوصاً جمهوری اسلامی - پیشنهاد می کنیم:

فهرست اول نظام سازی: در فهرست اول نظام سازی، ارزیابی و ساخت عینیت را به محوریت ۹ دسته مفهوم در حوزه های ۱- فقه الامام، ۲- فقه العلم، ۳- فقه المکاسب، ۴- فقه البیان، ۵- فقه النظم، ۶- فقه العبرة، ۷- فقه التزکیة، ۸- فقه الفرقان و ۹- فقه نفی سبیل، پی گیری می کنیم. این فهرست فقهی شامل ۴۰۰ نظریه فقهی در حوزه های مختلف زندگی محسوب می شود. (برای آشنایی با این نظریات به نمایشگاه تخصصی الگوی پیشرفت اسلامی رجوع شود)

فهرست تکاملی نظام سازی: در فهرست تکاملی نظام سازی، ارزیابی و ساخت عینیت را به محوریت دانش های جامع شارع در حوزه های ۱- فقه الصلاة، ۲- فقه الزکاة، ۳- فقه الحج، ۴- فقه الصوم و ۵- فقه الولاية، پی گیری می کنیم. تبویب دانش های پنج گانه فوق الذکر را بر اساس قواعد اصولی فقه البیان انجام می دهیم. (فهم و اجرای حدود کبار دانش های پنج گانه شارع به حل همه مسائل در حوزه های اقتصادی، تربیتی، سلامت، سیاسی و ... می انجامد.)

ارزیابی پیشرفت ها و چالش های جمهوری اسلامی را بر اساس مفاهیم رایج جهانی و اسناد بین المللی غلط می دانیم و دائماً در حال تصمیم سازی بر اساس مفاهیم پیشرفته وحی برای حل مشکلات مردم هستیم (به فضل الهی)

حجت الاسلام علی کشوری - ارائه گزارش از مفاهیم و نظریات مطرح در نمایشگاه تخصصی الگوی پیشرفت اسلامی / ۲۱ شهریور ۱۴۰۲ - قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5592>

۶. خدمات مربوط به بیان و تبلیغات^{۴۷} ۷. خدمات مربوط به نظم، قانون و نظام بخشی به جامعه^{۴۸}

^{۴۷}. ارجاع پرورشی: پرسش های اصلی فقه البیان (فقه البیان به زبان ساده)

قواعد اصولی فقه البیان چهار پرسش اصلی و جواب های مرتبط با آن را در ذهن طلاب و فضلاء تثبیت می کند. آشنایی با این پرسش های مهم، زمینه ساز دستیابی به فقاهتی کاملتر از فقاهت محدود به کشف معذر و منجز خواهد بود. (به فضل الهی)

پرسش اول فقه البیان: ویژگی های بیان شارع کدام است؟ (خلاصه جواب: در مقدمه فقه البیان به وسیله بازخوانی دقیق اصطلاحاتی مانند: علم الکتاب، سنت، حوائج الناس، کتاب المبین، وحی، علم صحیح، ظن، احکام، امثال، خزان العلم، نور، شیء و... ویژگی های بیان شارع را با طلبه تفاهم می نمایم و تفاوت بیان بهجت آفرین شارع با بیان های عرفی و تخصصی را شرح می دهیم.

پرسش دوم فقه البیان: نقطه آغازین برای فهم بیان شارع کدام است؟ (خلاصه جواب: نقطه آغاز فهم بیان شارع را توسعه تفکر و تأمل در طلبه می دانیم و در چهار محور ۱- تفصیل، ۲- ساخت، ۳- مدارا و ۴- زیرساخت به توسعه تأمل در بیان شارع کمک می کنیم. شارع با اصطلاح شرح صدر، وضعیت مطلوب تفکر و تفقه را تعیین کرده است و در مقابل با اصطلاح صدر ضیغ و قلوب قاسیه و... وضعیت عدم آمادگی انسان برای دریافت معارف الهی را برای ما توصیف کرده است.)

پرسش سوم فقه البیان: پاسخ های شارع به سؤالات مردم چند بعدی است؟ (خلاصه جواب: شارع حکیم و رحیم به سؤالات مرتبط با حوائج الناس پاسخ های بسیط و تک بعدی نمی دهد. پاسخ های اجمالی و تفصیلی شارع دارای ابعاد مختلفی هستند. اصطلاحاتی مانند: تنزیل، تأویل، ظاهر، باطن، ثبت، جزء، تمام، تقیه و... هر کدام به نوعی بر چند بعدی بودن بیان شارع تأکید دارند. قالب اولیه تجمیع جواب ظاهری شارع را در قاعده اصولی بیان مبتنی بر مکث شرح داده ایم.)

پرسش چهارم فقه البیان: مراحل تبویب پاسخ های تفصیلی شارع به سؤالات مردم کدام است؟ (خلاصه جواب: شارع محترم حداقل در شش مسیر ۱- مقایسه، ۲- رفق، ۳- منزلت، ۴- انفتاح، ۵- سیاق و ۶- کمیت به تفصیل بیان اجمالی خود می پردازد. تشریح و تفصیل بیان شارع شش مسیر مشخص در فقه البیان دارد و خروجی آن کشف عقلانیت پیشرفته شارع برای طلبه فقیه است! به عبارت دیگر: صور عام عقلانیت در فقه البیان، شش مسیر دارد.)

حجت الاسلام علی کشوری - تبیین پرسش های اصلی فقه البیان - پنجشنبه ۴ آبان ۱۴۰۲ - قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4>

برای مطالعه بیشتر درباره خبر و خبرنگاری به پیوست شماره هشت مراجعه فرمایید.

^{۴۸}. ارجاع پرورشی: فقه النظم چه می گوید؟!

مدرسه فقهی هدایت، ایجاد نظم را به محوریت زمان و مکان و کمیت توزیعه کرده است. بر اساس این نگاه فقهی تبیین صحیح زمان های شارع برای انجام امور مختلف + معرفی مکانهای شارع برای امور مختلف در کنار تبیین کمیت های شارع برای امور مختلف، زیرساخت ایجاد نظم در جامعه است. به عبارت دیگر: نظم آفرینی به معنای مواظب بر پایه رعایت بر زمان و مکان و کمیت محقق می گردد. فهرست مطالب اصلی فقه النظم (حد کبار وقت) به شرح زیر است:

۱- معرفی زمان های اصلی برای تنظیم امور در بیان شارع محترم

۲- معرفی امور اصلی انسان و زمان مورد نیاز برای هر کدام در بیان شارع محترم

۳- معرفی مکان های اصلی زندگی در بیان شارع محترم

۴- معرفی مقادیر، کمیت ها و کیل های اصلی در بیان شارع محترم

معاونت پژوهش مدرسه هدایت - جمعه انتظار ۱۷ آذر ۱۴۰۲

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4>

۸. خدمات مربوط به عبرت و میراث فرهنگی^{۴۹} و نهایتاً ۹. خدمات مربوط به نفی سبیل و امنیت^{۵۰}. بنابراین پاسخ پرسش دوم به صورت خلاصه همین‌نُه محور است. شما می‌گویید مسجد تمدنی یعنی مسجدی که امامش تنها به دنبال پیش نماز بودن نیست. البته پیشنهادی به معنای رایج و گرنه امام جماعت، یعنی امامت بر همه این مفاهیم.

^{۴۹}. ارجاع پرورشی: فقه العبرة چه می‌گوید؟!

مدرسه فقهی هدایت، یکی از زیرساخت‌های هدایت و پیشرفت را قدرت عبرت آفرینی در افراد می‌داند. استفاده بهینه از ابزارهای فقهی عبرت آفرینی، به کاهش جرائم در جامعه و افزایش قدرت پیشگیری از جرم ختم می‌شود. ابزارهای عبرت آفرینی به شرح زیر در فقه العبرة تئوریزه شده است:

۱- عبرت آفرینی و احسن القصص (روایت صحیح تاریخ)

۲- عبرت آفرینی و جانمایی صحیح قبرستان

۳- عبرت آفرینی و رعایت اصول کامل احتضار، تغسیل، تشییع، تدفین و مراسم ختم

۴- عبرت آفرینی و بازدید از میراث فرهنگی و آثار گذشتگان (احیای عبرت‌کنده‌ها)

۵- عبرت آفرینی و اجرای کامل حدود و تعزیرات و دیات

۶- عبرت آفرینی و قتال با کفار حربی

۷- عبرت آفرینی و فصول ۴ گانه

۸- عبرت آفرینی و آداب تخلی و استحمام

۹- عبرت آفرینی و ملاقات بیمار

۱۰- عبرت آفرینی و تعبیر صحیح رؤیا و خواب

۱۱- عبرت آفرینی و معاد باوری

معاونت پژوهش مدرسه هدایت - چهارشنبه ۱۵ آذر ۱۴۰۲

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیام‌رسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4>

^{۵۰}. ارجاع پرورشی: فقه نفی سبیل چه می‌گوید؟!

یکی از مهمترین زیرساخت‌های هدایت و پیشرفت، تبیین صحیح مسئله امنیت و نفی سبیل است. نفی سبیل و سلطه دشمن، سپر و مدافع همه زیرساخت‌های دیگر پیشرفت است و نباید از آن غفلت کرد. در فقه موجود، قاعده‌ای تحت عنوان نفی سبیل وجود دارد؛ که مبنای بسیاری از فتوای نجات بخش فقهاء در برابر هجوم‌های نرم و سخت دول متخاصم است. در مدرسه فقهی هدایت با تجمیع همه مسائل مؤثر بر مسئله نفی سبیل، به تبویب باب فقهی نفی سبیل رسیده ایم. برخی از سرفصل‌های فقه نفی سبیل به شرح زیر است:

۱- مفهوم پایه امنیت و نفی سبیل در بیان شارع محترم (روابط انسانی در حوزه‌های ۱۳ گانه)

۲- ارتباط اوصاف قلبی با مفهوم پایه نفی سبیل در بیان شارع محترم (ایمان، کفر و نفاق)

۳- زیرساخت‌های اصلی ایجاد وصف ایمان در قلوب در بیان شارع محترم

۴- زیرساخت‌های اصلی ایجاد وصف نفاق در قلوب در بیان شارع محترم

۵- زیرساخت‌های اصلی ایجاد وصف کفر در قلوب در بیان شارع محترم

۶- مفهوم امنیت مردم پایه و زیرساخت‌های نه‌گانه تحقق آن در بیان شارع محترم

۷- وضعیت امنیت مردم دنیا در آخرالزمان در بیان شارع محترم

۸- وضعیت امنیت مردم دنیا در دوران ظهور در بیان شارع محترم

معاونت پژوهش مدرسه هدایت - شنبه ۱۸ آذر ۱۴۰۲

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیام‌رسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4>

۲/۱. مسجد تمدنی کاربری های نه گانه دارد و نه صرفاً کارکردهای آموزشی فرهنگی

چنین امامی که می خواهد مدیریت محله را به عهده بگیرد باید نه نوع خدمت ارائه دهد. این خلاصه سوال و جواب مهمی است که باید به آن پردازیم. یعنی فرض بفرمایید بنیاد هدایت^{۵۱} بخواهد امامان جمعه و جماعت را پشتیبانی کند، باید بر این نه عرصه تمرکز و برای آن ها راه حل ارائه بدهد. یا مثلاً امام جماعتی که برای مسجد خودش برنامه ریزی می کند، دیگر نباید تصور کند که مسجد یک ساختار فرهنگی اجتماعی صرف است. من چند وقت پیش به جلسه ای دعوت شدم که در آن نقشه یک مسجد در حال ساخت را بررسی می کردند. امامان و امنای مسجد داشتند توضیح می دادند که در این مسجد چه کاربری های وجود دارد. همه کاربری هایی که شرح می دادند فرهنگی و آموزشی بود. معلوم بود که درک عزیزان بر مبنای این است که مسجد صرفاً یک ساختار فرهنگی آموزشی است. مثلاً می گفتند در مسجد کلاس درس طراحی کرده ایم. یعنی مسجد را محل آموزش قرار داده ایم. کارکردهایی که تعریف می کردند همین [قدر ناقص] بود. بعضی از مساجد پیشرفته تر هستند به طوری که در برخی مساجد، کارکردهای محرومیت زدایی^{۵۲} و خدمات اجتماعی هم طراحی شده است. این مساجد شاید مقداری از دیگر مساجد بهتر باشد.

^{۵۱}. ارجاع پردازشی: بنیاد هدایت موسسه ای خصوصی، چند منظوره و فرهنگی است. رییس سازمان تبلیغات کشور، رییس هیات امناء این مجموعه است که حمایت از فعالیتهای آن را در راستای اهداف سازمان می داند. بنیاد هدایت تمام امکانات خود را بر ارتقاء و رشد تعداد مشخصی از امامان مساجد سطح کشور متمرکز کرده است. این امامان منتخب در روستا (۳۵۰۰ نفر)، محله شهری (۱۰۰۰ نفر) و پایگاه فرهنگی و اجتماعی (۳۵۰ نفر) مشغول فعالیت هستند. بنیاد هدایت قصد دارد به لطف خدا این امامان را به اندازه ای رشد دهد که بتوانند به کمک مردم، مسائل محله خود را با استفاده از امکانات در دسترسشان حل کنند و در واقع از امام مسجد به امام محله تبدیل شوند. مهمترین ابزار بنیاد هدایت برای ارتقاء این عزیزان، شبکه راهیاری تبلیغی است (۴۳۵ نفر) که در کل کشور گسترده است. راهیار تبلیغی کسی است که دغدغه اش تربیت و ارتقاء مبلغین در صحنه است و برای این کار از همه ابزار در دسترس خود به ویژه انواع مشاوره و ایجاد ارتباط بین امام و مجموعه های خدمت رسان بهره می برد.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی بنیاد هدایت

<https://bonyadehedayat.com>

^{۵۲}. ارجاع پرورشی: چند پرسش درباره محرومیت زدایی از کارشناسان سازمان برنامه و بودجه

برای تبیین اجمالی برنامه ملی محرومیت زدایی سه پرسش بسیار مهم (پرسش جهت ساز) را در این نشست مطرح می کنیم و از سایر کارشناسان هم می پرسیم:

پرسش اول اینکه: آیا محرومیت زدایی و رفع فقر یک پدیده اقتصادی محض است و یا اینکه محرومیت زدایی ابعاد غیر اقتصادی هم دارد؟! اگر قائل به تعریف و شناخت ابعاد غیر اقتصادی برای محرومیت زدایی هستیم؛ بر اساس چه مفهومی محرومیت و فقر را تعریف می کنیم؟ (در نظریه فقهی تعریف محرومیت زدایی را بر اساس مفهوم تنظیم روابط انسانی در حوزه های ۱۳ گانه تعریف می کنیم و معتقدیم که محرومیت یک پدیده ۱۳ بُعدی است!)

پرسش دوم آنکه: محرومیت زدایی اقتصادی را بر اساس چه مفهومی پی گیری کنیم؟ مهمترین تئوری برای محرومیت زدایی در کشور ایران توزیع امکانات در میان محرومین است (تئوری اصلی سپاه برای محرومیت زدایی) و البته در بحث های اخیر یارانه ای، دولت از طریق تغییر مدل پرداخت یارانه (از تخصیص یارانه به ابتدای زنجیره ارزش به پرداخت یارانه به انتهای زنجیره ارزش) قصد محرومیت زدایی دارد. (ضمن نقد ایده های فوق الذکر: افزایش نقش مردم در بخش تولید و بخش توزیع کشور را مفهوم اصلی محرومیت زدایی اقتصادی می دانیم)

پرسش سوم اینکه: برای افزایش نقش مردم در بخش تولید و توزیع کشور و بالتبع توزیع سود بخش تولید و توزیع در میان مردم؛ چه اقداماتی را باید انجام دهیم؟ (در مجموع ۷ اقدام برای مردمی شدن تولید و ۷ اقدام برای مردمی شدن توزیع پیشنهاد داده ایم؛ که آزاد سازی بهره برداری از زمین (احیای موات)، تغییر الگوی ساخت مسکن از آپارتمان به دار و اسعه و ساخت بازارهای موقت و وقفی از جمله این اقدامات است.)

حجت الاسلام علی کشوری - نشست تخصصی برنامه ملی محرومیت زدایی - ۲۱ خرداد ۱۴۰۱ - کرج

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4>

۲/۱/۱. مسجد علی قلی آقا و مسجد سید در اصفهان به عنوان نمونه هایی از مساجد تمدنی در دوره صفویه و قاجار

به هر حال تعریف ثابتی از مسجد در ذهن ها وجود ندارد. اما اگر شما بروید مسجد علی قلی آقا^{۵۳} یا مسجد سید^{۵۴} را در اصفهان بررسی کنید - که البته سال ها قبل شهرداری یک خیابان را از میان این دو محله عبور داده و آن هویت را از بین برده است - متوجه می شوید که در دوره صفویه این طور نبوده که کاربری های مسجد فقط محدود به مسجد مدرسه یا مسجد برای ارائه خدمات محرومیت زدایی و اجتماعی باشد. مثلاً شما درب مسجد علی قلی آقا را که باز می کنید، روبروی آن حمام علی قلی آقا قرار دارد. این حمام هم جزء متعلقات مسجد محسوب می شود. چرا در دوره

^{۵۳} . ارجاع پرورشی: علی قلی آقا یکی از مردان نیکوکار زمان شاه سلطان حسین صفوی بود که در زمان حیاتش، مسجد و حمام و بازار و سرا و چهار سوق زیبایی به نام خود و در محله بید آباد اصفهان ساخت. او برادر خسرو آقا بود که حمام خسرو آقا نیز مشهور است. از جلوی مسجد علی قلی آقا مادی فدن یا فدا عبور می کند و سردر مسجد به سمت مغرب است. مسجد، صحن نسبتاً کوچک و زیبایی دارد و شبستان آن با کاشی هایی از نوع گره کاری تزئین شده است. کتیبه سردر به خط ثلث قهوه ای رنگ به خط علی نقی امامی و تاریخ ۱۱۲۲ هجری قمری است. در این کتیبه به نام شاه سلطان حسین و علی قلی آقا اشاره شده است. شبستان زیبا و نفیس مسجد در شرق حیاط قرار دارد و بر کتیبه آن با خط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی لاجوردی اشعاری نوشته شده است. مفاد این اشعار حاکی از این است که شبستان در سال ۱۲۹۷ هجری قمری زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار به مسجد افزوده شده است. خطاط این کتیبه عبدالجواد و استاد کاشیکار آن محمد اسماعیل است. در جنوب ایوان محراب زیبایی است که آزاره آن سنگ مرمر و دیوارهای بالا با کاشیکاری معرق تزئین شده است. این مسجد به لحاظ وجود خطوط زیبای ثلث و نستعلیق مربوط به عصر صفوی و قاجار و کاشیکاری نفیس یکی از بناهای ارزشمند اصفهان به شمار می رود. در مقابل مسجد، حمام علی قلی آقا واقع شده که بخشی از آن دست خوش تغییراتی در بنا و معماری گردید و مقداری از کاشی های نفیس آن به کاخ چهلستون انتقال یافته است و در سال های اخیر توسط شهرداری اصفهان مرمت و بازسازی گردید.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شهرداری اصفهان

B2n.ir/m46406

^{۵۴} . ارجاع پرورشی: مسجد سید اصفهان از مساجد بزرگ و از بناهای تاریخی دوره قاجار در شهر اصفهان. این مسجد که به نام بنیان گذار آن سید محمدباقر شفتی شهرت دارد، در سال ۱۲۴۰ق در محله بیدآباد اصفهان بنا نهاده شد. مسجد دارای تزئینات و ویژگی های متعدد معماری در شبستان ها، گنبد ها، محراب، ایوان، گلدسته، کتیبه ها و کاشی کاری ها است. چهار وقف نامه برای مسجد، بین سال های ۱۲۶۲ق تا ۱۲۷۳ق نگاشته شده و همه مکان های مسجد برای موارد خاص وقف شده است. مقبره سید شفتی و فرزندان او در این مسجد قرار دارد. مسجد سید به نام بانی آن یعنی سید محمدباقر شفتی رشتی بیدآبادی (درگذشت سال ۱۲۶۰ق) مشهور به «سید حجت الاسلام» و «حجت الاسلام مطلق» نام گذاری شده است.

مسجد سید به همت سید محمدباقر شفتی رشتی در اواسط قرن سیزدهم هجری بین سال های ۱۲۴۰ تا ۱۲۴۵ق و در زمینی به مساحت ۸۰۷۵ مترمربع در محله بیدآباد اصفهان بنا شده است. گفته شده سید، زمین مسجد را در مجموعه ای که به بیدآباد شهرت داشت، خرید و دستور داد تا بیدهای آن را قطع کنند و از فروش آن ها، مصالح اولیه را برای ساخت تهیه کرد.

بنابر گزارش کتاب «تاریخ اصفهان و ری»، تاریخ شروع بنا در سال ۱۲۴۰ق بوده است اما در نوشتاری، آغاز بنای مسجد سال ۱۱۸۰ق عنوان شده

است. همچنین در گزارشی دیگر نقل شده که زمین مسجد در زمان شاه سلطان حسین خریداری شد تا در آن مسجدی بنا کند، اما در اثر هجوم افغان ها مقدور نشد تا آنکه در زمان فتحعلی شاه قاجار، سید شفتی مبادرت به این کار نمود.

مهدوی، بیان المفاهیر، ۱۳۶۹ش، ج ۱، ص ۲۷/ قائم فرد، مسجد سید اصفهان و وقف نامه آن، ۱۳۷۵ش / مسجدی، مسجد سید و نکته ای از معماری آن، ۱۳۷۶ش /

کتیبه های قرآنی و تاریخی مسجد سید اصفهان، ۱۳۸۰ش / ماهرالنقش، مسجد سید اصفهان، ۱۳۵۶ش، ص ۹۲/ رفیعی مهرآبادی، آثار ملی اصفهان، ۱۳۵۲ش،

ص ۶۲۷/ مسجدی، مسجد سید و نکته ای از معماری آن، ۱۳۷۶ش

صوفیه برای مجموعه مسجد، حمام پیشرفته چهار مزاجی طراحی می کردند؟^{۵۵} چون امام جماعت وظیفه خودش را طب هم می دانست. لذا از حمام برای پیشگیری از بیماری^{۵۶} و ارتقای سلامت مردم هم استفاده می کرده است.

^{۵۵}. ارجاع پژوهشی: وَ رَوَى يَحْيَى بْنُ سَعِيدٍ الْأَهْوَازِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمَرَانَ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِذَا دَخَلْتَ الْحَمَّامَ فَقُلْ فِي الْوَقْتِ الَّذِي تَتَرَعُّ فِيهِ ثِيَابَكَ: اللَّهُمَّ انزِعْ عَنِّي رِبْقَةَ النَّفَاقِ وَ تَبْتِنِي عَلَى الْإِيمَانِ وَ إِذَا دَخَلْتَ الْبَيْتَ الْأَوَّلَ فَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَ أَسْتَعِيدُ بِكَ مِنْ آذَاهُ وَ إِذَا دَخَلْتَ الْبَيْتَ الثَّانِي فَقُلْ: اللَّهُمَّ أَذْهَبْ عَنِّي الرَّجْسَ النَّجَسَ وَ طَهِّرْ جَسَدِي وَ قَلْبِي وَ خُذْ مِنْ الْمَاءِ الْحَارِّ وَ صَعُهُ عَلَى هَامَتِكَ وَ صَبِّ مِنْهُ عَلَى رِجْلَيْكَ وَ إِنْ أَمَكَنَ أَنْ تَبْلَعَ مِنْهُ جُرْعَةً فَافْعَلْ فَإِنَّهُ يَنْقِي الْمَمَاتَةَ وَ الْبُثَّ فِي الْبَيْتِ الثَّانِي سَاعَةً وَ إِذَا دَخَلْتَ الْبَيْتَ الثَّلَاثَ فَقُلْ نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَ نَسْأَلُهُ الْجَنَّةَ تُرَدِّدْهَا إِلَيَّ وَ قَدْ خُرُوجِكَ مِنَ الْبَيْتِ الْحَارِّ وَ إِنَّاكَ وَ شَرِبْ الْمَاءَ الْبَارِدَ وَ الْفَقَّاعَ فِي الْحَمَّامِ فَإِنَّهُ يَفْسِدُ الْمَعِدَةَ وَ لَا تَصْبَنَّ عَلَيْكَ الْمَاءَ الْبَارِدَ فَإِنَّهُ يُضَعِفُ الْبَدَنَ وَ صَبِّ الْمَاءَ الْبَارِدَ عَلَى قَدَمَيْكَ إِذَا خَرَجْتَ فَإِنَّهُ يَسْلُ الْآدَاءَ مِنْ جَسَدِكَ فَإِذَا لَبَسْتَ ثِيَابَكَ فَقُلْ: اللَّهُمَّ أَلْسِنِي التَّقْوَى وَ جَنِّبِي الرَّذَى فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ أَمِنْتَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ» .

بن سعید اهوازی از احمد بن محمد بن ابی نصر و او از محمد بن حرمان روایت کرده که گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه وارد حمام شدی در هنگامی که لباس خود را از تن بیرون می آوری این دعا را بخوان «اللهم انزع عني ربقة النفاق و تبطني على الايمان» یعنی بار خدایا طوق و بوغ نفاق را از دور کردن من باز گیر و دور ساز و مرا بر ایمان کامل ثابت قدم و استوار بدار و چون داخل خانه اول حمام شدی این دعا را بخوانم: (اللهم اني أعوذ بك من شر نفسي و أستعيد بك من أذاه). یعنی خداوند از شر نفس اماره خودم بتو پناه می آورم و از تو پناه میجویم از آزار حمام و چون داخل خانه دوم حمام شدی این دعا را بخوان: اللهم اذهب عني الرجس النجس و طهر جسدي و قلبي». یعنی بار خدایا رجس نجس (شیطان پلید) را از من دور گردان و تن و روانم را پاک و پاکیزه گردان، و بعد قدری از آب گرم بردار و مقداری از آن را بر سرت ریخته و قدری از آن را بر پاهایت بریز و اگر ممکن باشد که یک جرعه از آب بنوشی پس چنین کن که آن مثانه را پاک و تمیز میکند، و در خانه دوم زمانی درنگ کن، و چون داخل خانه سوم گرمابه شدی این دعا را بخوان: «نعوذ بالله من النار و نسأله الجنة»: یعنی به خداوند پناه میبریم از آتش دوزخ و از او بهشت میطلبیم، و مکرر این دعا را میخوانی تا هنگام خارج شدن از گرمخانه، و زنهار پرهیز از نوشیدن آب سرد و آبجو (ماء الشعير) در حمام که آن معده را تباه خواهد کرد، و هرگز آب سرد بر خویشتن مریز که بدن را ضعیف و ناتوان خواهد ساخت، و هنگامی که از حمام خارج شدی آب سرد بر پاهایت بریز که این کار درد و بیماری را از بدن تو بیرون میکشد و هنگامی که جامهات را میپوشی این دعا را بخوان: اللهم ألسني التقوى و جنبني الرذی» یعنی خداوند جامه تقوی و پرهیزکاری را لباس و پوشش من قرار ده و مرا از آنچه موجب هلاکت است بدور دار. پس اگر این اعمال را بجا آوری از هر درد و بیماری ایمن خواهی بود.

مصدر: من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۱۱۲ / الأملی (للصدوق) ج ۱ ص ۳۶۳

دیگر منابع: روضة الواعظین ج ۲ ص ۳۰۷ / مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۵۲ / الوافی ج ۶ ص ۶۰۱ / وسائل الشیعة ج ۲ ص ۴۴ / بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۷۰

^{۵۶}. ارجاع پرورشی: نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری چه می گوید؟

نگاه ما به روایات و آیات حوزه سلامت، نگاهی فقاهتی و غیر اخباری است و در ابتدای امر برای تبویب و درایه در آیات و روایات این حوزه، قواعد اصولی خود را برای مخاطب تشریح می کنیم. یکی از مهمترین قواعدی که در تبویب "نظریه فقهی پیشگیری ساختاری از بیماری" از آن بهره برده ایم؛ قاعده اصولی "بیان در فضای نظام مقایسه" است.

مطابق قاعده "بیان در فضای نظام مقایسه" در ابتدای امر، برای حفظ موازنه با طب سلول پایه و سازمان Who، ساختاری سه بخشی را برای تبویب روایات و آیات حوزه سلامت تأسیس کرده ایم. به عبارت دیگر معتقدیم اگر در سه حوزه ۱- سیاست گذاری و مدیریت، ۲- پیشگیری و درمان و ۳- مبانی نظری، آیات و روایت را تبویب کنیم؛ قدرت موازنه طب اسلامی در مقایسه با پزشکی موجود ارتقاء می یابد.

بخش اول "نظریه فقهی پیشگیری ساختاری از بیماری" به تبویب و درایه در آیات و روایات حوزه سیاست گذاری و مدیریت بخش سلامت اختصاص دارد. تبیین مفهوم "نسخه موازنه" و "نسخه مشاوره"، تبیین "گراهِت ارتزاقی از پزشکی" و بحث از حمام، از مصادیق مباحث این بخش است. حمام به شرحی که خواهد آمد؛ جزئی از بسته فقهی مدیریت و سیاست گذاری سلامت در محله ها محسوب می شود.

بخش دوم "نظریه فقهی پیشگیری ساختاری از بیماری" به تبیین مفاهیم و تدابیر حوزه پیشگیری و درمان اختصاص دارد. احیای نقش قلب و نقش تنظیم روابط انسانی در تحلیل های مرتبط با سلامت، در کنار تبیین نقش طبایع اربعه و تغذیه، از مباحث مهم این بخش محسوب می شود.

بخش سوم "نظریه فقهی پیشگیری ساختاری از بیماری" به شرح مبانی نظری حوزه سلامت، اختصاص دارد. تبیین "روش تحقیق فقهی در حوزه سلامت"، تبیین خاصیت های اشیاء در حوزه سلامت، بخش مهمی از بحث های بخش مبانی نظری را تشکیل می دهد.

معتقد هستیم، ساختار "نظریه فقهی پیشگیری ساختاری از بیماری"، قدرت موازنه با مفاهیم و سیاست های سازمان بهداشت جهانی را دارد و به تدریج معماری "نظام سلامت آینده" را تبیین می کند.

۲/۱/۲. حمام های پیشرفته چهارمزاجی برای سلامت مردم، یکی از مهم ترین بخشهای مساجد تمدنی گذشته

شاید بتوان گفت یکی از مهم ترین عوامل پیشگیری از بیماری اصلاح الگوی استحمام است. به طوری که اگر مردم فقط حمام رفتن خود را درست کنند و از حمام چهار مزاجی استفاده کنند، اخلاط چهارگانه بدن آن ها متعادل می شود. می دانید که طبق روایات یکی از علل اصلی پیدایش بیماری ها عدم تعادل در اخلاط اربعه است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند **الداء ثلاثة^{۵۷}**. می فرمایند سه نوع داء، سه نوع بیماری داریم. بعد در شرح این سه نوع بیماری می فرمایند بیماری های مرتبط با بلغم، بیماری های مرتبط با مرار و بیماری های مرتبط با دم. حالا در حمام های چهار مزاجی هم مرّه ها، هم بلغم و هم دم را می توان متعادل کرد^{۵۸}. خب این درک عالم دوره صفویه^{۵۹} از کارکردهای مسجد است. عالم دوره صفویه وظیفه خود می داند که سلامت مردم را هم تأمین کند^{۶۰}. روایت «لا علم

حجت الاسلام علی کشوری - سومین نشست تخصصی نقد مبانی نظری پزشکی - شنبه ۱۱ دی ماه ۱۴۰۰ - مدرسه علمیه مشکات قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایستا

<https://eitaa.com/olgou4/3783>

^{۵۷}. ارجاع پژوهشی: **وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : «الدَّاءُ ثَلَاثَةٌ وَ الدَّوَاءُ ثَلَاثَةٌ فَأَمَّا الدَّاءُ فَالدَّمُ وَ الْمِرَّةُ وَ الْبَلْغَمُ فَدَوَاءُ الدَّمِ الْحِجَامَةُ وَ دَوَاءُ الْبَلْغَمِ الْحَمَامُ وَ دَوَاءُ الْمِرَّةِ الْمَشِيءُ»**

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دردها و بیماریها سه درد است و داروها نیز سه گونه است اما درد ناشی از زیادی خون و مره (صفر و یا سودا) و بلغم است، پس درمان زیادی خون حجامت است و درمان بلغم حمام رفتن و درمان صفر و سودا مسهل است.

مصدر: من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۱۲۶

دیگر منابع: مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۵۴ / الوافی ج ۶ ص ۶۰۹ / وسائل الشیعة ج ۲ ص ۳۰ / الفصول المهمة ج ۳ ص ۱۷ / بحار الأنوار ج ۵۹ ص ۱۲۷

^{۵۸}. ارجاع پژوهشی: **الرَّسَالَةُ الدَّهَبِيَّةُ، لِلرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ اعْلَمَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّ الْحَمَامَ رُكِّبَ عَلَى تَرْكِيبِ الْجَسَدِ لِلْحَمَامِ أَرْبَعُ بَيُوتٍ مِثْلُ أَرْبَعِ طَبَائِعِ الْجَسَدِ الْبَيْتُ الْأَوَّلُ بَارِدٌ يَابِسٌ الثَّانِي بَارِدٌ رَطْبٌ وَ الثَّلَاثُ حَارٌّ رَطْبٌ وَ الرَّابِعُ حَارٌّ يَابِسٌ وَ مَنْفَعَتُهُ عَظِيمَةٌ يُؤَدِّي إِلَى الْإِعْتِدَالِ وَ يُنْقِي الْوَرَكَ وَ يُلَيِّنُ الْعَصَبَ وَ الْعُرْوَقَ وَ يَقْوِي الْأَعْضَاءَ الْكِبَارَ وَ يُذْهِبُ الْفُضُولَ وَ يُذْهِبُ الْعَقْنَ.**

از اما رضا علیه السلام خطاب به مامون: بدان که ترکیب حمام بر اساس ترکیب بدن است. حمام چهار خانه دارد مانند طبع های چهارگانه بدن. سرد و خشک، سرد و تر، گرم و تر و گرم و خشک. و بدان که این چنین حمامی منفعتی بسیار دارد و منجر به اعتدال بدن می شود. اعصاب را نرم و آرام می کند، اعضای بزرگ بدن را تقویت می کند، مواد زائد بدن را دفع و بوی بد جسم را از بین می برد.

مستدرک الوسائل ج ۱ ص ۳۷۵

^{۵۹}. ارجاع پرورشی: علامه مجلسی ره (۱۰۳۷ - ۱۱۱۰ق) یکی دیگر از علمای بارز این عصر است. ایشان در علوم مختلف اسلامی مانند تفسیر، حدیث، فقه، اصول، تاریخ، رجال و درایه تخصص داشت. او نویسنده ای پرکار بود و به نگارش آثاری در این زمینهها پرداخت. شیخ حرّ عاملی، نسبت به او چنین گفته است که تمام همت خود را مصروف آموختن دانش حدیث و فقه و بلکه همه شاخه های معارف کرده است و تمام نیروی عمیق فکری و اندیشه و قیادتش را در به دست آوردن همه کمالات به کار گرفته است. فیض کاشانی نیز در اجازه نامه به علامه آورده است که او جامع علوم عقلی و نقلی است. بیش از هر چیز به نگارش مجموعه های حدیثی اهتمام داشت و از میان کتاب های او بحار الأنوار که مجموعه بزرگی از احادیث امامان شیعه است، بیش از همه شهرت دارد. عملکرد علامه مجلسی در تألیف مجموعه های حدیث شیعه همچون عملی در تقویت مذهب تشیع ارزیابی شده و از او همچون احیا کننده مذهب تشیع یاد شده است. محمد باقر مجلسی، شاگردان بسیار و مجالس درس متعددی داشته است. برخی منابع، شاگردان او در مجالس درسش را بالغ بر هزار تن ذکر کرده اند.

^{۶۰}. ارجاع پرورشی: از باب نمونه مرحوم علامه مجلسی مسائل مربوط به سلامتی را به صورت مفصل در کتاب "السماء و العالم" (مجلدات ۵۴ تا ۶۳ بحار الأنوار) مورد بحث و دقت قرار داده است. مباحثی از جمله: صید. طریق کشتار حیوانات، خوردنی ها و آشامیدنی ها. ایشان همچنین تمام کتاب طب النبوی و کتاب طب الرضا علیهما السلام را نیز در این مجلدات ذکر کرده است. نمونه دیگر اهتمام ایشان به موضوع سلامتی مردم، مباحثی است که در کتاب "الزی والتجمل" (جلد ۷۷ بحار) آورده اند. موضوعاتی مانند زینتها و تجملات، نظافت، سرمه کشیدن، استعمال عطریات، شب زنده داری، خواب، سفر.

كطلب السلامة و لا سلامة كسلامة القلب^{۶۱}) را برای مردم می خواند. این روایت در ذهن آن عالم دوره صفویه بوده است. لذا برای اینکه بتواند سلامت مردم را تأمین کند، یک ساختار پیشرفته، تأکید می کنم ساختار بسیار پیشرفته حمام های چهار مزاجی را پایه گذاری می کند. اگر فقط و فقط این حمام ها باشند دیگر نیازی به این ساختار پر خرج و علیل بیمارستان ها نداریم. این درک عالم صفویه است. خیلی با درک عقب افتاده ای که عالم فعلی دارد فرق می کند که اصلاً به این مسائل توجه نمی کند.

۲/۱/۳. بازارهای وقفی برای مدیریت کسب حلال مردم، یکی دیگر از بخشهای مهم مساجد تمدنی گذشته

یا مثلاً در همان محله علی قلی آقا وقتی از درب مسجد به سمت چپ حرکت می کنید، وارد بازارهای وقفی^{۶۲} می شوید. چرا کسانی که در دوره های قبل مسجد می ساختند در کنارش بازار هم می ساختند؟ چون آنها معتقد بودند: العبادۃ عشرة اجزاء تسعة اجزاء فی طلب الحلال^{۶۳}.

۲/۱/۳/۱. کسب حلال به مثابه نه دهم عبادت و دندانه کلید رزق انسان

درک آن علما از عبادت این بود که اساس عبادت، مدیریت روزی و طلب حلال است. در یک روایت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در اوج زیبایی نسبت بین عبادت دعا و طلب حلال را بیان می کنند. حضرت در این

^{۶۱}. ارجاع پژوهشی: زُوِيَ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: وَ إِغْلَمَ أَنَّهُ لَا عِلْمَ كَطَلْبِ السَّلَامَةِ وَ لَا سَلَامَةَ كَسَلَامَةِ الْقَلْبِ.

از پیامبر سلام الله علیه: بدان که هیچ چیزی مانند طلب سلامت نیست و هیچی سلامتی هم مانند سلامت قلب نیست.

مصدر: تحف العقول ج ۱ ص ۲۸۴

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۷۵ ص ۱۶۲

^{۶۲}. ارجاع پرورشی: حجت الاسلام سیدشهاب الدین حسینی، ظهر امروز - یکشنبه نهم مهرماه - در گفتگو با خبرنگاران با بیان این مطلب اظهار کرد: یک

سوم از بازار سرپوشیده تبریز که حدود یک هزار و ۷۰۰ باب مغازه است وقف بوده که باید توجه ویژه ای در این حوزه صورت گیرد.

منبع: خبرگزاری ایمننا

B2n.ir/p63910

مدیرکل اوقاف و امور خیریه استان تهران با انتقاد از بی اطلاعی و کم اطلاعی اقشار مختلف مردم نسبت به وقف و احکام این سنت الهی، گفت: بیش از ۹۲ درصد بازار تهران وقف است.

منبع: خبرگزاری ایسننا

B2n.ir/w58268

^{۶۳}. ارجاع پژوهشی: وَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٌ تِسْعَةٌ أَجْزَاءٌ فِي طَلْبِ الْحَلَالِ.

از پیامبر رحمت سلام الله علیه: عبادت ده بخش دارد که نه قسمت آن در کسب حلال است.

جامع الأخبار ج ۱ ص ۱۳۹ / بحار الأنوار ج ۱۰۰ ص ۹ / مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۱۲

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكُوفِيِّ رَفَعَهُ إِلَى [إِلَى خ ل] أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءً أَفْضَلُهَا طَلْبُ الْحَلَالِ.

ابو خالد کوفی در حدیث مرفوعه ای گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و اله فرمود:

عبادت هفتاد جزء است که با فضیلت ترین آن ها طلب روزی حلال است.

مصدر: الکافی ج ۵ ص ۷۸ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ج ۱ ص ۱۸۰ / معانی الأخبار ج ۱ ص ۳۶۶ / تحف العقول ج ۱ ص ۳۷ / تهذیب الأحکام ج ۶ ص ۳۲۴

دیگر منابع: جامع الأخبار ج ۱ ص ۱۳۹ / الوافی ج ۱۷ ص ۲۱ / وسائل الشیعة ج ۱۷ ص ۲۱ / الفصول المهمة ج ۲ ص ۲۳۳ / بحار الأنوار ج ۷۴ ص ۱۴۰

روایت به ما می فرمایند که دعا کلید است^{۶۴}، شاه کلید است. یعنی کلیدی است که هر قفل بسته ای را باز می کند^{۶۵}. ایشان ذیل روایات متعددی جایگاه دعا را توضیح می دهند. در بعضی روایات اینطور وارد شده است که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در شرایط جنگی قرار می گرفتند خطبه می خواندند و به مردم می فرمودند: علیکم بسلاح الانبیاء^{۶۶}. می گفتند ما در یک شرایط سختی هستیم. مثلاً در شرایط جنگ احد یا در شرایط جنگ احزاب. اگر از من راه حل می خواهید، علیکم بسلاح الانبیاء. از سلاح انبیاء استفاده کنید. سلاح انبیا چیست؟ دعا. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند که این کلید دعا یک دندانه دارد. می دانید که دندانه کلید مهم ترین قسمت کلید است. حضرت می فرمایند دندانه کلید دعا، طلب حلال است. وقتی که طلب ما حرام شد، این کلید را می چرخانید ولی در باز نمی شود. بنابراین در دوره صفویه به این صورت بود که مسجد بازار^{۶۷} می ساختند تا امام جماعت بتواند طلب حلال را مدیریت کند. اصلاً معروف است که کلمه بازار از فارسی به ادبیات غرب رفته است. این مفهوم ابتدائاً در دوره صفویه خیلی مطرح شده است. بله کلمه سوق در روایات بوده است اما در چه دوره ای علما مدیریت بازار را

^{۶۴}. ارجاع پژوهشی: الْقَطْبُ الرَّاَوْنِدِيُّ فِي دَعَوَاتِهِ، قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الدُّعَاءُ مِفْتَاحُ الرَّحْمَةِ وَ مِصْبَاحُ الظُّلْمَةِ.

از حضرت آقا امیرالمومنین علیه السلام: دعا کلید رحمت و چراغ تاریکی هاست.

سلوة الحزین ج ۱ ص ۲۸۴ / بحار الأنوار ج ۹۰ ص ۳۰۰ / مستدرک الوسائل ج ۵ ص ۱۶۷

^{۶۵}. ارجاع پژوهشی: وَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: لَا تَعْجِزُوا عَنِ الدُّعَاءِ فَإِنَّهُ لَمْ يَهْلِكْ مَعَ الدُّعَاءِ أَحَدٌ وَ لَيْسَ أَلْحَدُكُمْ رَبُّهُ حَتَّى يَسْأَلَهُ شَيْعٌ نَعْلَهُ إِذَا انْقَطَعَ وَ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنَّهُ يُجِبُ أَنْ يُسْأَلَ وَ مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَدْعُو بِدَعْوَةٍ لَيْسَ فِيهَا إِثْمٌ وَ لَا قَطِيعَةٌ رَحِمَ إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى بِهَا إِحْدَى ثَلَاثٍ إِمَّا أَنْ يُعَجِّلَ لَهُ دَعْوَتَهُ وَ إِمَّا أَنْ يَدَّخِرَهَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ وَ إِمَّا أَنْ يَكْفَى عَنْهُ مِنَ الشَّرِّ مِثْلَهَا قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِذْنٌ نُكْتَرُ قَالَ اللَّهُ أَكْثَرُ.

از پیامبر سلام الله علیه: از دعا کردن درمانده و خسته نشوید چرا که با وجود دعا کسی هلاک نخواهد شد. باید از خداوند بخواهید تا به شما عطا کند و از فضل خداوند متعال درخواست کنید. و فرمود: هیچ مسلمانی دعا نمیکنند بشرط آنکه دعای او برای قطع رحم و ارتکاب گناهی نباشد مگر آنکه خداوند یکی از سه چیز را باو عنایت میکند: یا دعایش را مستجاب می کند و یا پاداشش را برای آخرت ذخیره می سازد و یا آنکه بقدر خواسته اش بدی را از وی میگرداند.

سلوة الحزین ج ۱ ص ۱۹ / وسائل الشیعة ج ۷ ص ۲۷ / عدة الداعي ج ۱ ص ۳۰ / بحار الأنوار ج ۹۰ ص ۳۶۶

^{۶۶}. ارجاع پژوهشی: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْنِ فَضَّالٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ: عَلَيْنَكُمْ بِسِلَاحِ الْأَنْبِيَاءِ يَقِيلُ وَ مَا سِلَاحُ الْأَنْبِيَاءِ قَالَ الدُّعَاءُ.

امام رضا علیه السلام به یاران خود می فرمود:

بر شما باد به اسلحه پیامبران، به او عرض شد که: سلاح پیامبران چیست؟ فرمود: دعاء است.

مصدر: الکافی ج ۲ ص ۴۶۸

دیگر منابع: مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۲۷۰ / الوافی ج ۹ ص ۱۴۷۵ / وسائل الشیعة ج ۷ ص ۳۹ / بحار الأنوار ج ۹۰ ص ۲۹۵

^{۶۷}. ارجاع پژوهشی: وَ قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «صَلَاةٌ فِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ وَ صَلَاةٌ فِي الْمَسْجِدِ الْأَعْظَمِ تَعْدِلُ مِائَةَ أَلْفِ صَلَاةٍ وَ صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ الْقَيْبَلَةِ تَعْدِلُ خَمْسًا وَ عِشْرِينَ صَلَاةً وَ صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ السُّوقِ، تَعْدِلُ إِثْنَيْ عَشْرَةَ صَلَاةً وَ صَلَاةٌ الرَّجُلِ فِي بَيْتِهِ تَعْدِلُ صَلَاةً وَاحِدَةً».

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام منقولست که فرمود: یک نماز در بیت المقدس برابرست با هزار نماز و یک نماز در مسجد اعظم (مسجد الحرام ظاهرا و با توجه به سایر اخبار و شاید در مسجد جامع شهر) برابرست با صد هزار نماز، و یک نماز در مسجد قیبه (که امروز باید مسجد محله را بجای آن دانست) برابرست با بیست و پنج نماز، و یک نماز در مسجد بازار برابرست با دوازده نماز، و نمازی که شخص در خانه خود میخواند تنها ارزش یک نماز را دارد.

مصدر: من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۲۳۳ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ج ۱ ص ۳۰ / تهذیب الأحکام ج ۳ ص ۲۵۳

دیگر منابع: جامع الأخبار ج ۱ ص ۷۰ / فلاح السائل ج ۱ ص ۹۱ / الوافی ج ۷ ص ۵۱۳ / وسائل الشیعة ج ۵ ص ۲۸۹ / بحار الأنوار ج ۸۱ ص ۱۵

بر عهده گرفتند؟ در دوره صفویه که علما بازار را در کنار مسجد ساختند. البته مدیریت بازار در دوره حضرت آقا امیرالمومنین علیه السلام وجود داشته است^{۶۸}، اما این ساختمان های تاریخی به دوره صفویه باز می گردد که علما اصرار داشتند بازار در ذیل مسجد احداث شود. در صورتی که در ادوار گذشته تا این میزان اصرار بر این تلفیق وجود نداشته است. بعد از دوره صفویه مفهوم بازار وارد ادبیات جهانی شد و در غرب و نظام سرمایه داری معیوب کنونی هم از همین لفظ استفاده می کنند. دیگر از لفظ سوق استفاده نمی شود و ترجمه فارسی آن کاربرد دارد.

۲/۱/۳/۲. تحقق عینی مسجد بازار و مدیریت کسب حلال مردم، ذیل طراحی های علما از مساجد در دوره صفویه

وقتی بازارهای دوره صفویه مانند بازارهای شهر اصفهان را بررسی می کنید، تقریباً هر صد یا صد و پنجاه متر یک مسجد یا امامزاده است که در آنجا مکاسب^{۶۹} تدریس می شده. یعنی پدیده مسجد بازار که در روایات آمده وجود خارجی داشته و با آن طلب حلال را مدیریت می کردند.

۲/۱/۳/۳. آغشته شدن روزی مردم به ربا، کم فروشی و احتکار در اثر بی توجهی به آموزش کسبه از طریق ساختار مسجد

همان کاری که ما فراموش کرده ایم. الان در شهر قم صدها درس مکاسب برقرار است ولی مخاطب آن بازاری ها نیستند. بلکه ما مکاسب را می خوانیم که خوانده باشیم. اخیراً هم که آقایان می گویند مکاسب شیخ^{۷۰} را بخوانید که

^{۶۸}. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سُوقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ فَمَنْ سَبَقَ إِلَى مَكَانٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ إِلَى اللَّيْلِ قَالَ وَ كَانَ لَا يَأْخُذُ عَلَى بَيْتِ السُّوقِ كِرَاءً. و نیز فرمود علیه السلام: امیر المؤمنین علیه السلام فرموده: بازار مسلمانان چون مسجد آنها است، پس هر کس بمکانی از آن پیشی گرفت (و زودتر از دیگران در جایی نشست) او سزاوارتر است بدان جا تا شب، و فرمود: آن حضرت از دکانهای بازار کرایه از مردم نمی گرفت.

مصدر: الکافی ج ۲ ص ۶۶۲ / تهذیب الأحکام ج ۷ ص ۹

دیگر منابع: وسائل الشیعة ج ۵ ص ۲۷۸ / الوافی ج ۱۷ ص ۴۴۷

^{۶۹}. ارجاع پرورشی: مقصود از مکاسب، مسائل مربوط به نحوه کسب و کار در اسلام است. مباحثی که طبق سفارش آقا امیرالمومنین علیه السلام هر تاجر و کاسبی باید بیاموزد تا گرفتار ربا و دیگر امور حرام در تجارت نشود.

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ الْأَضْبَعِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ عَلَى الْمُنْبَرِ: يَا مَعْشَرَ التَّجَارِ الْفَقْهَ ثُمَّ الْمُنْتَجِرَ الْفَقْهَ ثُمَّ الْمُنْتَجِرَ الْفَقْهَ وَاللَّهِ لَلرَّبَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَقُّ مِنْ دَيْبِ التَّمْلِ عَلَى الصَّفَا شُوبُوا أَيْمَانَكُمْ بِالصَّدَقِ التَّاجِرِ فَاجِرٍ وَ الْفَاجِرِ فِي النَّارِ إِلَّا مَنْ أَخَذَ الْحَقَّ وَ أَعْطَى الْحَقَّ.

ای تاجران! نخست فقه (آموختن احکام تجارت) سپس تجارت، نخست فقه سپس تجارت، نخست فقه سپس تجارت. به خدا سوگند! یقین داشته باشید که ربا در این امت از راه رفتن مورچه بر روی سنگ صیقلی و براق پنهان تر و نامرئی تر است؛ سوگندهایتان را با راستگویی بیامیزید و قسم دروغ یاد مکنید. تاجر، فاجر است و فاجر در آتش است، مگر آن تاجری که حق را بگیرد و حق را بپردازد.

مصدر: الکافی ج ۵ ص ۱۵۰

دیگر منابع: الوافی ج ۱۷ ص ۴۳۵ / وسائل الشیعة ج ۱۷ ص ۳۸۱

^{۷۰}. ارجاع پرورشی: مرتضی انصاری دزفولی معروف به شیخ انصاری (۱۲۱۴-۱۲۸۱ق) از فقیهان بزرگ شیعه در قرن سیزدهم قمری که بعد از صاحب جواهر، مرجعیت عامه یافت.

شیخ انصاری را «خاتم الفقهاء و المجتهدین» لقب داده اند. وی با نوآوری، علم اصول و به دنبال آن، فقه را وارد مرحله جدیدی کرد. کتابهای رسائل و مکاسب مهم ترین آثار او هستند. این کتابها از کتابهای درسی حوزههای علمیه شیعی است. به آثار وی، همچون آثار محقق حلی، علامه حلی و شهید اول، همواره توجه شده است و محققان بسیاری بر آنها شرح یا حاشیه نوشته اند. او در سال ۱۲۸۱ق در نجف درگذشت و در حرم امام علی (ع) دفن شد.

مرتضی بن محمد امین در ۱۸ ذی الحجه، عید غدیر، سال ۱۲۱۴ هجری قمری در دزفول به دنیا آمد. والدینش به مناسبت روز تولد، او را مرتضی نامیدند. نسب او به جابر بن عبدالله انصاری از صحابه پیامبر (ص) می‌رسد.

پدر او، محمد امین (متوفی ۱۲۴۸ق) از علمای پرهیزکار و از زمره مبلغان دین بوده است. مادر شیخ دختر شیخ یعقوب فرزند شیخ احمد بن شیخ شمس الدین انصاری است و زنی پرهیزگار و متعبد بود. او قبل از تولد شیخ شعی امام صادق (ع) را در عالم رؤیا می‌بیند که قرآنی تلاکاری شده به او داد. مُعَبَّرین خوابش را به فرزندی صالح و بلند مرتبه تعبیر کردند. از او نقل شده که همواره تلاش می‌کرده تا در هنگام شیر دادن به فرزندش با وضو باشد.

شیخ انصاری در ۱۸ جمادی الثانی ۱۲۸۱ق در نجف درگذشت و در حرم امام علی (ع) دفن شد.

از سال ۱۲۶۲ق. مرجعیت عامه به صاحب جواهر منتقل شد. در سال ۱۲۶۶ق. او در لحظات آخر حیاتش در جمع بزرگان شیعه و حضور شیخ انصاری، خطاب به حاضرین گفت: «هذا مرجعکم من بعدی: این مرجع شما بعد از من است.» و خطاب به شیخ انصاری گفت: «قَلِّلْ مِنْ احتیاطک فأن الشریعة سمحة سهله (از احتیاطات خود بکاه، همانا دین اسلام دینی سهل و آسان است)

شیخ انصاری پس از شیخ علی کاشف الغطا، برادرش شیخ حسن کاشف الغطا و همچنین صاحب جواهر ریاست و اداره حوزه علمیه نجف را از سال ۱۲۶۶ تا ۱۲۸۱ به مدت ۱۵ سال به عهده داشت و شیعیان جهان از وی تقلید می‌کردند.

امین، اعیان الشیعة، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۱۱۶؛ گلشن ابرار، ص ۳۳۲ / انصاری، زندگی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۷۷ / محمدی، شرح مکاسب، ج ۴، ص ۶۲ / فقه‌های نامدار شیعه، ص ۳۴۱ و ۳۴۲ / سبط الشیخ، زندگینامه استاد الفقهاء شیخ انصاری، ص ۱۰۹

روش اجتهاد^{۷۱} را یاد بگیرید. حرفی نیست، باید یک متن مادر برای اجتهاد در دسترسمان باشد ولی به بنده بگوئید: کی باید مباحث مکاسب سرریز در بازار مسلمین شود؛ تا روزی مردم آغشته به ربا^{۷۲}، کم فروشی^{۷۳} و چالش های

^{۷۱}. ارجاع پرورشی: واژه مجتهد از کلمه «اجتهاد» مشتق شده است. اجتهاد در لغت به معنای تلاش و کوشش است، اما مقصود از آن در اصطلاح اسلامی، بذل جهد و کوشش برای استنباط احکام شرعی فرعی از منابع فقه اسلامی است. منابع فقه اسلامی عبارتند از: قرآن، سنت، عقل و اجماع. از این عنوان در اصول فقه، مبحث اجتهاد و تقلید، و نیز نخستین باب از ابواب برخی کتب فقهی تحت همین عنوان (اجتهاد و تقلید) و باب های قضاء و حدود، بحث شده است.

مرحوم آخوند خراسانی چنین تعریفی را تکرار کرده اند: «الاجتهاد هو استفراغ الوسع فی تحصیل الحجة علی الحکم الشرعی؛ مراد از اجتهاد این است مکلف مقدماتی عقلانی را ترتیب دهد که او را به علم به تکلیفی که متوجه اوست برساند». اجتهاد به معنای بکارگیری توان و نیرو برای به دست آوردن دلیل و حجت بر احکام شرعی می باشد.

شهید مطهری می گوید: اجتهاد به طور سر بسته به معنای صاحب نظر شدن در امر دین است، ولی صاحب نظر بودن و اعمال نظر کردن در امور دینی از نظر ما که شیعه هستیم دو گونه است؛ مشروع و ممنوع... که ممنوع آن است که مجتهد حکمی را که در کتاب و سنت نیست با فکر خودش و رأی خودش وضع کند، این را در اصطلاح «اجتهاد به رأی» می گویند. این اجتهاد از نظر شیعه ممنوع است... و معنای صحیح اجتهاد یعنی به کار بردن تدبّر و تعقل در فهم ادله شرعی، که البته احتیاج دارد به یک رشته علوم که مقدمه شایستگی و استعداد تعقل و تدبّر صحیح و عالمانه می باشند.

آخوند خراسانی، محمدکاظم، کفایة الاصول، ص ۴۶۳ / خویی، ابوالقاسم، مصباح الاصول، ج ۳، ص ۴۳ / طباطبایی، محمدحسین، حاشیة الکفایة، ص ۳۰۱ / مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲۰، ص ۱۶۴

^{۷۲}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره آل عمران آیه ۱۳۰: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. ای اهل ایمان! ربا را که سودهای چند برابر است نخورید، و از خدا پروا کنید تا رستگار شوید.

قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۷۶: يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ. خدا ربا را نابود می کند، و صدقات را فزونی می دهد؛ و خدا هیچ ناسپاس بزه کاری را دوست ندارد.

سَأَلَ رَجُلٌ الصَّادِقَ (عليه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ وَ قَدْ أَرَى مَنْ يَأْكُلُ الرِّبَا يَرَبُّو مَالَهُ فَقَالَ: فَأَيُّ مَحْقٍ أَمْحَقٍ مِنْ دَرَاهِمٍ رِبَاً يَمْحَقُ الدِّينَ فَإِنْ تَابَ مِنْهُ ذَهَبَ مَالُهُ وَ افْتَقَرَ.

مردی از امام صادق (علیه السلام) از معنای فرموده ی خداوند: يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ پرسید و گفت: «من [در جامعه] کسی را که ربا می خورد [اما در این حال] مالش افزون می شود را می بینم [و می شناسم] چگونه است؟» فرمود: «کدام نابودی بالاتر است از آن یک درهم [ربا]، که دین را تباه کند، که اگر [شخص رباخوار] توبه هم نکند، در هر صورت، هم مال را از دست داده و هم خود، تنگدست شده است.»

مصدر: من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۷۹ / تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۱۵
دیگر منابع: وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۱۹ / تفسیر کنز الدقائق ج ۲ ص ۴۵۶

به گزارش خبرنگار اقتصادی خبرگزاری تسنیم، موضع گیری علما و بزرگان حوزه های علمیه در برابر برخی عملکردهای غیر شرعی و غیر قانونی بانکها، ساز و کارهای کل اقتصاد ایران را تحت الشعاع قرار داده است، در سال ۱۳۹۵ نسبت به سالهای قبل از آن بی سابقه بود.

۰۹/۰۱/۱۳۹۵ | ناصر مکارم شیرازی : سود بانکی شرعاً و عرفاً جایز نیست و بانکها نباید از بدهیها سود بگیرند
۱۱/۰۱/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی: دریافت سود برای تأخیر در وامهای بانکی و ادای دین، ربا و حرام است / خداوند ربا را «خانمان برانداز» و توم با مفسد فراوان دانسته / بانکها باید هر آنچه که به عنوان بهره گرفتند، پس بدهند

برای مطالعه بیشتر درباره ی موضع گیری علما درباره ی ربوی بودن بانک ها به پیوست شماره ۴ مراجعه فرمایید.

^{۷۳}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره مطفین آیه ۱ تا ۳: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَيُلِّ لِلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ. به نام خداوند رحمتگر مهربان وای بر کم فروشان که چون از مردم پیمانہ ستانند تمام ستانند.

کنونی بازار مثل احتکار^{۷۴} نشود یا کمتر بشود. این سوال خیلی مهمی است. خیلی مهم است که امام جماعت مسجد از ساختار خدمات مسجد درک روشنی داشته باشد. آیا امام جماعت، ساختار خدمات مسجد را فقط در حوزه فرهنگ

^{۷۴}. ارجاع پژوهشی: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْجَرِيُّ فِي عَهْدِهِ إِلَيْهِ حِينَ وُلَاةٍ مَضْرُوبَةٍ حَبَابَةَ خَرَا حِبَا وَ جِهَادَ عَدُوِّهَا وَ اسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا وَ عِمَارَةَ بِلَادِهَا... اسْتَوْصَ بِالتَّجَارِ وَ ذَوِي الصَّنَاعَاتِ، وَأَوْصَى بِهِمْ خَيْرًا الْمُتَمِيمَ مِنْهُمْ وَالْمُضْطَرِبَ بِمَالِهِ، وَالْمُتَرَفِّقَ بِبَدَنِهِ، فَإِنَّهُمْ مَوَادُّ الْمَنَافِعِ، وَأَسْبَابُ الْمَرَافِقِ وَجَلَابِئِهَا مِنَ الْمَبَاعِدِ وَالْمَطَارِحِ، فِي بَرِّكَ وَبَحْرِكِ، وَسَهْلِكَ وَجَبَلِكَ، وَحَيْثُ لَا يَلْتَمِمْ النَّاسُ لِمَوَاضِعِهَا، وَلَا يَجْتَرِءُونَ عَلَيْهَا، فَإِنَّهُمْ سَلْمٌ لَا تُخَافُ بَاتِقَتُهُ، وَصَلِحٌ لَا تُخْشَى غَائِلَتُهُ. وَتَفَقَّدَ أُمُورَهُمْ بِحَضْرَتِكَ وَفِي حَوَاشِي بِلَادِكَ. وَاعْلَمْ مَعَ ذَلِكَ أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْقًا فَاحِشًا، وَشَحَاً قَبِيحًا، وَاسْتِحْكَارًا لِلْمَنَافِعِ، وَتَحَكُّمًا فِي الْبِيَعَاتِ، وَذَلِكَ بَابٌ مَضْرُوبَةٌ لِلْعَامَّةِ، وَعَبَّ عَلَى الْوَلَاةِ، فَاَمْتَنَعَ مِنَ الْاِحْتِكَارِ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - مَنَعَ مِنْهُ. وَلْيَكُنِ الْبَيْعُ بِيَعًا سَمَحًا بِمَوَازِينِ عَدْلٍ وَأَسْعَارَ لَا تُجْحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَالْمُبْتَاعِ. فَمَنْ قَارَفَ حُكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكَ إِثْمًا فَتَكَلَّ بِهِ، وَعَاقِبُهُ فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ.

بنام خداوند بخشنده و مهربان، این فرمان بنده خدا علی امیر مؤمنان، به مالک اشتر پسر حارث است، در عهدی که با او دارد، هنگامی که او را به فرمانداری مصر بر می‌گزیند تا خراج آن دیار را جمع آورد، و با دشمنانش نبرد کند، کار مردم را اصلاح، و شهرهای مصر را آباد سازد. سپس سفارش مرا به بازرگانان و صاحبان صنایع بپذیر، و آنها را به نیکوکاری سفارش کن، بازرگانانی که در شهر ساکنند، یا آنان که همواره در سیر و کوچ کردن می‌باشند، و بازرگانانی که با نیروی جسمانی کار می‌کنند، چرا که آنان منابع اصلی منفعت، و پدید آورندگان وسایل زندگی و آسایش، و آوردندگان وسایل زندگی از نقاط دور دست و دشوار می‌باشند، از بیابان‌ها و دریاها، و دشت‌ها و کوهستان‌ها، جاهای سختی که مردم در آن اجتماع نمی‌کنند، یا برای رفتن به آنجاها شجاعت ندارند. بازرگانان مردمی آرامند، و از ستیزه جویی آنان ترسی وجود نخواهد داشت، مردمی آشتی طلبند که فتنه‌انگیزی ندارند. در کار آنها بیندیش چه در شهری باشند که تو به سر می‌بری، یا در شهرهای دیگر، با توجه به آنچه که تذکر دادم.

این را هم بدان که در میان بازرگانان، کسانی هم هستند که تنگ نظر و بد معامله و بخیل و احتکار کننده اند، که تنها با زورگویی به سود خود می‌اندیشند. و کالا را به هر قیمتی که می‌خواهند می‌فروشند، که این سود جویی و گران فروشی برای همه افراد جامعه زیانبار، و عیب بزرگی بر مامدار است. پس، از احتکار کالا جلوگیری کن، که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از آن جلوگیری می‌کرد، باید خرید و فروش در جامعه اسلامی، به سادگی و با موازین عدالت انجام گیرد، با نرخ‌هایی که بر فروشنده و خریدار زیانی نرساند، کسی که پس از منع تو احتکار کند، او را کیفر ده تا عبرت دیگران شود، اما در کیفر او اسراف نکن.

مصدر: نهج البلاغه ج ۱ ص ۴۲۶

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۳۳ ص ۵۹۹ / مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۱۶۰

به گزارش ایرنا از روابط عمومی پلیس مازندران، سرهنگ محمدزمان شالیکار روز پنجشنبه گفت: ماموران پلیس امنیت اقتصادی شهرستان بابل در اجرای طرح‌های نظارتی و کنترلی صنوف با انجام کار اطلاعاتی، گشت زنی‌های هدفمند، یک انبار احتکار مواد غذایی را شناسایی و موضوع را در دستور کار قرار دادند. وی افزود: ماموران ضمن هماهنگی قضایی به محل اعزام و در بازرسی از انبار مورد نظر، تعداد ۱۶۵۶ نوع از انواع مختلف مواد غذایی احتکار شده را کشف کردند.

وحید قانع‌ی روز پنجشنبه در گفت و گو با خبرنگار ایرنا افزود: این متهم با اختفا و امتناع از عرضه مرغ زنده کوشیده بود قیمت آن را به میزان دلخواه خود افزایش دهد. وی ادامه داد: این مرغدار شهرستان خواف روز گذشته به دستور دادستان روانه بازداشتگاه شد. رییس شعبه تعزیرات حکومتی خواف گفت: تامین کالاهای اساسی مردم از اولویت‌های اصلی ماست که در صورت مشاهده تخلف در حوزه‌های مختلف بازار با متخلفان برخورد می‌شود.

سردار محمد کاظم تقوی شامگاه سه‌شنبه در گفت و گو با خبرنگار ایرنا افزود: تیم‌های پلیس امنیت اقتصادی خراسان رضوی در اقدام اطلاعاتی به سرینج‌هایی از احتکار محموله شیرخشک در حاشیه شهر مشهد دست یافتند. وی گفت: پلیس در این عملیات ضربتی پس از هماهنگی با مرجع قضایی و با همکاری بازرسان جهاد کشاورزی انبار مورد نظر در حاشیه شهر را بازرسی کرد. فرمانده انتظامی خراسان رضوی ادامه داد: در این عملیات ۱۸۹ تن انواع محصولات شیرخشک نوزادی به ارزش ریالی ۳۷۸ میلیارد ریال کشف شد.

منبع: خبرگزاری ایرنا

B2n.ir/g92956

و آموزش می بیند یا حوزه های سلامت، اقتصاد و مانند این ها هم در درک او جایگاهی دارند؟ که قاعدتا در این صورت برای آن عرصه ها هم برنامه ریزی می کند.

۲/۲. حجیت و منشا ساختار خدمات نه گانه مسجد

۲/۲/۱. حجیت ساختار خدمات نه گانه مسجد به روایات فرائض کبیر اسلام و حدود کبیر صلات

اجازه بدهید من با ادبیات بنیاد هدایت، مسئله ای را با شما طرح کنم. شما قائل هستید که امام [محلّه] باید حل مسئله کند.^{۷۰} من این بحث را مطرح می کنم که دایره حل مسئله امام جماعت چیست و در کدام حوزه هاست؟ سوال سوم این دوره متکفل پاسخ دادن به این پرسش است و می گوید: امام محلّه باید در نه حوزه ورود کند. پس این خود سوال است که درباره آن چند مسئله را مطرح می کنم. اول اینکه این عدد نه از کجا آمده است؟ پاسخ این

^{۷۰} ارجاع پرورشی: حجت الاسلام امید محلاتی معاون راهبری بنیاد هدایت، داشتن نگاه تمدنی در مسئله یابی و ارائه راهکار و روش حل مسئله را بسیار مهم دانست و گفت: به این منظور باید نگاه خود و ادراکات خود را با ولی امر خود تنظیم کنیم. وی نگاه تمدنی در مسئله یابی و مسئله شناسی را تبیین کرد و اظهار داشت: می خواهیم زاویه دید و ادراکات خود را در مسئله یابی با رهبر معظم انقلاب تنظیم کنیم. همچنین در ارائه راهکار و راه حل نیز نیاز به این نگاه تمدنی داریم. در مرحله بعد باید توجه داشت که اسلوب و روش ما نیز در همین چارچوب باشد.

معاون راهبری بنیاد هدایت افزود: برای اینکه نگاه تمدنی حاکم شود باید در انتخاب مسئله به سراغ بیانات رهبر معظم انقلاب برویم؛ بر این اساس نظام مسائلی برگرفته از اسناد بالادستی تهیه شده است و ذیل آن ۸۰۰ مسئله مشخص شد که در تهیه بوم حل مسئله باید مورد توجه قرار دهیم. اگر ادبیات نگاه تمدنی در مسئله یابی رایج شود، یک گام مهم برداشته ایم.

حجت الاسلام محلاتی تبدیل کردن مسئله ای که با نگاه تمدنی انتخاب کرده ایم به یک مسئله جزئی و متناسب با محلّه و زیست بوم خود را بسیار مهم خواند و گفت: اگر مسائل را کلی ببینیم و جزئی نکنیم، راهکارهای آن را هم کلی ارائه خواهیم کرد و چنین راهکاری به درد محلّه نمی خورد و باید حاکمیت برای حل آن پای کار بیاید.

است که این نه دسته فایده یا نه باب، نتیجه جمع بندی فرائض کبیر اسلام^{۷۶}، حدود صلاه^{۷۷} و پنج فرض از باب سنت در صلاه^{۷۸} و بقیه روایات^{۷۹} است.

۲/۲/۲. نامگذاری روایات حد طهارت به فقه التزکیه، روایات ولایت به فقه الامام و روایات حد وقت به فقه النظم

ممکن است شخصی فوائد حدود کبیر صلاه و آن پنج مفهومی که از باب سنت، واجب می شود را بررسی کند و بگوید: به جای نه نوع ده نوع خدمت می شود که از نظر ما عیبی ندارد و می شود درباره آن مباحثه کنیم. مثلاً حد کبیر

^{۷۶}. ارجاع پژوهشی: أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ يَنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُوْدِي بِالْوَلَايَةِ فَأَخَذَ النَّاسُ بِأَرْبَعٍ وَتَرَكُوا هَذِهِ الْوَلَايَةَ. امام باقر علیه السلام فرمود: اسلام روی پنج پایه نهاده شده: نماز و زکاة و روزه و حج و ولایت. و بجیزی مانند ولایت فریاد زده نشد، مردم آن چهار را گرفتند و - این - یعنی ولایت - را رها کردند.

مصدر: الكافي ج ۲ ص ۱۸

دیگر منابع: الوافي ج ۴ ص ۸۸ / اثبات الهداة ج ۱ ص ۱۱۶

^{۷۷}. ارجاع پژوهشی: الْبُخَارِيُّ، عَنْ كِتَابِ الْعِلَلِ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ كِبَارِ حُدُودِ الصَّلَاةِ فَقَالَ سَبْعَةٌ الْوُضُوءُ وَالْوَقْتُ وَالْقِبْلَةُ وَتَكْبِيرَةُ الْإِفْتِتَاحِ وَالرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ وَالِدُّعَاءُ. از زراره از امام صادق علیه السلام درباره ی حدود بزرگ نماز پرسیدم فرمودند: هفت حد است شامل وضو، وقت، قبله، تکبیره الافتتاح، رکوع، سجود و دعا.

مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۹۸ / بحار الأنوار ج ۸ ص ۱۶۳

^{۷۸}. ارجاع پژوهشی: كِتَابُ الْعِلَلِ، لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ كِبَارِ حُدُودِ الصَّلَاةِ فَقَالَ سَبْعَةٌ الْوُضُوءُ وَالْوَقْتُ وَالْقِبْلَةُ وَتَكْبِيرَةُ الْإِفْتِتَاحِ وَالرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ وَالِدُّعَاءُ فَهَذِهِ فَرَضٌ عَلَى كُلِّ مَخْلُوقٍ وَفَرَضٌ عَلَى الْأَقْوِيَاءِ وَالْعُلَمَاءِ الْأَذَانَ وَالْإِقَامَةَ وَالْقِرَاءَةَ وَالتَّسْبِيحَ وَالتَّشَهُدَ وَلَيْسَتْ فَرَضاً فِي نَفْسِهَا وَلَكِنَّهَا سُنَّةٌ وَإِقَامَتُهَا فَرَضٌ عَلَى الْعُلَمَاءِ وَالْأَقْوِيَاءِ وَوُضِعَ عَنِ النَّسَاءِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ وَالْبُلْبُلَةَ الْأَذَانَ وَالْإِقَامَةَ وَلَا بُدَّ مِنَ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ وَمَا أَحْسَنُوا مِنَ الْقِرَاءَةِ وَالتَّسْبِيحِ وَالِدُّعَاءِ وَفِي الصَّلَاةِ فَرَضٌ وَتَطَوُّعٌ فَأَمَّا الْفَرَضُ فَمِنَهُ الرُّكُوعُ وَأَمَّا السُّنَّةُ فَثَلَاثُ تَسْبِيحَاتٍ فِي الرُّكُوعِ وَأَمَّا التَّطَوُّعُ فَمَا زَادَ فِي التَّسْبِيحِ وَالْقِرَاءَةِ وَالْفَنُوتِ وَاجِبٌ وَالْإِجْهَارُ بِالْقِرَاءَةِ وَاجِبٌ فِي صَلَاةِ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ وَالْفَجْرِ وَالْعِلَّةُ فِي ذَلِكَ مِنْ أَجْلِ الْفَنُوتِ حَتَّى إِذَا قَطَعَ الْإِمَامُ الْقِرَاءَةَ عَلِمَ مَنْ خَلْفَهُ أَنَّهُ قَدْ قَنَتَ فَيَقْنُتُونَ وَقَدْ قَالَ الْعَالِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ لِلصَّلَاةِ أَرْبَعَةَ آيَاتٍ حُدَّ.

بحار الأنوار ج ۸ ص ۱۶۳

^{۷۹}. ارجاع پژوهشی: وَ رَوَى زُرَّارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «لَا تُعَادُ الصَّلَاةُ إِلَّا مِنْ حَمْسَةِ الطَّهَوْرِ وَالْوَقْتُ وَالْقِبْلَةُ وَالرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ» ثُمَّ قَالَ «الْقِرَاءَةُ سُنَّةٌ وَالتَّشَهُدُ سُنَّةٌ وَلَا تَنْقُضُ السُّنَّةَ الْفَرِيضَةَ».

زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: نماز جز در پنج مورد (چه عمدا چه سهوا اعاده نمیشود: و آن طهور است (یعنی وضو و غسل و تیمم که اگر کسی از یکی از اینها که تکلیفش آنست خالی بود نمازش باطل است و باید اعاده کند). دوّم وقت (که اگر شخص نمازی را پیش از وقت بخواند که هیچ جزء آن داخل وقت نباشد اگر چه سهوا باشد آن نماز باطل است و باید اگر در وقت است دوباره بخواند و اگر وقت گذشته است قضای آن را بجا آرد، و اما پس از وقت میتوان گفت اعاده نمی خواهد چون نماز بر او واجب بوده و به گمان بقای وقت بجا آورده، و چون در وقت بجا نیآورده و قضا کرده پس قضای نماز بر او واجب بوده و آن را در وقت آن بجا آورده است). سوّم قبله (که اگر کسی عمداً به غیر قبله نماز گزارد آن را رو بقبله اعاده می کند و اگر سهواً باشد بطوری که رو بمشرق یا بمغرب یا پشت به قبله نماز کرده باشد آن را نیز اعاده می کند در وقت، و خارج از آن بقضا)، چهارم و پنجم: رکوع و دو سجده است (که به ترک هر یک از این دو چه عمداً چه سهواً نماز باطل است) سپس فرمود: قراءت سنّت است و تشهد نیز سنّت، و سنّت اگر به سهو ترك شود فریضه را باطل نمیسازد.

مصدر: من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۳۳۹ / الخصال ج ۱ ص ۲۸۴ / تهذيب الأحكام ج ۲ ص ۱۵۲

دیگر منابع: الوافي ج ۷ ص ۴۴ / وسائل الشیعة ج ۵ ص ۴۷۰ / وسائل الشیعة ج ۷ ص ۲۳۴ / بحار الأنوار ج ۸ ص ۸۵ / مستدرک الوسائل ج ۴ ص ۱۹۶

طهارت را، فقه التزکیه^{۸۰} نام گذاری کردیم و می گوئیم امام جماعت و وظیفه تزکیه^{۸۱} دارد. یا با توجه به روایاتی که می گفتند ولایت، حافظ آن عبادت های چهارگانه و فرائض کبیر چهارگانه است^{۸۲}، یک باب را به نام امامت نام گذاری کردیم^{۸۳}. یا مثلاً روایات باب وقت، یعنی همان باب نظم. بنابراین ما فقه النظم هم داریم.

^{۸۰}. ارجاع پرورشی: فقه التزکیه چه می گوید؟!

مدرسه فقهی هدایت به دلیل وجود و جعل ظلمت در زمین، تزکیه و پاکسازی را از زیرساخت های اصلی پیشرفت در جوامع می داند و برای دستیابی به پاکسازی و تزکیه و طهارت از علم خطاناپذیر و کامل شارع موارد تفصیلی زیر را در قالب فقه التزکیه (حد کبار طهارت) استنتاج و استنباط نموده است:

- ۱- معرفی ساختار ظلمت در زمین و مدیران توسعه ظلمت در بیان شارع محترم (سیاق طهارت)
- ۲- معرفی موضوعات انفسی طهارت و پاکسازی و تزکیه در بیان شارع محترم
- ۳- معرفی موضوعات ساختاری و پیوستاری تزکیه و پاکسازی در بیان شارع محترم
- ۴- معرفی ابزارهای پاکسازی و تزکیه و طهارت در بیان شارع محترم
- ۵- معرفی زمان های مورد نیاز برای تزکیه و پاکسازی در حوزه های مختلف در بیان شارع محترم
- ۶- معرفی وضعیت طهارت و تزکیه در دوران ظهور

معاونت پژوهش مدرسه هدایت - جمعه انتظار ۱۷ آذر ۱۴۰۲

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5946>

^{۸۱}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره آل عمران آیه ۱۶۴: لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ.

یقیناً خدا بر مؤمنان منت نهاد که در میان آنان پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنان می خواند و [از آلودگی های فکری و روحی] پاکشان می کند، و کتاب و حکمت به آنان می آموزد، و به راستی که آنان پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

^{۸۲}. ارجاع پژوهشی: بَيَانُ أَنْوَاعِ الْقُرْآنِ بِرِوَايَةِ ابْنِ قُؤْلُوبِيَّةٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: حُدُودُ الْفُرُوضِ الَّتِي فَرَضَهَا اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ هِيَ خَمْسَةٌ مِنْ كِبَارِ الْفَرَائِضِ الصَّلَاةُ وَالزَّكَاةُ وَالْحَجُّ وَالصَّوْمُ وَالْوَلَايَةُ الْحَافِظَةُ لِهَذِهِ الْفَرَائِضِ الْأَرْبَعَةِ وَ هِيَ فَلَكَلَّ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ وَ جَمِيعِ أُمُورِ الدِّينِ وَالشَّرَائِعِ.

بحار الأنوار ج ۶۵ ص ۳۸۷

^{۸۳}. برای مطالعه بیشتر درباره "امامت" در بیان حضرت آقا امام رضا علیه السلام به پیوست شماره ده مراجعه فرمایید.

۲/۲/۳. نامگذرای روایات مربوط به موت و نماز میت، غسل میت، تشییع و قبرستان به فقه العبره

یا مثلاً در همین باب وقت صلاه^{۸۴} یا باب ساختار محله، با پدیده ی نماز میت^{۸۵} و ملحقات آن روبرو هستیم. نماز میت و تشییع جنازه^{۸۶}، نماز میت و غسل میت^{۸۷}. البته نماز میت راس این عبادت است وگرنه ملحقاتی هم دارد.

^{۸۴}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره اسراء آیه ۷۸: أَمِمْ الصَّلَاةَ لِلدُّلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَفُزَانَ الْفَجْرِ إِنَّ فُزَانَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا.

نماز را از زوال آفتاب تا نهایت تاریکی شب برپا دار و [نیز] نماز صبح را زیرا نماز صبح همواره [مقرون با] حضور [فرشتگان] است.

برای مطالعه بیشتر درباره ی زمان در قرآن کریم به پیوست شماره یازده مراجعه فرمایید.

^{۸۵}. ارجاع پژوهشی: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَبَا بَكْرٍ تَدْرِي كَمْ الصَّلَاةِ عَلَى الْمَيِّتِ قُلْتُ لَا قَالَ خَمْسٌ تَكْبِيرَاتٍ فَتَدْرِي مِنْ أَيِّنَ أُخِذَتِ الْخَمْسُ قُلْتُ لَا قَالَ أُخِذَتِ الْخَمْسُ تَكْبِيرَاتٍ مِنَ الْخَمْسِ صَلَوَاتٍ مِنْ كُلِّ صَلَاةٍ تَكْبِيرَةٌ.

ابو بکر حضرمی می گوید: امام باقر علیه السلام (به من) فرمود: ای ابا بکر! آیا می دانی چقدر نماز بر میت واجب است؟

گفتم: نه. فرمود: پنج تکبیر. آیا می دانی این پنج تکبیر از کجا گرفته شده است؟

گفتم: نه. فرمود: پنج تکبیر از پنج نماز که از هر نماز يك تکبیر گرفته شده است.

مصدر: المحاسن ج ۲ ص ۳۱۷ / الكافي ج ۳ ص ۱۸۱ / الخصال ج ۱ ص ۲۸۰ / علل الشرايع ج ۱ ص ۳۰۲ / تهذيب الأحكام ج ۳ ص ۱۸۹

دیگر منابع: الوافي ج ۲۴ ص ۴۳۵ / وسائل الشيعة ج ۳ ص ۷۳ / بحار الأنوار ج ۷۸ ص ۳۴۲

^{۸۶}. ارجاع پژوهشی: فَفَهُ الرِّضَا، عَلَيْهِ السَّلَامُ رَوَى أَبِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَتْرُكُ تَشْيِيعَ جَنَازَةِ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّ فِيهِ فَضْلًا كَثِيرًا.

از امام صادق علیه السلام: تشییع جنازه مومن را ترک نکنید که در آن خیر فراوانی است.

مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۲۹۴

عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا دَخَلَ الْمُؤْمِنُ قَبْرَهُ نُودِيَ الْأَوَّلُ حَبَانِكَ الْجَنَّةُ وَ حَبَاءٌ مِنْ تَبَعِكَ الْمَغْفِرَةُ.

جابر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

هنگامی که مؤمن داخل قبر شود، ندا می دهند: آگاه باش! همانا نخستین بخششی که به تو کرامت کردیم، بهشت است و پاداش کسانی که تو را مشایعت نموده اند، آمرزش است.

مصدر: الكافي ج ۳ ص ۱۷۲ / من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۱۶۲

دیگر منابع: الوافي ج ۲۴ ص ۳۹۹ / وسائل الشيعة ج ۳ ص ۱۴۲

^{۸۷}. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ غَسْلِ الْمَيِّتِ فَقَالَ إغْسَلْهُ بِمَاءٍ وَ سِدْرٍ ثُمَّ إغْسَلْهُ عَلَى أَثَرِ ذَلِكَ غَسْلَةً أُخْرَى بِمَاءٍ وَ كَافُورٍ وَ ذَرِيرَةٍ إِنْ كَانَتْ وَ إغْسَلْهُ الثَّلَاثَةَ بِمَاءٍ قَرَّاحٍ قُلْتُ ثَلَاثَ غَسَلَاتٍ لِجَسَدِهِ كُلِّهِ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ يَكُونُ عَلَيْهِ ثَوْبٌ إِذَا غُسِّلَ قَالَ إِنْ إِسْتِطَعْتَ أَنْ يَكُونَ عَلَيْهِ قَمِيصٌ فَعَسَلْهُ مِنْ تَحْتِهِ وَ قَالَ أَحَبُّ لِمَنْ غُسِّلَ الْمَيِّتُ أَنْ يُلْفَ عَلَى يَدِهِ الْخِرْقَةُ حِينَ يُغَسَّلُ.

ابن مسکان گوید: از امام صادق علیه السلام درباره چگونگی غسل میت پرسیدم.

فرمود: او را با آب و سدر بشوی و در پی آن، با آب، کافور و ذریره - اگر موجود بود - غسل ده، و غسل سوم، باید با آب خالص باشد. گفتم: سه غسل برای

تمام بدن او باشد؟ فرمود: آری. گفتم: آیا در هنگام غسل باید جامه ای بر روی میت باشد؟ فرمود: اگر توانستی چنین کن که از زیر پیراهن او را غسل بده.

حضرتش فرمود: بهتر می دانم، کسی که میت را غسل می دهد، در هنگام غسل بر دست خود پارچه ای بپیچد.

مصدر: الكافي ج ۳ ص ۱۳۹ / تهذيب الأحكام ج ۱ ص ۱۰۸

دیگر منابع: الوافي ج ۲۴ ص ۳۱۷ / وسائل الشيعة ج ۲ ص ۴۷۹

مثلاً احتضار^{۸۸} و نماز میت یا مسائل مربوط به قبرستان در محله و آداب دفن که همه این موضوعات را با هم فقه عبرت نام گذاری کردیم^{۸۹}. ببینید آن مباحث در اینجا ترجمه می شوند و این عناوین پیدا می شود.

۲/۲/۴. استنباط ابواب علم، بیان، شاخصه های ارزیابی و نفی سبیل با توجه به دیگر روایات حدود کبیر صلات

یا مثلاً شما در مسجد باید این حدود کبیر صلاه را جا بیاندازید، بنابراین باب علم هم باز می شود^{۹۰}. پس ساختار خدمات علم هم از نماز آمده است. شما تا نماز را تعلیم ندهید که نمی توانید این مسائل را محقق کنید. نکته دیگر درباره مدل بیان این امور است که خیلی مهم است. ما که حرف جدیدی نزنیم، تنها روایت حدود کبیر صلاه را یا روایات لاتعداد را شرح داده ایم و فقط به کشف معذر و منجز اکتفاء نداشتیم و حیث های تحریک کننده تفکر^{۹۱}

^{۸۸} ارجاع پژوهشی: وَ قَالَ عِنْدَ قَوْلِهِ فِي آدَابِ الْإِحْتِضَارِ: وَ يُتَّبَعِي إِذَا حَضَرَهُ الْمَوْتُ أَنْ يُقْرَأَ عِنْدَهُ الْقُرْآنُ خُصُوصاً سُورَةَ بَسِ وَ الصَّافَّاتِ إِلَى آخِرِهِ وَ أَمَّا قِرَاءَةُ الصَّافَّاتِ فَإِنَّهُ يُتَّجُو مِنْ مَرَدَّةِ الشَّيَاطِينِ وَ يَبْرَأُ مِنَ الشَّرِّكَ .

از نبی مکرم اسلام صلوات الله علیه درباره آداب احتضار: هرگاه کسی در حالت احتضار قرار گرفت برایش قرآن بخوانند بویژه سورع یاسین و صافات را تا آخر سوره . اما فایده قرائت سوره صافات این است که آمدن شیاطین و شرک نجات می دهد.

مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۱۳۶

^{۸۹} به پاورقی شماره ۵۰ رجوع فرمایید.

^{۹۰} ارجاع پرورشی: فقه العلم چه می گوید؟!

یکی از زیرساخت های قطعی پیشرفت اسلامی عدم تبعیت از محاسبات مبتنی بر علوم ذاتاً مسموم طبقه بندی بیکنی از علم است. در فقه العلم مسائل مختلف مرتبط با علم را از امام علیه السلام استنطاق و تبویب کرده ایم. برخی از ساختارهای بحث فقه العلم به شرح زیر است:

۱- بررسی اوصاف مرتبط با علم دیگران در بیان شارع محترم (سیاق بحث)

۲- تبیین ویژگی های روش تحقیق دانش در بیان شارع محترم

۳- معرفی روش های سه گانه شارع در ساخت طبقه بندی برای دانش

۴- معرفی روش ساخت طبقه بندی اول در مباحث فقه العلم (طبقه بندی سؤال پایه)

۵- معرفی روش ساخت طبقه بندی دوم در مباحث فقه العلم (طبقه بندی جدال احسن)

۶- معرفی طبقه بندی سوم در مباحث فقه العلم (طبقه بندی تأسیسی شارع)

۷- معرفی اصول آموزش و دریافت علم در بیان شارع محترم

۸- معرفی ساختارهای آموزش علم در بیان شارع محترم

۹- معرفی وضعیت علم در دوران ظهور

۱۰- معرفی علم خداوند در بیان شارع محترم

۱۱- معرفی وضعیت علم و شعور سایر موجودات در بیان شارع محترم

معاونت پژوهش مدرسه هدایت - جمعه انتظار ۱۷ آذر ۱۴۰۲

پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5948>

^{۹۱} ارجاع پرورشی: زبان شارع مبتنی بر تحریک فکر تأسیس شده است!

یکی از ابواب فقهی فقه نظام، فقه البیان است. برای فهم مباحث فقه البیان، بحث را از تبیین ماهیت امضائی یا تأسیسی زبان شارع شروع می کنیم و ادله امضائی بودن زبان شارع را که شامل ۱- ملازمه امضائی بودن زبان شارع و تفاهم با عرف (به دلیل اتکاء تفاهم عرفی بر درک فطری افراد) و ۲- عدم الردع شارع (به دلیل حکومت انگیزه هایی همچون مدارا و عدم ظرفیت بر عدم ردع شارع و عدم تلازم میان عدم ردع شارع و امضای شارع) نقد می نمایم.

در مرحله بعد، ماهیت تأسیسی زبان شارع را تبیین می نمایم. همانطور که اشاره شد: اصل تفاهم وابسته به درک فطری افراد است و شارع به دلیل اشراف بیشتر نسبت به فطرت (در مقایسه با درک عرف از فطرت) زبان خود را مبتنی بر بخش اصلی فطرت (وعاء تفکر) پایه گذاری کرده است. به عبارت دیگر

را هم بحث کردیم. بنابراین مدل بیان امام جماعت هم خیلی مهم است. اگر مبتنی بر تحریک فکر باشد مخاطب به این نتیجه می‌رسد که روایات لا تعدد و روایات حدود کبیر صلاه، مفاهیم پایه مسجد هستند. اما اگر بیان بر اساس مقاصد آخوند^{۹۲} صاحب کفایه^{۹۳} باشد، همه چیز را مبتنی بر امر و نهی و حقوقی بیان می‌کند. مثلاً می‌گوید طهارت

چون بخش اصلی وجود انسان قلب او محسوب می‌شود (الْقَلْبُ وَهُوَ أَمْرُ الْجَوَارِحِ - من لا یحضره الفقیه) و چون حیات قلب به تفکر وابسته است (إِنَّ التَّفَكُّرَ حَيَاةٌ قَلْبِ الْبَصِيرِ - کافی جلد ۲)؛ بیان شارع مبتنی بر تحریک فکر، پایه‌گذاری شده است.

به دلیل نبوی شریفِ إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمْرُنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ (کافی جلد ۱) برای تحریک تفکر، باید اصل ظرفیت (قدر عقول) را به عنوان متغیر اصلی در بیان لحاظ نمود. (بیان مبتنی بر ظرفیت) در فقه‌البیان استظهاراً للآیات و الروایات بر اساس ۸ قاعده بیانی تأمل (اشراف)، مُکث، نظام مقایسه، رفق، منزلت، افتتاح، سیاق و کَمیت، ظرفیت و نقش آن در بیان شارع را تقییح نموده ایم. بنابراین انتخاب آیه یا حدیث مادر در یک بحث و انتخاب احادیث معاضد و هم‌خانواده در آن بسته فقهی با تکیه بر قواعد ساختار ۸ بخشی ظرفیت رقم می‌خورد.

حجت الاسلام علی کشوری - تبیین فهرست جدید فقه‌البیان - گفتگو با طلاب مدرسه هدایت - حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها - ۵ دی ۱۴۰۰

پایگاه اطلاع‌رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیام‌رسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/3749>

برای مطالعه بیشتر درباره "تحریک فکر" به پیوست شماره دو مراجعه فرمایید.

^{۹۲} . ارجاع پرورشی: محمدکاظم خراسانی (۱۲۵۵-۱۳۲۹ق) معروف به آخوند خراسانی از مراجع تقلید و عالمان اصول فقه در قرن چهاردهم قمری بود. او مؤلف کتاب کفایة الاصول و از حامیان اصلی نهضت مشروطه ایران بود. او مشروطه را وسیله‌ای برای جلوگیری از ظلم و ستم به مردم می‌دانست و شرکت در این جنبش را بر همه مسلمانان، واجب می‌دانست. آخوند پس از به توپ بسته شدن مجلس در ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ق توسط محمدعلی شاه قاجار، حکم به جهاد و مبارزه علیه استبداد او داد.

محمدحسین غروی نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی، سید حسین طباطبایی بروجردی، سید حسین طباطبایی قمی و محمدحسین کاشف الغطاء شاگرد او بودند.

کفای، مرگی در نور زندگانی آخوند خراسانی، ۱۳۵۹ش، ص ۷۸/ عاقلی، روزشمار تاریخ ایران، ۱۳۷۰ش، ج ۱، ص ۶۰/ کفای، مرگی در نور زندگانی آخوند خراسانی، ۱۳۵۹ش، ص ۲۷۸ و ۲۸۱/ آقابزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعة، ۱۳۸۸ش، قسم ۵، ص ۶۶/ آقا نجفی قوچانی، حیات الاسلام، ۱۳۹۳ش، ص ۲۲/ کفای، سیری در سیره علمی و عملی آخوند خراسانی، ۱۳۹۰ش، ص ۷۳، ۱۰۰

^{۹۳} . ارجاع پرورشی: کفایة الاصول کتابی است نوشته آخوند خراسانی (درگذشته ۱۳۲۹ق)، حاوی یک دوره اصول فقه، به زبان عربی. آخوند خراسانی از شاگردان ملاهادی سبزواری، شیخ انصاری و میرزای شیرازی و از مراجع تقلید بوده است.

کفایه از زمان تألیف تاکنون، متن درسی در سطح عالی و نیز محور بحث درس‌های خارج اصول فقه حوزه‌های علمیه بوده است. از این رو حدود ۲۰۰ شرح، حاشیه و تعلیقه بر آن نوشته شده است. مطالب کتاب را بسیار دقیق و منظم توصیف کرده‌اند. کاربرد عبارات‌های کوتاه برای بیان مفاهیم را هم از ویژگی‌های ادبی کفایه دانسته‌اند.

کفایة الاصول در زمان حیات مؤلف و پس از آن بارها چاپ و منتشر شده است. همچنین نسخه‌ای از آن به خط آخوند خراسانی در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران نگهداری می‌شود. این کتاب در سال ۱۴۰۹ق با تصحیح مؤسسه آل‌البیت در ۵۵۴ صفحه منتشر شده است.

این کتاب از یک مقدمه، هشت مقصد (بخش) و یک خاتمه (بخش پایانی) تشکیل شده است:

مقدمه: شامل موضوعاتی چون علم، موضوع علم اصول فقه، چگونگی و انواع وضع لغات و معانی، استعمال حقیقی و مجازی، اشتراک و تَرادُف، حقیقت شرعی، صحیح و اعم و مشتق اصولی.

مقصد اول: اوامر (مباحثی مانند اینکه آیا حقیقت امر مطلق طلب است یا طلب وجوبی؟)

مقصد دوم: نواهی (مباحثی از جمله آیا انجام دادن عملی که در یک عبادت یا عقد شرعی نهی شده، موجب بطلان کل آن عبادت یا معامله می‌شود؟)

مقصد سوم: مفاهیم (مانند مفهوم شرط، مفهوم وصف، مفهوم غایت، مفهوم استثنا و مفهوم عدد در جمله).

مقصد چهارم: عام و خاص.

مقصد پنجم: مطلق و مقید، مجمل و مبین.

امر خداست و باید به این صورت انجام بدهید. حیث های ثبتي آن را هم حذف می کند^{۹۴}. پس ببینید منشا باب بیان هم در همین مسئله است. یا مثلاً شما می گوئید امام جماعت باید ارزیابی داشته باشد^{۹۵}. اینکه من محله موفق هستم یا نه؟ الان شما می خواهید امام ها را ارزیابی کنید، بر اساس چه مبنایی این کار را می کنید^{۹۶}؟ بنده معتقدم که

مقصد ششم: امارات معتبر شرعی و عقلی (مانند احکام قطع و ظن، اجماع، خبر واحد، قیاس).
مقصد هفتم: اصول عملیه (برائت، تخیر، احتیاط و استصحاب).
مقصد هشتم: تعارض ادله شرعی (تعادل و تراجیح).
خاتمه: اجتهاد و تقلید.

باقری بیدهندی، «کتابشناسی کتب درسی حوزه (۲)-کفایة الاصول»، ص ۳۸ / نگاه کنید به آخوند خراسانی، کفایة الاصول، ۱۴۰۹ق، مقدمه شهرستانی، ص ۲۲ / آقابزرگ تهرانی، الذریعه، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۱۸۸-۱۸۸ / باقری، «کتابشناسی کتب درسی حوزه (۲) کفایة الاصول»، ش ۳۲، ص ۴۰-۴۷ / عابدی، «حاشیه ای دیگر بر کفایة الاصول»، ص ۴۸.

^{۹۴}. ارجاع پرورشی: ارتقای فقاهت چگونه محقق می شود؟

تفقه فعلی به دلیل اینکه فقاهت را در حد "کشف احکام مکلفین" تنزل داده است؛ افعال مکلف را ذیل یکی از احکام خمس ۱- واجب، ۲- حرام، ۳- مستحب، ۴- مکروه و ۵- مباح طبقه بندی می کند. درباره این نوع از تفقه سه ملاحظه جدی را مطرح می نمایم:
ملاحظه اول اینکه: در تفقه فعلی فقط خطابات شرعی مرتبط با اوامر و نواهی بررسی می شود و سایر خطابات شرعی مورد توجه قرار نمی گیرد. در این نوع از فقاهت حتی خطابات شرعی موسوم به علل الشرایع (خطابات حوزه ثبت احکام) در رساله های عملیه منعکس نمی شود و متأسفانه سطح اقتناع مکلف نسبت به احکام کاهش یافته است!

ملاحظه دوم آنکه: به دلیل محدود بودن حوزه فقاهت، سرپرستی امور مکلف به سایر دانش ها تفویض می شود و فقهاء در همه حوزه ها به اندازه امر و نهی ورود می کنند. به عنوان مثال در بحث مهندسی و ساخت بنا بحث جهت کاسه مستراح (ذیل بحث از تخلی) و چند بحث محدود دیگر را در فقه بحث می کنیم و عملاً ساخت مسکن و شهر به انبوه سازان و نظریاتی مانند نوشهرگرایی تفویض شده است. (در مجموعه خطابات شارح ۱۰ دسته توصیه درباره ساختمان وجود دارد که -به دلیل اکتفاء به کشف احکام مکلفین- این خطابات، توسط فقهاء تبویب نشده اند)
ملاحظه سوم اینکه: به دلیل ملاحظات فوق الذکر؛ پیشنهاد ارتقای مبنای فقاهت از "کشف احکام مکلفین" به "کشف فرآیند هدایت" را مطرح کرده ایم. معتقد هستیم: فقیه باید به دنبال "فریه کردن امر هدایت" در جامعه باشد و نباید محدود به کشف اوامر و نواهی به بررسی آیات و روایات بپردازد. در جلسه آینده به تشریح تفصیلی ادله مثبت مبنای کشف فرآیند هدایت و تبیین ساختار هدایت خواهیم پرداخت.

حجت الاسلام علی کشوری - هشتمین جلسه تبیین نظریه مدرسه هدایت در جمع برخی فضلاء حوزه علمیه - سه شنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۱ - قم مبارک
منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/4083>

^{۹۵}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره فرقان آیه ۱: تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا.

بزرگ [و خجسته] است کسی که بر بنده خود فرقان [= کتاب جداسازنده حق از باطل] را نازل فرمود تا برای جهانیان هشداردهنده ای باشد.

^{۹۶}. ارجاع پرورشی: فقه الفرقان چه می گوید؟!

برای دستیابی به تعالی و پیشرفت اسلامی، نیازمند ارزیابی دائمی امور بر اساس شاخصه های فقهی هستیم. فقه الفرقان، فرق گذاشتن مردم میان پیشرفت و پسترفت (فرقان عمومی) را بر اساس محورهای زیر پی گیری می کند.

- ۱- تبیین مفاهیم پایه ارزیابی و فرقان در بیان شارح محترم
- ۲- معرفی حوزه های اصلی ارزیابی و فرقان در بیان شارح محترم
- ۳- معرفی شاخصه های بخشی ارزیابی در بیان شارح محترم
- ۴- معرفی ساختارهای ارزیابی در بیان شارح محترم

معاونت پژوهش مدرسه هدایت - جمعه انتظار ۱۷ آذر ۱۴۰۲

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5945>

باید بر اساس همین حدود کبیر صلاه ارزیابی کنید. امامی که قدرت بیشتری در گسترش مفهوم طهارت دارد، امام موفق تری است. پس ببینید خود این ها مبنای ارزیابی هم می شوند. همین طور سایر ابواب و حوزه های نُه گانه را به این شکل به دست آورده ایم. بنابراین کار فقهی ما این بوده، چون ما اجازه نداریم ذوق به خرج بدهیم. به هیچ وجه شارع به ما چنین اجازه ای نداده است و باید حتما ظهورگیری انجام دهیم^{۹۷}. منتها گاهی وقت ها جمع دلالتی^{۹۸} در ظهورگیری یک مجموعه یا ظهورگیری یک طلبه از دیگران قوی تر است لذا خروجی هم متفاوت می شود. هر چه متتبع تر باشید کار جلوتر می رود. حال جمع دلالتی مفاهیم پایه از حیث ثبت - یعنی از حیث فایده - ما را به این نتیجه رسانده که ما نُه نوع خدمت داریم. یعنی حدود کبیر صلاه، نُه نوع فایده از حیث اجتماعی به مردم می رساند. حیث اجتماعی هم یادتان باشد چون موضوع ما مسجد و اداره جامعه است. بنابراین ما نُه نوع خدمت را در اختیار مردم یک محله قرار می دهیم و بحث می کنیم. ان شاء الله وقتی آن دوره دویست جلسه ای را برگزار و دومین سوال دوره را - که اساس بحث و به تعبیر فقه البیان^{۹۹}، بخش "تعریف" است - به شکل تفصیلی بررسی کردیم، معرفتمان نسبت به مسجد و صلوات ارتقا پیدا می کند. آن وقت می توانیم دیگر فواید صلوات را، بر اساس همان حدود کبیر و مجموعه بحث های مرتبط با صلوات طبقه بندی کنیم. در آنجا شاید به جای نُه فایده به یازده فایده رسیدیم. البته ما الان در

برای مطالعه بیشتر درباره ی شاخصه های ارزیابی به پیوست شماره دوازده مراجعه فرمایید.

^{۹۷}. ارجاع پرورشی: ظهور مقابل خفا، در لغت به معنای آشکار بودن است. مقصود از ظهور در اینجا ظهور لفظی است. به معنایی که شنونده به عنوان یکی از افراد عرف از کلام گوینده می فهمد و کلام او بر آن به عنوان مقصود گوینده دلالت می کند، ظاهر گفته می شود؛ خواه دلالت لفظ بر آن معنا به اقتضای وضع لفظ بر آن معنا باشد یا به سبب قرآینی که ذهن شنونده را به آن معنا منتقل می کند. چنان که به دلالت لفظ بر آن معنا ظهور گویند. در اصطلاح، ظهور مقابل نص به کار می رود. تفاوت آن دو، این است که دلالت نص بر معنای مقصود صریح است و احتمال خلاف در آن راه ندارد؛ بر خلاف ظهور که در مورد آن احتمال خلاف هر چند ضعیف می رود؛ بدین معنا که احتمال داده می شود مقصود گوینده غیر آن باشد.

لسان العرب، واژه «ظهر / ظهور» دروس فی علم الاصول، ج ۲، ص ۱۵۸ / تسدید الاصول، ج ۲، ص ۴۵ / المحکم فی اصول الفقه، ج ۳، ص ۱۶۴

^{۹۸}. ارجاع پرورشی: جمع بین دو دلیل به ظاهر متعارض بر اساس قواعد عرفی را جمع عرفی می گویند. به جمع عرفی، توفیق دلالتی، توفیق عرفی، توفیق عرفی مقبول، جمع دلالتی، جمع عرفی عقلایی، جمع عرفی مقبول، جمع عقلایی و جمع مقبول نیز گفته می شود. جمع عرفی، مقابل جمع تبرعی عبارت است از جمع بین دو دلیل به ظاهر متعارض با تصرف در دلالت آنها بر اساس قواعد پذیرفته نزد عرف که در کشف مراد از دو کلام متعارض به آنها مراجعه می شود.

در جمع عرفی معمولاً یکی از دو دلیل، قرینه و یا در حکم قرینه بر مقصود متکلم از دلیل دیگر خواهد بود، مانند عام و خاص که تعارض ظاهری آن دو با تقدیم خاص بر عام و قرینه گرفتن آن بر مراد از عام، رفع می شود. جمع عرفی از اقسام جمع بین ادله و به معنای ایجاد سازگاری و رفع تنافی میان مدلول دو دلیل است، به گونه ای که عرف و عقلای عالم آن را پسندیده و در محاورات خود از آن بهره می گیرند، مانند این که دلیل عام بگوید: «اکرم العلماء» و دلیل خاص بگوید: «لا تکرّم العالم الفاسق»؛ در این صورت بین دو دلیل جمع می شود و عام، بر خاص حمل می گردد و نتیجه جمع بین این دو، وجوب اکرام عالم غیر فاسق است. از این عنوان در اصول فقه، بحث تعادل و تراجیح سخن رفته است.

بنابر آنچه معروف میان اصولیان است، در تعارض بین دو دلیل به مقتضای قاعده «الجمع مهما امکن اولی من الطرح» مرجع قواعد جمع عرفی است و در صورت عدم امکان جمع عرفی بین آن دو، به قواعد باب تعارض رجوع می گردد.

المحکم فی اصول الفقه، حکیم، محمد سعید، ج ۶، ص ۷۳ / اصول الفقه، مظفر، محمدرضا، ج ۲، ص ۲۰۵-۲۰۷ / فوائد الاصول، نائینی، محمدحسین، ج ۴، ص ۷۲۶-۷۲۸ / خونی، اجود التقريرات، سید ابوالقاسم، ج ۲، ص ۵۱۲.

^{۹۹}. برای مطالعه بیشتر در باره ی "قواعد اصولی فقه البیان" به پیوست شماره سه مراجعه فرمایید.

روایات مربوط به ناخن گرفتن، خروجی پدافند غیر عامل هم گرفتیم و بر همین اساس گفتیم که فقه نفی سبیل هم در نماز وجود دارد.^{۱۰۰} ممکن است بعد از طبقه بندی دقیق تر به بیست نوع فایده برسیم ولی جمع بندی در حال حاضر این است که قطعاً این نه نوع فایده از حدود کبیر صلاه زاییده می شود. خواهش می کنم به این نکته توجه کنید، این تمام حرف بنده در این دوره بحثی است: امام جماعتی که استحسان^{۱۰۱} نکند، ذوقی حرف نزنند، بر اساس مبانی دیگران حرف نزنند^{۱۰۲} و همین حدود کبیره صلاه و بقیه حدود را بررسی کند، به این نتیجه می رسد که مسجد باید نه نوع خدمت را به مردم ارائه دهد. بسیار مسئله مهمی است که تبویب^{۱۰۳} مباحثان را از کجا می آورید؟ بنده تصریح می کنم که

^{۱۰۰} ارجاع پرورشی: کوتاه کردن ناخن هم چنین اثری دارد. در آداب کوتاه کردن ناخن، مسئله دفن ناخن وجود دارد. در روایات از حضرت رسول صلوات الله علیه احادیث معتبری نقل است که هفت چیز را باید دفن کنید: مو، ناخن، خون به خصوص خون حیض، رحم و بچه دان، دندان و نطفه ای که سقط شده ولی تبدیل به خون شده است. علت چیست؟ ظاهر اینطور است که ناخن گرفتن یک مسئله کاملاً فردی است. تعجب نمی کنید که اگر من چند روایت به این اضافه کنم و ببینید که این یک حکم سیاسی است؟ اینجا را به زبان پوزیتویسیست ها بگویم. می توان گفت که سلول های بنیادی و اطلاعات ژنتیکی هر انسانی در این مواردی نهفته است که گفتیم. مثلاً در ناخن اطلاعات ژنتیکی فراوانی وجود دارد. یا مثلاً بند ناف را می گیرند چون حاوی سلول های بنیادین است. به عبارتی تمام اطلاعات ژنتیکی انسان را می توان در این اجزاء مشاهده کرد. من کاری ندارم کسانی که الان ژنتیک می خوانند متوجه هر هفت مورد هستند یا خیر؟ بنده کاری به مبانی آنها ندارم. با توجه به مبانی روایتی، این هفت عضو بسیار مهم هستند. یکی از حیث های اهمیت اینها این است که اگر کسی بخواهد شما را سحر کند، یکی از این اجزا به خصوص مو و ناخن برای او کفایت می کند. اینها را به خانواده، اهالی مسجد و محله تان بگویید که اینها را دفن بکنند. البته پنهان کردن و دفن کردن در خاک موضوعیت دارد. علت این است که اینها جزء ابزارهای سحر هستند؛ یعنی در علوم غریبه باطل از آنها استفاده می شود و سحر کار اصلی یهود است. آیه قرآن که می فرماید: *أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودُ*. در روایت دارد که اگر دو یهودی یک جا مومنی را پیدا کنند، نقشه قتل او را می کشند. حالا یهود چطور به اهالی ایمان ضربه می زند؟ اگر بگویم نیمی از تدابیر آنها مبتنی بر سحر و طلسم است، گزاف نگفته ام. به همین دلیل حکم ناخن گرفتن اگر درست انجام شود، ابزار اصلی یهود از بین می رود یا تضعیف می شود.

حجه الاسلام علی کشوری. جلسه پنجم دوره بحثی مسجد و اداره جامعه. بنیاد هدایت، قم. خرداد ۱۴۰۲

^{۱۰۱} ارجاع پرورشی: *إِسْتِحْسَانٌ* اصطلاحی برای روشی از روش های اجتهادی در فقه اهل سنت که غالباً در عرض قیاس مطرح شده و در علم اصول مباحث حجّت به مناسبت از آن سخن رفته است. در حجّیت و عدم حجّیت استحسان میان اهل سنت اختلاف است، لیکن فقیهان امامیه به اتفاق، آن را حجّت نمی دانند، مگر آن که به ظواهر کتاب یا سنت بازگشت کند یا از ملازمه عقلی استفاده شود، البته برخی از معانی استحسان همچون عمل به یکی از دو دلیل که قوی تر است، هر چند فی نفسه صحیح می باشد، لیکن آن را در زمره دلیل مستقل قرار دادن صحیح نیست.

السید محمد تقی الحکیم، الاصول العامة للفقهاء المقارن، ص ۳۶۱-۳۶۳ / اصول الفقه، ۲، ص ۱۸۰ / انوار الاصول، ۲، ص ۵۳۰-۵۳۱ / الموسوعة الفقهية الميسرة، ج ۲، ص ۴۰۵

^{۱۰۲} ارجاع پژوهشی: *أَخَمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ إِدْرِيسَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ الْكِنْدِيِّ عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يَنْفَقُهُ مِنْ أَصْحَابِنَا يَا بَشِيرُ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ إِذَا لَمْ يَسْتَعْنِ بِفَقْهِهِ إِحْتِاجَ إِلَيْهِمْ فَإِذَا إِحْتِاجَ إِلَيْهِمْ أَذْخَلُوهُ فِي بَابِ ضَلَالَتِهِمْ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ .* حضرت صادق علیه السلام به بشیر فرمود: هر يك از اصحاب ما که فهم دين ندارد خیري ندارد، ای بشیر هر مردی از ایشان که از نظر فهم دين بی نیاز نباشد بدیگران نیاز پیدا میکند و چون بآنها نیازمند شد او را در گمراهی خویش وارد کنند و او نفهمد.

مصدر: الکافي ج ۱ ص ۳۳

دیگر منابع: منیة المرید ج ۱ ص ۳۷۵ / الوافی ج ۱ ص ۱۳۰ / وسائل الشیعة ج ۲۱ ص ۴۷۷ / الفصول المهمة ج ۱ ص ۶۸۵ / بحار الأنوار ج ۱ ص ۲۲۰

^{۱۰۳} ارجاع پرورشی: تبویب سه گونه است!

در چهار سرفصل ۱- قواعد فقهی صدور، ۲- ارتقاء قواعد اصولی، ۳- روش موضوع شناسی و ۴- قواعد فقهی تبویب با حوزه علمیه فعلی گفتگو داریم! به عنوان مثال در مباحث فقهی مرتبط با شکل تبویب، تاکنون سه نوع تبویب را از آیات و روایات استنباط کرده ایم. تبویب در فضای مقایسه و تبویب در فضای تسلیم و تبویب ناظر به پرسش؛ آشکال اصلی تبویب در فقه هدایت محسوب می شوند! به عبارت دیگر: اگر چگونگی مواجهه با بدعت های گسترش یافته و یا ارایه پاسخ به پرسش های مخاطب مطرح باشد؛ تبویب را متناسب با مواجهه با بدعت های گسترش یافته و متناسب با پاسخگویی به پرسش های مخاطب مدیریت می کنیم. اما اگر مبنا را استنطاق ساختاری از شارع قرار دهیم؛ تبویب های مطرح در روایات و آیات را شرح می دهیم.

تبویب ما زائیده حدود کبیر صلاه و از آنجا منشا گرفته است. لذا در تبویب، حصر به کار نبرده ایم و در تبلیغ هم بر این اساس عمل کردیم. بنابراین سوال سوم هم پاسخ داده شد. حال این سوال سوم یک نتیجه ایجاد می کند: ما حدود کبیر صلاه را بحث کردیم، روایات لاتعداد، روایات سنت های پنجگانه را که پیامبر صلوات الله علیه به صلاه اضافه کرده اند را هم بحث کردیم. از جمع دلالتی همه این روایات متوجه می شویم که ما به عنوان امام جماعت باید نُوع خدمت برای مردم انجام دهیم یعنی نُوع خدمتگزاری داریم.

به عبارت بهتر: روایات مجوز سه نوع تبویب را برای فقیه صادر کرده اند؛ که در نشست تخصصی تبیین قواعد فقهی تبویب به تشریح ادله فقهی مرتبط با تبویب خواهیم پرداخت.

حجت الاسلام علی کشوری - گفتگو با برخی از طلاب مدرسه هدایت درباره قواعد فقهی تبویب - ۲۶ آبان ۱۴۰۱ - مدرسه علمیه معصومیه سلام الله علیها

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/4804>

۳. جایگاه محوری کالبد مساجد و نقشه تفصیلی شهرها در پیشبرد اهداف تمدنی مساجد

۳/۱. کالبد ناقص و نقشه حداقلی به عنوان اولین مانع پیش روی برنامه های تمدنی مساجد

۳/۱/۱. راه حل: طراحی نقشه یک مسجد تمدنی و آغاز رایزنی با ارکان مربوطه نظام درباره آن

حال پرسش اساسی این است که آیا کالبد مساجد فعلی اجازه می‌دهد این نوع خدمت به مردم ارائه بشود؟ مثلاً مسجدی دارید که یک وضوخانه و دستشویی دارد، یک جاکفشی و یک صحن نماز برای بانوان و آقایان. اصلاً در آنجا می‌توانید نوع خدمت ارائه بدهید؟ پاسخش خیلی روشن است. به نظرم جزء اقدامات زیرساختی بنیاد هدایت باید این باشد که نقشه کالبدی یک مسجد تمدنی که قابلیت ارائه این نوع خدمت را دارد بکشد و در اختیار امام جماعت‌ها و وزارتخانه قرار دهد. این واقعا جزو کارهای واجب شماس است. چون شما از یک طرف امام جماعت‌تان را ارتقا می‌دهید و می‌گویید: باید سبد خدمات مسجد به نوع خدمت تمدنی ارتقا پیدا می‌کند. از آن طرف کالبد مساجد‌تان چنین کارآمدی را ندارد. بنابراین حتماً باید وارد رایزنی با آنها هم بشویم و مساجد‌مان را با یک کالبد تمدنی بسازیم. این را به عنوان کسی که شاید ۲۰ سال اصفهان را از حیث کالبد مطالعه کرده ام عرض می‌کنم. خیلی برایم مهم بوده که آیت الله العظمی شیخ بهائی^{۱۰۴} را بفهمم که دقیقاً چه کارهایی کردند تا دوره صفویه شکل گرفت؟ همین طور بقیه علمای عظیم الشانی که در این دوره بودند. به نظر بنده کالبد تمدنی که ما پیشنهاد می‌کنیم حدود سی درصد پیشرفته‌تر از کالبد تمدنی دوره صفویه است. یکی از پیشنهادهای بنده این است که امامان برتر محله‌ها را به محله علی قلی آقا و مسجد سید اصفهان ببریم تا روی زمین توضیح بدهیم که مرحوم حجت الاسلام شفتی _ سازنده مسجد سید _ چرا مسجد را به این شکل ساخته است؟ بعد آن وقت مقایسه کنیم با این پیشنهادی که خودمان می‌دهیم. البته حتماً عالم خبیری مثل شیخ بهائی یا مرحوم حجت الاسلام شفتی یا مرحوم علامه مجلسی که از حیث

^{۱۰۴} ارجاع پرورشی: بهاء‌الدین محمد بن عزالدین حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی (۹۵۳-۱۰۳۰ ه.ق)، متخلص به بهائی و معروف به شیخ بهایی، بهاء‌الدین عاملی و شیخ الاسلام، فقیه، دانشمند ذوقنون، محدث، حکیم، شاعر و ریاضیدان شیعه در عصر صفویه بود. وی از علمای جبل عامل بود که نسبش به حارث همدانی صحابی امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌رسد.

شیخ بهائی یکی از بزرگان و مفاخر و نوابغ اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری می‌باشد که در جامعیت و تنوع علوم و دانش، کمتر نظیری می‌توان بر او پیدا نمود، او یکی از جامع‌ترین افراد روزگار خویش در وسعت معلومات و تنوع اطلاعات بوده است، از این نظر برجستگی مشخصی در میان فقها و دانشمندان کسب کرده است.

زادگاه او جبل عامل لبنان بوده ولی به علت هجرت پدر به ایران در اصفهان و قزوین تحصیل کرده است. منصب شیخ الاسلامی که بالاترین منصب رسمی دینی آن عصر بود را عهده‌دار بوده و ریاست علمای شیعه را بر عهده داشت و از این منصب نهایت استفاده برای ترویج و نشر مکتب تشیع را نموده است. او سفرهای بسیاری به مناطق و کشورهای مختلف داشته که مهم‌ترین آنها سفر به مشهد با پای پیاده همراه شاه عباس صفوی است. کسب علم، تبلیغ دین اسلام، دیدار با علمای اهل سنت و مناظرات را حاصل سفرهای او شمرده‌اند.

او در زمینه‌های گوناگون نظیر: تفسیر، حدیث، فقه، اصول، رجال، فلسفه، دعا، لغت، ریاضی، نجوم، شعر و ادب فارسی و چندین دانش دیگر بیش از ۱۰۰ تالیف دارد که به کتاب جامع عباسی و الاربعون حدیثاً می‌توان اشاره کرد. از کارهای عمرانی شیخ بهائی، اقدامات وی در مرقد امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، مسجد امام اصفهان و منار جنبان، حمام گرم اصفهان و بسیاری بناهای به یاد ماندنی دیگر را می‌توان نام برد.

قمی، عباس، فوائد الرضویه: زندگانی علمای مذهب شیعه، ج ۲، ص ۵۱۰ / آقا بزرگ تهرانی، محمدحسن، الروضة النضرة فی علماء القرن الحادی عشرة، ج ۱، ص ۸۷ / امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۲۴۲ / شیخ بهائی، کلیات اشعار و آثار فارسی شیخ بهائی، مقدمه، ص ۵۹.

خواندن، تتبع و حتی درایه در روایات^{۱۰۵}، عظیم الشان هستند، حتماً این حیث توسعه یافتگی که ما الان داریم بحث می‌کنیم در ذهنشان بوده است ولی به دلیل محدودیت‌هایی که در مواجهه با حاکمان وقت داشتند نتوانستند تمام آن طرح را اجرایی کنند. اما با این اختیاراتی که ما در جمهوری اسلامی داریم باید کالبد مساجدمان را حتی پیشرفته‌تر از دوره صفویه طراحی کنیم. بر این اساس، موضوع تشکیل اتاق مهندسان در بنیاد هدایت یکی از واجبات است؛ چون الان هم شهرهای جدید ساخته می‌شود، هم مرمت و احیای مساجد قدیمی در دستور کار است، هم در حال حاضر یک سری مسجد تمدنی داریم که اینها باید به عنوان مساجد اصلی بنیاد هدایت آباد^{۱۰۶} و فعال شود. یعنی باید همین الان بعضی از ائمه تمدنی مان را به مساجدی ببریم که از حیث کالبد، اجازه برنامه ریزی نه گانه را به امام می‌دهد. این فایده بحث است. اگر شما به بحث نقشه تمدنی مساجد پردازید، در سه حوزه شهرها و مساجد جدید، در موضوع ترمیم و احیای مساجد به علاوه مساجد فعلی می‌توانید خروجی بگیرید. خیرین مسجدمساز یکی از مجموعه های فعال کشور در این زمینه است و بلافاصله بنیاد باید با آنها ارتباط بگیرد. بگوید آقا می‌خواهید مسجد بسازید، بدانید مسجد ساختار فرهنگی آموزشی صرف نیست، مسجد یک کالبد تمدنی با نه کارکرد است. بنابراین باید با مهندسين آنها به صورت ویژه وارد بحث شوید. به نظرم گزارف نیست اگر بگویم در تحقق مسئله امامت محله، بیش از نیمی از کار این است که کالبد مسجد اجازه فعالیت‌های نه گانه را بدهد. نیمی هم مربوط به فهم مسئله و علم است که باید با امام محله و مردم و اینها بحث کرد. من نگران این مساجد جدیدی هستم که دارند می‌سازند. معذرت می‌خواهم به خاطر این تعبیر اما مرحوم هاشمی رفسنجانی^{۱۰۷} درک ناقصی از مسجد داشتند. ظاهراً به وزارت نفت

^{۱۰۵}. ارجاع پژوهشی: أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بُرَيْدِ الرَّزَّازِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بَنِي إِغْرَفٍ مَنَازِلَ الشَّيْخَةِ عَلِيٍّ قَدَّرَ رِوَايَتَهُمْ وَ مَعْرِفَتَهُمْ فَإِنَّ الْمَعْرِفَةَ هِيَ الدَّرَايَةُ لِلرَّوَايَةِ وَ بِالذَّرَايَاتِ لِلرَّوَايَاتِ يَغْلُو الْمُؤْمِنُ إِلَى أَقْصَى دَرَجَاتِ الْإِيمَانِ إِنِّي نَظَرْتُ فِي كِتَابٍ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ . فَوَجَدْتُ فِي الْكِتَابِ أَنَّ قِيمَةَ كُلِّ امْرِئٍ وَ قَدْرَهُ مَعْرِفَتُهُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُحَاسِبُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ مَا آتَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ فِي دَارِ الدُّنْيَا.

برید رزاز از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: (پدرم) امام باقر علیه السلام بمن چنین فرمودند: فرزندم، حدّ دانش و درک پیروان مکتب علی علیه السلام را از اینکه آنان چه مقدار سخنان معصومین را آموخته و درک نموده‌اند و به دیگران می‌آموزند بدست بیاور. زیرا، شناخت آنان از گفتار پیشوایان دین و آگاهی ایشان بوسیله درک فرمایشات معصومین باعث می‌شود که مؤمن، خود را به بلندترین قلّه‌های ایمان برساند، من کتابی از حضرت علی علیه السلام مطالعه می‌کردم که این عبارت را در آن مشاهده نمودم: معیار ارزش و مقام هر کس، اندازه آگاهی و شناخت وی می‌باشد، زیرا خداوند تبارک و تعالی هنگام سنجش اعمال انسان، به اندازه خردی که در دنیا به او داده است کردارش را حساب می‌کشد.

مصدر: الأصول الستة عشر (ط - دار الشبستری) ج ۱ ص ۳ / معانی الأخبار ج ۱ ص ۱
دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۱ ص ۱۰۶ / مستدرک الوسائل ج ۱ ص ۸۴ / نوادر الأخبار ج ۱ ص ۵۰

^{۱۰۶}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره توبه آیه ۱۸: إِنَّمَا يَعْزَّمُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ آمَنٍ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ.

مساجد خدا را تنها کسانی آباد می‌کنند که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و نماز برپا داشته و زکات داده و جز از خدا نترسیده اند پس امید است که اینان از راه‌یافتگان باشند.

^{۱۰۷}. ارجاع پرورشی: اکبر هاشمی بهرمانی مشهور به اکبر هاشمی رفسنجانی (۱۳۱۳ - ۱۳۹۵ ش) روحانی، سیاستمدار و از تاثیرگذارترین شخصیت‌های جمهوری اسلامی ایران بود. وی از یاران شاخص امام خمینی در مبارزه علیه حکومت پهلوی بود و چند بار دستگیر و زندانی شد. از موسسان جامعه روحانیت مبارز تهران، عضویت در شورای انقلاب، سرپرستی وزارت کشور، عضویت در هیات مؤسس حزب جمهوری، ریاست مجلس شورای اسلامی، جانشین

گفتند بروید در جاده‌های کشور مسجد بسازید. آنها هم آمدند و اتاق‌هایی ساختند. هرچند می‌توانستند خدمات همان مساجد بین راهی را لاقلاً از کاروانسراهایی که شاه عباس برای مردم ساخت بهتر طراحی کنند. بروید خدمات آن مساجد را ببینید که چقدر برای یک مسافر ناقص است. در صورتی که باید خدمات کامل به مسافر ارائه شود. حالا ایشان این اشتباه را کردند. اشتباه دومی که در این جریان وجود دارد، مربوط به وزارت مسکن می‌شود که الان شهرهای جدید می‌سازد و بافت فرسوده را ترمیم می‌کند. بعضی از مواقع اصلاً مسجد را نمی‌بیند، آن جایی هم که می‌بیند اصلاً مسجد تمدنی نیست. لذا باید وارد تعامل با این‌ها بشویم که ساختار واقعی مسجد احیا شود.

۳/۲. طرح تفصیلی شهرها به محوریت مناطق شهری به عنوان دومین مانع پیش روی برنامه های تمدنی مساجد

۳/۲/۱. راه حل: تقسیم کاربری اراضی بر اساس خدمات نه گانه مساجد، مثلاً اراضی مربوط به عبرت

موضوع مهم دیگری که خواهش می‌کنم حاج آقا^{۱۰۸} هم که در جلسه تشریف دارند توجه بکنند، بحث طرح تفصیلی شهرهاست که می‌تواند از حوزه‌های ورود بنیاد هدایت باشد. طرح تفصیلی شهر یعنی چهارچوب‌های اصلی طراحی شهر. شهر به کجا توسعه پیدا کند و کاربری‌هایش چه باشد؟^{۱۰۹} می‌دانید که در طرح‌های تفصیلی اساس کار تعریف کاربری اراضی است^{۱۱۰}. مثلاً کاربری مسکونی یا کاربری مربوط به فضای سبز. فرض کنید صد هکتار زمین را به

فرماندهی کل قوا و فرماندهی جنگ، دو دوره ریاست جمهوری، ریاست شورای عالی امنیت ملی، ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام از تاسیس تا زمان درگذشت، امامت جمعه موقت تهران از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ ش، نمایندگی مردم تهران در مجلس خبرگان از ابتدای تأسیس و ریاست آن مجلس از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ ش، و ریاست هیئت مؤسس و هیئت امنای دانشگاه آزاد اسلامی از جمله فعالیت‌های وی پس از انقلاب بود.
شیرعلی‌نیا، روایتی از زندگی و زمانه هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۵ ش / هاشمی، هاشمی رفسنجانی دوران مبارزه، ۱۳۷۶ ش، ص ۹۶
۱۰۸. جناب حجه الاسلام سید ناصر میر محمدیان ریاست بنیاد هدایت.

۱۰۹. ارجاع پردازشی: آیین نامه نحوه بررسی و تصویب طرح‌های توسعه و عمران محلی، ناحیه‌ای، منطقه‌ای و ملی و مقررات شهرسازی و معماری کشور"

فصل ۱- تعاریف و طبقه بندی طرحها، اختصارها و مراجع بررسی و تصویب
ماده ۱- انواع طرحها:

۱- طرح جامع سرزمین: این طرح در بند (۱) ماده (۱) قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی و تعیین وظایف آن مصوب ۱۳۵۳ تعریف شده است .

۲- طرح‌های کالبدی ملی و منطقه‌ای: با هدف مکانیابی برای گسترش آینده شهرهای موجود و ایجاد شهرها و شهرکهای جدید، پیشنهاد شبکه شهری آینده کشور یعنی اندازه شهرها، چگونگی استقرار آنها در پهنه کشور و سلسله مراتب میان شهرها به منظور تسهیل مدیریت سرزمین و امر خدمات‌رسانی به مردم و پیشنهاد چارچوب مقررات ساخت و ساز در کاربریهای مجاز زمینهای سراسر کشور .

آیین نامه نحوه بررسی و تصویب طرح‌های توسعه و عمران محلی، ناحیه‌ای منطقه‌ای و ملی و مقررات شهرسازی و معماری کشور

۱۱۰. ارجاع پرورشی: یکی از کتابهای مهمی که در سالهای اخیر در زمینه مسئله ی کاربری اراضی نوشته شده است "برنامه ریزی کاربری اراضی شهری" نوشته ی دکتر کرامت الله زیاری استاد دانشگاه تهران است. فهرست مباحث این کتاب به شرح زیر است:

فصل اول: تعاریف و مفاهیم نظریه ها و کلیات برنامه ریزی کاربری اراضی شهری ویژگی ها و ماهیت زمین و کاربری اهداف کاربری نظریه های کاربری اراضی شهری نظریه اقتصادی زمین نظریه نقش کالبدی نظریه ساماندهی زمین نظریه اصلاح گرای نظریه مدرنیسم نظریه فلسفه گرای فرایند برنامه ریزی کاربری اراضی شهری انواع کاربری اراضی شهری و رنگ آن ها چارچوب مطالعاتی برنامه ریزی کاربری اراضی شهری فصل دوم: استانداردهای برنامه ریزی کاربری اراضی شهری تقسیمات کالبدی شهر نقشه های کاربری زمین تراکم شهری تفکیک اراضی شهری حریم و محدوده فصل سوم: منطقه بندی مقررات

شما می‌دهند، شما کار را از کجا شروع می‌کنید؟ قاعدتا باید اراضی را بین کاربری‌های مختلف توزیع کنید. این بحث خدمات نه گانه مساجد، حتی در طرح تفصیلی شهرها هم به درد می‌خورد. ما می‌گوییم نه کاربری برای طرح‌های تفصیلی شهر باید در نظر گرفت. یعنی وقتی می‌خواهید ببینید یک شهری موفق است یا نه، مثلاً بگوئید کاربری میراث فرهنگی و عبرت این شهر کجاست؟^{۱۱۱} چون مردم بدون عبرت و میراث فرهنگی دچار اختلال شخصیت می‌شوند. یکی از خدماتی که باید به مردم بدهید این است که مردم را قبل از اتخاذ تصمیمات غلط پشیمان کنید و این هنر اختصاصی انبیاء علیهم السلام است. نام این کار را "عبرت" گذاشته ایم^{۱۱۲}. عبرت از واژه عبور است دیگر. انبیاء علیهم السلام قدرت تفاهمی داشتند که می‌توانستند مردم را از اتخاذ تصمیمات غلط عبور دهند. پس مهم است که

منطقه بندی کنترل کاربری زمین مبانی منطقه بندی اهمیت منطقه بندی مزایای منطقه بندی کاربری بخش انتقالی امتیازات منطقه بندی نقشه های منطقه بندی فصل چهارم: مدل ها و روش های پیش بینی در برنامه ریزی کاربری اراضی شهری مدل رشد خطی مدل رشد نمایی مدل مقایسه مدل رگرسیون چند متغیره مدل ترکیبی روش برآورد تعداد کل مهاجران پیشبینی مهاجرت برآورد نیاز به زمین برای تامین مسکن روش استفاده از سرانه مسکونی و تراکم خالص مدل های اقتصادی مدل اقتصاد پایه ای شهر مدل تغییر سهم یا شیفیت شیر پیش بینی اشتغال با استفاده از ضرایب تغییرات مدل تغییر مراکز خرید مدل مکان یابی مراکز خرید مدل دسترسی مدل حمل و نقل فصل پنجم: برنامه ریزی کاربری اراضی یک شهر جدید نمونه کاربری اراضی در سطح شهر های استان خراسان بررسی کاربری اراضی شهر ها با توجه به گروه های اقلیمی کاربری اراضی در مقیاس شهر های جهان بررسی تراکم بررسی تراکم در سطح شهر های منطقه فصل ششم: برنامه ریزی کاربری اراضی یک شهر سنتی یا خودرو برنامه ریزی کاربری اراضی شهر میناب وضع موجود کاربری ها ارزیابی سطوح و سرانه ها پیش بینی ها و برآورد ها تجزیه و تحلیل فصل هفتم: ضوابط و مقررات برنامه ریزی کاربری اراضی شهری ضوابط و مقررات.

برشی از متن کتاب

استوارت چاپین یکی از نظریه پردازان جدید برنامه ریزی کاربری زمین، میان کاربری زمین در مقیاس کلان و کاربری زمین در مقیاس شهری تفکیک قایل شده است. طبق نظریه وی، استفاده از زمین در مقیاس کلان، به فعالیت هایی چون کشاورزی، معدن، مرتع و جنگل تقسیم می شود. لیکن در مقیاس شهری، استفاده از زمین با تمام فعالیت های مورد نیاز جامعه همانند مسکن، کار، تولید، توزیع، حمل و نقل، گذران اوقات فراغت و خدمات آموزشی، اجتماعی و بهداشتی ارتباط پیدا می کند. چاپین بیان می دارد، که کاربری زمین در مقیاس شهر، به عواملی همچون محدودیت زمین، شکل و موقعیت زمین، انواع فعالیت، تراکم، تمرکز، نحوه توزیع اراضی میان کاربری ها و مقایسه کاربری ها وابسته است. امروزه کاربری زمین شهر، به ساماندهی فضا و ساماندهی زیرزمین مربوط می گردد. نظریه برنامه ریزی فضائی معتقد است، کاربری زمین شهری بایستی به ادراک زیبایی، هویت فضائی و احساس تعلق به محیط پاسخ دهد. نظریه ساماندهی زیرزمین، کاربری زمین را به منظور ساماندهی فعالیت های شهری به منظور ایجاد معبر برای مترو، تردد اتومبیل، استقرار تأسیسات شهری، استفاده تفریحی، استفاده خدماتی و تجاری و غیره... انبار و مخصوصا ایجاد پناهگاه پیشنهاد می نماید.

^{۱۱۱} ارجاع پرورشی: لازم به ذکر است که نشست تخصصی: الگوی فقهی روایت میراث فرهنگی در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۱ در شهر قم برگزار گردید.

برای مطالعه متن کامل این نشست به نشانی زیر مراجعه فرمایید.

<https://eitaa.com/olgou4/4522>

^{۱۱۲} ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَازُونَ الصُّوفِيّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو تَرَابٍ عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ [مُوسَى] الْكُرْتُبَانِيّ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا أَيْنَ رَسُولَ اللَّهِ حَدَّثَنِي بِحَدِيثٍ عَنْ آبَائِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَقَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ آبَائِهِ قَالَ... التَّدْبِيرُ قَبْلَ الْعَمَلِ يُؤْمِنُكَ مِنَ النَّدَمِ.
از حضرت آقا امیرالمومنین علیه السلام: تدبیر پیش از کار تو را از پشیمانی آسوده دارد.

مصدر: عیون الأخبار ج ۲ ص ۵۳ / الأملی (للصدوق) ج ۱ ص ۴۴۶

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۷۴ ص ۲۸۳ / عوالم العلوم ج ۲۳ ص ۲۷۲

مَنْ تَوَرَّطَ فِي الْأُمُورِ بَعَثَ نَظْرَ فِي الْعَوَاقِبِ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلتَّوَابِ.

از آقا امیرالمومنین علیه السلام: هر کس بدون عاقبت اندیشی در کارها دست به کاری زند، خود را گرفتار سختیها و مصائب کند.

مصدر: تحف العقول ج ۱ ص ۸۸

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۷۴ ص ۲۳۶

ما هم چنین کاری را انجام دهیم. بنابراین بنده به صورت اجمالی به سوال سوم هم پاسخ دادم. فکر نمی‌کنم وقت دیگری برای شرح سوال سوم داشته باشیم. اگر یک مقدار جلسات جدی‌تر برگزار بشود بهتر خواهد شد. مثلاً امروز با ۵-۶ دقیقه تأخیر بحث را شروع کردیم. فکر می‌کنم که از این دوره باقی مانده که ۴-۵ جلسه است، ۴ جلسه را فقط برای شرح و بسط ساختار چهارم اختصاص دهیم که تفصیلی‌ترین سرفصل این دوره است. این محور بحثی درباره‌ی برنامه‌های اجرایی یک مسجد و نحوه تحقق و به زمین نشانیدن حدود کبیر صلات است. ابتدا مفاهیم پایه مسجد یا حدود کبیر صلات را به صورت نظری توضیح دادیم. حال شما از نحوه اجرایی کردن این مفاهیم می‌پرسید. در سرفصل چهارم حدود چهل طرح داریم که احتمالاً هم فرصت توضیح کامل نخواهیم داشت. از همین الان معلوم است که نمی‌رسیم هر چهل مورد را توضیح بدهیم. بهر حال باید یک وقت خوبی برای شکل‌گیری این چهل مورد اختصاص دهیم. بنده بحث را جمع‌بندی می‌کنم: سوال سوم جلسه این بود که خدمات قابل ارائه یک مسجد برای اداره جامعه چیست؟ عرض کردیم که نوع خدمت است از حوزه امامت، تزکیه، مکاسب، بیان، علم، فرقان و الی آخر. این نوع خدمت را امام مسجد و محله باید ارائه دهد. منشا تولد این‌ها چه بود؟ عرض کردیم ثبت حدود کبیر صلات را طبقه‌بندی کردیم یعنی فواید حدود کبیر صلات. در فارسی می‌گوییم فایده اما کلمه معادل آن در عربی "ثبت" است. ذیل این دعاهایی که می‌گوییم: «اللَّهُمَّ ثَبِّتْ قَلْبِي»^{۱۳} یا «ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا»^{۱۴}، این همان است دیگر. با چه چیزی قدم آدم ثابت می‌شود؟ با چه چیزی قلب آدم تثبیت می‌شود؟ یکی از ابزارهای ثبت، همین روایات علل الشرایعی هستند. بنابراین به نظر ما "ثبت" حدود کبیر صلات نه موضوع است و این خدمات نه گانه از آن جا متولد شده است. این هم بحث دوم جلسه. نکته سوم گفت و گوی امروز این بود که کالبد مساجد فعلی و کالبد محلات فعلی، اجازه تولد این نوع خدمت

^{۱۳}. ارجاع پژوهشی: وَ رَوَى أَبُو حُمَيْرَةَ الثَّمَالِيُّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فِي قُنُوتِ الْجُمُعَةِ كَلِمَاتٍ الْفَرَجِ وَيَقُولُ: يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ وَ طَاعَتِكَ وَ دِينَ رَسُولِكَ وَ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى الْهُدَى بِرَحْمَتِكَ وَ لَا تُرِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ. به نقل از ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام: ... خدایا قلب مرا بر دین خودت، اطاعت و دین رسولت استوار کن. قلب مرا با رحمت خودت بر هدایت خودت تثبیت گردان.

مصدر: مصباح المتعجد ج ۱ ص ۳۶۵

دیگر منابع: جمال الأسبوع ج ۱ ص ۴۱۳ / بحار الأنوار ج ۸۶ ص ۲۵۰

^{۱۴}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۵۰: وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَخْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْكَافِرِينَ. و چون [طالبوت و اهل ایمان] برای جنگ با جالوت و سپاهانش ظاهر شدند، گفتند: پروردگارا! بر ما صبر و شکیبایی فرو ریز، و گام هایمان را استوار ساز، و ما را بر گروه کافران پیروز گردان.

قرآن کریم سوره هود آیه ۱۲۰: وَ كَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نَنْبُتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَ جَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَ مَوْعِظَةٌ وَ ذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ. و هر يك از سرگذشت‌های پیامبران [خود] را که بر تو حکایت می‌کنیم چیزی است که دلت را بدان استوار می‌گردانیم و در اینها حقیقت برای تو آمده و برای مؤمنان اندرز و تذکری است.

قرآن کریم سوره ابراهیم آیه ۲۷: يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ وَ يُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ. خدا کسانی را که ایمان آورده اند در زندگی دنیا و در آخرت با سخن استوار ثابت می‌گرداند و ستمگران را بی‌راه می‌گذارد و خدا هر چه بخواهد انجام می‌دهد.

را به امام جماعت نمی‌دهد. بنابراین در گام بعدی باید نقشه جدیدی برای مساجد تمدنی طراحی کنید و در گام دوم هم مباحثه برای تغییر طرح تفصیلی شهرها را شروع کنید. طرح تفصیلی شهرهای آینده باید به محوریت مفهوم محله نوشته شود. پس ببینید دو چیز مانع امامت محله است. الان دو مانع بسیار بزرگ داریم که هر دو مانع را هم مدرنیته و شهرگرایی به ما تحمیل کرده است. یکی اتاقک‌هایی که می‌سازیم و اسم آن را مسجد می‌گذاریم. یعنی مانع اول، ساختار و کالبد معیوب خود مساجد است و دیگری هم طرح تفصیلی شهرها که به محوریت مفهوم "منطقه" است و کاربری اراضی را منطقه محور و ناظر به یک تعریف غلطی از نیازها می‌نویسد. پس این‌ها موانع اصلی است^{۱۱۵}. بنابراین ساختار سوم خیلی مهم است. از ساختار سوم شما می‌توانید تعامل با دولت جمهوری اسلامی را بر مبنای این دو مورد شروع کنید. در حال حاضر تعامل ما با دولت، به این که مثلاً بعضی از مشکلات دیگر را حل کنیم محدود می‌شود در حالی که باید به محوریت احیای این دو مسئله با ساختارهای نظام گفت و گو کنیم. مورد اول تغییر کالبد مساجد و دوم، تغییر طرح تفصیلی شهرها از مفهوم منطقه به محوریت مفهوم محله. این اهمیت ساختار سوم بحث است. ان شاء الله از فردا وارد قسمت چهارم یعنی برنامه های اجرایی مساجد تمدن‌ساز می‌شویم که به اصطلاح خاص ما در مدرسه هدایت، بخش "تصمیم" یا جدول تصمیم بحث است. به عبارت دیگر امام جماعت یک مجموعه برنامه و اقدام اجرایی برای تحقق آن هفت مفهوم پایه یا همان حدود کبیر صلات دارد.

والحمدلله رب العالمین

^{۱۱۵}. برای مطالعه بیشتر درباره ی مفهوم شهر و محله به پیوست شماره سیزده مراجعه فرمایید.

پیوست ها

پیوست شماره یک: مسجد

بخش اول: آیات

۱. يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ.

ای فرزندان آدم جامه خود را در هر نمازی بگریید و بخورید و بیاشامید و [لی] زیاده روی نکنید که او اسرافکاران را دوست نمی دارد. سوره اعراف آیه ۳۱

۲. قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ.

بگو پروردگرم به دادگری فرمان داده است و [اینکه] در هر مسجدی روی خود را مستقیم [به سوی قبله] کنید و در حالی که دین خود را برای او خالص گردانیده اید وی را بخوانید همان گونه که شما را پدید آورد [به سوی او] برمی گردید. سوره اعراف آیه ۲۹

۳. سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ.

منزه است آن [خدایی] که بنده اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی که پیرامون آن را برکت داده ایم سیر داد تا از نشانه های خود به او بنمایانیم که او همان شنوای بیناست. سوره اسراء آیه ۱

۴. لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَّهَرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ.

هرگز در آن جا مایست چرا که مسجدی که از روز نخستین بر پایه تقوا بنا شده سزاوارتر است که در آن [به نماز] ایستی [و] در آن مردانی اند که دوست دارند خود را پاک سازند و خدا کسانی را که خواهان پاکی اند دوست می دارد. سوره توبه آیه ۱۰۸

۵. وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْوَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ.

و آنهایی که مسجدی اختیار کردند که مایه زیان و کفر و پراکندگی میان مؤمنان است و [نیز] کمینگاهی است برای کسی که قبلا با خدا و پیامبر او به جنگ برخاسته بود و سخت سوگند یاد می کنند که جز نیکی قصدی نداشتیم و [لی] خدا گواهی می دهد که آنان قطعاً دروغگو هستند. سوره توبه آیه ۱۰۷

۶. وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقَفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجْتُمُوهُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يَقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ.

و هر کجا بر ایشان دست یافتید آنان را بکشید و همان گونه که شما را بیرون راندند آنان را بیرون برانید [چرا که] فتنه [=شرك] از قتل بدتر است [با این همه] در کنار مسجد الحرام با آنان جنگ نکنید مگر آنکه با شما در آن جا به جنگ درآیند پس اگر با شما جنگیدند آنان را بکشید که کیفر کافران چنین است. سوره بقره آیه ۱۹۱

۷. وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ.

و از هر کجا بیرون آمدی [به هنگام نماز] روی خود را به سمت مسجدالحرام بگردان و هر کجا بودید رویهای خود را به سوی آن بگردانید تا برای مردم غیر از ستمگرا نشان بر شما حجتی نباشد پس از آنان نترسید و از من بترسید تا نعمت خود را بر شما کامل گردانم و باشد که هدایت شوید. سوره بقره آیه ۱۵۰

۸. وَكَذَلِكَ أَعْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرُهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُيُوتًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا.

و بدین گونه [مردم آن دیار را] بر حالشان آگاه ساختیم تا بدانند که وعده خدا راست است و [در فرا رسیدن] قیامت هیچ شکی نیست هنگامی که میان خود در کارشان با یکدیگر نزاع میکردند پس [عده ای] گفتند بر روی آنها ساختمانی بنا کنید پروردگارشان به [حال] آنان داناتر است [سرانجام] کسانی که بر کارشان غلبه یافتند گفتند حتما بر ایشان معبدی بنا خواهیم کرد. سوره کهف آیه ۲۱

۹. أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ.

آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را همانند [کار] کسی پنداشته اید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و در راه خدا جهاد می کند [نه این دو] نزد خدا یکسان نیستند و خدا بیدادگران را هدایت نخواهد کرد. سوره توبه آیه ۱۹

۱۰. يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَن دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ.

از تو در باره ماهی که کارزار در آن حرام است می پرسند بگو کارزار در آن گناهی بزرگ و باز داشتن از راه خدا و کفر ورزیدن به او و باز داشتن از مسجدالحرام [=حج] و بیرون راندن اهل آن از آنجا نزد خدا [گناهی] بزرگتر و فتنه [=شرك] از کشتار بزرگتر است و آنان بیپوسته با شما می جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند و کسانی از

شما که از دین خود برگردند و در حال کفر بمیرند آنان کردارهایشان در دنیا و آخرت تباه می شود و ایشان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود. سوره بقره آیه ۲۱۷

بخش دوم: روایات

۱. حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّقَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: أَلَا إِنَّ بُيُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ تُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ النَّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ أَلَا طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ بُيُوتَهُ أَلَا طُوبَى لِعَبْدٍ تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي أَلَا إِنَّ عَلَيَّ الْمَزُورِ كَرَامَةَ الزَّائِرِ أَلَا بَشِّرِ الْمَشَاءِينَ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

عبد الله بن جعفر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند متعال به بندگان خود فرموده است که: مساجد، خانه‌های من در روی زمین هستند، که در نظر اهل آسمان می درخشند بسان درخشش ستارگان برای ساکنان زمین، خوشا به حال آن بنده من که مساجد (خانه‌های من) خانه‌های او باشند، خوشا بر آن بنده‌ای که در خانه خود وضو بسازد و مرا در خانه خود (مسجد) زیارت کند که گرامی داشتن میهمان بر صاحب خانه لازم و واجب است؛ به آنان که در تاریکی شب به طرف خانه‌های من (مساجد) قدم بر می‌دارند بشارت باد که در روز قیامت با نوری درخشان در صف محشر حضور خواهند یافت.

مصدر: المحاسن ج ۱ ص ۴۷ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ج ۱ ص ۲۸

دیگر منابع: عوالي اللئالی ج ۱ ص ۳۵۱ / وسائل الشیعة ج ۱ ص ۳۸۱ / بحار الأنوار ج ۸۱ ص ۱۴

۲. وَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْمَسَاجِدُ مَجَالِسُ الْأَنْبِيَاءِ وَ حَرَزَ مِنَ الشَّيْطَانِ.

مساجد مجالس پیامبران اند و حفاظت گاه از شیطان

منبع: مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۳۶۳

۳. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي لَا كُرُهُ الصَّلَاةَ فِي مَسَاجِدِهِمْ فَقَالَ لَا تَكْرَهُ فَمَا مِنْ مَسْجِدٍ بُنِيَ إِلَّا عَلَى قَبْرِ نَبِيٍّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيٍّ قُتِلَ فَأَصَابَ تِلْكَ الْبُقْعَةَ رَشَةً مِنْ دَمِهِ فَأَحَبَّ اللَّهُ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا فَأَدْ فِيهَا الْفَرِيضَةَ وَ التَّوَابَلَ وَ أَقْضِ فِيهَا مَا فَاتَكَ.

راوی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من نماز خواندن در مساجد آنان (اهل سنت) را دوست ندارم.

فرمود: چنین مباش؛ زیرا هیچ مسجدی نیست مگر آن که بر قبر پیامبر، یا وصی پیامبری ساخته شده است که او در آنجا شهید شده و از خون او بر آن بقعه پاشیده شده است. خداوند دوست دارد که در آنجا یاد شود، پس نمازهای فریضه و نافله خود را در آنجا به جای آور و آنچه از تو قضا شده در آنجا بخوان.

مصدر: الکافی ج ۳ ص ۳۷۰ / تهذیب الاحکام ج ۳ ص ۲۵۸

دیگر منابع: الوافی ج ۷ ص ۴۹۰ / وسائل الشیعه ج ۵ ص ۲۲۵ / الفصول المهمه ج ۲ ص ۸۲ / بحار الانوار ج ۱۴ ص ۴۶۳

۴. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «جَاءَ أَعْرَابِيٌّ مِنْ بَنِي عَامِرٍ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَسَأَلَهُ عَنْ شَرِّ بَقَاعِ الْأَرْضِ وَخَيْرِ بَقَاعِ الْأَرْضِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «شَرُّ بَقَاعِ الْأَرْضِ الْأَسْوَاقُ وَهِيَ مَيْدَانُ إِبْلِيسَ يَغْدُو بِرَأْيَتِهِ وَيَضَعُ كُرْسِيَهُ وَيَبْتُ ذُرِّيَّتَهُ فَبَيْنَ مُطَقَّفٍ فِي قَفِيزٍ أَوْ طَائِشٍ فِي مِيزَانٍ أَوْ سَارِقٍ فِي ذَرَعٍ أَوْ كَاذِبٍ فِي سِلْعَةٍ فَيَقُولُ عَلَيْكُمْ بَرَجُلٌ مَاتَ أَبُوهُ وَ أَبُوُّكُمْ حَيٌّ فَلَا يَزَالُ مَعَ ذَلِكَ أَوَّلَ دَاخِلٍ وَ آخِرَ خَارِجٍ» ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ «وَ خَيْرُ الْبِقَاعِ الْمَسَاجِدُ وَ أَحَبُّهُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْلَاهُمْ دُخُولًا وَ آخِرُهُمْ خُرُوجًا مِنْهَا».

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: مردی بیابان نشین از بنی عامر نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و از آن حضرت پرسید: بدترین مکانهای زمین کجاست و بهترین جایهای آن کجا؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بدترین مکانهای زمین محل های خرید و فروش اجناس و امتعه است، و آنجا میدان مسابقه ابلیس است؛ هر بامداد با پرچم خویش حرکت کرده تخت فرمانروائی خود را در سوق استوار می کند و ذراری خویش را به هر سو گسیل می دارد و آنان از این چند قسم خارج نیستند، یا مأمور کاستن پیمانہ هستند، یا مأمور کم فروشی در میزان و سنجش، یا دزدی در ذرع پارچه و دروغزنی در وصف کالا و متاع و غیره و فرزندانش را سفارش می کند و می گوید: بر شما باد به آنکه پدرش مرده و شما پدرتان زنده است (یعنی بنی آدم که پدرشان مرده و شما که پدرتان من هستم و اکنون زنده ام) پس او را بفریبید. و هر روزه همین کار اوست، اولین کسی که وارد بازار می شود و آخرین کسی است که از بازار خارج می گردد، سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: و بهترین مکانهای زمین مساجد است، و محبوبترین مردم نزد خداوند عزیز آن کس است که زودتر از همه داخل می شود و از همه دیرتر بیرون می رود. شرح: «سوق و بازار هر کجا که محل خرید و فروش است می باشد و اختصاص به بازار معروف نزد ما ندارد و همه مغازه داران بازاری هستند و همه کسبه خیابانها جزء اهل سوق محسوبند.

مصدر: من لایحضره الفقیه ج ۳ ص ۱۹۹ / معانی الاخبار ج ۱ ص ۱۶۸

دیگر منابع: وسائل الشیعه ج ۵ ص ۲۹۳ / بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۹۷

۵. أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا نَزَلَتِ الْعَاهَاتُ وَ الْآهَاتُ عَوْفِي أَهْلِ الْمَسَاجِدِ.

زمانی که بلاها و مصیبتها نازل می شوند اهالی مساجد در امانند.

منبع: مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۳۵۶ / الاشعئيات ج ۱ ص ۳۹

۶. أَبِي رَحْمَةَ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ إِذَا رَأَى أَهْلَ قَرْيَةٍ قَدْ أَسْرَفُوا فِي الْمَعَاصِي وَفِيهَا ثَلَاثَةٌ نَفَرٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ نَادَاهُمْ جَلَّ جَلَالُهُ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ يَا أَهْلَ مَعْصِيَتِي لَوْ لَا مَا فِيكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُتَحَائِينَ بِجَلَالِي الْعَامِرِينَ بِصَلَاتِهِمْ أَزْضِي وَ مَسَاجِدِي الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ خَوْفًا مِنِّي لَأَنْزَلْتُ بِكُمْ عَذَابِي ثُمَّ لَا أَبَالِي.

پدرم رحمة الله عليه، از عبد الله بن جعفر، از هارون بن مسلم، از سعده بن صدقه، از حضرت جعفر بن محمد عليه السلام، حضرت فرمود: پدرم عليه السلام فرمود: امیر المؤمنین عليه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خداوند جل جلاله هنگامی که ببیند اهل قریه ای در معاصی اسراف و زیاده روی می کنند و حال آنکه در بین ایشان سه نفر از اهل ایمان می باشند آنان را خوانده و می فرماید: ای اهل عصیان اگر میان شما مؤمنینی که مشتاق جلال من هستند و با نمازشان زمین و مساجد مرا آباد نموده و در سحرها از خوف من استغفار و طلب آمرزش می کنند نبودند عذابم را بر شما فرو می فرستادم و باکی هم نداشتم.

مصدر: علل الشرایع ج ۱ ص ۲۴۶ / الامالی للصدوق ج ۱ ص ۱۹۶

دیگر منابع: روضه الواعظین ج ۲ ص ۲۹۲ / وسائل الشیعه ج ۱۶ ص ۹۲ / بحار الانوار ج ۷۰ ص ۳۸۱

۷. أَخْبَرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (رَحِمَهُ اللَّهُ)، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ ، عَنْ شَرِيفِ بْنِ سَابِقٍ ، عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ الْفَضْلِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) ، عَنْ آبَائِهِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) : أَوَّلُ عُنْوَانِ صَحِيفَةِ الْمُؤْمِنِ بَعْدَ مَوْتِهِ مَا يَقُولُ النَّاسُ فِيهِ ، إِنَّ خَيْرًا فَخَيْرٌ ، وَإِنْ شَرًّا فَشَرٌّ ، وَأَوَّلُ تُحْفَةِ الْمُؤْمِنِ أَنْ يُعْفَرَ لَهُ وَلِمَنْ تَبَعَ جَنَازَتَهُ . ثُمَّ قَالَ: يَا فَضْلُ ، لَا يَأْتِي الْمَسْجِدَ مِنْ كُلِّ قَبِيلَةٍ إِلَّا وَافِدُهَا ، وَمِنْ كُلِّ أَهْلِ بَيْتٍ إِلَّا نَجِيبُهَا . يَا فَضْلُ ، إِنَّهُ لَا يَرْجِعُ صَاحِبُ الْمَسْجِدِ بِأَقْلٍ مِنْ إِحْدَى ثَلَاثٍ: إِمَّا دُعَاءٍ يَدْعُو بِهِ يَدْخُلُهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ ، وَ إِمَّا دُعَاءٍ يَدْعُو بِهِ لِيُصْرَفَ اللَّهُ بِهِ عَنْهُ بَلَاءُ الدُّنْيَا ، وَ إِمَّا أَخِ يَسْتَفِيدُهُ فِي اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ) . قَالَ: ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) : مَا اسْتَفَادَ امْرُؤٌ مُسْلِمٌ فَائِدَةً بَعْدَ فَائِدَةِ الْإِسْلَامِ مِثْلَ أَخِ يَسْتَفِيدُهُ فِي اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ) . ثُمَّ قَالَ: يَا فَضْلُ ، لَا تَزْهَدُوا فِي فُقْرَاءِ شِيعَتِنَا ، فَإِنَّ الْفَقِيرَ مِنْهُمْ لَيَسْتَفَعُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي مِثْلِ رِبِيعَةَ وَ مَضَرَ . ثُمَّ قَالَ: يَا فَضْلُ ، إِنَّمَا سُمِّيَ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا لِأَنَّهُ يُؤْمِنُ عَلَى اللَّهِ فَيَجِيزُ اللَّهُ أَمَانَهُ . ثُمَّ قَالَ: أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ (تَعَالَى) يَقُولُ فِي أَعْدَائِكُمْ إِذَا رَأَوْا شَفَاعَةَ الرَّجُلِ مِنْكُمْ لِيُصَدِّقَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ «فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَ لَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ» .

فضل بن عبد الملك می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و اله فرمود: ابتدای عنوان نامه اعمال انسان مؤمن پس از مرگش سخنانی است که مردم درباره او می گویند، اگر نیکی ذکر شود پس [سرنوشت او] به نیکی است و اگر بدی ذکر شود پس [سرنوشت او] به بدی است. نخستین هدیه انسان مؤمن این است که خود و هر آن کس که جنازه اش را تشییع می کنند آمرزیده شوند. سپس فرمود: ای فضل! از هر قبیله ای جز پشتازان آن و از هر خانواده ای جز انسان های نجیب به مسجد نمی آیند. ای فضل، به مسجدروندگان با کمتر از سه خصوصیت از مسجد باز نمی گردند؛ یا به دعایی که با آن خدا را می خوانند و خدا به خاطر آن ایشان را در بهشت داخل می سازد و یا دعایی که با آن خدا را می خوانند تا خدا به وسیله آن آفات دنیا را از ایشان دور نماید و یا برادری که در راه [رضایت و قرب] خداوند از او بهره می برند؛ سپس فرمود: انسان مسلمان پس از بهره اسلام از هیچ چیز، چون برادری که در راه خدا از او بهره می برد استفاده نکرده است. سپس فرمود: ای فضل! شیعیان فقیر ما را کوچک شمارید. همانا شیعیان فقیر ما در روز قیامت در همچون ربیع و مضر شفاعت می کنند.

سپس فرمود: ای فضل! همانا مؤمن به این نام نامیده شد چون خدا را امان خود قرار می دهد و خداوند امان او را می پذیرد؛ سپس فرمود: آیا نشنیده ای که خداوند بلندمرتبه درباره دشمنان شما هنگامی که شفاعت یکی از شما برای دوستش را در روز قیامت می بینند، می گوید: «پس برای ما شفاعت کننده و دوستی نزدیک وجود ندارد.» [شعراء: آیه ۱۰۰-۱۰۱]

مصدر: الامالی للطوسی ج ۱ ص ۴۶

دیگر منابع: بشارة المصطفی (ص) ج ۱ ص ۷۲ / تفسیر البرهان ج ۴ ص ۱۷۸ / بحار الأنوار ج ۷۵ ص ۱۹۵

پیوست شماره دو: چرخه چهاربخشی تحریک فکر

مطلب اول:

مدارس علمیه آینده چه ویژگی هائی دارد؟

در "نظریه مدرسه هدایت" برای حضور اجتماعی یک طلبه ساختاری ۷ بخشی - مبتنی بر چرخه چهاربخشی تحریک فکر - تعریف کرده ایم؛ که فهم غیر سطحی و عمیق از آن قدرت تحریک فکر و هدایتگری را در طلبه ارتقاء می دهد! بخش اول این ساختار بدیع، فهم و تمرین مسئله مدیریت خبر است. مدیریت خبر، دارای دو بخش مدیریت خبر در رسانه های مدرن و مدیریت خبر در قالب پیشرفته "خانه عالم" است. در مجموع مدیریت خبر نقطه آغازین تحریک فکر مخاطب است!

بخش دوم این ساختار، مرور و بررسی نظری و عملی مفهوم تضارب آراء است. تشکیل خانواده روایت برای مفهوم تضارب و سپس تمرین عملی برای مدیریت جلسات تضارب؛ دومین هدیه مهم مدرسه هدایت به طلاب خود است! تضارب از مهمترین ابزارهای تحریک فکر در یک جامعه محسوب می شود!

بخش سوم از ساختار تحریک فکر، مسئله مدیریت مکتوبات است. طلبه ای که کتابت نداشته باشد، به زنبوری بی عسل تشبیه می شود! مهمترین مصادیق مکتوبات شامل: ۱- تدوین دوره های مباحثاتی، ۲- تدوین پیاده های فوری و ۳- تدوین نمودارهای پژوهشی است؛ که هر کدام دارای پیچیدگی های فنی خاصی است!

بخش چهارم این ساختار مدیریتی، تلاش برای مسلط نمودن طلبه ها بر نحوه نوشتن گزارش های راهبردی (روش تدبیر) است. بدون گزارش راهبردی نمی توانیم تصمیمات غلط اجتماعی در حوزه های مختلف را تغییر دهیم. در مدرسه هدایت تدوین گزارش راهبردی (روش تدبیر) را نظری و عملیاتی آموزش می دهیم!

بخش پنجم این ساختار ۷ بخشی، بر ارتقاء قدرت طلبه ها در جهانی سازی اندیشه های پیامبران تمرکز دارد. به دلیل محوریت منطقه غرب آسیا در فرآیند جهانی جبهه حق و البته به دلیل نزول اندیشه کاربردی وحی به زبان عربی، آموزش زبان عربی فصیح نقش مهمی در جهانی سازی اندیشه پیامبران ایفاء می کند!

بخش ششم ساختار تحریک فکر مدرسه هدایت، فهم و اجرای فرآیند نمونه سازی است. نمونه سازی متکی به ۲۵ بخش پیچیده است؛ که در نهایت خود قدرت هدایت بخشی و تحریک فکر را در جامعه ارتقاء می دهد. اگر طلبه قدرت نمونه سازی نداشته باشد، عامه و خواص مردم او را آرمان گرائی، غافل از واقعیت ها می پندارند!

در نهایت، مهمترین بخش ساختار تحریک فکر را قدرت تشکیل و معرفی نمایشگاه می دانیم. طلبه های که قدرت تشکیل نمایشگاه برای نظریات فقهی خود را دارند، آسانتر ۶ بخش فوق الذکر را مدیریت می کنند. البته نمایشگاه علاوه بر کارکرد گفته شده، ابزاری برای خود ارزیابی طلبه ها در مسیر تفقه و نظام سازی محسوب می شود! طلبه آینده را مسلط به این ساختار ۷ بخشی می دانیم و معتقدیم بدون این نوع از تحریک فکر، نظام سازی و جامعه سازی فقهی خوابی شیرین محسوب می شود!

حجت الاسلام علی کشوری - شنبه ۱۴ دی ماه ۱۳۹۸ - قم مبارک

پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/2119>

مطلب دوم:

چرخه تحریک فکر چیست؟!

از یک حیث مهمترین نظریه بخشی فقه هدایت؛ چرخه چهار بخشی تحریک فکر است. این نظریه بخشی به سوال چگونگی تصمیم سازی (چگونگی مشورت) پاسخ می دهد! مرز باریکی میان تصمیم سازی و تحمیل تصمیم در یک جامعه وجود دارد و اگر "تحریک وعاء فکر مخاطب"، حذف و یا تضعیف شود؛ مدیران سطوح مختلف به سمت تحمیل به مخاطب، تمایل یافته اند! در چرخه چهار بخشی تحریک فکر، مراحل تحریک فکر را در ۴ مرحله ۱- مدیریت خبر، ۲- مدیریت تضارب، ۳- مدیریت کتابت و ۴- مدیریت نمونه سازی مباحثه می کنیم. بهترین نظریات فقهی اگر در فضای چرخه چهار بخشی تحریک فکر مطرح نشوند؛ در فرایند تحقق آنها اختلال ایجاد می شود!

حجت الاسلام علی کشوری - ۹ ذوالحجه ۱۴۴۰ هجری قمری (روز عرفه) - قم مبارک

پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/1785>

مطلب سوم:

چگونه به تحقق الگوی پیشرفت اسلامی کمک کنیم؟! / برخی برای الگوی پیشرفت جلسه تبلیغاتی تشکیل می دهند. از همه عزیزان فعال در زمینه گفتگوهای ملی الگوی پیشرفت اسلامی استدعا می کنم؛ که برنامه های خود در زمینه الگوی پیشرفت اسلامی را بر اساس مراحل چهارگانه چرخه تحریک فکر تنظیم کنند.

مراحل چهارگانه تحریک فکر شامل چهار امر ۱- مدیریت خبر ۲- مدیریت تضارب ۳- مدیریت مکتوبات ۴- مدیریت نمونه سازی است. التزام به این چرخه چهار بخشی، زمینه اقامه الگوی اسلامی در کشور را فراهم می آورد. به عبارت روشن تر باید درباره محتوای مباحثات الگوی پیشرفت، هم مدیریت خبر داشته باشیم و هم تضاربی گسترده طراحی کنیم و هم مکتوبات متنوع تولید کنیم و هم بر اساس محتوای مد نظر خود نمونه سازی کنیم. بزرگترین آفت برای دور جدید گفتگوهای ملی الگوی پیشرفت اسلامی برگزاری جلسات تبلیغاتی و شعاری است.

حجت الاسلام علی کشوری - مسجد جمکران قم - گفتگو با کارشناسان - ۲۱ آبان ۱۳۹۷

پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4>

پیوست شماره سه: فقه البیان

مطلب اول:

قواعد اصولی فقه البیان چه می گوید؟ / تعبد مبتنی بر تفکر خواسته قطعی شارع است!

قواعد اصولی فقه البیان زمینه ساز برای استنباط جنبه های تحریک کننده فکر شارع است. بخشی از جنبه های تحریک کننده فکر در ادبیات شارع، جنبه های توصیفی شارع و جنبه های علل الشرایعی شارع است. همچنین شکل بیان شارع مهمترین جنبه تحریک کننده فکر در بیان شارع محسوب می شود. قواعد اصولی فقه البیان به سه دسته قاعده کلی تقسیم می شود:

بخش اول قواعد اصولی فقه البیان (گروه قواعد بیان مبتنی بر ظرفیت و گروه قواعد بیان مبتنی بر تأمل) به تشریح مفهوم سؤال و تأمل در بیان شارع می پردازد. شارع محترم، سوال حسن و نیکو را نصف علم و مفتاح علم و آغاز کننده تفکر می داند. فقاهت از فهم پرسش های شارع شروع می شود.

بخش دوم قواعد اصولی فقه البیان (گروه قواعد اصولی بیان مبتنی مُکث) به تحلیل مسئله پاسخ و راه حل از منظر شارع می پردازد. تبیین مفهوم تنزیل در کنار مفهوم تأویل، تشریح مفهوم ظاهر در کنار مفهوم باطن بخشی از مباحث بیان مبتنی بر مُکث است. همچنین تحلیل ابعاد تنزیل، تأویل و تحلیل ابعاد باطن و ظاهر بخش دیگری از مباحث این بخش است. مهمترین بخش بیان مبتنی بر مُکث، تحلیل ابعاد ظاهر و نص از منظر شارع است. بیان شارع در بخش ظاهر، حداقل دارای سه بُعد ثابت (تصویر)، تحلیل (تعریف) و پردازش (تصمیم) است.

بخش سوم قواعد اصولی فقه البیان (گروه قواعد اصولی بیان مبتنی بر مقایسه، گروه قواعد اصولی بیان مبتنی بر رفق، گروه قواعد اصولی بیان مبتنی بر منزلت، گروه قواعد اصولی مبتنی بر انفتاح، گروه قواعد اصولی مبتنی بر سیاق و گروه قواعد اصولی مبتنی بر کمیت) به تعمیق ۶ بعدی بیان شارع حکیم می پردازد. بخش سوم قواعد اصولی فقه البیان به سفرهای فکری شارع معروف است و در واقع ۶ جنبه تحریک کننده فکر، در بیان شارع را توصیف می کند.

رساله های عملیه و علمیه را در موضوعات مختلف، مبتنی بر این ساختار، استنباط و بیان می کنیم و معتقد هستیم؛ اینگونه از بیان، تحریک فکر و درایه بیشتری را برای مردم عزیز تأمین می کند. اساساً ارتقای امثال مکلف، وابسته به میزان تدبر و میزان درایه مکلف در بیان و تقدیر شارع است. در استنباط از آیات و روایات مرتبط با مسجد از قواعد فقه البیان بهره برده ایم.

حجت الاسلام کشوری - تبیین روش استنباط از آیات و روایات مرتبط با مسجد - سه شنبه ۳۰ خرداد ۱۴۰۲ - قم

منبع: کانال اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4>

مطلب دوم:

تعریف ساده از فقه البیان

فقه البیان شامل: ۹ دسته قاعده اصولی است؛ که روش و اسلوب استنباط و استنتاج از وحی را توضیح می دهد. به عبارت بهتر: استنتاج از وحی باید ۱- مبتنی بر قدر مخاطب و ظرفیت، ۲- مبتنی بر تأمل، ۳- مبتنی بر مقایسه، ۴- مبتنی بر مُکث، ۵- مبتنی بر رفق، ۶- مبتنی بر منزلت، ۷- مبتنی بر انفتاح، ۸- مبتنی بر سیاق و کشف پیشفرض و ۹- مبتنی بر کمیت و عدد، تعریف شود.

مهمترین باب از ابواب فقه البیان، مباحث باب پیشرفته بیان مبتنی بر تأمل است؛ زیرا آغاز و مفتاح علم، شرح صحیح پرسش و ایجاد "سؤال خوب" در ذهن مخاطب است. تبیین روش موضوع شناسی از مباحث این باب است.

منبع: کانال اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4>

مطلب سوم:

درباره منابع فقه البیان

بعد از تتبع جدی در آیات و روایات، ۱۳ دسته آیه و روایت با موضوع روش مطالعه و تدبر و تفقه در ادبیات وحی را جمع آوری کرده ایم. این مجموعه را با نام آیات و روایات روشی نام گذاری کرده ایم و آن را منبع کشف روش و قواعد اصولی تفقه قرار داده ایم!

وجود این ۱۳ دسته از آیات و روایات نشان می دهد؛ که زبان شارع تأسیسی است و نباید تصور نمود که قواعد زبانی شارع عرفی، عقلی و عقلایی تحلیل می شوند. البته تأکید داریم: قواعد تأسیسی شارع در حوزه بیان و زبان، بیان شارع را برای همه عرف ها و همه سطوح عقل قابل درک کرده است.

ویژگی اصلی زبان شارع، "تحریک فکر مخاطب" است و در پنج سطح ۱- مدیریت تاملات، ۲- مدیریت تعقل، ۳- مدیریت تدبر، ۴- مدیریت تجرب و ۴- مدیریت تفقه، به تحریک فکر افراد می پردازد. شارع محترم با تحریک فکری پنج بعدی (استنباط مدرسه هدایت) به ایجاد پدیده مترقی نظم اختیاری در جامعه کمک می کند! بیان فقه، حقوقی و دستوری محض نیست و خصلت بارزش تفکرآفرینی آن است.

چهار محور از آیات و روایات روشی به تبیین ویژگی های بیان شارع از جمله ویژگی "جوامع الکلام" و ویژگی عدم تناقض در کلمات شارع و روش آماده سازی قلوب برای فهم این کلمات می پردازد! محورهای دیگر این آیات و روایات روشی به تبیین ویژگی های بیان شارع در ۹ بخش ۱- ابتناء بیان شارع بر ظرفیت، ۲- ابتناء بیان شارع بر تأمل، ۳- ابتناء بیان شارع بر مُکث، ۴- ابتناء بیان شارع بر مقایسه، ۵- ابتناء بیان شارع بر رفق، ۶- ابتناء بیان شارع بر منزلت،

۷- ابتناء بیان شارع بر انفتاح، ۸- ابتناء بیان شارع بر سیاق و پیش فرض و ۹- ابتناء بیان شارع بر کمیت و عدد می پردازد.

حجت الاسلام کشوری، گفتگو با طلاب مدرسه هدایت درباره منابع استنباطی فقه البیان - سه شنبه ۹ اسفند قم

منبع: کانال اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5098>

مطلب چهارم:

قواعد اصولی فقه البیان چه می گوید؟

وقتی در حال استنباط احکام و فرائض هستیم و یا وقتی در حال استنباط و "کشف جمع دلالتی شارع" درباره هر موضوع دیگری هستیم؛ باید جنبه های تحریک کننده فکر و مستدل شارع درباره آن موضوع را هم استنباط نمائیم. به عبارت دیگر: بیان مولای شارع با بیان مولای عرفی از زمین تا آسمان تفاوت دارد و یکی از تفاوت های آن تبیین جنبه های فکری و استدلالی در زبان مولای شارع است. با بررسی دقیق آیات و روایات به این نتیجه می رسیم: که خروجی استنباط فقیه نباید بیانی صرفاً حقوقی داشته باشد!

علم اصول فقه باید قواعدی را در اختیار فقیه قرار بدهد؛ که استنباط مبتنی بر تحریک فکر را تمهید نماید و به صورت تفصیلی ویژگی های تحریک کننده زبان شارع در استدلال و تحریک فکر را تشریح کند. اساس زبان شارع را زبان تحریک فکر می دانیم و معتقدیم مهره اول علم اصول باید تتوریزه کردن مسئله تفکر در آیات و روایات را متکفل شود. (پنج نوع تفکر را از روایات و آیات استنباط کرده ایم)

فهم تفصیلی مسئله تفکر و خطاهای متصور در حوزه فکر (مانند خطای بزرگ عدم مُکث در بیان) بر وقوع خارجی قطع، ظن و شک تاثیر گذار است و در واقع تعریف جدیدی از مناسک و روش های پیدایش حالات ثلاثه برای مکلف فقیه و مکلف غیر فقیه تصویر می شود!

در بسته اصولی فقه البیان: علاوه بر تتوریزه کردن ابتدای اصول فقه بر مسئله تحریک فکر، به تبیین هسته اصلی تفکر از منظر وحی و اثر آن بر قطع و ظن و تبیین ساختار توسعه فکر (سفرهای فکری فقیه) پرداخته ایم! (توسعه فقه و قواعد ممهده آن شیعه را از همه دستگاه های عقلانی بی نیاز می کند!)

حجت الاسلام علی کشوری - قواعد اصولی فقه البیان چه می گوید؟ - یکشنبه ۲ بهمن ۱۴۰۱ - قم

منبع: کانال اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5009>

پیوست شماره چهار: نماز

بخش اول: آیات

۱. فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا.

و چون نماز را به جای آورید خدا را [در همه حال] ایستاده و نشسته و بر پهلو آرمیده یاد کنید پس چون آسوده خاطر شدید نماز را [به طور کامل] به پا دارید زیرا نماز بر مؤمنان در اوقات معین مقرر شده است. سوره نساء آیه ۱۰۳

۲. أَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ.

آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است بخوان و نماز را برپا دار که نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد و قطعاً یاد خدا بالاتر است و خدا می داند چه می کنید. سوره عنکبوت آیه ۴۵

۳. إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و نماز برپا داشته و زکات داده اند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. سوره بقره آیه ۲۷۷

۴. لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ.

نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد و مال [خود] را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن] بندگان بدهد و نماز را برپای دارد و زکات را بدهد و آنان که چون عهد بندند به عهد خود وفادارند و در سختی و زیان و به هنگام جنگ شکیباییانند آنانند کسانی که راست گفته اند و آنان همان پرهیزگارانند. سوره بقره آیه ۱۷۷

۵. وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ.

و کسانی که به کتاب [آسمانی] چنگ درمی زنند و نماز برپا داشته اند [بدانند که] ما اجر درستکاران را تباه نخواهیم کرد. سوره اعراف آیه ۱۷۰

۶. إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا.

منافقان با خدا نیرنگ می کنند و حال آنکه او با آنان نیرنگ خواهد کرد و چون به نماز ایستند با کسالت برخیزند با مردم ریا می کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی کنند. سوره نساء آیه ۱۴۲

۷. وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ.

و چون از فرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مستمندان احسان کنید و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید و نماز را به پا دارید و زکات را بدهید آنگاه جز اندکی از شما [همگی] به حالت اعراض روی برتافتید. سوره بقره آیه ۸۳

۸. وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.

و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و می دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند و نماز را بر پا می کنند و زکات می دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می برند آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که خدا توانا و حکیم است. سوره توبه آیه ۷۱

۹. الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ.

همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز بر پا می دارند و زکات می دهند و به کارهای پسندیده و می دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند و فرجام همه کارها از آن خداست. سوره حج آیه ۴۱

۱۰. رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ.

مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات به خود مشغول نمی دارد و از روزی که دلها و دیده ها در آن زیرو رو می شود می هراسند. سوره نور آیه ۳۷

بخش دوم: روایات

۱. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَرْدَاسٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَىٰ وَ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ عَمَّارِ السَّابَاطِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيُّمَا أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ فِي السَّرِّ مَعَ الْإِمَامِ مِنْكُمْ أَلَمْسْتَرِ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ أَوِ الْعِبَادَةِ فِي ظُهُورِ الْحَقِّ وَ دَوْلَتِهِ مَعَ الْإِمَامِ مِنْكُمْ الظَّاهِرِ فَقَالَ يَا عَمَّارُ الصَّدَقَةُ فِي السَّرِّ وَاللَّهُ

أَفْضَلُ مِنَ الصَّدَقَةِ فِي الْعَلَانِيَةِ وَكَذَلِكَ وَ اللَّهُ عِبَادَتُكُمْ فِي السِّرِّ مَعَ إِمَامِكُمُ الْمُسْتَتِرِ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ وَ تَخَوُّفُكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ وَ حَالِ الْهُدْنَةِ أَفْضَلُ مِمَّنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ ذِكْرُهُ فِي ظُهُورِ الْحَقِّ مَعَ إِمَامِ الْحَقِّ الظَّاهِرِ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ وَ لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ مَعَ الْخَوْفِ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ مِثْلَ الْعِبَادَةِ وَ الْأَمْنِ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ وَ اعْلَمُوا أَنَّ مَنْ صَلَّى مِنْكُمْ الْيَوْمَ صَلَاةً فَرِيضَةً فِي جَمَاعَةٍ مُسْتَتِرٍ بِهَا مِنْ عَدُوِّهِ فِي وَفْتِهَا فَاتَمَّهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ خَمْسِينَ صَلَاةً فَرِيضَةً فِي جَمَاعَةٍ وَ مَنْ صَلَّى مِنْكُمْ صَلَاةً فَرِيضَةً وَحْدَهُ مُسْتَتِرًا بِهَا مِنْ عَدُوِّهِ فِي وَفْتِهَا فَاتَمَّهَا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهَا لَهُ خَمْسًا وَ عَشْرِينَ صَلَاةً فَرِيضَةً وَ حِدَانِيَّةً وَ مَنْ صَلَّى مِنْكُمْ صَلَاةً نَافِلَةً لَوْفَتْهَا فَاتَمَّهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عَشْرَ صَلَوَاتٍ نَوَافِلَ وَ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ حَسَنَةً كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ بِهَا عَشْرِينَ حَسَنَةً وَ يُضَاعَفُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ حَسَنَاتِ الْمُؤْمِنِ مِنْكُمْ إِذَا أَحْسَنَ أَعْمَالَهُ وَ دَانَ بِالتَّقِيَّةِ عَلَى دِينِهِ وَ إِمَامِهِ وَ نَفْسِهِ وَ أَمْسَكَ مِنْ لِسَانِهِ أَوْعَافًا مُضَاعَفَةً إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ كَرِيمٌ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ وَ اللَّهُ رَغَبْتَنِي فِي الْعَمَلِ وَ حَشْتَنِي عَلَيْهِ وَ لَكِنِ أَحِبُّ أَنْ أَعْلَمَ كَيْفَ صِرْنَا نَحْنُ الْيَوْمَ أَفْضَلُ أَعْمَالًا مِنْ أَصْحَابِ الْإِمَامِ الظَّاهِرِ مِنْكُمْ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ وَ نَحْنُ عَلَى دِينٍ وَاحِدٍ فَقَالَ إِنَّكُمْ سَبَقْتُمُوهُمْ إِلَى الدُّخُولِ فِي دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِلَى الصَّلَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ وَ فَفِهِ وَ إِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ سِرًّا مِنْ عَدُوِّكُمْ مَعَ إِمَامِكُمُ الْمُسْتَتِرِ مُطِيعِينَ لَهُ صَابِرِينَ مَعَهُ مُتَنْظِرِينَ لِدَوْلَةِ الْحَقِّ خَائِفِينَ عَلَى إِمَامِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ مِنَ الْمُلُوكِ الظَّلَمَةِ تَتَنظَّرُونَ إِلَى حَقِّ إِمَامِكُمْ وَ حُقُوفِكُمْ فِي أَيِّدِي الظَّلَمَةِ قَدْ مَعُوكُمْ ذَلِكَ وَ اضْطَرُّوكُمْ إِلَى حَزْبِ الدُّنْيَا وَ طَلَبِ الْمَعَاشِ مَعَ الصَّبْرِ عَلَى دِينِكُمْ وَ عِبَادَتِكُمْ وَ طَاعَةِ إِمَامِكُمْ وَ الْخَوْفِ مَعَ عَدُوِّكُمْ فَبِذَلِكَ ضَاعَفَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَكُمْ الْأَعْمَالَ فَهَيِّنَا لَكُمْ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَمَا تَرَى إِذَا أَنْ نَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ وَ يَظْهَرُ الْحَقُّ وَ نَحْنُ الْيَوْمَ فِي إِمَامَتِكَ وَ طَاعَتِكَ أَفْضَلُ أَعْمَالًا مِنْ أَصْحَابِ دَوْلَةِ الْحَقِّ وَ الْعَدْلِ فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ أَمَا تَحِبُّونَ أَنْ يُظْهَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْحَقُّ وَ الْعَدْلُ فِي الْبِلَادِ وَ يَجْمَعَ اللَّهُ الْكَلِمَةَ وَ يُؤَلِّفَ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبٍ مُخْتَلِفَةٍ وَ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِي أَرْضِهِ وَ تَقَامَ حُدُودُهُ فِي خَلْقِهِ وَ يَرِدُّ اللَّهُ الْحَقَّ إِلَى أَهْلِهِ فَيُظْهَرُ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنْ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ أَمَا وَ اللَّهُ يَا عَمَّارُ لَا يَمُوتُ مِنْكُمْ مَيِّتٌ عَلَى الْحَالِ الَّتِي أَنْتُمْ عَلَيْهَا إِلَّا كَانَ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ كَثِيرٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أُحُدٍ فَأَبْشِرُوا.

-عمار ساباطی گوید: به امام صادق (علیه السلام) گفتم: کدام بهتر است، عبادت پنهانی با امام بر حق از شماها در دولت باطل یا عبادت عیانی در ظهور حق و دولت حق با امام آشکارا از شماها؟ در جواب فرمود: ای عمار! صدقه نهانی به خدا بهتر است از صدقه عیانی و همچنین -به خدا- عبادت نهانی شما با امام در پرده خودتان در حال دولت باطل و ترس شما از دشمن خود در زمان تسلط باطل و در حال هدنه بهتر است از کسی که خدا عز و جل را در ظهور حق با امام حق آشکار و در دولت حق عبادت می کند، عبادت با ترس در دولت باطل مانند عبادت در حال آسایش و در دولت حق نیست. بدانید هر کدام شماها امروز يك نماز جماعت بخواند در پنهانی از دشمن خود و آن نماز در وقت باشد و کامل ادا شود خدا ثواب پنجاه نماز واجب که به جماعت خوانده شود برای او بنویسد و هر کدام شماها يك نماز واجب را پنهان از دشمن خود بخواند و آن را کامل ادا کند، خدا ثواب بیست و پنج نماز واجب که به فردای خوانده شود برایش بنویسد و هر کدام از شماها نماز نافله ای را در وقتش بخواند و کامل ادا کند خدا ثواب ده نماز نافله را به او عطا کند و هر کدام از شماها حسنه ای انجام دهد خدا عز و جل به او ثواب بیست حسنه بدهد و خدا باز هم دو چندان کند حسنات مؤمن از شماها را وقتی کارهای خود را خوب بکند و طبق تقیه و حفظ دینش و امامش و خودش انجام دهد

و زبانش را نگهدارد بلکه به اضعاف مضاعف اجر دهد، به راستی خدای عز و جل کریم است. گفتم: قربانت به خدا مرا به عمل تشویق کردی و بر آنواداشتی ولی دوست دارم که بدانم چطور ما امروز کردارمان بهتر است از کردار اصحاب و یاران امام ظاهر و آشکارا از شما در زمان دولت حق با این که ما یک مذهب و یک دین داریم؟ فرمود: برای این که شما بدانها پیشی گرفتید در دخول به دین خدا عز و جل و به ادای نماز و روزه و حج و نسبت به هر کار خوبی و هر فهم مسأله‌ای و به عبادت خدا عز و جل در پنهانی از دشمن خود با امام مستتر، در حالی که مطیع او هستید و با او شکیبائی کنید و در انتظار دولت حق به سر برید و در حالی که بترسید بر امام خود و بر خویشان از ملوک ستم کار، شما به چشم خود نگاه کنید که حق امام شما و حق خود شما در دست ستمکاران است، آنها جلو شما را گرفته‌اند و دارائی شما را برده‌اند و شما را ناچار کرده‌اند به کشت و کار و تلاش برای گذران و خرج دنیا و طلب معاش زندگی و صبر بر دین داری خودتان و عبادت مخصوص به خودتان و اطاعت از امام خودتان با بیم از دشمن برای این است که خدا عز و جل اعمال شما را چندین برابر کند، گوارا باد بر شما. من گفتم: قربانت چه می‌فرمائید که ما از یاران امام قائم (علیه السلام) باشیم و دولت حق به رهبری او ظاهر شود، با این که امروزه در سرپرستی امامت شما هستیم و در اطاعت شما، و اعمال ما از یاران دولت حق و عدالت برتر است. فرمود: سبحان الله شما دوست ندارید که خدا تبارک و تعالی حق و عدل را در همه بلاد ظاهر کند و کلمه همه مردم را یکی کند و دلهای مختلفه را با هم در آمیزد و مهربان سازد و مردم خدا عز و جل را نافرمانی نکنند در زمین او و حدود و مقرراتش بر همه خلقش مجری شود و خدا حق را به اهلش برگرداند و آشکار شود تا آن که هیچ حقی از ترس خلقی زیر پرده نهان نماند، به خدا ای عمار هیچ کس از شما شیعه در این وضع حاضر که شما در آن به سر می‌برید نمیرد جز آن که نزد خدا برتر است از بسیاری شهیدان جبهه بدر و اُحد، مژده باد شما را.

مصدر: الکافی ج ۱ ص ۳۳۳ / کمال الدین و تمام النعمه ج ۲ ص ۶۴۵

دیگر منابع: الوافی ج ۲ ص ۴۳۸ / وسائل الشیعه ج ۱ ص ۷۷ / بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۲۷

۲. عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ: لَا تَتَّهَؤُنَّ بِصَلَاتِكَ فَإِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ قَالَ عِنْدَ مَوْتِهِ لَيْسَ مِنِّي مَنِ اسْتَحَفَّ بِصَلَاتِهِ لَيْسَ مِنِّي مَنْ شَرِبَ مُسْكِرًا لَا يَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضَ لَا وَاللَّهِ.

زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

نماز خود را سبک مشمار، چرا که رسول خدا صلی الله علیه و اله به هنگام وفات خویش فرمود: هر کس نماز خود را سبک شمارد، از من نیست و هر کس نوشابه مست‌کننده‌ای بنوشد، از من نیست و در کنار حوض کوثر بر من وارد نخواهد شد. هرگز! به خدا سوگند!

مصدر: الکافی ج ۳ ص ۲۶۹

دیگر منابع: وسائل الشیعه ج ۴ ص ۲۳ / الوافی ج ۷ ص ۵۰

۳. وَ عَنْهُ ، قَالَ : أَخْبَرَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ ، عَنْ هَارُونَ بْنِ مُوسَى ، قَالَ : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مَعْمَرٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ صَدَقَةَ ، عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) : لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا تَحَابَبُوا ، وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ ، وَ آتَوْا الزَّكَاةَ ، وَ قَرَأُوا الصَّبِيْفَ ، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلُوا أُبْتَلُوا بِالسَّنِينِ وَ الْجَدْبِ . وَ قَالَ : إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا نَمَسُّ عَلَى أَحْقَافِنَا .

امام حسین علیه السلام از پدرش امیر المؤمنین نقل کرد که رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: پیروانم تا وقتی که به یکدیگر مهر بورزند و نماز را بپا دارند و زکات بپردازند و از مهمان پذیرائی کنند همواره در خوشی و سعادت هستند و اگر چنین نکنند به سالخوردگی و خشکسالی گرفتار آیند، و فرمود: ما خاندانی هستیم که پیروان اندک خودمان را محروم نمی‌کنیم.

مصدر: الأمالی للطوسی ج ۱ ص ۴۶۶ / عیون الاخبار ج ۲ ص ۲۹

دیگر منابع: وسائل الشیعه ج ۲۴ ص ۳۱۸ / بحار الانوار ج ۶۶ ص ۴۰۵ / عده الداعی ج ۱ ص ۱۹۱

۴. أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ حَمْرَةَ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : « مَثَلُ الصَّلَاةِ مَثَلُ عَمُودِ الْفُسْطَاطِ إِذَا ثَبَتَ الْعَمُودُ نَفَعَتِ الْأَطْنَابُ وَ الْأَوْتَادُ وَ الْعِشَاءُ إِذَا انْكَسَرَ لَمْ يَنْفَعِ طُنْبٌ وَ لَا وَتِدٌ وَ لَا عِشَاءٌ . »

جدم رسول خدا (ص) گفت: نماز، نسبت به سایر طاعات

همچون دیرک سرپرده است که اگر دیرک برقرار باشد، طنابها و میخها و پردها مفید واقع می‌شوند و اگر دیرک بشکند، از وجود طنابها و میخها و پردهها سودی عاید نمی‌شود.

مصدر: الکافی ج ۳ ص ۲۶۶ / من لایحضره الفقیه ج ۱ ص ۲۱۱ / تهذیب الاحکام ج ۲ ص ۲۳۸

دیگر منابع: الوافی ج ۷ ص ۲۷ / وسائل الشیعه ج ۴ ص ۳۳ / بحار الانوار ج ۷۹ ص ۲۱۸

۵. الصَّدُوقُ فِي الْخِصَالِ ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى الْيَقْطِينِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَوْ يَعْلَمُ الْمُصَلِّي مَا يَعْشَاهُ مِنْ جَلَالِ اللَّهِ مَا سَرَّهُ أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ مِنْ سُجُودِهِ .

اگر نمازگزار می‌دانست تا چه حد مشمول رحمت الهی است، هرگز سر خود را از سجده بر نمی‌داشت.

مصدر: الخصال للصدوق ج ۲ ص ۶۱۰

دیگر منابع: بحار الانوار ج ۱۰ ص ۸۹ / مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۸۰

۶. الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسِبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ فَإِنْ قُبِلَتْ قَبِلَ مَا سِوَاهَا وَإِنْ الصَّلَاةَ إِذَا ارْتَفَعَتْ فِي وَقْتِهَا رَجَعَتْ إِلَى صَاحِبِهَا وَهِيَ بَيْضَاءٌ مُشْرِقَةٌ تَقُولُ حَفِظْتَنِي حَفِظَكَ اللَّهُ وَإِذَا ارْتَفَعَتْ فِي غَيْرِ وَقْتِهَا بَغَيْرِ حُدُودِهَا رَجَعَتْ إِلَى صَاحِبِهَا وَهِيَ سَوْدَاءٌ مُظْلِمَةٌ تَقُولُ ضَيَّعْتَنِي ضَيَّعَكَ اللَّهُ».

شنیدم ابو جعفر باقر (ع) می گفت: حسابرسی اعمال بندگان، از نماز آنان شروع می شود. اگر نماز کسی پذیرفته باشد، سایر اعمال او پذیرفته خواهد بود. اگر نماز کسی در اول وقت شرعی به درگاه خدا بالا برود، درخشان و تابان به سوی صاحبش بازمی گردد و می گوید: حقوق مرا نگهبان شدی خدایت نگهبان باد. و اگر نماز کسی در خارج از وقت شرعی به درگاه خدا بالا برود و از حدود و مقررات آن عاری باشد، سیاه و تاریک به سوی صاحبش بازمی گردد و می گوید: حقوق مرا پامال کردی، خدایت پامال کناد.

مصدر: اصول سته عشر ج ۱ ص ۲ / الکافی ج ۳ ص ۲۶۸ / تهذیب الاحکام ج ۲ ص ۲۳۹ / من لایحضره الفقیه ج ۱ ص ۲۰۸

دیگر منابع: عوالی الثالی ج ۱ ص ۳۱۸ / الوافی ج ۷ ص ۲۹ / وسائل الشیعه ج ۴ ص ۳۴ / بحار الانوار ج ۷۹ ص ۲۳۶

۷. وَ رَوَى أَصْحَابُنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ قُبِلَتْ صَلَاتُهُ أَمْ لَمْ تَقْبَلْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ مَنَعْتَهُ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ فَبَقْدَرٍ مَا مَنَعْتَهُ قُبِلَتْ صَلَاتُهُ».

کسی که دوست دارد بداند نمازش قبول شده یا نه؟ باید ببیند آیا نمازش او را از زشتی ها و ناپاکی ها دور کرده است یا خیر؟ به همان اندازه که دور کرده، قبول شده است.

منبع: تفسیر البرهان ج ۴ ص ۳۲۲ / بحار الانوار ج ۱۶ ص ۲۰۴ / تفسیر نور الثقلین ج ۴ ص ۱۶۲

۸. حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو بْنِ عَلِيِّ الْبَصْرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ خَارِجِ الْأَصَمِّ الْبُسْتِيِّ بِهَا فِي مَسْجِدِ طَيْبَةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْجَنْدِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرٍ عَمْرٍو بْنُ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ زَاهِرٍ قَالَ حَدَّثَنَا حَرِيْرٌ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ عَطِيَّةِ الْعَوْفِيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَقُولُ: مَا اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيْلًا إِلَّا لِطَعَامِهِ الطَّعَامَ وَ صَلَاتِهِ بِاللَّيْلِ وَ النَّاسِ نِيَامًا».

ابو الحسن محمد بن عمرو بن علی بصری می‌گوید: ابو احمد محمد بن ابراهیم بن خارج اصم، از ابو الحسن محمد بن عبد الله بن جنید، از ابو بکر عمرو بن سعید، از علی بن زاهر، از حرز، از اعمش، از عطیه عوفی، از جابر بن عبد الله انصاری، وی می‌گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: خداوند متعال جناب ابراهیم علیه السلام را خلیل خود نکرد مگر به خاطر اطعام نمودنش و نیز به واسطه نماز شب خواندنش در هنگامی که مردم خواب بودند.

مصدر: علل الشرایع ج ۱ ص ۳۵

دیگر منابع: تفسیر الصافی ج ۱ ص ۵۰۵ / وسائل الشیعة ج ۸ ص ۱۵۶ / تفسیر البرهان ج ۲ ص ۱۷۸ / بحار الأنوار ج ۱۲ ص ۴

پیوست شماره پنج: طهارت در قرآن

۱. وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهَّرْ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ.

و چون برای ابراهیم جای خانه را معین کردیم [بدو گفتیم] چیزی را با من شریک مگردان و خانه ام را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان [و] سجده کنندگان پاکیزه دار. سوره حج آیه ۲۶

۲. وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ.

از تو در باره عادت ماهانه [زنان] می پرسند بگو آن رنجی است پس هنگام عادت ماهانه از [آمیزش با] زنان کناره گیری کنید و به آنان نزدیک نشوید تا پاک شوند پس چون پاک شدند از همان جا که خدا به شما فرمان داده است با آنان آمیزش کنید خداوند توبه کاران و پاکیزگان را دوست می دارد. سوره بقره آیه ۲۲۲

۳. لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ.

هرگز در آن جا مایست چرا که مسجدی که از روز نخستین بر پایه تقوا بنا شده سزاوارتر است که در آن [به نماز] ایستی [و] در آن مردانی اند که دوست دارند خود را پاک سازند و خدا کسانی را که خواهان پاکی اند دوست می دارد. سوره توبه آیه ۱۰۸

۴. وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلِ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي صَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ.

و قوم او شتابان به سویش آمدند و پیش از آن کارهای زشت میکردند [لوط] گفت ای قوم من اینان دختران منند آنان برای شما پاکیزه ترند پس از خدا بترسید و مرا در کار مهمانانم رسوا مکنید آیا در میان شما آدمی عقل رس پیدا نمی شود. سوره هود آیه ۷۸

۵. وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضُوا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَمْ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَأَطْهَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ.

و چون زنان را طلاق گفتید و عده خود را به پایان رساندند آنان را از ازدواج با همسران [سابق] خود چنانچه بخوبی با یکدیگر تراضی نمایند جلوگیری مکنید هر کس از شما به خدا و روز بازپسین ایمان دارد به این [دستورها] پند داده می شود [مراعات] این امر برای شما پربرکت تر و پاکیزه تر است و خدا می داند و شما نمیدانید. سوره بقره آیه ۲۳۲

۶. وَتَيَابِكَ فَطَهَّرْ. و لباس خویشتن را پاک کن. سوره مدثر آیه ۴

۷. وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَوُدُّهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا.

و به زودی کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند در باغهایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است درآوریم برای همیشه در آن جاودانند و در آنجا همسرانی پاکیزه دارند و آنان را در سایه ای پایدار درآوریم. سوره نساء آیه ۵۷

۸. وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ.

و [یاد کن] هنگامی را که فرشتگان گفتند ای مریم خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و تو را بر زنان جهان برتری داده است. سوره آل عمران آیه ۴۲

۹. وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ.

و کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند مژده ده که ایشان را باغهایی خواهد بود که از زیر [درختان] آنها جویها روان است هر گاه میوه ای از آن روزی ایشان شود می گویند این همان است که پیش از این [نیز] روزی ما بوده و مانند آن [نعمتها] به ایشان داده شود و در آنجا همسرانی پاکیزه خواهند داشت و در آنجا جاودانه بمانند. سوره بقره آیه ۲۵

۱۰. خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.

از اموال آنان صدقه ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه شان سازی و برایشان دعا کن زیرا دعای تو برای آنان آرامشی است و خدا شنوای داناست. سوره توبه آیه ۱۰۳

۱۱. لَا يَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ.

که جز پاک‌شدگان بر آن دست ندارند. سوره واقعه آیه ۷۹

پیوست شماره شش: زیر ساخت های هدایت

در مدرسه فقهی هدایت یک طبقه بندی جدید از علم استنطاق و استنباط شده است و طلاب مدرسه هدایت، حول این محتوای بسیار تفصیلی، چرخه چهاربخشی تحریک فکر را عملیاتی می کنند. شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی بر اساس ۱۲ نظریه از این طبقه بندی پیشرفته، مشغول تصمیم سازی در میان مسئولین کشور است. در متن زیر سرفصل های این طبقه بندی و تبویب جدید فقهی را بخوانید:

۱- علوم مرتبط با فقه الامام:

۱- بررسی نظریه امامت اجمالی، ۲- بررسی نظریه فقهی امان، ۲- بررسی مفهوم محرومیت زدایی (نظریه تعریف) ۳- روش جامعه سازی امام، ۴- نظریه امنیتی سلم، ۵- نظریه هسته های توازن (برنامه و بودجه در دولت اسلامی)، ۶- الگوی جدید زیارت، ۷- الگوی فقهی مواجهه با آسیب های اجتماعی، ۸- نظریه خدمات تنظیم کننده روابط انسانی و ۹- نظریه مدیریت شهری محله محور)

۲- علوم مرتبط با فقه التزکیه:

۱- آداب تخلیه و دستشویی، ۲- آداب استحمام، ۳- پاکسازی و تزکیه قلب و سایر اعضا + آداب گرفتن ناخن و پیرایش مو، ۴- مقررات فقهی ساختمان، ۵- عطر و درختان معطر و مثمر، ۶- معرفی غذاهای اماته کننده شهوت حرام، ۷- آداب پنج گانه انعقاد نطفه، ۸- جعبه فقهی شخصیت و ۹- نظریه فقهی طهارت)

۳- علوم مرتبط با فقه المکاسب:

۱- تبیین طبقه بندی مشاغل، ۲- تبیین ویژگی های الگوی تولید، ۳- تبیین ویژگی های بازار، ۴- تبیین ویژگی های تبادل و معامله بین بایع و مشتری، ۵- تبیین مفهوم عدم تقویت کافر در تجارت بین الملل و ۶- تبیین الگوی تأمین مالی در اسلام و ۷- تبیین عوامل غیر اقتصادی موثر بر اقتصاد

۴- علوم مرتبط با فقه البیان:

۱- قاعده بیان مبتنی بر قدر مخاطب و ظرفیت، ۲- قاعده بیان مبتنی بر تأمل، ۳- قاعده بیان مبتنی بر مقایسه، ۴- قاعده بیان مبتنی بر مُکث، ۵- قاعده بیان مبتنی بر رفق، ۶- قاعده بیان مبتنی بر منزلت، ۷- قاعده بیان مبتنی بر انفتاح، ۸- قاعده بیان مبتنی بر سیاق و کشف پیشفرض و ۹- قاعده بیان مبتنی بر کمیت و عدد)

۵- علوم مرتبط با فقه العلم:

الف: علوم مرتبط با فقه النظام (برای تبیین معادلات وحی در مسئله تنظیم روابط انسانی، فقه نظام در ۹ محور ۱- فقه الامام، ۲- فقه العلم، ۳- فقه التزکیه، ۴- فقه المکاسب، ۵- فقه العبرة، ۶- فقه النظم، ۷- فقه الفرقان، ۸- فقه البیان و ۹- فقه نفی سبیل، پایه گذاری شده است.

ب - علوم مرتبط با فقه الخلق (برای تبیین معادلات وحی در مسئله تسخیر طبیعت، فقه الخلق در ۱۰ محور ۱- جدول فقهی خصلت، ۲- جدول فقهی بنیاد، ۳- جدول فقهی زمان، ۴- جدول فقهی عماد، ۵- جدول فقهی زینت، ۶- جدول فقهی سببیت (جدول تسخیر)، ۷- جدول فقهی تغییر، ۸- جدول فقهی طبقه بندی اشیاء، ۹- جدول فقهی حیازت و ۱۰- و جدول فقهی نفی تشبیه، پایه گذاری شده است.)

ج: علوم مرتبط با فقه علوم غریبه (برای تبیین معادلات وحی در مسئله اسباب باطنی عالم، فقه علوم غریبه در محورهای مانند: ۱- معرفی جن و اقسام آن و تبیین مناسک مرتبط با عدم اختلاط در زندگی انسان و جن، ۲- معرفی ملائکه و مدبرات اربعه و تبیین چگونگی تاثیرگذاری ملائکه بر زندگی انسان، ۳- تبیین چگونگی ارتباط با عالم اموات و ارواح بر اساس بازخوانی عمیق مفهوم زیارت، ۴- تبیین اجمالی مفهوم تنزل امر در آسمانهای هفت گانه و تبیین اتفاقات امری در هر آسمان، ۵- تبیین مفهوم حجاب و سرادق، ۶- تبیین مکانیزم مدیریت بت خانه ها در اقوام اولین (بررسی تجربه های اقوام اولین در ارتباط میان انسان و جن)، ۷- بررسی تأثیرات آسمان رفیع بر زمین (بررسی تاثیر کواکب، نجوم، مصایح و قمر و شمس بر زندگی)، ۸- معرفی اجمالی علمی مانند علم اعداد و جداول اوفاق، علم حروف و اسماء، علم جفر، علم منایا، علم بلایا و... تبیین شده است.)

د: علوم مرتبط با فقه التسیب: (برای معرفی مقام ربوبیت، فقه التسیب در محورهایی مانند ۱- تبیین تفصیلی معنای سبحان الله، ۲- تبیین تفصیلی معنای الحمدلله، ۳- تبیین تفصیلی معنای لا اله الا الله و ۴- تبیین تفصیلی معنای الله اکبر، تبیین تفصیلی معنای صلوات، ۵- تبیین تفصیلی ۹۹ اسم الهی با تأکید بر شرح تفصیلی اسم حسیب (به دلیل مواجهه با مفهوم تنزل یافته سود در تمدن مدرنیته)، شرح تفصیلی اسم ذو انتقام (به دلیل مواجهه با تسامح حداکثری انسان مدرن در مسئله حق الناس) و اسم مُسبب (به دلیل مواجهه با مفهوم ناقص علیت در منطق صوری و مفهوم ناقص متغیر در منطق سیستمی) پایه گذاری شده است.

۶- علوم مرتبط با فقه النظم: (۱- تفاوت معنای نظام سازی و سیستم سازی، ۲- نظریه نظم اختیاری، ۴- نظریه فقهی خود تنظیمی در روابط انسانی ۱۳ گانه، ۴- الگوی تقنین؛ مبتنی بر تعریف جدید از حکم و قانون)

۷- علوم مرتبط با فقه الفرقان (۱- تبیین معیارهای اصلی ارزیابی (شامل: ارزیابی خیر و شر، ارزیابی ظلم و عدل، ارزیابی نفع و ضرر، ارزیابی علم و حق و باطل و ظن)، ۲- تبیین حوزه های اصلی ارزیابی (ارزیابی زیرساخت های ۹ گانه روابط انسانی)، ۳- تبیین بسته اقدامات جبران بعد از ارزیابی (مفهوم شفاعت، انابه و توبه و تأویب) و ۴- الگوی ارزیابی دستگاه های اجرائی

۸- علوم مرتبط با فقه العبرة (۱- الگوی فقهی روایت میراث فرهنگی، ۲- تبیین آداب احترام به پدر بزرگ و مادر بزرگ به عنوان مخزن تجربه افزایی و عبرت آفرینی در خانواده، ۳- تبیین آداب زیارت قبور + جانمایی صحیح قبرستان در محلات و خانه)، ۴- تبیین مفهوم اقوام اولین و آخرین، ۵- تبیین مفهوم منازل الاخره + تبیین تفصیلی احوالات عالم قبر ۶- تبیین مفهوم قیامت، حساب و بهشت و جهنم و ۷- بررسی گزارش های مرتبط با معراج پیامبر.

۹- علوم مرتبط با فقه نفی سبیل:

- ۱- نظریه سیاست خارجی قبل از ظهور، ۲- نظریه الگوی جدید نگرهبانی از نظام (روش مواجهه با هجوم اسناد بین المللی)، ۳- معرفی غذاهای شجاعت افرین و قوت آفرین، ۴- راه اندازی مسابقات سبق و رمایه.

علی کشوری شنبه ۶ خرداد ۱۴۰۲ - حوزه علمیه قم

<https://m-hedayat.blog.ir/post/964>

پیوست شماره هفت: مرجعیت علمی مطلقه کتاب و سنت

بخش اول: آیات

۱. وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ. سوره نحل آیه ۸۹

و [به یاد آور] روزی را که در هر امتی گواهی از خودشان برایشان برانگیزیم و تو را [هم] بر این [امت] گواه آوریم و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارتگری است بر تو نازل کردیم. ترجمه فولادوند

۲. لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ. سوره يوسف آیه ۱۱۱

به راستی در سرگذشت آنان برای خردمندان عبرتی است سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد بلکه تصدیق آنچه [از کتابهایی] است که پیش از آن بوده و روشنگر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می آورند رهنمود و رحمتی است. ترجمه فولادوند

۳. وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ. سوره یونس آیه ۳۷

و چنان نیست که این قرآن از جانب غیر خدا [و] به دروغ ساخته شده باشد بلکه تصدیق [کننده] آنچه پیش از آن است می باشد و توضیحی از آن کتاب است که در آن تردیدی نیست [و] از پروردگار جهانیان است. ترجمه فولادوند

۴. وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ. سوره انعام آیه ۳۸

و هیچ جنبنده ای در زمین نیست و نه هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند مگر آنکه آنها [نیز] گروه هایی مانند شما هستند ما هیچ چیزی را در کتاب [لوح محفوظ] فروگذار نکرده ایم سپس [همه] به سوی پروردگارشان محشور خواهند گردید. ترجمه فولادوند

۵. وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يُعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ. سوره انعام آیه ۵۹

و کلیدهای غیب تنها نزد اوست جز او [کسی] آن را نمی داند و آنچه در خشکی و دریاست می داند و هیچ برگی فرو نمی افتد مگر [اینکه] آن را می داند و هیچ دانه ای در تاریکیهای زمین و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن [ثبت] است. ترجمه فولادوند

بخش دوم: روایات

۱. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ تَعْلَبَةَ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِسَلْمَةَ بْنِ كُهَيْلٍ وَ الْحَكَمِ بْنِ عُتَيْبَةَ شَرِّقَا وَ غَرِّبَا لَنْ تَجِدَا عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا يَخْرُجُ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ .

امام باقر علیه السلام: به شرق و غرب عالم بروید هیچ علم درستی را نمی یابید مگر آنکه از نزد ما اهل بیت خارج شده باشد.

منبع اصلی: الکافی ج ۱ ص ۳۹۹ / بصائر الدرجات ج ۱ ص ۱۰ / رجال الکشی ج ۱ ص ۲۰۹

دیگر منابع: الوافی ج ۳ ص ۶۰۹ / وسائل الشیعه ج ۲۱ ص ۴۷۷ / بحار الانوار ج ۲ ص ۹۲

۲. مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ التُّعْمَانِ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يُمُصُّونَ الثَّمَادَ وَ يَدْعُونَ التَّهْرَ الْعَظِيمَ قَبْلَ لَهُ وَ مَا التَّهْرُ الْعَظِيمُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ الْعِلْمُ الَّذِي أُعْطَاهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَمَعَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ سُنَنَ النَّبِيِّينَ مِنْ آدَمَ وَ هَلَمَّ جَرًّا إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَبْلَ لَهُ وَ مَا تِلْكَ السُّنَنُ قَالَ عَلِمَ النَّبِيِّينَ بِأَسْرِهِ وَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ صَيَّرَ ذَلِكَ كُلَّهُ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَعْلَمَ أَمْ بَعْضُ النَّبِيِّينَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِسْمَعُوا مَا يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ يَفْتَحُ مَسَامِعَ مَنْ يَشَاءُ إِنِّي حَدَّثْتُهُ أَنَّ اللَّهَ جَمَعَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عِلْمَ النَّبِيِّينَ وَ أَنَّهُ جَمَعَ ذَلِكَ كُلَّهُ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ يَسْأَلُنِي أَهُوَ أَعْلَمُ أَمْ بَعْضُ النَّبِيِّينَ .

امام باقر علیه السلام فرمود: مردم رطوبت را می مکند و نهر بزرگ را رها می کنند، عرض شد: نهر بزرگ چیست؟ فرمود: رسول خداست و علمی که خدا به او عطا فرموده است. همانا خدای عز و جل سنتهای تمام پیغمبران را از آدم تا برسد به خود محمد صلی الله علیه و آله برای او گرد آورد، عرض شد آن سنتها چه بود؟ فرمود: همه علم پیغمبران، و رسول خدا صلی الله علیه و آله تمام آن را به امیر المؤمنین علیه السلام تحویل داد. مردی عرض کرد: ای پسر پیغمبر! امیر المؤمنین أعلم است یا بعضی از پیغمبران؟ امام باقر (به اطرافیان توجه کرد و) فرمود: گوش دهید این مرد چه می گوید؟! - همانا خدا گوشهای هر که را خواهد باز می کند - من به او میگویم: خدا علم تمام پیغمبران را برای محمد صلی الله علیه و آله جمع کرد و آن حضرت همه را به امیر المؤمنین تحویل داد، باز او از من میپرسد که علی أعلم است یا بعضی از پیغمبران (و نمی فهمد که معنی سخن من این است که آنچه همه پیغمبران می دانستند علی به تهائی می دانست).

منبع اصلی: الکافی ج ۱ ص ۲۲۲ / بصائر الدرجات ج ۱ ص ۲۲۸

دیگر منابع: الوافی ج ۳ ص ۵۵۱ / بحار الانوار ج ۲۶ ص ۱۵۹ / المناقب ج ۲ ص ۳۷ / تفسیر نورالثقلین ج ۱ ص ۴۷۰

۳. عَلِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ فِيهِ كِتَابٌ أَوْ سُنَّةٌ .

و فرمود: چیزی نیست جز آنکه در باره‌اش آیه قرآن یا حدیثی هست.

منبع اصلی: الکافی ج ۱ ص ۵۸

دیگر منابع: الوافی ج ۱ ص ۲۷۴ / تفسیر الصافی ج ۱ ص ۲۵۶ / الفصول المهمه ج ۱ ص ۴۸۰ / اثبات الهداه ج ۱ ص ۷۹

۴. حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ رَبِيعٍ عَنْ خَيْثَمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ يَكُونُ شَيْءٌ لَا يَكُونُ فِي الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ قَالَ لَا قَالَ قُلْتُ فَإِنْ جَاءَ شَيْءٌ قَالَ لَا حَتَّى أَعَدْتُ عَلَيْهِ مَرَارًا فَقَالَ لَا يَجِيءُ ثُمَّ قَالَ يَأْصِبِعُهُ بِنُوفِيقٍ وَتَسْدِيدٍ لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ .

به امام صادق گفتم: چیزی هست که در کتاب و سنت رهنمود و توضیحی درباره‌ی آن نیامده باشد؟ فرمودند نه. گفتم اگر چیزی بیاید چه؟ فرمود نمی‌آید. چندین بار این سوال را تکرار کردم. حضرت در پاسخ فرمودند (چیزی بی‌راه حل پدید نمی‌آید).

منبع اصلی: بصائر الدرجات ج ۱ ص ۳۸۸

دیگر منابع: بحار الانوار ج ۲ ص ۱۷۵

۵. حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ مَعْرُوفٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رَبِيعٍ عَنْ سَوْرَةَ بْنِ كَلَيْبٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا شَيْءٌ يُفْتِي الْإِمَامَ قَالَ بِالْكِتَابِ قُلْتُ فَمَا لَمْ يَكُنْ فِي الْكِتَابِ قَالَ بِالسُّنَّةِ قُلْتُ فَمَا لَمْ يَكُنْ فِي الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ قَالَ لَيْسَ شَيْءٌ إِلَّا فِي الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ قَالَ فَكَّرْتُ مَرَّةً أَوْ اثْنَتَيْنِ قَالَ يُسَدِّدُ وَيُوفِّقُ فَأَمَّا مَا تَطَّلُ فَلَا .

به نقل از سوره ابن کلیب، با امام صادق گفتم امام به کمک چه چیزی فتوا می‌دهد؟ فرمودند با کتاب خدا. گفتم اگر چیزی در کتاب خدا نباشد چه؟ فرمودند با سنت. گفتم اگر چیزی نه در کتاب خدا باشد و نه در سنت چه؟ فرمودند هیچ چیز نیست مگر اینکه در کتاب و سنت درباره‌ی آن وجود دارد.

منبع اصلی: بصائر الدرجات ج ۱ ص ۳۸۷

دیگر منابع: الفصول المهمه ج ۱ ص ۵۰۸ / بحار الانوار ج ۲ ص ۱۷۵

۶. وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَعْرَجِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ مَنْ عِنْدَنَا مِمَّنْ يَتَفَقَّهُهُ يُقُولُونَ يَرِدُ عَلَيْنَا مَا لَا نَعْرِفُهُ فِي الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ فَنَقُولُ فِيهِ بَرَأِينَا فَقَالَ كَذَبُوا لَيْسَ شَيْءٌ إِلَّا وَقَدْ جَاءَ فِي الْكِتَابِ وَجَاءَتْ فِيهِ السُّنَّةُ .

به نقل از سعید ابن عبدالله اعرج: به امام صادق گفتیم: فقهای ناحیه ما می گویند با مسائلی از روبرو می شویم که حکم آنرا در کتاب خدا و سنت پیامبر نمی یابیم از این رو بر اساس رأی خودمان نظر می دهیم. حضرت فرمودند: دروغ می گویند. هیچ چیز نیست مگر اینکه در کتاب آمده و در سنت توضیح دارد.

منبع اصلی: بصائر الدرجات ج ۱ ص ۳۰۱ / الاختصاص ج ۱ ص ۲۸۱

دیگر منابع: بحار الانوار ج ۲ ص ۳۰۴ / مستدرک الوسائل ج ۱۷ ص ۲۵۸

۷. عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي خُطْبَتِهِ فِي حَجَّةِ الْوُدَاعِ أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ مَا مِنْ شَيْءٍ يُقَرِّبُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ وَ يُبَاعِدُكُمْ مِنَ النَّارِ إِلَّا وَقَدْ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ وَ أَمَرْتُكُمْ بِهِ .

امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در حجة الوداع سخنرانی کرد و فرمود: ای مردم! به خدا چیزی نبود که شما را به دوزخ نزدیک و از دوزخ دور کند، جز آنکه بدان دستورتان دادم، و چیزی نبود که شما را به بهشت نزدیک و از بهشت دور کند، جز آنکه از آن نهیتان کردم.

منبع اصلی: الکافی ج ۲ ص ۷۴ / المحاسن ج ۱ ص ۴۳۳

دیگر منابع: الوافی ج ۱۷ ص ۵۲ / بحار الانوار ج ۶۷ ص ۹۶ / مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۲۷

۸. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ مُرَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ نَبِيَّانَ كُلَّ شَيْءٍ حَتَّى وَ اللَّهِ مَا تَرَكَ اللَّهُ شَيْئاً يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْعِبَادُ حَتَّى لَا يَسْتَطِيعَ عَبْدٌ يَقُولُ لَوْ كَانَ هَذَا أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا وَقَدْ أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِيهِ .

امام صادق (علیه السلام) فرمود: خدای تبارک و تعالی در قرآن بیان هر چیز را فرو فرستاده تا آنجا که بخدا سوگند چیزی را از احتیاجات بندگان فروگذار نفرموده: و تا آنجا که هیچ بندهئی نتواند بگوید ای کاش این در قرآن آمده بود جز آنکه خدا آن را در قرآن فرو فرستاده است.

منبع اصلی: المحاسن ج ۱ ص ۲۶۷ / الکافی ج ۱ ص ۵۹ / تفسیر قمی ج ۲ ص ۴۵۱

دیگر منابع: الوافی ج ۱ ص ۲۶۵ / الفصول المهمة ج ۱ ص ۴۸۱ / بحار الانوار ج ۶۵ ص ۲۳۷

پیوست شماره هشت: خبر و خبرنگاری در نگاه الگوی پیشرفت اسلامی

مطلب اول:

خبر بزرگ چیست؟!

یک خبرنگار باید با مفهوم "خبر بزرگ" در هر بخش آشنا باشد و بر مبنای مفهوم "خبر بزرگ" سوژه های خود را انتخاب نماید. تحقق "خبر بزرگ" در هر بخش، به حل مجموعه ای از نیازهای انسان منتهی می شود.

به عنوان مثال "خبر بزرگ" در حوزه مسکن، گسترش ساخت "دار و اسعه" در کشور، "خبر بزرگ" در بخش مدیریت شهری، تقویت "محله محوری"، "خبر بزرگ" در بخش سلامت، تحقق "پیشگیری ساختاری از بیماری" و "خبر بزرگ" در بخش آموزش و پرورش، تحقق "خانواده های متکفل آموزش" است.

در الگوی جدید تنظیم و تحلیل خبر، به سوژه هایی که زمینه تحقق مفهوم "خبر بزرگ" در هر بخش را آماده نمایند؛ ضریب بیشتری می دهیم و در واقع ارزش خبری اصلی در هر گروه خبری، تحقق "خبر بزرگ" در آن بخش است.

در جلسات آینده درباره سازه های سه گانه نگارش خبر، سفرهای خبری و ایضاً فلسفه تولید خبر مباحثه خواهیم داشت!

حجت الاسلام علی کشوری - تبیین مفهوم ارزش خبری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی - چهارشنبه ۳ اسفند ۱۴۰۱

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5089>

مطلب دوم:

یک پیشنهاد برای غلبه انقلاب اسلامی در جنگ شایعه ها و دروغ ها!

با غرض مهار جنگ شایعه ها و دروغ ها بر علیه انقلاب اسلامی زمینه ساز ظهور؛ نیازمند بازتعریف مفهوم خبرنگاری، ارزش های خبری و سیاستگذاری برای پوشش اخبار هستیم. اساس طرح پیشنهادی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی برای معماری ارتباطات کشور و تأسیس رسانه های جدید، توجه به رکن مترقی تحریک فکر در افراد است.

هدف از توجه ویژه به اصل تحریک فکر، عمیق کردن مشارکت مردم در حل مسائل، افزایش خلاقیت و ایده پردازی مردم - و در یک جمله - تحقق پدیده مترقی نظم اختیاری است. (هدف تحریک فکر) حوزه های اصلی تفکر در این طرح: چهار مسئله ۱- توجه به اصل روابط انسانی بهتر، ۲- فهم تصرف شیء پایه، ۳- شناخت اسباب غریب و ۴- شناخت اسماء الهی است! (حوزه های اصلی تحریک فکر) روش پیشنهادی این طرح برای ارتقای تفکر در افراد، اجرای چرخه چهار بخشی تحریک فکر است. چرخه تحریک فکر به معنای راه اندازی ۱- مدیریت خبر، ۲- مدیریت تضارب، ۳- مدیریت مکتوبات و ۴- مدیریت نمونه سازی بر محور یک نظریه فقهی است! (چرخه تحریک فکر)

مراحل سه گانه مدیریت خبر بر اساس قاعده تحریک فکر، شامل سه اقدام ۱- انتخاب سوژه خبری بر اساس قاعده خبر بزرگ، ۲- نگارش خبر بر اساس سازه های سه گانه پرسش خبر، اصطلاح خبر و ارجاع خبر و ۳- اضافه کردن پاراگراف سفر به خبر در ۸ حوزه ظرفیت، مقایسه، مکث، رفق، منزلت، انفتاح، سیاق و اعداد است.

در قالب اصطلاحات فوق الذکر دانشی جدید و کارآمد را برای تئوریزه کردن مسئله خبر در جمهوری اسلامی مبارک ایران تئوریزه کرده ایم و معتقدیم با انتخاب مدیران رسانه ای بر اساس تئوری متعهد متخصص؛ نمی توانیم در جنگ شایعه ها و دروغ ها بر تمدن استکباری مدرنیته غلبه پیدا کنیم. (تخصص های موجود در حوزه رسانه؛ مانند علوم شناختی و هوش مصنوعی، ارزشهای خبری و... قطعاً معیوب هستند)

حجت الاسلام علی کشوری - چگونه در جنگ شایعه ها و دروغ ها پیروز شویم؟! - شنبه ۱۷ دی ۱۴۰۱ - قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/4968>

مطلب سوم:

اصول نگارش خبر با زاویه دید الگوی پیشرفت اسلامی

خبرنگاری از وقایع را بر اساس اصول و مفاهیم زیر انجام می دهیم و ارزیابی ما از میزان موفقیت بخش های خبری سیما و یک روزنامه بر اساس این اصول انجام می شود.

اصل اول: انتخاب سوژه خبر بر اساس اصل "خبر بزرگ" در هر بخش انجام می شود. خبر بزرگ یعنی آن واقعه ای که -اگر تحقق یابد- ده ها مشکل مرتبط با اصل تنظیم صحیح روابط انسانی برطرف می شود. به عنوان مثال خبر بزرگ بخش نظام مهندسی و مسکن، ساخت خانه در قالب دار واسعه است (برخی فواید دار واسعه: کاهش تولید زباله، کاهش ترافیک و آلودگی هوا، کاهش آلودگی صوتی و کاهش مصرف سوخت، افزایش تفریح خانگی و ارتقای سطح تربیت فرزندان، ارتقای صله رحم و گسترش اصل احترام به همسایه و...)

اصل دوم: نگارش خبر یک واقعه را بر اساس سازه های سه گانه ۱- پرسش خبر، ۲- اصطلاح خبر و ۳- ارجاع خبر انجام می دهیم. طراحی پرسش برای خبر از پدیده زشت تحمیل خبر به مخاطب جلوگیری می کند و همراهی مخاطب با خبرنگار را ارتقاء می دهد. انتخاب دقیق اصطلاحات یک خبر به حفظ موازنه تمدنی و عدم التقاط فکری در افراد کمک می کند و گنجاندن ارجاع برای یک خبر، مخاطب را به یک منبع عمیق تر درباره پرسش و اصطلاح خبر رهنمون می سازد!

اصل سوم: اضافه کردن یک سفر خبری به خبر نوشته شده درباره یک واقعه است. در واقع پاراگراف آخر یک خبر، مخاطبِ خبرنگار را در عالم خیال به یک نوع حمایت از سوژه خبر رهنمون می‌سازد و از مخاطب می‌خواهد که درباره سوژه خبر سکوت نکند. به حسب شرایط مخاطب ۱- سفر در حوزه مقایسه، ۲- سفر در حوزه رفق، ۳- سفر در حوزه انفتاح، ۴- سفر در حوزه منزلت و... به متن مکتوب خبر اضافه می‌گردد.

اصول سه‌گانه فوق‌الذکر بخشی از چارچوب جدید نگارش خبر است؛ که در الگوی فقهی تنظیم و تحلیل خبر تبیین شده است.

حجت الاسلام علی کشوری - تبیین اصول خبرنگاری با نگاه تمدنی - بامداد شنبه ۱۷ دی ۱۴۰۱ - قم

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیام‌رسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/4966>

مطلب چهارم:

پنج پرسش درباره خبرنگاری

یکی از نظریات بخشی مرتبط با فقه‌البیان، الگوی تنظیم و تحلیل خبر است. این الگوی جدید بر اساس بازخوانی ۵ پرسشِ تنویریه می‌شود.

پرسش اول: فلسفه تولید خبر چیست؟ و چرا نیازمند مدیریت خبر هستیم؟ (در این بخش تحریک فکر را به عنوان فلسفه حاکم بر تولید و مدیریت خبر قرار می‌دهیم و از مفهوم تحلیل (روایت تفصیلی از یک واقعه) و نگارش یک واقعه (روایت اجمالی از یک واقعه) بر اساس چارچوب‌های تفکر سخن به میان می‌آوریم.)

پرسش دوم: سازه‌های یک خبر کدام است؟ (در تنظیم و تحلیل یک خبر بر اساس اصل جدا سازی سه موضوع: ۱- پرسش خبر، ۲- اصطلاح خبر و ۳- ارجاع یک خبر، یک واقعه را نگارش و روایت می‌کنیم. جدا سازی سازه‌های یک خبر، نوعی تاکید و تذکر بر دلایل و فواید وقوع یک واقعه محسوب می‌شود.)

پرسش سوم: روند خبری (یا سفرهای خبری) چیست؟ و چه فوایدی دارد؟ (مهمترین سفرهای خبری، سفر در حوزه ظرفیت، سفر در حوزه مُکث، سفر در حوزه رفق، سفر در حوزه مقایسه، سفر در حوزه منزلت، سفر در حوزه انفتاح، سفر در حوزه سیاق و سفر در حوزه اعداد است. شرح تفصیلی سفرهای یک بیان در بسته فقهی "اسفار عشره بیان" تبیین می‌شود.)

پرسش چهارم: بر اساس کدام اصل، سوژه یک خبر انتخاب می‌شود؟ (در این بخش معیارهای انتخاب سوژه مبتنی بر تفکر تبیین می‌شود. معیارهایی مانند: ظرفیت مخاطب، حوزه مخاطب، پدیده خبر بزرگ و... معیار گزینش یک سوژه است.)

پرسش پنجم: چگونه الگوی تنظیم خبر را به خبرنگاران آموزش دهیم؟ (برای خبرنگاران فعلی از ابزار ارزیابی اخبار موجود بر اساس الگوی جدید و ابزار نمونه سازی استفاده می کنیم و برای خبرنگاران شکل پذیر و علاقه مندان به خبرنگاری از ابزار برگزاری دوره های آموزشی و پژوهشی بهره می بریم.)

حجت الاسلام کشوری - تبیین فهرست های محتوایی الگوی تنظیم و تحلیل خبر - چهارشنبه ۱۴ دی ۱۴۰۱ - قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/4961>

پیوست شماره نه: موضعگیری علما و مراجع درباره ربوی بودن بانکها

در سال ۱۳۹۵، حداقل ۶۰ مورد وجود داشته که مراجع عظام تقلید نسبت به عملکرد ربوی بانکها واکنشهای اعتراضی جدی و بعضاً بیاناتی تکان دهنده داشته‌اند.

به گزارش خبرنگار اقتصادی خبرگزاری تسنیم، موضعگیری علما و بزرگان حوزه‌های علمیه در برابر برخی عملکردهای غیرشرعی و غیرقانونی بانکها، که ساز و کارهای کل اقتصاد ایران را تحت الشعاع قرار داده است، در سال ۱۳۹۵ نسبت به سالهای قبل از آن بی سابقه بود.

۰۹/۰۱/۱۳۹۵ | ناصر مکارم شیرازی | سود بانکی شرعاً و عرفاً جایز نیست و بانکها نباید از بدهیها سود بگیرند

۱۱/۰۱/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | دریافت سود برای تأخیر در وامهای بانکی و ادای دین، ربا و حرام است / خداوند ربا را «خانمان برانداز» و توام با مفسد فراوان دانسته / بانکها باید هر آنچه که به عنوان بهره گرفتند، پس بدهند

۱۱/۰۱/۱۳۹۵ | عبدالله جوادی آملی | ملت بدون ثروت مادی فقیر بوده و ستون فقرات او شکسته است؛ اکنون این ثروتها در بانکهای ربوی جمع‌آوری شده / اگر این کشور (امریکا) از گزینه نظامی سخن به میان می‌آورد برای برخی افراد مهم است در صورتی که اگر خداوند بگوید گزینه نظامی روی میز قرآن است به آن توجه نمی‌کنند / حقوق کارمندان بانکهای ربوی حرام است زیرا حقوق حلال در برابر کار حلال گرفته می‌شود

۱۱/۰۱/۱۳۹۵ | جعفر سبحانی | سود بانکی خلاف شرع است و باید از دریافت و پرداخت آن جلوگیری شود

۱۹/۰۱/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | مسئله حل معضل بانکهای ربوی که هم اکنون چند سالی می‌شود از طرف نهادهای مختلف، از جمله مجلس شورای اسلامی در حال پیگیری است، نباید زمان زیادی صرف کند / پول نباید از طریق پول به دست بیاید بلکه باید فقط از طریق کار و سرمایه گذاری کسب شود / اسلام نمی‌خواهد که یک نفر در خانه بنشیند و بدون اینکه زحمت کار کردن را به خود بدهد، با سپردن پول خود به دست دیگران مال و ثروت خود را افزایش دهد / مطابق نظر همه فقها و مراجع تقلید هر پولی که به عنوان دیر کرد گرفته می‌شود، ربا و حرام است

۲۳/۰۱/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | در اسلام گرفتن پول برای تأخیر در ادای دین حرام است، زیرا نوعی رباست و ربا حرام و گناه بسیار بزرگی است

۲۳/۰۱/۱۳۹۵ | محمدعلی علوی گرگانی بانکها نباید دیرکرد وام از مردم بگیرند، دیرکرد حقیقتاً خسارت است

۲۴/۰۱/۱۳۹۵ | سیدموسی شبیری زنجانی سؤال: آیا حقوق و مزایای کارمندان بانک که متصدی معامله‌های ربوی هستند، اشکال دارد؟ پاسخ: اگر متصدی فعل حرامی همچون اخذ ربا و جریمه دیرکرد و ... شوند یا سبب قریب آن باشند، حقوقشان حرام است.

۰۱/۰۲/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی دیرکرد بانکها حرام است و نوعی ربا محسوب می‌شود / ما از بانکها می‌خواهیم که امکانات خود را در راه صنعت، کشاورزی و اقتصادمقاومتی به کار گیرند ولی آنها هر روز بر دریافت دیرکرد، که حرام است، اصرار می‌ورزند

۰۵/۰۲/۱۳۹۵ | عبدالله جوادی آملی (عملکرد) بانکهای ربوی، که منجر به ورشکستگی و پایین آمدن تولید می‌شود، حرام است و با کلاه شرعی، حلال حرام نمی‌شود و مع‌الاسف هم می‌خواهیم کشور امام زمان باشد و طلاق و اعتیاد در آن نباشد، آن را که نباید باور کنیم، باور می‌کنیم، ولی این را که باید باور کنیم باور نمی‌کنیم و توقع داریم خدا باران برای ما بفرستد. البته همین مقدار باران هم به برکت شهدا و قطع نخاعی‌ها و اعتکافی‌ها و ... است. / هیچ باور نداریم که ربا یعنی جنگ با خداوند ولی گزینه نظامی دشمن را خدا از ما رفع بلا خواهد کرد؛ فرمود ما عقب نمی‌افتیم که فکر کنید شما جلو خواهید افتاد

۰۷/۰۲/۱۳۹۵ | ناصر مکارم شیرازی نظام بانکی از غرب وارد شده است به همین علت باید با عقود شرعی تطبیق داده شود اما بانکها برخی اوقات نسبت به موضوعهای شرعی توجه ندارند به همین علت نتایج برخی از اقدامات ربا می‌شود که باید با افزایش آموزشها این مشکلات رفع شود. / دریافت دیرکردهای بانکی مورد تأیید اسلام نیست / مردم باید در زمان مورد نظر اقساط وامهای خود را پرداخت کنند؛ مشکلات بانک و دستگاه قضایی قابل برطرف شدن بوده اما نیازمند عزم ملی است / جریمه دیرکرد قسطهای بانکی باید به بیت‌المال پرداخت شود تا همه مردم از آن استفاده کنند

۰۹/۰۲/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی اخذ دیرکرد وام حرام است، اما کسی گوش نمی‌کند، توجه نمی‌کند / ربا مخرب است و هلاکت هر کشوری از ربا شروع می‌شود

۱۳/۰۲/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی از ابتدا باید سراغ اسلام برویم، زیرا انقلاب ما اسلامی است، بنابراین باید به اسلام مراجعه شود و در بانکها از اروپا قوانین گرفته نشود / فرهنگ بانکهای اروپایی در ذهن و مغز مردم است، / فتوادلها در اروپا بانکها را تشکیل دادند، دولتها نیز قانونی وضع می‌کنند که به نفع آنها باشد، به این وسیله پولدارها، غنی‌تر و نیازمندان فقیرتر می‌شوند / در دوران امام خمینی (ره) این موضوع مطرح شد، زمانی که فردی پولی را قرض می‌دهد، اگر در ضمن عقد شرط کند، در تاریخ معین شده نیاورد، جریمه دهد، این شرط ضمن عقد الزام‌آور است ولی ربا نیست. از این امر سوء استفاده کردند و برای پول نرخی بر اساس زمان قرار دادند / هر پولی در برابر قرض گرفته و بر اساس زمان نرخ معین شود، ربا و حرام است، دیرکرد تأخیر نیز بر همین اساس است / اسلام همواره

مسلمانان را از علاقه‌مندی به کفر و ربا بازداشته است یعنی از جنبه سیاسی و اقتصادی به این مسئله توجه داشته است / اسلام پول را در برابر کار قبول دارد، باید کاری کنیم که ربا به هیچ شکلی وجود نداشته باشد، مردم باید در این زمینه آگاه شوند، دیرکرد حرام است، باید با مراجعه به دستورات اسلام شرط ضمن عقد تعیین شود، در صورتی که فرد در تاریخ معین پول را تحویل نداد، جریمه باید بپردازد ولی دریافت پول بر اساس زمان مخرب بوده و باید ترک شود / باید پول‌ها در مسیر صنعت، تجارت، زراعت و اقتصاد به کار گرفته شود، به این وسیله کار ایجاد شده و مشکلات برطرف می‌شود، در این خصوص باید با بانکها صحبت شود / از نظر اسلام و قرآن ربا حرام است، وظیفه ما بوده که با ربا مبارزه کنیم، ربا، رباست با عوض کردن نام آن، تغییر نمی‌کند، ما معتقدیم تاخیر و دریافت پول به عنوان دیرکرد حرام است / در این زمینه فرهنگ‌سازی لازم است، باید به مردم گفته شود، تا این مشکل برطرف شود، باید در نظر داشت ربا دارای مفاسد است / فکر نمی‌کنم در کشورهای دیگر بانکی بدون ربا وجود داشته باشد، اسلام دین کاملی است، در این زمینه لازم است تشویق و ترغیب شود تا پول‌ها در مسیر صحیح مصرف شود.

۱۴/۰۲/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | بانکها در مسیر غیرشرعی حرکت می‌کنند و تاخیر وام آنها و گرفتن پول به عنوان دیرکرد حرام است؛ این حرفها را بارها گفتیم اما عملی ندیدیم و اجرایی نشده است / قانون بانکهای کشور از خارج آمده و آنها هم مبنای بانک‌شان براساس قرض است / بانکهای کشور بر اساس قانون کشورهای اروپایی در حال حرکت هستند و به مردم وام می‌دهند و همین مسئله باعث مشکلاتی در کشور شده است / بانکها در مسیر غیرشرعی حرکت می‌کنند / باید فکری کرد. یکی از آن فکرها از طریق ضامن و رهن مانند طلا و جواهرات است. با این روش، می‌توان ربا را برطرف کرد / ربا در اسلام حرام است و این مسئله نگرانی به وجود آورده است، پولهای زیادی در بانکها خوابیده می‌شود که می‌توان با برنامه‌ریزی بهتر آنها را صرف اقتصاد کشور کرد تا مشکلات از بین برود / ربا از مباحث بسیار فسادانگیز است و باید کاری کرد و راهکاری ارائه داد تا ربا پیش نیاید

۱۵/۰۲/۱۳۹۵ | ناصر مکارم شیرازی | بانکداری از غرب برای ما آمده و ما اسم اسلامی را برای آن گذاشته‌ایم که متأسفانه نه محاسن بانکداری غربی را دارد و نه اسلامی است / سود بانکی در کشورهای غربی بین ۴ تا ۶ درصد است؛ اما در بانکداری اسلامی تا ۲۸ درصد از مردم سود می‌گیرند و اخیراً یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی اعلام کرده که تا ۳۵ درصد هم سود گرفته می‌شود؛ آن هم در قالب عقود شرعیه. / بانکداری امروز ما با مشکلات بسیاری روبروست / باید نظام بانکداری در اختیار توده مردم بوده و کار و اشتغال ایجاد نماید / اگر سرمایه در اختیار افراد گردن کلفت قرار بگیرد، از میان آنان مفسدان اقتصادی و اختلاس‌گر بیرون خواهد آمد / این نوع از بانکداری مناسب ما نیست که هنوز نتوانستیم پس از ۳۷ سال از انقلاب اسلامی آن را اصلاح نماییم / یکی از عوامل تورم، بانکداری ناسالم است / اگر بانکداری سالم شود، تورم به مقدار زیادی افت کرده و پایین خواهد آمد

۱۸/۰۲/۱۳۹۵ | ناصر مکارم شیرازی | امیدوارم طرح جامع بانکداری اسلامی در عمر باقیمانده مجلس نهم به تصویب برسد / بانکداری از غرب برای ما آمده و ما اسم اسلامی را برای آن گذاشته‌ایم که متأسفانه نه محاسن بانکداری غربی را دارد؛ و نه اسلامی است / بانکداری امروز ما با مشکلات بسیاری روبروست / برخی خیال

می‌کنند که مشکل بانکداری امروز ما فقط جریمه و دیرکرد است؛ ولی در اصل با مشکلات بسیاری روبه‌رو است؛ اما این بشارت را به شما بدهم که اخیراً گروهی از نمایندگان مجلس که اغلب آنان روحانی هستند به همراه جمعی از حقوقدانان نشست‌هایی را برگزار کرده و طرح جامع بانکداری اسلامی را طی دو سال تهیه کرده‌اند که بسیار مناسب می‌باشد / بنده این طرح را مطالعه کرده و با حضور اعضای این گروه، نکاتی را به آنان عرضه داشتیم که امیدوارم این طرح در عمر باقیمانده مجلس نهم، در مجلس ارائه شود و به تصویب برسد / این طرح نباید به مجلس آینده واگذار شود؛ چراکه ممکن است به درازا بینجامد و طولانی گردد / مشکلات اقتصادی کشور بدون حل مشکلات نظام بانکداری سامان پیدا نخواهد کرد / یکی از درآمدهای بانکها، حساب جاری مردم است که از این پول، به دیگران وام داده شده و سود ۲۵ تا ۳۰ درصدی گرفته می‌شود و درآمد آن در جیب بانک قرار می‌گیرد؛ در حالی که اصل پول برای مردم بوده است / طرحی که این گروه برای بانکداری اسلامی به رشته تحریر درآورده، بسیار مناسب است و باید مسئولان بانکی و مجلسیان با همکاری و تعامل آن را به تصویب برسانند تا بتوان از مشکلات موجود کاست.

۲۱/۰۲/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی باید از ابتدا در فعالیتهای خود متوجه فرامین اسلامی باشیم نه اینکه برنامه‌ای اجرا شود بعد سراغ اسلام برویم / اسلام را کد گذاشتن ثروت را حرام کرده است / پول باید در جامعه باید مثل گردش خون در بدن باشد / عده‌ای در جامعه قدرت کار دارند ولی سرمایه ندارند و اسلام می‌گوید ثروتمندان باید به این افراد کمک کنند و راه آن را مضاربه، مشارکت و جعاله عنوان کرده است / کسی که قرض بدهد و سود بگیرد عمل حرام مرتکب شده و این کار رباست / قرآن هفت مرتبه ربا را حرام عنوان کرده است / از نظر اسلام ربا در هر جنبه‌ای گناه بزرگ و موجب سقوط و انحطاط است / بانکها از ربا باید به شدت احتراز کنند؛ با وجود این غریبه‌ها بانکها را براساس ربا ایجاد کرده‌اند و قرض می‌دهند و سود می‌گیرند / این مرجع تقلید اضافه کرد: در اسلام کسی که قرض می‌دهد اجازه گرفتن بیشتر از آن را ندارد اما این امر از غرب به کشور ما هم وارد شده، ضرر این کار این است که اسلام می‌خواهد پول در برابر کار باشد نه در برابر پول و پول باید در صنعت و تولید و زراعت به کار گرفته شود و اشتغال و عمران و آبادی ایجاد شود که ربا از آن جلوگیری می‌کند / اسلام سودی که بانک به پول مردم می‌دهد قبول ندارد / اینکه کسی ۱۰۰ میلیون تومان در بانک بگذارد و بانک ماهیانه به پول او سود بدهد صحیح نیست و مانع گسترش تولید است / اگر قوانین اسلام عملی شود فقر ریشه کن می‌شود / دیرکرد نیز در اسلام حرام است، اگر من قرض گرفتم، جریمه تاخیر در ادای دین یک نوع رباست و حرام است و جایز نیست / بانکها نباید به دنبال تجارت باشند و پولهای مردم را در ایجاد کار و صنعت صرف کنند / بانکها باید بدون ربا و بدون دیرکرد و در نهایت اسلامی شود / بانک باید پول را از مردم بگیرد و به کسانی بدهد که قدرت کار دارند اما سرمایه ندارند، سرمایه‌داران هم پول خود را در راه تجارت صنعت و اشتغال به کار بگیرند چراکه راه شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی همین امر است / بانکها با دادن سود پول مردم را جمع می‌کنند / در کشور ما زمین و امکانات زیاد داریم و باید از آنها در راستای رشد و توسعه کشور استفاده کنیم / مسئولان باید به داد مردم برسند چراکه دیرکرد و سود برای جامعه مخرب و حرام است / اگر می‌خواهید به مردم خدمت کنید ربا را از بانکها حذف کنید / بانک بدون ربا فقط در عناوین نباشد چرا که برخی

بانکها اسامی فعالیتهای خود را تغییر می‌دهند و تفاوتی نمی‌کند همه اینها ریاست / اگر ما برای پول براساس زمان نرخی معین کنیم ریاست و دیرکرد وام همین است و بسیاری از مردم با دادن این دیرکردها دچار مشکل شده‌اند.

۲۱/۰۲/۱۳۹۵ | ناصر مکارم شیرازی | بانکداری باید در خدمت مردم باشد / بخش اعظم مشکلات مردم باید با استفاده از سیستم بانکی برطرف شود / عمده منابع بانکها متعلق به مردم است / دو اشکال به بانکها توسط مردم وارد می‌شود که یکی این است که بانکها در خدمت سرمایه‌داران هستند و نسبت به ضعفا بی‌توجهی می‌کنند و دیگری اینکه بیشتر به فکر افزایش سرمایه خود هستند و مرتباً شاهد افزایش شعب بانکها هستیم. / عملاً باید ثابت شود که بانکها می‌خواهند به مردم خدمت کنند / (وی) اشکالات سیستم بانکی را به دو بخش زیربنایی و روبنایی تقسیم کرد و افزود: در حوزه اشکالات زیربنایی یکی از موارد این است برخی قراردادهای سیستم بانکی از نظر شرعی درست نیست و در حوزه روبنایی نیز در اجرا برخی تخلفات صورت می‌گیرد که باید از آنها جلوگیری شود / وامی که مثلاً برای خرید خودرو گرفته می‌شود در محل دیگر نمی‌توان خرج کرد و این یکی از مشکلات اجرایی بانکهاست / بانک ملی باید این اعتماد را حفظ کند اگر نعمتهای خدا را حفظ کنید افزایش می‌یابد و گرنه از دست می‌رود پس کاری کنید اعتماد مردم به بانک باقی بماند / وثیقه‌هایی که بانک‌ها می‌گیرند برای اخذ مطالبات است نه اینکه بانکها وثیقه را معوض وام بدانند و در عوض عدم پرداخت وام وثیقه را جلب کنند / برخی می‌گویند بانکها در پیگیری اخذ وام تأخیر می‌اندازند برای افزایش بدهی، تا وثیقه‌ها را به‌طور کامل جلب کنند، اگر اینطور باشد این خیانت به مردم است / حداقل آسیبها در روند اجرایی سیستم بانکی را کنترل کنید تا مشکلی برای مردم ایجاد نشود / در برخی مواردی که مردم در فشار هستند بانکها باید از منافع خود صرف‌نظر کرده و تا جایی که می‌توانند با مردم همراهی کنند / باید به مردم ارفاق شود، اگر منابع بانکها سرمایه مردم است باید به مردم و خادمان مردم ارفاق شود / باید به‌نوعی این سودها کم شود و از جمع شدن سرمایه در بانک جلوگیری شود / بانکها نباید تقلیدی از بانکهای خارجی‌ها داشته باشند / وی جریمه تأخیر را یکی از معضلات سیستم بانکی دانست و با تأکید بر ضرورت جلوگیری از اخذ جریمه تأخیر / باید از راه‌اندازی این مؤسسات مالی و اعتباری جلوگیری شود، برخی پول می‌دهند و مؤسسه می‌زنند باید جلوی این کار گرفته شود / بانکها مراقب باشند تا این رقیبان نامشروع با قاطعیت از بین بروند، قاطعیت در این بخش هزینه دارد که باید پرداخت شود.

۲۱/۰۲/۱۳۹۵ | محمدعلی علوی گرگانی | دیرکرد قسط وامهای بانکی امروز به یک مشکل تبدیل شده است / بسیاری از نهادهای اقتصادی خصوصی و حتی دولتی در پرداخت دیرکردهای ایجاد شده با مشکل مواجه هستند / لازم است مسئولان بانکها و مشتریان با یکدیگر همکاری کنند تا مشکل بدهی مردم و دولت به بانکها در آینده نزدیک حل شود و هیچکدام از طرفها دچار ضرر و زیان نشود / بانکها با حمایت از تولیدکنندگان و کاهش فشار بر آنها می‌توانند در تقویت تولیدهای داخلی و به راه انداختن کارخانه‌ها نقش تاثیرگذاری داشته باشند.

۲۲/۰۲/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | در قرآن دو گناه از همه گناهان بالاتر است؛ یکی در جنبه سیاسی سلطه‌پذیری است و انسان نباید زیر سلطه استکبار برود و دومین گناه ریاست که اکبر گناهان است چرا که ربا مخرب

جامعه است و اگر ربا در هر مجموعه باشد باعث سقوط و انحطاط آن جامعه می‌شود / کسی که دارای ثروت و سرمایه است باید این پول را در اختیار جامعه قرار دهد تا این پول در اجتماع مردم در گردش باشد، مانند گردش خون در بدن انسان تا احیاگر جامعه باشد / پول موجود در بانکها باید به صورت جعاله، مضاربه و مشارکت در بین مردم جامعه قرار گیرد نه به صورت ربا که در اسلام حرام و مخرب یک جامعه است / یکی از چیزهایی که بانکها باید از آن به شدت اجتناب کنند مسأله رباست که امروز بانکها به این مسئله دقت لازم را ندارند و با عوض کردن اسم و ایجاد تبصره‌ها این عمل زشت و حرام را انجام می‌دهند. / اسلام سود را در کار کردن صحیح می‌داند که باعث اشتغال و کار در جامعه شود که اگر این روند نباشد جامعه رو به نابودی می‌رود / یکی از گرفتاری‌های جامعه فقر است که اگر قوانین اسلام به خوبی در جامعه رعایت شود این مشکلات به راحتی حل می‌شود، بیکاری از بین می‌رود و مملکت آباد می‌شود در حالی که ربا یکی از مهمترین عوامل فقر در یک جامعه است / در دین مقدس اسلام دیرکرد ادای دین یک نوع ربا، حرام و جایز نیست چرا که این دیرکردها و ربا روز به روز مردم فقیر را فقیرتر و مردم ثروتمند را دارا تر می‌کند و بانک نقش واسطه را بین مردم پول دار و فقرا بازی می‌کند و اگر این عمل بدون ربا باشد خدمت بزرگی به مردم است / اگر برای پول براساس زمان، نرخ معین شود این عمل ربا، حرام و غیرجایز است

۱۲/۰۳/۱۳۹۵ | عبدالله جوادی آملی | عده‌ای بیکار هستند و عده‌ای نمی‌دانند ثروتهای بانک را کجا به کار ببرند، در این بخش بانکها باید اصلاح شود.

۲۳/۰۴/۱۳۹۵ | محمدعلی علوی گرگانی | دیرکرد بانکها غوغا می‌کند که باید راهکار اساسی برای آن اندیشیده شود، بعضی افراد که از بانکها وام می‌گیرند، با مشکل مالی روبه‌رو هستند و نمی‌توانند وام خود را به موقع پرداخت کنند که این موضوع آنها را با مشکلات بیشتری مواجه می‌کند / بانکها باید با مردم تعامل داشته باشند و تا جایی که امکان آن وجود دارد، سود وامها را کاهش داده و فرصت مجددی به مردم برای پرداخت وامها بدهند / بانکها برای افرادی که در زمینه پرداخت وام مشکل دارند تخفیف قائل شوند و با تعامل با آن شخص وام را دریافت کنند / بانکها به قرض الحسنه عمل کرده و سودی از مردم دریافت نکنند / قرض دادن در اسلام از ارزش و اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و قرض دادن نسبت به صدقه از اجر و ثواب بیشتری برخوردار است / بانکها هیچ‌گونه استثنایی میان مردم قائل نشوند و همه را به یک چشم ببینند و هر موضوعی در قانون آمده اجرا کنند.

۲۴/۰۴/۱۳۹۵ | حسین مظاهری | وای بر بانکها که با عنوانهای مختلف در حال رباخواریهای میلیاردی هستند، چه تملقها، چه چاپلوسیها اتفاق می‌افتد تا یک وام به یک شخص داده شود، بعد با همین وام، شخص وام گیرنده را مجبور به دادن ربا می‌کنند.

۲۸/۰۴/۱۳۹۵ | عبدالله جوادی آملی | «مال» در اسلام حکم خون در بدن را دارد که باید به گونه‌ای متناسب در تمامی اندامها جریان داشته باشد؛ این در حالی است که در نظام سرمایه‌داری تکاثر ثروت در دست گروه خاصی قرار دارد و در نظامهای سوسیالیستی نیز ارزشهای والای اسلامی از منظر تداول ثروت در دست عموم مردم رعایت نمی‌شود / خداوند در آیه شریفه می‌فرماید: "کی لا یکون دولهً بین الاغنیاء منکم" یعنی ثروت نباید فقط در دست عده

معدودی از آحاد جامعه در حبس باشد. بانکها نیز نباید عامل حبس ثروت در دست عده معدودی از افراد جامعه باشند / بیان حرمت شدید ربا در اسلام و قرآن / در شرایطی که مردم در کسب و کار خود به ویژه در زمان تحریم در حالت مساعد و سودآوری نیستند، بانکها نباید نسبت به این وضعیت بی توجه بوده و صرفاً به فکر سودآوری خود باشند و باید طبق شرع مقدس در سود و زیان مشارکت با مشتری شریک باشند.

ناصر مکارم شیرازی | متن سؤال و پاسخ این مرجع تقلید در یک استفتاء به شرح زیر است:

سؤال:

معمولاً بانکها برای مشتریان خود اقدام به صدور کارت اعتباری کرده و بابت این خدمات هزینه‌هایی را به عنوان کارمزد در قرارداد صدور کارت درج کرده و از مشتریان خود اخذ می‌کنند. مستدعی است نظر خود را در موارد زیر اعلام فرمایید:

الف) نظر حضرتعالی در خصوص ارائه خدمات کارتهای بانکی خصوصاً کارتهای اعتباری چیست؟

ب) آیا قالب عقد جعاله را برای ارائه خدمات کارت موجب می‌دانید؟

پاسخ:

در صورتی که واقعاً خدمات قابل ملاحظه‌ای که در عرف دارای ارزش است ارائه شود و سود اضافی در برابر آن خدمات گرفته شود مانعی ندارد و می‌تواند تحت عنوان عقد جعاله مندرج گردد؛ ولی اگر خدمات صوری است، یا در بعضی موارد خدمتی وجود ندارد و تنها سود پول گرفته می‌شود، ربا و حرام است. ضمناً جریمه دیرکرد با موازین شرع سازگار نیست، چون نوعی ربا محسوب می‌شود و خدمات خاصی در برابر آن نیست.

۰۹/۰۵/۱۳۹۵ | حسین مظاهری | قرض الحسنه‌ها زیاد هستند ولی اکثراً به دستورات خداوند عمل نمی‌کنند و دچار ربا شده‌اند، اگر برای این قضیه خون گریه کنیم جا دارد که در غرب و کشورهای نامسلمان بالاترین سود بانکی ۳ درصد است، هرچند اسلام همین را هم حرام می‌داند.

۰۱/۰۷/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | بارها تأکید کرده‌ایم دیرکردی که بانکها دریافت می‌کنند ربا و حرام است ولی متأسفانه هنوز انجام می‌پذیرد.

۰۷/۰۷/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | در اروپا بانکها با تکیه بر ربا به مردم تسهیلات می‌دهند و روزبه‌روز قدرتمندتر می‌شود و اقتصاد را در اختیار می‌گیرند / در غرب، دولتها را بانکداران به وجود می‌آورند / بانکداران در کشورهای اروپایی نقش مهمی در اقتصاد دارند، اما در اسلام بر حل مشکلات مردم در بانکها تأکید شده است و بانک باید در خدمت مردم و تسهیل کننده تولید باشد / دیرکرد در اسلام حرام است / سود بالای بانکی در اسلام ربا محسوب می‌شود و تأکید اسلام بر این است که پول در مقابل کار باشد نه اینکه پول در مقابل پول.

۲۷/۰۷/۱۳۹۵ | حسین مظاهری | مسئله ربا، سودهای کلان و حیف و میل در برخی بانکها باید به صورت اساسی حل شود.

۳۰/۰۷/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | مدتهاست که بانکهای ما دیرکرد می‌گیرند که این مسئله رباست و هنوز نتوانسته‌ایم جلوی این کار را بگیریم.

08/05 / 1395 | عبدالله جوادی آملی | پیش از انقلاب در راهپیمایی‌ها، روحانیان جلو بودند. مردم سه جا را آتش می‌زدند، یکی شراب‌فروشی‌ها، یکی بانکها و سینماها را آتش می‌زدند، بعد از انقلاب شراب‌فروشی‌ها سه قسم شد، یک عده واقعاً توبه کردند، یک عده فرار کردند و یک عده رفتند در زیرزمین، بعد از انقلاب سینماها سه قسم شدند، یک عده واقعاً توبه کردند، یک عده هم فرار کردند و یک عده هم رفتند به دنبال کسرت‌های زیرزمینی، بانکها اما همچنان باقی ماندند و رباخواری دارند، ما واقعاً حرف خدا را باور نکردیم / این آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند، تعارف هم ندارد، با این که فرهنگ ما فرهنگ شهادت است اما تا آمریکا گزینه نظامی را مطرح می‌کند، برخی از وی حساب می‌برند، قرآن می‌فرماید گزینه نظامی روی میز قرآن من است، ما باور نکردیم / حضرت آیت الله جوادی در ادامه در حالی که بغض گلوی وی را گرفته بود و اشک در چشمانش حلقه زده بود، مراتب تأثر و ناراحتی خود را از وجود ربا در سیستم بانکی ابراز کرد / ما دلمان می‌خواهد اقتصاد مقاومتی درست بکنیم، این فقط با سفارش و توصیه که حل نمی‌شود؛ این (ربا) جنگ با خداوند است، الآن این پولی که شما می‌گذارید می‌گویند چه تحریم باشد، چه نباشد، چه تورم باشد و چه تورم نباشد، می‌گویند سود دارد و سود علی‌الحساب دارد.

۰۷/۰۸/۱۳۹۵ | محمدعلی علوی گرگانی | با کم کردن بهره و حذف دیرکرد برای تسهیلات بانکی روستاییان می‌توان به آنها مساعدت کرد.

۱۳/۰۸/۱۳۹۵ | حسین مظاهری | مسائل ربوی در بانکها باید اصلاح شود تا بخشی از بیماری اقتصادی کشور درمان گردد.

۲۴/۰۹/۱۳۹۵ | عبدالله جوادی آملی | در این دیدار، آیت‌الله العظمی جوادی آملی از اخذ جریمه‌های دیرکرد و موضوع ربا در سیستم پولی انتقاد و به کمیسیون اقتصادی تأکید کرد که به دغدغه‌های شرعی در موضوعات مالی و پولی توجه جدی شود.

۲۴/۰۹/۱۳۹۵ | ناصر مکارم شیرازی | بانک محل مبادلات مالی مردم است و بدون بانک فعالیت‌های بزرگ اقتصادی انجام نخواهد شد / بانکداری کنونی از غرب آمده و اسلامی نیست / باید سیستم بانکداری اسلامی شود هر چه می‌خواهیم بانکداری را اسلامی کنیم باز هم غربی است از همین رو باید مطالعات وسیعی در این زمینه صورت بگیرد / بانکها گوششان بدهکار بانکداری اسلامی نیست و به بخشنامه‌ها استناد می‌کنند و این زیان است، هر چه هم می‌گوییم فایده‌ای ندارد / بارها به رؤسای بانکها مسائل و مشکلات را مطرح کرده‌ایم اما به تکلیف خود عمل نمی‌کنند / باید راهی برای عملیاتی شدن طرح بانکداری اسلامی باید تعریف شود، مسئولان به دنبال درآمد بیشتر

هستند وقتی هم می‌بینند کار سخت است کار را به مردم واگذار می‌کنند / بانکها قوانین بانکداری اسلامی را دور می‌زنند، با بهانه‌های مختلف کلاه سر قانون می‌گذارند / ریشه اصلی این است که نظام بانکداری از غرب آمده برای همین هر چه تلاش می‌کنیم اشکالات را رفع کنیم باز همان مسائل تکرار می‌شود.

۲۴/۰۹/۱۳۹۵ | محمدعلی علوی گرگانی این یک مطالبه مردمی است که سیستم بانکی در راستای موضوعات اسلامی فعالیت کند / علاوه بر اینکه قراردادهای بانکی نباید حرام باشند، باید در این قراردادها جزئیاتی لحاظ شود که به مردم فشار اقتصادی وارد نشود.

۲۴/۰۹/۱۳۹۵ | جعفر سبحانی در سال ۱۳۶۲ مسئله بانکداری بدون ربا در کشور مطرح شد، ولی به دلیل جنگ تحمیلی چندان این مسئله مورد توجه و اهتمام قرار نگرفت و متأسفانه مسکوت ماند / در ابتدا باید مشخص کنیم که آیا وظیفه یک بانک، تجارت است یا امانت‌داری؟ اگر بانک کارش صرفاً تجارت شد دیگر نمی‌توان از آن انتظار داشت که به‌سوی ربا کشیده نشود، ولی اگر کار او امانت‌داری شد، باید مردم پولی را که در بانک می‌گذارند و ارزش آن به هر دلیلی پایین آمد، بانک همان ارزش پایین آمده را جبران کند در این صورت مسئله فرق می‌کند / کثرت بانکها مشکلی را برطرف نمی‌کند و صرف تجارت با پول مردم ربا را بر نمی‌دارد، بنابراین باید برای این مسئله فکری اساسی کرد.

۲۵/۰۹/۱۳۹۵ | عبدالله جوادی آملی در مقابل آن دشمن بیرونی که کاری هم از او ساخته نیست یک دشمن درونی نیز وجود دارد و آن غده سرطانی رباست. خداوند صریحاً در قرآن فرمود گزینه نظامی من در مقابل ربا روی میز است. ربا این چنین است اما بسیاری این را باور نکردند.

۰۱/۱۰/۱۳۹۵ | ناصر مکارم شیرازی تعدادی از بانکها سود مضاعف دریافت می‌کنند / گاهی جریمه دیرکرد از اصل مبلغ وام بیشتر است و گاهی به چند برابر می‌رسد، اما در اسلام اگر کسی قادر به پرداخت قرض خود نیست باید به آن فرد مهلت داده شود اما بانکها کاری به این کارهای ندارند هر روز سود آن را اضافه می‌کنند و به آن بانکداری اسلامی هم می‌گویند / ربا از غارت اموال مردم سر در می‌آورد / اگر سرمایه‌ها غارت شود در هر جایی، بر اساس احادیث نام ربا بر آن اطلاق می‌شود؛ متأسفانه سیستم بانکداری با اسلامی شدن فاصله دارد / ربا در اسلام بسیار مذموم است که قرآن آن را اعلان جنگ خدا با فرد رباخوار توصیف کرده است

۰۲/۱۰/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی بانکها در مقابل پول، پول دریافت می‌کنند که این رباست، پرداخت پول باید در مقابل کار باشد / پولهای زیاد در بانکهای تجمیع شده است در حالی که این پولها اگر وارد چرخه صنعت و کشاورزی شوند باعث رونق اقتصادی می‌شود / اسلام به شکل جدی با ربا مخالف است و این جریمه دیرکردها هم رباست و هر کسی که از ما در این زمینه سؤال می‌کند، ما می‌گوییم که جریمه دیرکرد رباست اما بانکها گوش نمی‌دهند و کار خود را می‌کنند که همه اینها باعث فقر می‌شود.

۰۲/۱۰/۱۳۹۵ | عبدالله جوادی آملی خدیجه (س) فرهنگ عقلانیت را در فضای جاهلی پیاده کرد. آنها چون جاهل بودند، اقتصادشان هم جاهلی بود و اقتصاد جاهلی در محدوده ربا دور می‌زند. بارها عرض کرده‌ام که از آمریکا و دشمنان کاری بر نمی‌آید و در جریان جنگ تحمیلی و ... دیدیم، آنها نخواهد توانست کاری بکنند، اما همین آدم بی‌عرضه اگر بگوید گزینه نظامی روی میز من است، خیلی‌ها حساب می‌برند، ولی اگر خداوند بگوید ربا حرب با من است، کسی تکان نمی‌خورد و این فرهنگ جاهلی است / وی تأکید کرد: الان هم باید با تاسی از آن حضرت، بانکهای ربوی را تحریم کنیم و اگر می‌خواهیم این مادر از ما راضی شود باید مسیر او را برویم، زیرا این جزو حقوق ایشان بر گردن ماست.

۱۳/۱۰/۱۳۹۵ | عبدالله جوادی آملی اگر کسی مورد تحریم قرار گرفت و مقروض شد، بر حاکم اسلامی است که این قرض را ادا کند / ربا را دیگران تیزهوشی و زیرکی می‌دانند و قرآن آن را کار مخبطانه عنوان می‌کند، در صورت عمل به قرآن ما نه کارتن خواب خواهیم داشت و نه فقیر خواهیم داشت و نه دیگر زندانهای ما پر خواهد بود.

۱۴/۱۰/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی مردم گلایه‌های بسیاری در خصوص دریافت دیرکرد توسط بانکها دارند و با وجود اینکه بارها گفته‌ایم که دریافت دیرکرد حرام بوده و رباست، ولی ترتیب اثری داده نشده است.

۳۰/۱۰/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی مردم نیز از ما می‌خواهند مشکلات را به دولت منعکس کنیم؛ ما نیز بیان کرده‌ایم که مباحثی چون دیرکرد اقساط ربا و حرام است، ولی این مشکل حل نمی‌شود.

۰۲/۱۱/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی دیرکردی که بانکها از مردم دریافت می‌کنند حرام است و حوزه‌های علمیه در این رابطه باید به میدان بیایند.

۰۳/۱۱/۱۳۹۵ | محمدعلی علوی گرگانی لزوم اصلاح نظام بانکی کشور بر اساس آموزه‌های اسلامی / ابراز نگرانی و ناراحتی از وضعیت سیستم بانکی کشور / وجود ربا زینده نظام بانکی که پسوند اسلامی را یدک می‌کشد، نیست / متأسفانه در جامعه ما رباخواری و اخذ دیرکردهای آنچنانی رواج پیدا کرده است که این مسئله به هیچ وجه درست نیست / اصلاح امور اقتصادی جامعه را در گرو اصلاح نظام بانکی کشور دانست.

۰۶/۱۱/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی تا رباخواری در کشور هست مملکت به پیشرفت نمی‌رسد، بارها مؤکداً اعلام کردیم که دریافت دیرکرد حرام است / مرجع تقلید شیعیان تأکید کرد: ربا باید از نظام بانکی کشور برچیده شود.

۰۹/۱۱/۱۳۹۵ | محمدعلی علوی گرگانی یکی از دردهای جامعه امروز در کشور بانک و بانکداری است / متأسفانه در کشور بانکها تنها نام اسلامی بودن را یدک می‌کشند و با آن‌که شاید در سر در آنها نام بانکداری اسلامی نوشته شده ولی کوچکترین حرکتی در این راستا انجام نمی‌دهند / بانکهای در حال حاضر با شکلهای مختلف در حال گرفتن سودی از مردم هستند که زیاد از منظر اسلام این کار درست نیست و بانکها به جای آن‌که در خدمت اشتغال باشند با گرفتن سودهای سرسام‌آور حتی رونق را از کارخانه‌ها و کسب‌وکار گرفته‌اند / سودهای بانکی در برخی مواقع سبب گسست خانواده‌ها شده است.

۱۱/۱۱/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | بر مبنای اسلام کار کردن باید در مقابل پول باشد اما در بانکهای ما این کار انجام نمی‌شود و دریافت دیرکرد از سوی آنها حرام است. اکنون نامه‌هایی روزانه در زمینه دریافت دیرکرد برای ما آورده می‌شود، باید در نظر داشت دیرکرد، ربا و حرام است، ولی درعین حال دیرکرد را دریافت می‌کنند.

۱۴/۱۱/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | باید برای ربا و سودهای بانک درکشور فکری کرد.

۲۰/۱۱/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | اگر بانکها از این کار خود دست برندارند؛ در درجه اول مردم باید پول را به بانکها ندهند / ربا، گناه کبیره‌ای است که توصیف آن در شرع این‌گونه آمده که یک درهم از ربا مقابل ۷۰ زنا با مادر در خانه کعبه می‌باشد و خدای متعال در هفت جای قرآن نیز از آن انتقاد کرده است / همین بانکدارها در کشورهای خارجی با این وضع پولی و مالی، دولتها را به وجود آورده و دولتها نیز قوانین را به نفع آنان وضع می‌کنند / اگر در مقابل یک قرض، پول بیشتری گرفته شود، حرام و رباست و متأسفانه این کار در بانکهای ما انجام می‌شود / حضرت آیت‌الله نوری همدانی با بیان این مطلب که گرفتن زیادی فقط در یک مورد مجاز است؛ تصریح کردند: اگر در هنگام قرض و به‌عنوان شرط ضمن عقد توافق شود که اگر تا فلان تاریخ آورده نشود، باید فلان مقدار جریمه دهد، مشکلی نیست و باید پرداخت گردد؛ اما در بانکها از این موضوع سوء استفاده شده و در قراردادهای خود آورده‌اند که اگر یک ماه دیر شود، فلان مقدار؛ اگر یک ماه و پنج روز دیر شود، فلان مقدار و ...؛ که در این صورت این جریمه‌ها را روی بدهی افراد کشیده و برای آن جریمه نیز مجدد جریمه دریافت می‌کنند که این مسائل، رباست / جریمه را فقط یک مرتبه می‌توان دریافت کرد؛ نه اینکه برای آن مدلهای گوناگون ساخته و روی جریمه نیز مجدداً جریمه دریافت کنند / بارها در پاسخ به نامه‌ها نوشته‌ایم که جریمه برای أداء دین رباست؛ اما متأسفانه به این احکام الهی عمل نمی‌شود / امروز ثروت مردم در بانکهاست و بانکدارها نباید به نفع خود به تجارت بپردازند؛ باید پولها را به دست مردم سپرد تا در راه صنعت، کشاورزی و اشتغال به کار گرفته شود و در این صورت است که نعمت فراوان شده؛ ارزانی آمده و اشتغال ایجاد خواهد شد.

۲۵/۱۱/۱۳۹۵ | عبدالله جوادی آملی | اینجا| الگوی ما در جامعه اسلامی حکومت حضرت امیر(ع) است که با تازیانہ در بازار حاضر می‌شدند و هشدار می‌دادند تا بازار از آسیبهایی مانند احتکار، گرانفروشی و ربا محفوظ بماند.

۳۰/۱۱/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | وی از بی‌توجهی بانکها به مسئله ربا گلایه کرد و گفت: روزی نیست که نامه‌ای از مردم درباره ربا و دیرکرد سود و امها دریافت نکنیم و هر چه تذکر می‌دهیم ربا حرام است و با تغییر نامها به مضاربه و دیرکرد نمی‌توان حرمت این عمل را از بین برد. باز بانکها توجهی نمی‌کنند. / بانکها نباید خودشان مستقیم وارد تجارت شده و به مردم سود بدهند بلکه باید ثروتی که در اختیار دارند را به بخش خصوصی بدهند تا با ایجاد شغل و درآمد اقتصاد کشور از رکود خارج شده و پویا شود.

۰۴/۱۲/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | درباره حرام بودن ربا و دیرکرد بانکها گفتیم اما کسی توجهی نمی‌کند / آن قدر این مسئله را مطرح می‌کنیم تا به نتیجه برسد، این تکرارها مصداق امر به معروف و نهی از منکر است.

۰۴/۱۲/۱۳۹۵ | ناصر مکارم شیرازی | گاهی در اخبار اعلام می‌شود بیشترین درآمد بانک از محل جریمه تأخیر بوده، این اقدامات خلاف شرع است / دریافت هزینه دیرکرد توسط بانکها ربای آشکار است.

۰۹/۱۲/۱۳۹۵ | عبدالله جوادی آملی | پول و ثروت در مکتب اسلام عامل قوام، قیام و ایستادگی یک ملت معرفی شده است؛ در قرآن کریم از کسی که مال ندارد به فقیر تعبیر شده است، فقیر غیر از گداست؛ فقیر یعنی کسی که ستون فقراتش شکسته است / قرآن کریم راجع به کار بانکها فرمود، پول مانند خانه نیست که بشود آن را اجاره داد، قرآن کسی را که بخواهد از راه ربا کسب درآمد کند دیوانه می‌داند، زیرا این شخص در حقیقت دارد خون مردم را می‌خورد / ربا یک غده سرطانی است که از غرب به شرق آمده است، و باید جلو این غده را با ترویج قرض الحسنه‌ها گرفت / کشوری مانند آمریکا که بدون پشتوانه، پول خلق می‌کند به اقتصاد همه کشورها ضربه می‌زند، کشوری که پول خود را به کشورهای دیگر تحمیل می‌کند و آنها را وادار می‌کند تنها با دلار معاملات خود را انجام دهند، در حال ظلم و ستمگری است ولی این، تنها گوشه‌ای از جنایات آمریکا بر علیه بشریت است.

۰۹/۱۲/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | بارها گفتیم که اخذ دیرکرد توسط بانکها حرام است، ولی باز هم بانکها این دیرکرد را که رباست می‌گیرند.

۱۰/۱۲/۱۳۹۵ | ناصر مکارم شیرازی | در زمینه بانکداری نیز بانکداری اسلامی طرحی است که از سال ۵۹ در دستور کار بانک های کشورمان قرار گرفت اما چندی است که برخی از اقدامات بانکهای کشورمان از سوی مراجع تقلید حکم ربوی به خود گرفته‌اند / گوش بانکها بدهکار کسی نیست؛ پس از دستوراتی که بانک مرکزی داده، شاهد آن هستیم که این بانکها به حرف کسی گوش نمی‌دهند؛ آنها به بخشش اضافات بیش از ۱۰۰ میلیون نیز گوش نمی‌دهند / گوش بانکها بدهکار کسی نیست؛ پس از دستوراتی که بانک مرکزی داده است شاهد آن هستیم که این بانکها به حرف کسی گوش نمی‌دهند؛ آنها به بخشش اضافات بیش از ۱۰۰ میلیون نیز گوش نمی‌دهند / بسیاری از بانکها متمرد هستند و به این دستورات گوش نمی‌دهند و تا زمانی که این روند ادامه دارد مشکلات حل نمی‌شود.

۱۴/۱۲/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | اینجا| این پدیده (دیرکرد) ربا و حرام است و متأسفانه ۵۰ درصد درآمد بانکها از جریمه دیرکرد بدست می‌آید. در هر جامعه‌ای ربا وجود داشته باشد برکت از بین می‌رود و نظام اقتصادی سقوط می‌کند.

۱۶/۱۲/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | چندین سال است که بیان می‌کنیم دیرکردی که بانکها از مردم می‌گیرند حرام است، هر روز آه و ناله مردم را در نامه‌ها مشاهده می‌کنیم، چرا وقتی مطلبی را همه اعلام می‌کنند حرام است گوش نمی‌کنند؟

پیوست شماره ده: جایگاه امامت در بیان حضرت آقا امام رضا علیه السلام

أَبُو مُحَمَّدٍ الْقَاسِمِ بْنِ الْعَلَاءِ رَحِمَهُ اللَّهُ رَفَعَهُ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: كُنَّا مَعَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَرَوْ فَاجْتَمَعْنَا فِي الْجَامِعِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِي بَدْءِ مَقْدَمِنَا فَأَذَرُوا أَمْرَ الْإِمَامَةِ وَذَكَرُوا كَثْرَةَ اخْتِلَافِ النَّاسِ فِيهَا فَدَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَعْلَمْتُهُ حَوْضَ النَّاسِ فِيهِ فَتَبَسَّسَ عَلَيَّ السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ يَا عَبْدَ الْعَزِيزِ جَهْلَ الْقَوْمِ وَخُدِعُوا عَنْ آرَائِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَقْبِضْ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى أَكْمَلَ لَهُ الدِّينَ وَانزَلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنَ فِيهِ تَبَيَّنَ كُلُّ شَيْءٍ بَيْنَ فِيهِ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَالْحُدُودَ وَالْأَحْكَامَ وَجَمِيعَ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ النَّاسُ كَمَلًا فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» وَانزَلَ فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ وَهِيَ آخِرُ عُمْرِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» وَ أَمْرَ الْإِمَامَةِ مِنْ تَمَامِ الدِّينِ وَ لَمْ يَمُضِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى بَيَّنَّ لِأُمَّتِهِ مَعَالِمَ دِينِهِمْ وَأَوْصَحَ لَهُمْ سَبِيلَهُمْ وَ تَرَكَّهُمْ عَلَى قَصْدِ سَبِيلِ الْحَقِّ وَ أَقَامَ لَهُمْ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلِمًا وَ إِمَامًا وَ مَا تَرَكَ لَهُمْ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَّا بَيَّنَّهُ فَمَنْ رَعَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يُكْمِلْ دِينَهُ فَقَدْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ وَ مَنْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ كَافِرٌ بِهِ هَلْ يَعْرِفُونَ قَدْرَ الْإِمَامَةِ وَ مَحَلَّهَا مِنَ الْأُمَّةِ فَيَجُوزُ فِيهَا اخْتِيَارُهُمْ إِنَّ الْإِمَامَةَ أَجَلٌ قَدْرًا وَ أَعْظَمُ شَأْنًا وَ أَعْلَى مَكَانًا وَ أَمْنَعُ جَانِبًا وَ أْبَعَدُ غَوْرًا مِنْ أَنْ يَبْلُغَهَا النَّاسُ بِعُقُولِهِمْ أَوْ يَتَأَلَّوْهَا بِآرَائِهِمْ أَوْ يُقِيمُوا إِمَامًا بِاخْتِيَارِهِمْ إِنَّ الْإِمَامَةَ حَخَّصَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَا إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ التَّنْبُؤَةِ وَ الْخُلَّةِ مَرْتَبَةَ ثَالِثَةً وَ فَضِيلَةَ شَرَفَهُ بِهَا وَ أَشَادَ بِهَا ذِكْرَهُ فَقَالَ «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» فَقَالَ الْخَلِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ سُورًا بِهَا «وَ مِنْ دُرِّيَّتِي» قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «لَا يَبَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» فَأَبْطَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ إِمَامَةَ كُلِّ ظَالِمٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ صَارَتْ فِي الصَّفْوَةِ ثُمَّ أَكْرَمَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِأَنْ جَعَلَهَا فِي دُرِّيَّتِهِ أَهْلَ الصَّفْوَةِ وَ الطَّهَارَةِ فَقَالَ «وَ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ نَافِلَةً وَ كَلَّا جَعَلْنَا ضَالِحِينَ. وَ جَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِفْقَامَ الصَّلَاةِ وَ إِيثَاءَ الزَّكَاةِ وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» فَلَمْ تَزَلْ فِي دُرِّيَّتِهِ يَرِثُهَا بَعْضٌ عَنْ بَعْضٍ قَرْنَا فَقَرْنَا حَتَّى وَرَّثَهَا اللَّهُ تَعَالَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ جَلَّ وَ تَعَالَى: «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اللَّهُ وَ لِيُؤْمِنُوا» فَكَانَتْ لَهُ حَاصَّةً فَقَلَّدَهَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى رَسْمِ مَا فَرَضَ اللَّهُ فَصَارَتْ فِي دُرِّيَّتِهِ الْأَصْفِيَاءِ الَّذِينَ آتَاهُمُ اللَّهُ الْعِلْمَ وَ الْإِيمَانَ بِقَوْلِهِ تَعَالَى: «وَ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَ الْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ» فَهِيَ فِي وَ لِدِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَاصَّةً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِذْ لَا نَبِيَّ بَعْدَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَمِنْ أَيْنَ يَخْتَارُ هُوَ لِأَنَّ الْجَهَالَ إِنَّ الْإِمَامَةَ هِيَ مَنْزِلَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَ إِزْتُ الْأَوْصِيَاءِ إِنَّ الْإِمَامَةَ خِلَافَةُ اللَّهِ وَ خِلَافَةُ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ مَقَامُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مِيرَاثُ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِنَّ الْإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ وَ نِظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَ صَلَاحُ الدُّنْيَا وَ عِزُّ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ الْإِمَامَةَ أَسُّ الْإِسْلَامِ النَّامِي وَ فَرْعُهُ السَّامِي بِالْإِمَامِ تَمَامُ الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصِّيَامِ وَ الْحَجِّ وَ الْجِهَادِ وَ تَوْفِيرِ الْفِيءِ وَ الصَّدَقَاتِ وَ إِمضَاءِ الْحُدُودِ وَ الْأَحْكَامِ وَ مَنَعُ التُّغُورِ وَ الْأَطْرَافِ الْإِمَامُ يُجَلُّ حَلَالَ اللَّهِ وَ يُحَرِّمُ حَرَامَ اللَّهِ وَ يُقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ وَ يَدُبُّ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَ يَدْعُو إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ «بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» وَ الْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ الْإِمَامُ كَالشَّمْسِ الطَّالِعَةِ الْمَجَلَّلَةِ بِنُورِهَا لِلْعَالَمِ وَ هِيَ فِي الْأَفْقِ بِحَيْثُ لَا تَتَأَلَّهَا الْأَيْدِي وَ الْأَبْصَارُ الْإِمَامُ الْبَدْرُ الْمُنِيرُ وَ السَّرَاجُ الرَّاهِرُ وَ الثُّورُ السَّاطِعُ وَ النَّجْمُ الْهَادِي فِي غِيَابِ الدُّجَى وَ أَجْوَارِ الْبُلْدَانِ وَ الْفِقَارِ وَ لُجَجِ الْبِحَارِ الْإِمَامُ الْمَاءُ الْعَذْبُ عَلَى الظَّمَا وَ الدَّلَالُ عَلَى الْهُدَى وَ الْمُنْجِي مِنَ الرَّدَى الْإِمَامُ النَّارُ عَلَى الْيَفَاعِ الْحَارِّ

لَمَنْ اِصْطَلَى بِهِ وَ الدَّلِيلُ فِي الْمَهَالِكِ مَنْ فَارَقَهُ فَهَالِكٌ الْإِمَامُ السَّحَابُ الْمَاطِرُ وَ الْعَيْثُ الْهَاطِلُ وَ الشَّمْسُ الْمُضِيئَةُ وَ السَّمَاءُ الظُّلَيْلَةُ وَ الْأَرْضُ الْبَسِيطَةُ وَ الْعَيْنُ الْغَرِيْبَةُ وَ الْعَدِيْرُ وَ الرَّوْضَةُ الْإِمَامُ الْأَنْبِيُّ وَ الْوَالِدُ الشَّفِيْقُ وَ الْأَخُ الشَّقِيْقُ وَ الْأُمُّ الْبَرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيْرِ وَ مَفْرَعُ الْعِبَادِ فِي الدَّاهِيَةِ النَّادِ الْإِمَامُ أَمِيْنُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ خَلِيْفَتُهُ فِي بِلَادِهِ وَ الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ وَ الدَّابُّ عَنْ حُرْمِ اللَّهِ الْإِمَامُ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الْمُبْرَأُ عَنِ الْعُيُوبِ الْمَخْصُوصُ بِالْعِلْمِ الْمَوْسُومُ بِالْحِلْمِ نِظَامُ الدِّينِ وَ عِزُّ الْمُسْلِمِيْنَ وَ غَيْظُ الْمُنَافِقِيْنَ وَ بَوَارُ الْكَافِرِيْنَ الْإِمَامُ وَاحِدٌ دَهْرِهِ لَا يُدَانِيهِ أَحَدٌ وَ لَا يُعَادِلُهُ عَالِمٌ وَ لَا يُوجَدُ مِنْهُ بَدَلٌ وَ لَا لَهُ مِثْلٌ وَ لَا نَظِيْرٌ مَخْصُوصٌ بِالْفَضْلِ كُلُّهُ مِنْ غَيْرِ طَلَبٍ مِنْهُ لَهُ وَ لَا اِكْتِسَابٍ بَلِ اِخْتِصَاصٌ مِنَ الْمُفْضِلِ الْوَهَّابِ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَبْلُغُ مَعْرِفَةَ الْإِمَامِ أَوْ يُمَكِّنُهُ اِخْتِيَارَهُ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ ضَلَّتِ الْعُقُولُ وَ تَاهَتِ الْحُلُومُ وَ حَارَتِ الْأَلْبَابُ وَ حَسَبَتِ الْعُيُونُ وَ تَصَاعَرَتِ الْعُظْمَاءُ وَ تَحَيَّرَتِ الْحُكْمَاءُ وَ تَقَاصَرَتِ الْحُلَمَاءُ وَ حَصِرَتِ الْخُطَبَاءُ وَ جَهَلَتِ الْأَلْبَاءُ وَ كَلَّتِ الشُّعْرَاءُ وَ عَجَزَتِ الْأَدْبَاءُ وَ عَيَّيَتِ الْبُلْغَاءُ عَنْ وَصْفِ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِهِ أَوْ فَضِيْلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ وَ أَقْرَتِ بِالْعَجْزِ وَ التَّقْصِيْرِ وَ كَيْفَ يُوصَفُ بِكُلِّهِ أَوْ يُنْعَتُ بِكُنْهِهِ أَوْ يُفْهَمُ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِهِ أَوْ يُوجَدُ مَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ وَ يُغْنِي عَنْهُ لَا كَيْفَ وَ أَنَّى وَ هُوَ بِحَيْثُ النَّجْمِ مِنْ يَدِ الْمُتَنَوِّلِيْنَ وَ وَصْفِ الْوَاصِفِيْنَ فَأَيْنَ الْاِخْتِيَارُ مِنْ هَذَا وَ أَيْنَ الْعُقُولُ عَنْ هَذَا وَ أَيْنَ يُوجَدُ مِثْلُ هَذَا أَمْ تَظُنُّونَ أَنَّ ذَلِكَ يُوجَدُ فِي غَيْرِ آلِ الرَّسُولِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَذَبْتُمْ وَ اللَّهُ أَنْفُسُهُمْ وَ مَنَّتُهُمْ الْأَبَاطِيْلُ فَارْتَقُوا مُرْتَقَى صَعْبًا دَحْضًا تَزَلُّ عَنْهُ إِلَى الْحَضِيضِ أَقْدَامُهُمْ رَامُوا إِقَامَةَ الْإِمَامِ بِعُقُولِ حَائِرَةٍ بَائِرَةٍ نَاقِصَةٍ وَ آرَاءِ مُضِلَّةٍ فَلَمْ يَزِدُوا مِنْهُ إِلَّا بَعْدًا «فَاتَلَّهُمُ اللَّهُ أَنِّي يُؤْفَكُونَ» وَ لَقَدْ رَامُوا صَعْبًا وَ قَالُوا اإِفْكَاءُ وَ «ضَلُّوا ضَلًّا بَعِيدًا» وَ وَقَعُوا فِي الْحَيْرَةِ إِذْ تَرَكُوا الْإِمَامَ عَنْ بَصِيْرَةٍ «وَ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيْلِ وَ كَانُوا مُسْتَبْصِرِيْنَ» رَغِبُوا عَنِ اِخْتِيَارِ اللَّهِ وَ اِخْتِيَارِ رُسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ إِلَى اِخْتِيَارِهِمْ وَ الْقُرْآنُ يُنَادِيهِمْ «وَ رَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ يَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيْرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ» وَ قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ «وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَ رَسُوْلُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيْرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ» الْآيَةُ وَ قَالَ: «مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لِمَا تَخَيَّرُونَ أَمْ لَكُمْ اأَيْمَانٌ عَلَيْنَا بِالْعَةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لِمَا تَحْكُمُونَ سَلِّمُوا إِلَيْهِمْ بِذَلِكَ رَعِيْمٌ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِيْنَ» وَ قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» أَمْ «طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ» «فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ» أَمْ «قَالُوا سَمِعْنَا وَ هُمْ لَا يَسْمَعُونَ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ وَ لَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ وَ لَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَ هُمْ مُعْرِضُونَ» أَمْ «قَالُوا سَمِعْنَا وَ عَصَيْنَا» بَلْ هُوَ «فَضَّلَ اللَّهُ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيْمِ» فَكَيْفَ لَهُمْ بِاِخْتِيَارِ الْإِمَامِ وَ الْإِمَامِ عَالِمٌ لَا يَجْهَلُ وَ رَاعٍ لَا يَنْكُلُ مَعْدِنُ الْقُدْسِ وَ الطَّهَارَةِ وَ التُّسْكِ وَ الرَّهَادَةِ وَ الْعِلْمِ وَ الْعِبَادَةِ مَخْصُوصٌ بِدَعْوَةِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ نَسْلِ الْمُطَهَّرَةِ الْبُتُولِ لَا مَعْمَرَ فِيهِ فِي نَسَبٍ وَ لَا يُدَانِيهِ ذُو حَسَبٍ فِي الْبَيْتِ مِنْ قُرَيْشٍ وَ الدَّرَوَةِ مِنْ هَاشِمٍ وَ الْعِثْرَةِ مِنَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ الرِّضَا مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ شَرَفُ الْأَشْرَافِ وَ الْفِرْعُ مِنْ عَبْدٍ مَنَافٍ نَامِي الْعِلْمِ كَامِلُ الْحِلْمِ مُضْطَلِعٌ بِالْإِمَامَةِ عَالِمٌ بِالسِّيَاسَةِ مَفْرُوضُ الطَّاعَةِ قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ نَاصِحٌ لِعِبَادِ اللَّهِ حَافِظٌ لِدِينِ اللَّهِ إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ وَ الْأَيْمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ يُوقِّفُهُمُ اللَّهُ وَ يُؤْتِيهِمْ مِنْ مَخْزُونِ عِلْمِهِ وَ حِكْمِهِ مَا لَا يُؤْتِيهِ غَيْرُهُمْ فَيَكُونُ عَلَيْهِمْ فَوْقَ عِلْمِ أَهْلِ الرِّمَانِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» وَ قَوْلِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيْرًا» وَ قَوْلِهِ فِي طَالُوتَ «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ

وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ « وَ قَالَ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنْزَلَ «عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ عَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَ كَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا « وَ قَالَ فِي الْأَيَّمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّهِ وَ عِزَّتِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَ كَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا « وَ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا اخْتَارَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِأُمُورِ عِبَادِهِ شَرَحَ صَدْرَهُ لِذَلِكَ وَ أَوْدَعَ قَلْبَهُ بِنَايِجِ الْحِكْمَةِ وَ الْأَهَمَّةِ الْعِلْمِ إِلَهُمَا فَلَمْ يَعْجِ بَعْدَهُ بِجَوَابٍ وَ لَا يَحْبِرُ فِيهِ عَنِ الصَّوَابِ فَهُوَ مَعْصُومٌ مُؤَيَّدٌ مُوَفَّقٌ مُسَدَّدٌ قَدْ آمَنَ مِنَ الْخَطَايَا وَ الزَّلَلِ وَ الْعِتَارِ يَخْصُهُ اللَّهُ بِذَلِكَ لِيَكُونَ حُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ شَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ وَ «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» فَهَلْ يَقْدِرُونَ عَلَى مِثْلِ هَذَا فَيَخْتَارُونَهُ أَوْ يَكُونُ مُخْتَارَهُمْ بِهَذِهِ الصِّفَةِ فَيَقْدِمُونَهُ تَعَدُّوا وَ بَيَّتِ اللَّهُ الْحَقَّ وَ نَبَذُوا « كِتَابَ اللَّهِ وَ زَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» وَ فِي كِتَابِ اللَّهِ الْهُدَى وَ الشِّفَاءَ فَبَنَدُوهُ وَ اتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ فَذَمَّهُمُ اللَّهُ وَ مَقْتَهُمْ وَ أُنْعَسَهُمْ فَقَالَ جَلَّ وَ تَعَالَى : «وَ مَنْ أَضَلَّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنْ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ « وَ قَالَ «فَتَعَسَا لَهُمْ وَ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ» وَ قَالَ «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ « وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا .

عبد العزیز بن مسلم گوید: ما در ایام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در مرو بودیم، در آغاز ورود خود، روز جمعه در مسجد جامع گرد آمدیم و در موضوع امر امامت که مورد اختلاف فراوان مردم بود گفتگو کردیم و من شرفیاب حضور سید خود امام رضا (علیه السلام) شدم و بررسیهای مردم را در امر امامت به عرض او رسانیدم، تبسمی کرد و فرمود: ای عبد العزیز، این مردم نادانند و از رأی و دین خود فریب خورده اند، به راستی خدا عز و جل جانیغمبر خود را نگرفت تا دین را برای او کامل کرد و قرآنی به او فرستاد که شرح هر چیز در آن است، حلال و حرام و حدود و احکام و آنچه مردم بدان نیاز دارند همه را در آن بیان کرده و فرموده (سوره انعام): «ما در این کتاب چیزی را فرو گذار نکردیم» در سفر حجة الوداع که آخر عمر پیغمبر بود نازل فرمود (سوره مائده): «امروز دین را برای شما کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را برای شما پسندیدم، تا دین شما باشد» امر امامت از (کمال دین خ ل) تمام نعمت است. پیغمبر از دنیا نرفت تا برای مردم همه معالم دین آنها را بیان کرد و راه آنان را بر ایشان روشن ساخت و آنها را بر جاده حق واداشت و علی (علیه السلام) را برای آنها رهبر و پیشوا ساخت و از چیزی که مورد نیاز امت باشد صرف نظر نکرد تا آن را بیان نمود، هر که گمان برد که خدا دینش را کامل نکرده کتاب خدا را رد کرده است و هر که کتاب خدا را رد کند کافر است بدان، آیا می دانند قدر و موقعیت امامت را در میان امت تا اختیار و انتخاب آنان در آن روا باشد، به راستی امامت اندازه ای فراتر و مقامی والاتر و موقعی بالاتر و آستانی منیع تر و عمقی فروتر از آن دارد که مردم با عقل خود بدان رسند یا با رأی و نظر خود آن را درک کنند یا به انتخاب خود امامی بگمارند. امامت مقامی است که حضرت ابراهیم (علیه السلام) پس از آنکه مقام نبوت و خلت را پا بر جا کرد بدان رسید، این امامت سومین درجه و فضیلتی بود که خدایش بدان مشرف کرد و نامش را بوسیله آن بلند نمود و فرمود (سوره بقره): «بدرستی که من تو را برای مردم امام نمودم» خلیل از شادمانی بدان عرض کرد: «و از ذریه و نژاد من هم»؟ خدا تبارک و تعالی فرمود: «عهد و فرمان من بدست ظالمان نخواهد رسید» این آیه امامت هر ظالمی را تا روز قیامت باطل کرد و آن را مخصوص برگزیدگان پاک

ساخت. سپس خدای عز و جل او را گرامی داشت و امامت را در ذریه و نژاد برگزیده او نهاد و فرمود (۷۲) سوره انبیاء): «اسحق و یعقوب را به او غنیمت بخشیدیم و همه را شایسته نمودیم و آنها را رهبرانی ساختیم که به دستور ما هدایت می کردند و کارهای خیر را به آنها وحی کردیم و بر پا داشتن نماز و پرداخت زکاة را و برای ما عابدان بودند» این امامت همیشه در ذریه او بود و از هم ارث می بردند قرن به قرن تا پیغمبر (صلی الله علیه و آله) رسید و خدا فرمود (۶۸) سوره آل عمران): «به راستی سزاوارتر مردم به ابراهیم پیروان اویند و همین پیغمبر و کسانی که گرویدند و خدا ولی مؤمنان است» این مقام امامت به آن حضرت اختصاص داشت و به دستور خدا آن را به علی (علیه السلام) واگذارند آنچنان که خدای تعالی آن را واجب کرده بود سپس به ذریه برگزیده او منتقل گردید که خدا به آنها علم و ایمان داده طبق گفته خدای عز و جل (۵۶) سوره روم): «گفتند آن کسانی که به آنها علم و ایمان داده شد هر آینه در کتاب خدا ماندید تا روز قیامت و این روز قیامت است ولی شما ندانید» آنها فرزندان علی (علیه السلام) هستند تا قیامت زیرا پس از محمد (صلی الله علیه و آله) پیغمبری نیست، این نفهمها چطور برای خود امام می تراشند با آنکه امامت مقام انبیاء و ارث اوصیاء است، امامت خلافت از طرف خدا و رسول خدا و مقام امیر المؤمنین است و میراث حسن و حسین است. به راستی امامت زمام دین و نظام مسلمین و عزت مؤمنین است امامت بنیاد پاک اسلام و شاخه با برکت آن است، بوسیله امامت نماز و روزه و زکاة و حج و جهاد درست می شوند، غنیمت و صدقات بسیار می گردند، حدود و احکام اجرا می شوند، مرزها و نواحی کشور مصون می شوند، امام حلال و حرام خدا را بیان می کند و حدود خدا را بر پا می دارد و از دین خدا دفاع می کند و با حکمت و پند نیک و دلیل رسا به راه خدا دعوت می نماید، امام مانند آفتاب در عالم طلوع کند و بر افق قرار گیرد که دست و دیده مردم بدان نرسد، امام ماه تابنده، چراغ فروزنده، نور بر افروخته و ستاره رهنما در تاریکی شبها و بیابانهای تنها و گرداب دریاها است، امام آب گوارائی است برای تشنگی و رهبر بحق و نجات بخش از نابودی است، امام چون تشنگی و رهبر بحق و نجات بخش از نابودی است، امام چون آتشی است بر تپه برای سرمازدگان و دلیلی است در تاریکی ها که هر که از آن جدا شود هلاک است. امام ابری است بارنده، بارانی است سیل آسا، آفتابی است فروزان و آسمانی است سایه بخش و زمینی است گسترده و چشمه ای است جوشنده و غدیر و باغی است، امام امینی است یار و پدری است مهربان و برادری است دلسوز و پناه بندگان خدا است در موقع ترس و پیشآمدهای بد، امام امین خدای عز و جل است در میان خلقتش و حجت او است بر بندگانش و خلیفه او است در بلادش و دعوت کننده به سوی خدای عز و جل است و دفاع کننده از حقوق خدای جل جلاله است. امام کسی است که از گناهان پاک است و از عیوب بر کنار است، به دانش مخصوص است و به حلم و بردباری موسوم، نظام دین است و عزت مسلمین و خشم منافقین و هلاک کفار، امام یگانه روزگار خود است، کسی با او برابر نیست و دانشمندی با او همسر نیست، جایگزین ندارد، مانند و نظیر ندارد، بدون تحصیل مخصوص به فضل و از طرف مفضل بدان اختصاص یافته، کیست که بحق شناسائی امام برسد یا تواند او را انتخاب کند؟ هیئات هیئات، خردها در باره اش گمراهند و خاطرها در گمگاه، عقلها سرگردان و چشمها بی دید، بزرگان در اینجا کوچکنند و حکیمان در حیرت و بردباران کوتاه نظر و هوشمندان گیج و نادان و شعراء لال و گنگ و ادباء درمانده و سخندانان بی زبان، شرح یک مقامش نتوانند و وصف یکی از فضائلش ندانند، همه به عجز معترفند، چگونه توان کنهش را وصف کرد و اسرارش فهمید؟ چطور

کسی به جای او ایستد و حاجت مربوط به او برآورد؟ نه، چطور؟ از کجا؟ او در مقام خود اختری است که بر افروزد و از دسترس دست‌یازان و وصف واصفان فراتر است، انتخاب بشر کجا به این پایه رسد، عقل کجا و مقام امام کجا؟ کجا چنین شخصیتی یافت شود گمان برند که در غیر خاندان رسول (صلی الله علیه و آله) امامی یافت شود؟ خودشان تکذیب خود کنند، بیهوده آرزو برند و به گردنه بلند لغزنده‌ای گام نهند که آنها را به نشیب پرتاب کند، خواهند به عقل نارسای خود امامی سازند و به رأی گمراه‌کننده خود پیشوائی پردازند، جز دوری از مقصود حق بهره نبرند، خدا آنها را بکشد تا کی دروغ گویند به پرتگاه در آمدند و دروغ بافتند و سخت به گمراهی افتادند و به سرگردانی گرفتار شدند، دانسته و فهمیده امام خود را گذاشتند و پرچم باطل افراشتند (۲۸ سوره عنکبوت): «شیطان کارشان را برابرشان آرایش داد و آنها را از راه بگردانید با آنکه حق جلوی چشم آنها بود» از انتخاب خدای جل جلاله و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روی برتافتند و به انتخاب باطل خویش گرائیدند با اینکه قرآن بدانها می‌گوید: «پروردگار تو بیافریند آنچه خواهد و انتخاب کند آنها اختیاری در کار خود ندارند منزه است خدا و برتر است از آنچه شریکاو شمارند» خدا فرموده است (۳۶ سوره احزاب): «برای هیچ مرد و زن با ایمان اختیاری در برابر حکم خدا و رسولش در امری از امورش نیست» و فرموده است (۳۶ سوره قلم): «چیست برای شما، چگونه قضاوت می‌کنید یا بلکه کتابی دارید که از آن درس می‌خوانید که حق دارید چه اختیار کنید یا بر ما قسمتی دارید که امضاء شده و تا قیامت حق قضاوت دارید بپرس کدامشان در این موضوع پیشوا است یا برای آنها شریکانی است بیاورند شرکای خود را اگر راست گویند». و خدای عز و جل فرموده است (۲۴ سوره محمد): «آیا در قرآن تدبیر نکنند یا قفل بر دل دارند یا خدا دلشان را مهر کرده و نمی‌فهمند» یا (۲۰-۲۳ سوره انفال): «گویند می‌شنویم و شنوائی ندارند* به راستی بدتر جانوران نزد خدا گرها و گنگهائی اند که عقل ندارند* اگر خدا در آنها خیری می‌دانست به آنها شنوائی می‌داد و اگر هم می‌شنیدند پشت می‌کردند و رو بر می‌گردانیدند یا گویند شنیدیم و عمداً مخالفت کردیم بلکه آن فضلی است که خدا به هر که خواهد دهد خدا صاحب فضل بزرگ است» چگونه می‌توانند امام اختیار کنند با آنکه باید امام شخصیتی باشد که: ۱- دانا باشد و نادانی نداشته باشد. ۲- راعی و سرپرستی باشد که شانه خالی نکند و نکول ننماید. ۳- معدن قدس و طهارت و نور و زهد و علم و عبادت باشد. ۴- مخصوص باشد به دعوت از طرف رسول خدا و از جانب او معین شود. ۵- از نژاد فاطمه زهراء مطهره بتول باشد. ۶- در نسب او تیرگی و گفتگو نباشد و از بالاترین خاندان در قبیله قریش و کنگره رفیع بنی هاشم و عترت رسول اکرم و پسند خدای عز و جل باشد. ۷- شرف اشراف و زاده عبد مناف باشد. ۸- شکافنده حقائق علم و دارای مقام کامل بردباری و حلم باشد. ۹- مملو از معنویات امامت و دانای به تدبیر و سیاست باشد. ۱۰- واجب الاطاعه باشد و به امر خدا قیام کند. ۱۱- ناصح بندگان خدا و حافظ دین خدای عز و جل باشد. به راستی پیغمبران و امامان (علیهم السلام) را خدا توفیق دهد و از مخزون علم و حکمت خود به آنها چیزها عطا کند که به دیگران ندهد و دانش آنها برتر از دانش همه اهل زمانهای آنها است چنانچه خدای عز و جل فرماید (۳۵ سوره یونس): «آیا کسی که رهبری کند شایسته پیروی است یا کسی که نیازمند هدایت است، چه شده؟ شما چگونه قضاوت می‌کنید» و (۳۶۹ سوره بقره): «به هر که حکمت داده شد خیر بسیار داده شده و جز خردمندان یاد آور آن نباشند» و (۲۴۷ سوره بقره) در باره طالوت فرماید: «براستی خدا او را بر شما برگزید و افزونی در علم و جسم داد، خدا به هر که خواهد ملکش را بدهد، خدا

واسع و دانا است» و در باره پیغمبر خود فرموده (۱۱۳ سوره نساء): «کتاب و حکمت را بر تو فرو فرستاد و آنچه نمی دانستی تعلیمت داد و فضل خدا بر تو بزرگ است» و در باره خاندانش که از آل ابراهیم هستند فرمود (۵۴ سوره نساء): «آیا حسد برند به مردم در آنچه خدا از فضل خود به آنها داده محققاً عطا کردیم به آل ابراهیم کتاب و حکمت را و به آنها بزرگی دادیم برخی بدان ایمان داشته و برخی نداشته، دوزخ آتشی افروخته به قدر کفایت دارد». به راستی چون خدا بنده ای را برای اصلاح کار بندگان خود انتخاب کند به او شرح صدر عطا کند و در دلش چشمه های حکمت و فرزاندگی بجوشاند و دانش خود را از راه الهام به او آموزد که در پاسخ هیچ سؤال و پرسشی در نماند و از حق و حقیقت سرگردان نشود، زیرا از طرف خداوند معصوم است و مشمول کمک و تأیید او است از خطا و لغزش و برخورد ناصواب در امان است، خدا او را بدین صفات اختصاص داده تا حجت بالغه بر هر کدام از خلقش باشد که او را درک کند، این فضل الهی است که به هر که خواهد عطا کند، و خدا صاحب فضل بزرگی است، آیا بشر قادر است که چنین امامی انتخاب کند یا منتخب آنها دارای چنین صفاتی بوده که آن را پیش انداخته اند بحق خانه خدا که تعدی کردند و قرآن را پشت سر انداختند، مثل اینکه مطلب را نمی دانند، هدایت و شفا در کتاب خدا است که پشت بدان دادند و پیرو هوای خود شدند و خدا آنها را نکوهید و دشمن داشت و بدبخت ساخت و فرمود (۵۰ سوره قصص): «کیست گمراه تر از آنکه پیرو هوس خویش است، بی رهبری از جانب خدا، به راستی خدا مردم ستمکار را هدایت نمی کند» فرمود (۳۵ سوره غافر): «بزرگ است در دشمنی نزد خدا و آنها که که گرویدند، همچنان خدا بر دل هر متکبر جباری مهر زند» و صلی الله علی محمد و آله و سلم تسلیما کثیراً.

مصدر: الکافی ج ۱ ص ۱۹۸ / الغیبة (للنعمانی) ج ۱ ص ۲۱۶ / عیون الأخبار ج ۱ ص ۲۱۶ / کمال الدین ج ۲ ص ۶۷۵ / معانی الأخبار ج ۱ ص ۹۶ / الأمالی (للصدوق) ج ۱ ص ۶۷۴ / الاحتجاج ج ۲ ص ۴۳۳

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۲۵ ص ۱۲۰

پیوست شماره یازده: زمان و مکان اشیاء در قرآن

۱. وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ.

و نماز را در دو طرف روز و ساعات نخستین شب برپا دار، که یقیناً نیکی ها، بدی ها را از میان می برند، این برای یادکنندگان تذکر و یاد آوری است. سوره هود آیه ۱۱۴

۲. أَمْنَ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِي وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَلَلَهُ مَعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ.

[آیا آن شریکان انتخابی شما بهترند] یا آنکه زمین را [برای موجوداتش] آرام و قرارگاه ساخت و در شکاف هایش نهرهایی پدید آورد، و برای آن کوه هایی استوار قرار داد [تا زیر پای اهلس نلرزد]، و میان دو دریا [ی شیرین و شور] مانع و حایلی قرار داد [که با هم مخلوط نشوند]؛ آیا با خدا معبودی دیگر هست [که شریک در قدرت و ربوبیت او باشد]؟! [نه، نیست] بلکه بیشترشان اهل معرفت و دانش نیستند. سوره نمل آیه ۶۱

۳. إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ.

به یقین پروردگار شما خداست که آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید، سپس بر تخت [فرمانروایی و تدبیر امور آفرینش] چیره و مسلط شد، شب را در حالی که همواره با شتاب روز را می جوید بر روز می پوشاند، و خورشید و ماه و ستارگان را که مسخر فرمان اویند [پدید آورد]؛ آگاه باشید که آفریدن و فرمان [نافذ نسبت به همه موجودات] مخصوص اوست؛ همیشه سودمند و با برکت است، پروردگار عالمیان. سوره اعراف آیه ۵۴

۴. الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ.

ماه حرام در برابر ماه حرام است [اگر دشمن حرمت آن را رعایت نکرد و با شما در آن جنگید، شما هم برای حفظ کیان خود در همان ماه با او بجنگید]. و همه حرمت ها دارای قصاص اند. پس هر که بر شما تعدی کرد، شما هم به مثل آن بر او تعدی کنید، و از خدا پروا نمایید، و بدانید که خدا با پروا پیشگان است. سوره بقره آیه ۱۹۴

۵. وَالَّذِينَ يَتُوفُونَ مِنْكُمْ وَيَذُرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ.

و کسانی از شما که می میرند و همسرانی باقی می گذارند، باید همسران چهار ماه و ده روز انتظار برند [و از شوهر کردن خودداری ورزند]؛ پس چون به پایان مدتشان رسیدند، در آنچه درباره خودشان به طور شایسته و متعارف [نسبت به ازدواج یا ترک آن] انجام دهند بر شما [حاکمان، وارثان متوفی و اقوام زنان] گناهی نیست؛ و خدا از آنچه انجام می دهید، آگاه است. سوره بقره آیه ۲۳۴

۶. لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ. شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است. سوره قدر آیه ۳

۷. إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ. یقیناً شماره ماه ها در پیشگاه خدا از روزی که آسمان ها و زمین را آفریده در کتاب [علم] خدا دوازده ماه است؛ از آنها چهار ماهش ماه حرام است؛ این است حساب استوار و پایدار؛ پس در این چهار ماه [با جنگ و فتنه و خونریزی] بر خود ستم روا مدارید و با همه مشرکان همان گونه که آنان با همه شما می جنگند، بجنگید و بدانید خدا با پرهیزکاران است. سوره توبه آیه ۳۶

۸. يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَزِدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَزِدِدْ مِنْكُمْ عَن دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ.

از تو درباره جنگ در ماه حرام می پرسند. بگو: هر جنگی در آن [گناهی] بزرگ است، ولی هر نوع بازداشتن [مردم] از راه خدا و کفرورزی به او و [بازداشتن مردم از] مسجد الحرام و بیرون راندن اهلس از آن، نزد خدا بزرگ تر [از جنگ در ماه حرام] است؛ و فتنه [شُرک و بت پرستی] از کشتار بزرگ تر است. و مشرکان همواره با شما می جنگند تا شما را اگر بتوانند از دینتان برگردانند. و از شما کسانی که از دینشان برگردند و در حال کفر بمیرند، همه اعمال خوبشان در دنیا و آخرت تباه و بی اثر می شود، و آنان اهل آتش اند و در آن جاودانه اند. سوره بقره آیه ۲۱۷

۹. فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَأَطْعَامَ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ.

کسی که توانایی [آزاد کردن برده را] ندارد، باید پیش از آنکه با هم آمیزش کنند، دو ماه پی در پی روزه بگیرد، و هر که نتواند باید شصت مسکین را طعام دهد؛ این حکم برای این است که به خدا و پیامبرش ایمان آورید [و از فرهنگ جاهلی دوری گزینید]؛ و اینها حدود خداست. و برای کافران عذابی دردناک است. سوره مجادله آیه ۴

۱۰. عَلَ اللَّهِ الْكُعْبَةُ الْبَيْتِ الْحَرَامِ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَالَئِدَ ذَلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.

خدا، [زیارت] کعبه، آن خانه با حرمت، و ماه های حرام، و قربانی های بی نشان، و قربانی های نشان دار را وسیله قوام و برپایی [زندگی، معیشت و سامان دنیا و آخرت] مردم قرار داد. این [شرايع و احکام] برای آن است که بدانید: یقیناً خدا آنچه را در آسمان ها و آنچه را در زمین است می داند؛ و قطعاً خدا به همه چیز داناست. سوره مائده آیه ۹۷

۱۱. قَالَ تَزْرَعُونَ سِنِينَ دَابًّا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ.

گفت: هفت سال با تلاش پی گیر زراعت کنید، پس آنچه را درو کردید جز اندکی که خوراک شماست در خوشه اش باقی گذارید. سوره یوسف آیه ۴۷

۱۲. وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا

و سیصد سال در غارشان درنگ کردند و نه سال [نیز بر آن] افزودند. سوره کهف آیه ۳۵

۱۳. قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ. [خدا] می گوید: از جهت شمار سال ها چه مدت در زمین درنگ داشتید؟
سوره مومنون آیه ۱۱۲

۱۴. وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِيَتَّبِعُوا فُضُلًا مِنْ رَبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلُّ شَيْءٍ فَصَلْنَاهُ تَفْصِيلًا.

ما شب و روز را دو نشانه [قدرت و حکمت خود] قرار دادیم؛ پس شب را بی نور نمودیم و روز را روشن ساختیم، تا [در آن] روزی و رزقی را از پروردگارتان بطلبید و برای اینکه شماره سال ها و حساب [اوقات و زمان ها] را بدانید، و هر چیزی را [که نسبت به دنیا و دینتان و تربیت و کمالتان نیازمند به آن هستید] به روشنی و به طور کامل بیان کردیم.

سوره اسراء آیه ۱۲

پیوست شماره دوازده: شاخصه های ارزیابی

مطلب اول:

فقه الفرقان چه می گوید؟!

برای دستیابی به تعالی و پیشرفت اسلامی، نیازمند ارزیابی دائمی امور بر اساس شاخصه های فقهی هستیم. فقه الفرقان، فرق گذاشتن مردم میان پیشرفت و پسرفت (فرقان عمومی) را بر اساس محورهای زیر پی گیری می کند.

۱- تبیین مفاهیم پایه ارزیابی و فرقان در بیان شارع محترم

۲- معرفی حوزه های اصلی ارزیابی و فرقان در بیان شارع محترم

۳- معرفی شاخصه های بخشی ارزیابی در بیان شارع محترم

۴- معرفی ساختارهای ارزیابی در بیان شارع محترم

معاونت پژوهش مدرسه هدایت - جمعه انتظار ۱۷ آذر ۱۴۰۲

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5945>

مطلب دوم:

ارزیابی و ساخت عینیت را با دو فهرست فقهی پی گیری می کنیم!

برای ارزیابی و ساخت عینیت، مفاهیم پایه توسعه پایدار و مفاهیم پوزیتویستی را مبنای عمل قرار نداده ایم. (دلایل مخالفت با مفاهیم پوزیتویستی: به کارگیری مفاهیم پوزیتویستی به ایجاد ۱- چالش های زیست محیطی شدید، ۲- کاهش سطح سلامت، ۳- گسترش فاصله طبقاتی و له شدن طبقه مستضعف، ۴- ایجاد جنگ های پی در پی و اصطکاک شدید در روابط انسانی و ۵- شناخت حداقلی از خداوند - به عنوان راه حل - انجامیده است. برای ارائه ارزیابی صحیح و ساخت عینیت ۲ فهرست فقهی را به نخبگان و مدیران منطقه جغرافیایی ظهور - خصوصاً جمهوری اسلامی - پیشنهاد می کنیم:

فهرست اول نظام سازی: در فهرست اول نظام سازی، ارزیابی و ساخت عینیت را به محوریت ۹ دسته مفهوم در حوزه های ۱- فقه الامام، ۲- فقه العلم، ۳- فقه المکاسب، ۴- فقه البیان، ۵- فقه النظم، ۶- فقه العبرة، ۷- فقه التزکیة، ۸- فقه الفرقان و ۹- فقه نفی سبیل، پی گیری می کنیم. این فهرست فقهی شامل ۴۰۰ نظریه فقهی در حوزه های مختلف زندگی محسوب می شود. (برای آشنایی با این نظریات به نمایشگاه تخصصی الگوی پیشرفت اسلامی رجوع شود)

فهرست تکاملی نظام سازی : در فهرست تکاملی نظام سازی، ارزیابی و ساخت عینیت را به محوریت دانش های جامع شارع در حوزه های ۱- فقه الصلاة، ۲- فقه الزکاة، ۳- فقه الحج، ۴- فقه الصوم و ۵- فقه الولاية، پی گیری می کنیم. تبویب دانش های پنج گانه فوق الذکر را بر اساس قواعد اصولی فقه البیان انجام می دهیم. (فهم و اجرای حدود کبار دانش های پنج گانه شارع به حل همه مسائل در حوزه های اقتصادی، تربیتی، سلامت، سیاسی و... می انجامد.)

ارزیابی پیشرفت ها و چالش های جمهوری اسلامی را بر اساس مفاهیم رایج جهانی و اسناد بین المللی غلط می دانیم و دائماً در حال تصمیم سازی بر اساس مفاهیم پیشرفته و حی برای حل مشکلات مردم هستیم (به فضل الهی)

حجت الاسلام علی کشوری- ارائه گزارش از مفاهیم و نظریات مطرح در نمایشگاه تخصصی الگوی پیشرفت

اسلامی / سه شنبه ۲۱ شهریور ۱۴۰۲ - قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4>

مطلب سوم:

شاخصه های ارزیابی کشور غلط هستند! / معرفی ۵ دسته شاخص برای ارزیابی کشور

بانک مرکزی، مرکز آمار ایران و سازمان برنامه و بودجه، وضعیت پیشرفت کشور را بر اساس شاخصه هایی مانند: ۱- افزایش صادرات کشور، ۲- تولید ناخالص داخلی، ۳- میزان تورم، ۴- نرخ بیکاری و اشتغال، ۵- میزان سرمایه گذاری خارجی، ۶- فضای کسب و کار، ۷- میزان بهره وری، ۸- نرخ مالیات های مختلف، ۹- نرخ رقابت، ۱۰- نرخ مالکیت مسکن و... ارزیابی می کنند.

علاوه بر وجود اشکالات نظری متعدد، درباره شاخصه های تحلیلی اقتصاد کلان (مانند: عدم توجه به ارزیابی تنظیم روابط انسانی در تعریف شاخص) در عمل هم -به دلیل ارزیابی غلط وضعیت کشورها- چالش های فراوانی مانند: فاصله طبقاتی عمیق، گسترش بیماری های قلبی و عروقی، فروپاشی خانواده، تخریب آشکار محیط زیست در همه کشورهای توسعه یافته رقم خورده است! (شاخصه های توسعه و اقتصاد کلان را از دو حیث نظری و عینی نقد می کنیم و معیوب می دانیم!) ۵ شاخص اصلی و اولیه ارزیابی صحیح وضعیت کشور با هدف تنظیم روابط انسانی و تقویت خانواده به شرح زیر است:

شاخص اول پیشرفت: میزان اجرای قانون مترقی احیای موات است. به همان میزان که زمین رایگان با شرط احیاء (و نه فروش) در اختیار مردم قرار می گیرد؛ زمینه مشارکت مردم در حل مشکلات اقتصادی و غیر اقتصادی افزایش می یابد. (بخش مردمی با بخش خصوصی تفاوت دارند!)

شاخص دوم پیشرفت: میزان مساحت حیاط در بخش مسکن است. احیای "مفهوم حیاط بزرگ" به دلیل تأثیرگذاری بر ده مسئله، یکی از شاخص های اصلی پیشرفت کشور است. (فواید ده گانه حیاط خانه به شرح زیر است: ۱- گسترش تفریح خانگی و تقویت صله رحم، ۲- تسهیل مدیریت بازی کودکان، ۳- پیشگیری از بیماری، ۴- مطبوع سازی هوا، ۵- هدایت نزولات آسمانی به حفره های زمین از طریق حفر چاه خانگی، ۶- تسهیل معیشت مردم (اقتصاد مقاومتی)، ۷- کاهش سفرهای تفریحی، ۸- کاهش تولید زباله، ۹- تحقق ایده مترقی پخت نان در خانه و ۱۰- زمینه سازی برای تمرکز زدایی جمعیتی و مهاجرت معکوس از مناطق پرجمعیت)

شاخص سوم پیشرفت: میزان ساخت بازارهای موقت در کشور است. بازار موقت دارای یک سازه پنج بخشی است و در مکان ثابتی ساخته می شود و بهره برداری از آن برای فروشندگان و تجار، روزانه و کاملاً رایگان است. هزینه ساخت و نگهداری بازارهای موقت به عهده بیت المال یا خیرین و واقفان است. ساخت بازار موقت تجارت را عمومی می کند و عمومی شدن تجارت به دلیل تأمین ۵ فایده، یکی از شاخصه های پیشرفت است. (۱- عمومی شدن تجارت و محرومیت زدایی پایدار و گسترش عدالت، ۲- عمومی شدن تجارت و افزایش سطح سلامت محصولات غذایی، ۳- عمومی شدن تجارت و امنیت شبکه توزیع کشور، ۴- عمومی شدن تجارت و گسترش سطح عقل مردم (تجارت عقل را زیاد می کند!) و ۵- عمومی شدن تجارت و کاهش تخریب محیط زیست)

شاخصه چهارم پیشرفت: میزان پیشگیری و کاهش بیماری ها است. کاهش بیماری های قلبی و عروقی، کاهش بیماری های مغز و اعصاب و افزایش قوه حافظه مردم، کاهش بیماری های کلیوی و مجاری ادراری، کاهش بیماری های مرتبط با استخوان، مفاصل و ناهنجاری های اسکلتی بدن، کاهش بیماری های گوارشی، کاهش میزان ساخت بیمارستان و کاهش تولید دارو، و کاهش انجام عمل های جراحی از علائم قطعی پیشرفت کشور است.

شاخصه پنجم پیشرفت: گسترش ارزیابی کتابت محور و ارزیابی تجربی در حوزه دانش و تحقیق است. در تحصیلات ابتدایی محور ارزیابی تدوین کتاب و ارتقای قدرت نوشتن فرد است و در تحصیلات تکمیلی محور ارزیابی، قدرت نمونه سازی در یک حوزه دانشی است. ارزیابی نمره محور به تثبیت دانش در فرد نمی انجامد و سطح علمی جامعه را کاهش می دهد.

شرح تفصیلی شاخصه های ارزیابی پیشرفت به عهده فقه الفرقان است. جمهوری اسلامی نمی تواند از یک سو به دنبال تحقق تمدن اسلامی باشد و از سوی دیگر با شاخصه های تمدن معیوب مدرنیته، پیشرفت کشور را ارزیابی نماید. به عبارت دیگر: اولین گام جدی ساخت دولت اسلامی، تغییر در الگوی ارزیابی کشور و عدم توجه به شاخصه های معیوب اقتصاد کلان برای ارزیابی کشور است.

حجت الاسلام کشوری - معرفی ۵ دسته شاخص برای ارزیابی پیشرفت کشور - سه شنبه ۳۰ خرداد ۱۴۰۲ - قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4>

مطلب چهارم:

شهر خود را از حیث شاخصه های محله محوری ارزیابی کنید!

برای تسلط بیشتر به مفاهیم نظریه مدیریت شهری محله محوری، یک گزارش دقیق از میزان تحقق شاخصه های محله محوری در یکی از محلات شهر خود تهیه کنید. به عنوان مثال دوستان شهر مشهد، کوچه پشت باغ نادری (شیرازی ۱۷)، دوستان شهر اصفهان محله آبر، دوستان شهر کاشان محله پشت مشهد، دوستان شهر بروجرد خیابان فاطمی، دوستان شهر گرگان عیسی محله و دوستان شهر بجنورد چهار راه خوشی را از حیث تحقق ماهیت محله محوری بررسی نمایند.

در بررسی محلات شهر خود شاخصه هایی مانند: ۱- غلبه خانه ویلانی (دار واسعه) بر آپارتمان، ۲- غلبه درختان مثمر و معطر بر درختان غیر مثمر و غیر معطر، ۳- وجود بازارچه در محله، ۴- وجود مسجد با برنامه و کالبد تمدنی، ۵- رواج نگهداری از حیوانات خانگی بسیار مفید (مانند کبوتر و خروس و احترام به حقوق حیوانات)، ۶- وجود ساختارهای عبرت آفرین در محلات (مانند ساختمان های قدیمی، قبرستان محله و...)، ۷- کاهش تولید زباله در محله، ۸- تعداد مشاغل موجود در محله (به صورت دقیق) و ۹- وجود حمام های پیشرفته چهار مزاجی در محله را بررسی نمایید.

همانطور که می دانید: برای ساخت و ارزیابی یک محله ۹ گروه شاخص در حوزه های کالبدی و برنامه ای شامل: ۱- شاخصه های امامت و مدیریت، ۲- شاخصه های پاکسازی و تزکیه، ۳- شاخصه های بیان و تبلیغات شهری، ۴- شاخصه های علم و آموزش عمومی، ۵- شاخصه های عبرت و میراث فرهنگی، ۶- شاخصه های مکاسب و تجارت عمومی، ۷- شاخصه های نظم و سنت های شهری، ۸- شاخصه های فرقان و ارزیابی شهری و ۹- شاخصه های نفی سییل و پدافند غیر عامل، از آیات و روایات استنباط شده است...

گزارش های ارزیابی محله در ۹ محور فوق الذکر را در یک صفحه درج کنید و برای انتشار گسترده در اختیار مدرسه و رسانه ها و مدیران قرار دهید.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/4735>

پیوست شماره سیزده: شهر و مدیریت شهری

مطلب اول:

۱۳ پیشنهاد عملیاتی برای اصلاح فرهنگ عمومی شهر

از نظر مفاهیم الگوی پیشرفت اسلامی، اختلال در فرهنگ عمومی یک شهر به اختلال در روابط انسانی مردم بازگشت دارد. به عبارت بهتر: اگر در ۱۳ حوزه ۱- رابطه انسان با امام، ۲- رابطه انسان با معلم، ۳- رابطه انسان با همسایه، ۴- رابطه انسان با خانواده، ۵- رابطه انسان با دوست، ۶- رابطه انسان با دشمن، ۷- رابطه انسان با شریک شغلی، ۸- رابطه انسان با طرف معامله، ۹- رابطه انسان با فقیر، ۱۰- رابطه انسان با یتیم، ۱۱- رابطه انسان با ابن سبیل، ۱۲- رابطه انسان با همسفر و ۱۳- رابطه انسان با مهمان، اختلال ایجاد شود؛ فرهنگ عمومی جامعه به مشکلاتی مانند: طلاق، ربا، اعتیاد، مشاغل حرام، بی حجابی، بی تفاوتی نسبت به مسائل بین المللی و... مبتلا می شود.

برای ایجاد اصلاح بنیادین در روابط انسانی ۱۳ گانه، نیازمند تغییر در نظامات اجتماعی از طریق اجرای نظریات فقهی متعدد هستیم. به عنوان مثال: اصلاح نظام آموزش و پرورش را از طریق اجرای نظریه فقهی آموزش و پرورش آینده، اصلاح نظام اقتصادی را از طریق اجرای فقه المکاسب، اصلاح نظام مهندسی و معماری را از طریق اجرای مقررات فقهی ساختمان و اصلاح نظام مدیریت شهری را از طریق اجرای نظریه فقهی مدیریت شهری محله محور دنبال می کنیم. (به فضل الهی)

در کنار پی گیری فرآیند پیچیده نظام سازی، ۱۳ اقدام اورژانسی برای ترمیم فرهنگ عمومی شهر ملارد در حوزه های ۱- تقویت مفهوم تفریح محله ای و خانگی، ۲- گسترش فرهنگ تغذیه طیب (راه اندازی باغچه طیبات)، ۳- آموزش روش های تنظیم روابط انسانی ۱۳ گانه در مدارس و مساجد، ۴- آموزش تدابیر ۲۵ گانه پیشگیری از بیماری به مردم، ۵- اجرای الگوی جدید خدمات محله ای در مساجد (۴۰ خدمت)، ۶- ارزیابی شهر بر اساس شاخصه های پیشرفت اسلامی، ۷- گسترش اطلاعات مردم درباره سیاست خارجی قبل از ظهور و مناطق جغرافیائی ظهور، ۸- توجه جدی به موضوع مهم بازی کودکان و ارزیابی صحیح شخصیت، ۹- معرفی مشاغل برتر ۴ گانه به مردم، ۱۰- اجرای الگوی جدید زیارت، ۱۱- ساخت بازار موقت برای تجارت مردم و فقراء، ۱۲- ساخت دار واسعه (خانه ویلائی) به جای آپارتمان و ۱۳- اعطای زمین رایگان به مستأجرها، پیشنهاد می شود.

حجت الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) نشست تخصصی تبیین الگوی جدید مدیریت فرهنگ عمومی - یکشنبه ۷ خرداد ۱۴۰۲ - شورای فرهنگ عمومی شهر ملارد

<https://eitaa.com/olgou4/5303>

مطلب دوم: تبیین ساختار خدمات محله ای

اگر در حال برنامه ریزی برای خانواده خود یا محله خود یا شهر خود هستید؛ باید توجه کنید که سبد خدمات به خانواده را ناقص و بخشی تعریف نکنید. دغدغه اول نظریه مدیریت شهری محله محور، تعریف سبد خدمات نسبتاً جامع برای خانواده های ساکن در یک محله است! (نوشهر گرایی سبد خدمات شهری را ناقص تعریف می کند).

از علم خطا ناپذیر و حی ۹ گروه خدمت محله ای شامل ۱- خدمات حوزه پاکسازی و تزکیه (۶ خدمت)، ۲- خدمات حوزه مدیریت و امامت (۵ خدمت)، ۳- خدمات حوزه علم و آموزش (۳ خدمت)، ۴- خدمات حوزه مکاسب و تجارت (۴ خدمت)، ۵- خدمات حوزه عبرت و میراث فرهنگی (۴ خدمت)، ۶- خدمات حوزه نفی سبیل و پدافند غیر عامل (۳ خدمت)، ۷- خدمات حوزه نظم و سنت های شهری (۴ خدمت)، ۸- خدمات حوزه فرقان و ارزیابی (۲ خدمت) و ۹- خدمات حوزه بیان و تبلیغات شهری (۲ خدمت) را برای دستیابی به تنظیم روابط انسانی استنباط کرده ایم. (بخش اول خدمات محله محور ۳۳ خدمت و مجموعاً بخش تصمیم نظریه مدیریت شهری محله محور شامل ۱۰۰ خدمت است).

برای ارایه هر خدمت یک نقشه عملیاتی و برنامه زمان بندی تدوین می شود. (دفترچه تصمیم)

حجت الاسلام علی کشوری - نشست تبیین ساختار خدمات محله ای - ۶ بهمن ۱۴۰۱ - اردوگاه ولایت قم

<https://eitaa.com/olgou4/5028>

مطلب سوم: شهر خود را از حیث شاخصه های محله محوری ارزیابی کنید!

برای تسلط بیشتر به مفاهیم نظریه مدیریت شهری محله محوری، یک گزارش دقیق از میزان تحقق شاخصه های محله محوری در یکی از محلات شهر خود تهیه کنید. به عنوان مثال دوستان شهر مشهد، کوچه پشت باغ نادری (شیرازی ۱۷)، دوستان شهر اصفهان محله آبر، دوستان شهر کاشان محله پشت مشهد، دوستان شهر بروجرد خیابان فاطمی، دوستان شهر گرگان عیسی محله و دوستان شهر بجنورد چهار راه خوشی را از حیث تحقق ماهیت محله محوری بررسی نمایند.

در بررسی محلات شهر خود شاخصه هایی مانند: ۱- غلبه خانه ویلائی (دار واسعه) بر آپارتمان، ۲- غلبه درختان شمر و معطر بر درختان غیر شمر و غیر معطر، ۳- وجود بازارچه در محله، ۴- وجود مسجد با برنامه و کالبد تمدنی، ۵- رواج نگهداری از حیوانات خانگی بسیار مفید (مانند کبوتر و خروس و احترام به حقوق حیوانات)، ۶- وجود ساختارهای عبرت آفرین در محلات (مانند ساختمان های قدیمی، قبرستان محله و...)، ۷- کاهش تولید زباله در محله، ۸- تعداد مشاغل موجود در محله (به صورت دقیق) و ۹- وجود حمام های پیشرفته چهار مزاجی در محله را بررسی نمایید.

همانطور که می دانید: برای ساخت و ارزیابی یک محله ۹ گروه شاخص در حوزه های کالبدی و برنامه ای شامل:

- ۱- شاخصه های امامت و مدیریت، ۲- شاخصه های پاکسازی و تزکیه، ۳- شاخصه های بیان و تبلیغات شهری،
- ۴- شاخصه های علم و آموزش عمومی، ۵- شاخصه های عبرت و میراث فرهنگی، ۶- شاخصه های مکاسب و تجارت عمومی، ۷- شاخصه های نظم و سنت های شهری، ۸- شاخصه های فرقان و ارزیابی شهری و ۹- شاخصه های نفی سیل و پدافند غیر عامل، از آیات و روایات استنباط شده است...

گزارش های ارزیابی محله در ۹ محور فوق الذکر را در یک صفحه درج کنید و برای انتشار گسترده در اختیار مدرسه و رسانه ها و مدیران قرار دهید.

معاونت پژوهش مدرسه هدایت - ۴ آبان ۱۴۰۱

<https://eitaa.com/olgou4/4735>

مطلب چهارم:

توجه به حیاط خانه ۱۰ فایده بی بدیل برای خانواده به ارمغان می آورد / نمایندگان محترم مجلس و کارشناسان ساختمان کشور را به ایفای نقش در فرآیند تغییر هویت مسکن، محله و شهر دعوت می کنم!

یکی از مهمترین ویژگی های مسکن از منظر اسلام مسئله حیاط خانه است. بر اساس پنج دسته از روایات -از جمله احادیث مرتبط با ایده مترقی پخت نان در خانه- برای ضرورت حیاط خانه استظهار کرده ایم!

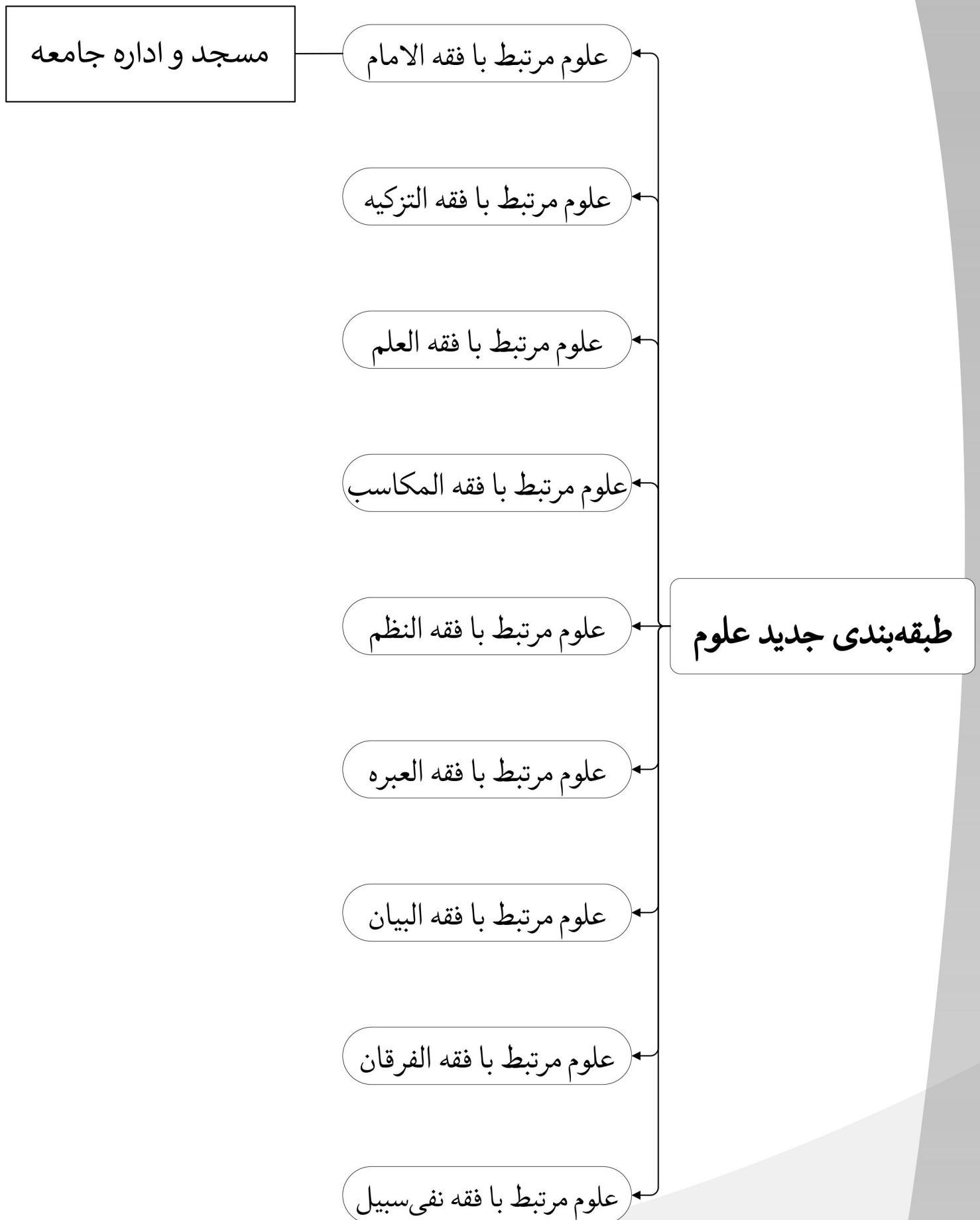
توجه به مسئله حیاط خانه و منع ساخت ساختمان با الگوی آپارتمان ۱۰ دسته فایده بی بدیل، شامل: ۱- گسترش تفریح خانگی و تقویت صله رحم، ۲- تسهیل مدیریت بازی کودکان، ۳- پیشگیری از بیماری، ۴- مطبوع سازی هوا، ۵- هدایت نزولات آسمانی به حفره های زمین از طریق حفر چاه خانگی، ۶- تسهیل معیشت مردم (اقتصاد مقاومتی)، ۷- کاهش سفرهای تفریحی، ۸- کاهش تولید زباله، ۹- تحقق ایده مترقی پخت نان در خانه و ۱۰- زمینه سازی برای تمرکز زدایی جمعیتی و مهاجرت معکوس از مناطق پرجمعیت را برای خانواده ها به ارمغان می آورد.

محاسبات ما در شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی نشان می دهد؛ که رعایت اصول فقهی ده گانه ساخت ساختمان، در مجموع هزینه های دولت و مردم را کاهش می دهد و به تنظیم صحیح روابط انسانی کمک می کند. نمایندگان محترم مجلس و کارشناسان ساختمان کشور را به ایفای نقش در فرآیند تغییر هویت مسکن، محله و شهر دعوت می کنم.

حجت الاسلام علی کشوری- تبیین کارکردهای ده گانه حیاط خانه - دوشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۹۹ - حوزه علمیه قم

<https://eitaa.com/olgou4/295>

طبقه بندی جدید علوم



اولویت‌های تمدنی ۱۲ گانه در مقایسه با محورهای ۱۷ گانه سند ۲۰۳۰



شما قائل هستید که امام باید حل مسئله کند. من این بحث را مطرح می‌کنم که دایره حل مسئله امام جماعت چیست و در کدام حوزه هاست؟ سوال سوم این دوره متکفل پاسخ دادن به این پرسش است و می‌گوید: امام محله باید در نه حوزه ورود کند. پس این خود سوال است که درباره آن چند مسئله را مطرح می‌کنم. اول اینکه این عدد نه از کجا آمده است؟ پاسخ این است که این نه دسته فایده یا نه باب، نتیجه جمع بندی فرائض کبیر اسلام، حدود کبیر صلات، پنج فرض از باب سنت در صلات و بقیه روایات است.